

تعالیم اساسی کتاب مقدس

Basic Bible Doctrine

Contents:

فهرست مطالب:

Foreword

پیش گفتار

God:

خدا:

1. Who Is He?

۱. او کیست؟

2. His Names Describe Him

۲. اسامی اش او را آشکار می کنند

3. The Trinity

۳. تثلیث

4. What Is He Like?

۴. او چه شباهتی دارد؟

Jesus Christ:

عیسی مسیح:

5. Son of God

۵. پسر خدا

6. Son of Man

۶. پسر انسان

7. Ransom for Many

۷. فدییه برای بسیاری

8. Did He Have to Die?

۸. آیا او باید جانش را می داد؟

9. Resurrection, Ascension,
His Present Work

۹. قیام، صعود، کار او در حال حاضر

10. His Present Work (Cont.)

۱۰. کار او در حال حاضر

The Holy Spirit:

روح القدس:

11. His Personality

۱۱. شخصیت او

12. Who Is He?

۱۲. او کیست؟

13. His Names (1)

۱۳. اسامی او (بخش ۱)

14. His Names (2)

۱۴. اسامی او (بخش ۲)

15. Convicts, Regenerates,
Seals, Indwells

۱۵. متقاعد کردن، تولد تازه بخشیدن، مهر

نمودن، ساکن شدن

16. Baptizes, Fills	۱۶. تعمید، پری
17. Perfecting Believers	۱۷. به کمال رساندن ایمانداران
18. Gifts, Ministries, Effects	۱۸. نعمات، خدمات، تجلیات
The Bible:	کتاب مقدس:
19. God's Word to Man	۱۹. کلام خدا برای انسان
20. Its Background and Content	۲۰. گذشته کتاب مقدس و مندرجات آن
Creation:	آفرینش:
21. The Visible Word	۲۱. دنیای دیدنی
The Spirit World:	عالم روح:
22. God, Angels, and Man	۲۲. خدا، فرشتگان، و انسان
23. Satan's Fall into Sin	۲۳. سقوط شیطان در گناه
24. Satan's Purpose	۲۴. مقصود شیطان
Man and God:	انسان و خدا:
25. Man's Sin and Lost Dominion	۲۵. گناه انسان و از دست دادن حاکمیت
26. The Use of God's Law Today	۲۶. کاربرد امروزی شریعت
27. God's Law, Good But Broken	۲۷. شریعت خدا، نیکو ولی شکسته شده
Salvation:	نجات:
28. By Grace, Not Works (1)	۲۸. با فیض نه اعمال (بخش ۱)
29. By Grace, Not Works (2)	۲۹. با فیض نه اعمال (بخش ۲)
30. Repentance	۳۰. توبه
31. By Grace through Faith	۳۱. با فیض از راه ایمان
32. Justification by Faith	۳۲. نیک شمرده شدن بوسیله ایمان
33. Regeneration	۳۳. تولد تازه
34. Adoption as Adult Sons	۳۴. فرزند خواندگی به عنوان پسران بالغ
35. Duties of God's Sons	۳۵. وظایف و مسئولیتهای پسران خدا
36. Sanctification	۳۶. تقدیس
Prayer:	دعا:

37. How God Responds ۳۷. خدا چگونه پاسخ می‌دهد
38. When God Does Not Answer (1) ۳۸. وقتی خدا پاسخ نمی‌دهد (۱)
39. When God Does Not Answer (2) ۳۹. وقتی خدا پاسخ نمی‌دهد (۲)

The Church:

40. What Is It
41. Ordinances: Baptism,
Lord's Supper
42. Its Destiny

The Future:

43. Jesus Is Coming
44. The Glorious Hope
45. Rewards and Wrath
46. The Millennial Kingdom
47. The Final Rebellion

Judgment to Come:

48. The Basis of Judgment
49. The Judgment Seat of Christ
50. The Great White Throne

The Eternal State:

51. Unsaved - The Lake of Fire
52. Saved - Paradise with God

کلیسا:

۴۰. کلیسا چیست؟
۴۱. آئینها: تعمید، شام خداوند

۴۲. سرنوشت آن

وقایع آینده:

۴۳. عیسی باز می‌گردد
۴۴. امید پر جلال
۴۵. پادشاهها و غضب
۴۶. سلطنت یک هزار ساله
۴۷. طغیان آخر

داوری آینده:

۴۸. مأخذ داوری
۴۹. تخت داوری مسیح
۵۰. تخت سفید بزرگ

ابدیت:

۵۱. نجات نیافتگان - دریاچه آتش
۵۲. نجات یافتگان - با خدا در بهشت

بخش ۱

خدا

او کیست؟

با درود فراوان در نام خداوند ما عیسی مسیح. خوشحالیم از اینکه ما را در شروع یک سلسله درسهای جدید که دربارهٔ تعالیم اساسی کتاب مقدس است همراهی می‌کنید. در این بخش از کتاب، تعلیم خود را دربارهٔ خدا از کتاب مقدس آغاز می‌کنیم و در قسمتهای آینده دربارهٔ عیسی مسیح، روح القدس، انسان، نجات، کلیسا و غیره مطالبی را به شما خواهیم گفت. البته ما به جزئیات هر یک نخواهیم پرداخت اما نکات مهم را مورد بحث قرار خواهیم داد.

مکاشفۀ عمومی

خدا خود را در آفرینش آشکار می‌نماید

آیات موجود در کتاب مقدس به ما می‌آموزند که بشر جدا از کتاب مقدس مقداری معلومات نسبت به خدا دارد. پولس رسول در رسالۀ خود به رومیان فصل اول آیات ۱۸ تا ۲۰ می‌فرماید: "غضب خدا از آسمان بر هر گونه گناه و شرارت مردمی نازل می‌شود که زندگی شرارت آمیزشان مانع شناسایی حقیقت است. خدا آنان را مجازات می‌کند و این کار بر حق است زیرا آنچه آدمیان دربارهٔ خدا می‌توانند بدانند، بر آنها

تعالیم اساسی کتاب مقدس

آشکار است زیرا خدا آن را در پیش چشمان ایشان قرار داده است. از زمان آفرینش دنیا صفات نادیدنی او یعنی قدرت ازلی و طبیعت الهی او در چیزهایی که او آفریده است به روشنی مشاهده می‌شود و از این رو آنها ابداً عذری ندارند. " این آیات به ما می‌آموزند که انسان از طریق دیدن چیزهایی که آفریده شده‌اند می‌تواند به وجود خداوند پی ببرد. دنیایی که با چنین دقتی طرحش ریخته شده است بایستی آفریننده با فراستی داشته باشد.

دیدیم که کلام خداوند می‌فرماید: "از زمان آفرینش دنیا صفات نادیدنی او یعنی قدرت ازلی و طبیعت الهی او در چیزهایی که او آفریده است به روشنی مشاهده می‌شود و از اینرو آنها ابداً عذری ندارند."

چون انسان می‌تواند قدرت ازلی و طبیعت الهی خداوند را توسط چیزهایی که او آفریده است مشاهده کند بنابراین برای بی‌ایمانی خود هیچ عذر و بهانه‌ای ندارد.

خدا خود را در درون انسان آشکار می‌نماید

کتاب مقدس هرگز سعی ندارد وجود خدا را ثابت کند.

کلام خدا با دو حقیقت آغاز می‌شود:

نخست اینکه خدا وجود دارد، و دوم اینکه چنین دانشی که خدا وجود دارد در قلب تمام کسانی که عمداً این حقیقت را رد نمی‌کنند یافت می‌شود. گفته شده است که، کسی تا بحال با این اعتقاد که "خدایی نیست" متولد نشده است. اگرچه عده‌ای اینطور تصور کرده‌اند که خدا وجود ندارد، اما آنها با این اعتقاد متولد نشده‌اند. در کتاب جامعه فصل

سوم آیه ۱۱ می‌بینیم که سلیمان پادشاه بزرگ و حکیم قوم اسرائیل این کلمات را درباره خدا و انسان نوشته است:

"او (یعنی خدا) هر چیز را در وقتش نیکو ساخته است، و نیز ابدیت را در دلهای ایشان نهاده بطوری که انسان کاری را که خدا کرده است از ابتدا تا انتها دریافت نتواند کرد."

این آیه به ما می‌آموزد که انسان ابدیت را حس می‌کند زیرا خدا این حس را در قلبش قرار داده است. اما انسان حتی با داشتن چنین حسی در قلبش، نمی‌تواند کار خدا را درک کند. انسان برای درک این موضوع به دانش خاصی نیازمند است که در کتاب مقدس یافت می‌شود. پطرس رسول در مورد روزهایی که ما در آن زندگی می‌کنیم پیشگویی نموده است و در رساله دوم پطرس فصل سوم آیات ۳ تا ۵ در مورد این واقعیت که عیسی مسیح به این کره خاکی برمی‌گردد نوشته شده است: "قبل از هر چیز باید بدانید که در ایام آخر اشخاصی پیدا خواهند شد که ایمان شما را مسخره خواهند نمود چون تحت فرمان شهوات پلید خود زندگی می‌کنند و خواهند گفت: آن کسی که وعده داد که می‌آید کجاست؟ از زمانی که پدران ما مردند همه چیز هنوز همان طوری است که از زمان خلقت دنیا بوده است! عمداً این حقیقت را فراموش می‌کنند که خدا در قدیم تکلم فرمود و آسمانها و زمین آفریده شد و زمین از آب ساخته شد و وجودش به آب بسته است." به عبارت دیگر افرادی که منکر خدای خالق هستند، عمداً این واقعیت را نادیده می‌گیرند که خدا در زمانهای قدیم آسمانها و زمین را آفرید. به علاوه پطرس رسول بیان می‌کند که در ایام آخر انکار خدای خالق، بطور گسترده‌ای در میان مردم شیوع می‌یابد. پس آیات کتاب مقدس به ما می‌آموزند که از طریق چیزهایی که آفریده شده است

می‌توانیم به وجود خدا پی ببریم و همچنین خدا شهادتی از وجود خود را در درون هر کسی نهاده است. اشکال در اینجاست که انسان بخاطر گناه، عمداً با حقیقت مبارزه می‌کند و حاضر نیست آنچه را که خدا بر او آشکار نموده است را بپذیرد.

مکاشفه مخصوص

خدا خود را در کتاب مقدس آشکار می‌نماید

خدایی که خود را از طریق محدود بوسیله آفرینش نشان داده کیست؟ او همان کسی است که به طریق مخصوص خود را در کتاب مقدس آشکار نموده است. برای نمونه عهد عتیق شامل چندین اسم مختلف برای خدا است که بوسیله این اسامی می‌توانیم به رابطه خدا با خودمان بیشتر پی ببریم.

الوهیم، خدای قادر

کتاب پیدایش در اولین اشاره خود به خدا او را "الوهیم" نامیده است. واژه عبری الوهیم، از دو واژه کوتاهتر گرفته شده است: یکی به معنای قادر، قوی، برجسته و دیگری به معنای اعلام نمودن یا سوگند خوردن. الوهیم خدای قادری است که بوسیله کلام و وعده‌های خود که به پیمانها معروفند خود را به مخلوقاتش بسته است. الوهیم خدای عهد نگهدارنده، خدای خالق نیز هست. او نه فقط خالق اجسام مادی است که در فصل اول کتاب پیدایش ذکر گردیده‌اند بلکه او خدایی است که فرشتگان را نیز خلق نموده است.

بنابراین از واژهٔ اِلوهیم می‌آموزیم که خدا خالقِ مقتدرِ حیاتِ مادی و روحانی است و او بخاطر نفع مخلوقاتش توسط پیمانهایش خود را به آنان بسته است.

إِلِیَان، خدای تعالی

نام دیگری که خدا بوسیلهٔ آن خود را آشکار می‌سازد "إِلِیَان" است.

در کتاب پیدایش فصل چهاردهم، آیات ۱۸ تا ۲۰ می‌بینیم که ابراهیم بوسیلهٔ مَلْکِیصَدَق که کاهنِ إلیان یعنی خدا تعالی است برکت می‌یابد. کلام خدا می‌فرماید: "و مَلْکِیصَدَق پادشاهِ سلیمِ نان و شراب را بیرون آورد و او کاهنِ خدای تعالی بود. و او را مبارک خوانده گفت مبارک باد ابرام از جانب خدای تعالی که مالک آسمان و زمین و متبارک باد خدای تعالی که دشمنانت را به دستت تسلیم کرد و او را از هر چیز ده یک داد." نامِ إلیان نشان می‌دهد که خدا مالکِ آسمان و زمین است. به عبارت دیگر اِلوهیم که در ابتدا آسمانها و زمین را آفرید، همان خدای تعالی است که مالکِ مُحَقِّ آنچه آفریده می‌باشد.

امروزه برای ما معانی این عبارت این است که خدا قادر است تمام احتیاجات مادی و روحانی ما را فراهم کند چون او تمام خلقت را تحت فرمان خود دارد.

آدونای، (صاحب یا مالک)

"آدونای" نام دیگری است که خدا بوسیلهٔ آن خود را به ما نشان می‌دهد. این نام حدوداً سیصد مرتبه در عهد عتیق به چشم

می خورد. واژه آدونای به معنی مالک یا صاحب می باشد و نشان می دهد که خدا مالک هر انسانی است، به همین دلیل ما مدیون هستیم که کاملاً از او اطاعت کنیم. قابل توجه است که هر دو واژه الوهیم و آدونای فرم جمع دارند. البته در عهد عتیق واژه آدونای اغلب به شکل مفرد و برای اشاره به انسانها بکار برده شده است.

اما یکبار نیز در مزمور صد و دهم، آیه ۱ واژه آدونای به شکل مفرد برای اشاره به خدا بکار رفته است. کلام خدا می فرماید: "يَهُوَه به خداوند من گفت به دست راست من بنشین، تا دشمنانت را پای انداز تو سازم" به عبارت دیگر: "یهوه به آدونای من گفت به دست راست من بنشین، تا دشمنانت را پای انداز تو سازم." در اینجا سؤالی پیش می آید که واژه آدونای در آیه ذکر شده به کدامیک از سه شخصیت الوهیت اشاره دارد. با مطالعه انجیل متی فصل بیست و دوم، آیات ۴۱ تا ۴۵ می فهمیم که واژه آدونای مزمور صد و دهم آیه ۱ به شخص عیسی مسیح اشاره دارد. کلام خدا می فرماید که "عیسی از آن فریسیانی که اطراف او ایستاده بودند پرسید: عقیده شما درباره مسیح چیست؟ او فرزند کیست؟ آنها جواب دادند: او فرزند داود است. عیسی از آنها پرسید پس چطور است که داود با الهام از جانب خدا او را خداوند می خواند؟ زیرا داود می گوید: خداوند به خداوند من گفت: بر دست راست من بنشین تا دشمنان تو را زیر پاهای تو قرار دهم. او چطور می تواند فرزند داود باشد در صورتی که خود داود او را خداوند می خواند؟" (انجیل متی فصل بیست و دوم، آیات ۴۱-۴۵)

داود وقتی با الهام از روح القدس درباره مسیح صحبت می کند آدونای را به شکل مفرد بکار می برد در حالی که همانطور که گفتیم آدونای فرم جمع

دارد. در درس بعد مبحث خود را دربارهٔ این موضوع که خدا از طریق نامهای خود خویشتن را بر ما آشکار کرده است ادامه خواهیم داد. ما در این درس متوجه شدیم که خدا آفرینندهٔ همه چیز است و ما از هر لحاظ به او مدیون هستیم. او خدایی است که پیمان می‌بندد و پیمان را نگاه می‌دارد. او بهترین را برای من و شما در نظر دارد و قادر است تمام احتیاجات ما را فراهم کند. قبل از هر چیز می‌خواهیم به شما عزیزان خوانندهٔ این کتاب پیشنهاد کنیم که صادقانه از خدا بخواهید که خودش را آنطور که هست بر شما آشکار کند حتی اگر شما به وجود خداوند اعتقاد نداشته باشید چنانچه از ته دل از او بخواهید که خودش را بر شما آشکار نماید او اینکار را برایتان خواهد کرد. او آنقدر به شما علاقمند بوده است که پسر یگانه‌اش عیسی مسیح را به این جهان فرستاده تا از طریق مرگ، بر روی صلیب جریمهٔ گناهان شما را بپردازد. او که این قدر در فکر شما بوده بطور قطع مایل است خودش را بر شما آشکار نماید. آمین.

تعاليم اساسی كتاب مقدس

بخش ۲

خدا

او خود را آشکار می‌کند

با دروذهای مجدد در نام خداوند ما عیسی مسیح. در درس قبل یک سلسله دروس جدیدی را که دربارهٔ تعالیم اساسی کتاب مقدسی است را آغاز نمودیم. مقصود از این دروس تعلیم حقایق اساسی کتاب مقدس است.

ما با عنوان "خدا - او کیست" این درسها را شروع کردیم و مشاهده نمودیم که خدا با بکار بردن اسامی مختلف خود را به ما آشکار و توصیف نموده است. هر یک از این اسامی به نوعی شخصیت خدا را برای ما بیان می‌کند. نامهای خدا، او را بعنوان خالق همه چیز توصیف می‌کنند، بنابراین او مالک همه چیز در آسمان و زمین است. خدا همچنین بعنوان کسی که سازنده و نگهدارندهٔ عهدهاست به ما معرف شده است، او خدایی است که ما را دوست دارد و به سلامتی ما علاقمند می‌باشد. اکنون ما از طریق نام یهوه که یکی دیگر از اسامی خدا است با او آشنایی بیشتری پیدا می‌کنیم.

اسامی یَهُوه خدا

اسم یَهُوه - من هستم

کلمه یهوه از یک کلمه عبری به معنی "بودن" یا "وجود داشتن" گرفته شده است.

وقتی که خدا موسی را برای رهبری قوم اسرائیل جهت خروج از مصر خواند، او از خدا درخواست کرد که نام خود را آشکار سازد. موسی این درخواست را کرد تا بتواند به قوم اسرائیل بگوید که چه کسی او را فرستاده است. در پاسخ به درخواست او "خدا به موسی گفت هستم آنکه هستم، و گفت به بنی اسرائیل چنین بگو آهیه "یعنی هستم" مرا نزد شما فرستاد". (کتاب خروج فصل سوم، آیه ۱۴).

اسم "هستم آنکه هستم" نشان می‌دهد که خدا برای بودنش به هیچکس و هیچ چیزی احتیاج ندارد.

هیچ چیز قبل از او بوجود نیامده و هیچ چیز مسبب بوجود آمدن او نبوده است. بطور ساده، او هست چونکه او هست. او خدایی است که با قوم خود وارد عهد نجات گردیده است. خدا در رابطه‌اش بعنوان نجات دهنده و رهاننده با بکار بردن حداقل هشت نام مختلف که از ترکیب کلمه یَهُوه و کلمه‌ای دیگر ساخته شده خود را به ما آشکار نموده است. هر یک از این اسامی نکته خاص و متفاوتی را درباره نجات و رهایی به ما نشان می‌دهند.

یهوه یایره - خداوند فراهم خواهد نمود

اول، خدا خود را بعنوان یهوه یایره که به معنی "خداوند فراهم خواهد نمود" به ابراهیم آشکار کرد. این مطلب را می‌توانید در آیه ۱۴ از فصل بیست و دوم کتاب پیدایش ملاحظه کنید.

شما ممکن است بخاطر داشته باشید که خدا به جهت آزمایش کردن ایمان ابراهیم، به او فرمود که اسحق یگانه فرزندی را که از ساره برای او بدنیا آمده بود را با خود بردارد و او را بر روی مذبحی قربانی کند. کتاب مقدس می‌فرماید که "ابراهیم خاطر جمع بود که خدا قادر است اسحق را حتی بعد از مرگ زنده کند". (عبرانیان فصل یازدهم، آیه ۹)

بنابراین او فرمان خدا را اطاعت کرد و فرزندش اسحق را برداشته به کوه موریا رفت و مذبحی در آنجا بنا کرد. ابراهیم اسحق را بست و بر مذبح گذاشت و در حالی که می‌خواست با کارد پسرش اسحق را قربانی کند، فرشته خداوند از آسمان ابراهیم را صدا زد و او را متوقف کرد. سپس خداوند قوچی را که در بیشه به شاخهای خود گرفتار شده بود را برای قربانی فراهم نمود. (این ماجرا در فصل بیست و دوم کتاب پیدایش یافت می‌شود)

می‌بینیم که خدا خود را بعنوان خدایی که قربانی مورد لزوم را فراهم می‌کند به ابراهیم آشکار کرد. در انجیل یوحنا فصل اول آیه ۲۹ می‌خوانیم که "وقتی یحیای تعمید دهنده عیسی را دید که بطرف او می‌آید، گفت: "نگاه کنید این است آن بره خدا که گناه جهان را برمی‌دارد." خدایی که بر روی کوه موریا قربانی را فراهم کرد تا بجای اسحق پسر ابراهیم ذبح بشود، حدود دو هزار سال بعد، مسیح را فرستاد تا بر روی همان کوه مثل بره‌ای بجای بشر گناهکار ذبح بشود. از این

می‌آموزیم که خدا قدم اول را برای رهایی ما از گناه برداشته چون او قربانی را برای گناهان ما فراهم نموده است.

یهوه رافا - من یهوه شفا دهنده تو هستم

دومین طریقی که خدا خود را به ما آشکار نموده است بوسیله نام مرکب "یهوه رافا" می‌باشد که به معنی "من یهوه شفا دهنده تو هستم". در کتاب خروج فصل پانزدهم، آیه ۲۶ می‌بینیم که خدا به بنی‌اسرائیل وعده می‌دهد که اگر او را بشنوند و آنچه را که در نظر او راست است بجا بیارند به هیچ یک از بیماریهای مصریان مبتلا نمی‌شوند. در این آیه خدا اصولاً راجع به شفای جسمانی صحبت می‌کند. در مزمور صد و سوم، داود، خداوند را متبارک می‌خواند زیرا او شفا دهنده کسانی است که به او توکل دارند. "ای جان من خداوند را متبارک بخوان، و هر چه در درون من است نام قدوس او را متبارک خواند. ای جان من خداوند را متبارک بخوان و جمیع احسانهای او را فراموش مکن. که تمام گناهت را می‌آمرزد و همه مرضهای تو را شفا می‌بخشد." (مزمور صد و سوم، آیات ۱-۳)

در سرتاسر کتاب مقدس می‌بینیم که خدا بطور فعال هم از لحاظ روحانی و هم از لحاظ جسمانی شفا می‌بخشد. عیسی مسیح بارها و بارها در واکنش خود نسبت به ایمان اشخاص، و همچنین برای اینکه ثابت کند که پیشگویی‌های عهد عتیق درباره او بوده است، بیماران را شفا می‌بخشد. به لطف خدا این روزها در اثر پیشرفت علم برای بسیاری از بیماریها علاجی وجود دارد. بهر حال مواقعی پیش می‌آید که پزشکان بیماری را

ناعلاج تشخیص می دهند. اما خدا که حکیم بزرگ ما و شفا دهنده ماست قادر است هر نوع بیماری از جمله بیماریهای ناعلاج را شفا بدهد.

یهوه نسی - خداوند پرچم نبرد من است

سومین طریقی که خدا خود را به ما آشکار کرده است بوسیله نام " یهوه نسی " می باشد. این نام مرکب یهوه در کتاب خروج فصل هفدهم، آیه ۱۵ یافت می شود.

آن زمانها در جنگ پرچم نبرد اهمیت بسیاری داشت چونکه سربازان دور آن با هم متحد می شدند. اگر پرچم می افتاد، شخص دیگری باید بلافاصله آن را بر می داشت و آن را بالا نگه می داشت تا سربازانی که دورش با هم متحد شده بودند پراکنده نشوند. خداوند پرچم من است یعنی خداوند مدافع، رهاننده و پیروزی من است. این حقیقت ترس را فراری می دهد چون یقیناً پیروزی از آن خدا است.

یهوه مخادش - خداوند کسی است که تقدیس می کند

این چهارمین طریقی است که خدا خود را به ما آشکار نموده است. او خداوند تقدیس کننده است. در کتاب لاویان فصل بیستم، آیه ۸ نام یهوه مخادش دیده می شود که یعنی خداوند تقدیس می کند.

تقدیس به معنی جدا نمودن برای خدا، یا مقدس و پاک ساختن است. درباره زندگی عمیق مسیحی و تقدیس زیاد می شنویم. تقدیسی که در اینجا نشان داده شده است کار خود خداوند است. خداست که ما را برای خودش جدا می سازد و ما را کمک می کند تا روش زندگیمان مورد پسند

او باشد. خداست که ما را پاک می‌کند. این چیزی نیست که ما آن را برای خود انجام بدهیم، بلکه چیزی است که خدا قبلاً آن را برای ما انجام داده است و ما فقط بایستی با شکرگذاری و همکاری با خدا وارد آن بشویم.

یهوه شالوم – خداوند صلح است یا خداوند آرامش است

پنجمین طریقی که خدا خود را آشکار ساخته است بوسیله نام یهوه شالوم می‌باشد. یهوه شالوم یعنی خداوند صلح یا آرامش است. این نام مرکب یهوه در کتاب داوران فصل ششم، آیه ۲۴ دیده می‌شود. خدا به دو صورت صلح یا آرامش را به بشر پیشنهاد می‌کند. اول صلح با خود را از طریق قربانی که خودش برای ما فراهم نموده است. وقتی آنچه را که مسیح بخاطر ما انجام داده می‌پذیریم از صلح با خدا بهره‌مند می‌شویم. ولی جنبه دیگری از صلح نیز وجود دارد که ما به آن محتاجیم و آن آرامش فکر، قلب و جان است. خدا بر همه چیز تسلط کامل دارد، هیچ چیز نمی‌تواند او را غافلگیر کند و هیچ چیز نمی‌تواند او را تغییر بدهد. بنابراین خدا در خود آرامش کامل دارد. وقتی به او اعتماد می‌کنیم او همان نوع آرامش را در اختیار ما می‌گذارد.

یهوه راه – خداوند شبان من است

این ششمین طریقی است که خدا خود را آشکار نموده است. چون خدا آرامش خود را به ما پیشنهاد می‌کند، آیه ۱ از مزمور بیست و سوم با معنی عمیق‌تری جلوه‌گر می‌شود. در این آیه خداوند بصورت شبان یا چوپان معرفی شده است. خدا کسانی را که دوستش

دارند و او را خدمت می‌کنند گوسفندان مرتع خود می‌خواند. ما ایمان‌داران به مسیح گوسفندان خدا هستیم. شبان نیکو عیسی مسیح است که گله خود را رهبری می‌کند و هر یک از گوسفندان را بنام می‌خواند. خدا من و شما را که به مسیح ایمان آورده‌ایم شخصاً می‌شناسد.

یهوه صدقینو – خداوند عدالت ماست

این هفتمین طریقی است که خدا خود را به ما آشکار کرده است. در کتاب ارمیاء نبی فصل بیست و سوم، آیه ۶ با نام یهوه صدقینو برخورد می‌کنیم که یعنی خداوند عدالت ماست. وقتی عیسی مسیح بر روی صلیب خون ریخت و مُرد، او نه فقط جریمه گناهان ما را پرداخت بلکه طریق عادل محسوب شدن ما را فراهم کرد. ما به هیچ وجه نمی‌توانستیم بوسیله تلاش و کوشش خودمان عدالت خدا را کسب کنیم و عادل محسوب بشویم. اما چون به مسیح ایمان آورده‌ایم، عدالت او به حساب ما گذاشته شده. به همین علت برای آسمان که اقامتگاه جاودانی عادلان است شایستگی یافته‌ایم.

یهوه شمه – خداوند آنجاست

هشتمین و آخرین نام خداوند که در این درس ذکر می‌کنیم یهوه شمه است.

در کتاب حزقیال نبی فصل چهل و هشتم، آیه ۳۵ می‌بینیم که خدا با نام یهوه شمه خود را به ما آشکار نموده است. یهوه شمه یعنی خداوند آنجاست، یا خداوندی که حاضر است. باید بدانیم که خداوند با ماست حتی در مواقعی که ما حضورش را حس نمی‌کنیم. عیسی مسیح در

انجیل متی فصل بیست و هشتم، آیه ۲۰ می‌فرماید: "... بدانید که من هر روزه تا انقضای عالم با شما هستم". ما در هر زمان و در هر موقعیت می‌توانیم از حضور عیسی مسیح در زندگیمان اطمینان داشته باشیم. او همیشه با ماست تا ما را کمک کند. برای اطمینان یافتن از حضور خدا در زندگیمان نباید روی احساساتمان حساب کنیم، بلکه باید روی کلام خدا حساب کنیم که بر اساس آن خدا بطور دائمی در زندگی ایمان‌داران به مسیح حضور دارد.

با بررسی اسامی مختلف خداوند می‌فهمیم که او کیست. او خالق است، او در قدرت و عظمت قادر مطلق است. او عهد نموده که احتیاجات مخلوقاتش را فراهم کند و همانطور که می‌دانیم نجات و رهایی بزرگترین احتیاج انسان است. با مطالعه اسامی مرکب یهوه می‌بینیم که خدا رهایی انسان را فراهم نموده است. او برای متعلقان خود رهایی از گناه و رهایی از بیماری را فراهم نموده است. او قوم خود را تقدیس می‌کند و مدافع آنهاست. او آرامش ما، شبان ما و عدالت ماست، و او همیشه با ماست. در بخش بعدی مطالبی درباره طبیعت خدا آنطور که در کتاب مقدس بیان شده است را با شما در میان خواهیم گذاشت.

بخش ۳

خدا

تثلیث

در درس گذشته درباره اسامی مرکب خدا که در عهد عتیق ذکر شده‌اند صحبت کردیم و گفتیم که او خود را از طریق این اسامی بر ما آشکار نموده است. در آنجا خدا نه فقط بعنوان خالق معرفی شده، بلکه او نجات دهنده و رهاکننده‌ای است که انسان بدان احتیاج دارد. در این فصل، موضوع بحث ما درباره طبیعت و شخصیت خدا است. ما بر اساس کتاب مقدس طبیعت سه در یک یا طبیعت تثلیثی خدا را مورد بررسی قرار می‌دهیم. منظور از طبیعت سه در یک یا تثلیثی این است که خدای واحد از سه شخص، یعنی پدر، و پسر، و روح القدس تشکیل شده است. عبارت دیگر خدای یکتا شامل پدر، و پسر، و روح القدس می‌باشد.

طبیعت خدا

بر اساس فرمایش عیسی مسیح "خدا روح است" در فصل چهارم انجیل یوحنا می‌بینیم که عیسی با زن سامری درباره اینکه کجا و چگونه بایستی خدا را پرستید صحبت می‌کند. عیسی به آن زن سامری فرمود: "اما زمانی می‌آید و این زمان هم اکنون شروع شده است که

تعالیم اساسی کتاب مقدس

پرستندگان حقیقی، پدر را با روح و راستی عبادت خواهند کرد، زیرا پدر طالب اینگونه پرستندگان می‌باشد. خدا روح است و هر که وی را می‌پرستد باید با روح و راستی عبادت نماید." (انجیل یوحنا فصل چهارم، آیات ۲۳-۲۴)

خدا سرچشمه حیات است

خدا نه فقط روح است، بلکه او زنده و دارای شخصیت است.

در کتاب ارمیاء نبی فصل دهم، آیه ۱۰ می‌خوانیم: "اما یهوه خدای حق است، و او خدای حقیقی" یعنی خدای زنده" و پادشاه سرمدی "یعنی پادشاه جاودانی" می‌باشد. و در کتاب مکاشفه فصل چهارم، آیات ۸-۱۱ می‌بینیم که در آسمان، مخلوقات او را بعنوان خدایی که تا به ابد زنده است می‌پرستند و تجلیل و تکریم و تمجید می‌کنند.

آری خدا زنده است و او کسی است که زندگی می‌بخشد. منشا و سرچشمه زندگی در وجود خداوند است. پولس رسول در رساله اول خود به تیموتاوس فصل ششم، آیه ۱۳ چنین می‌فرماید: "در برابر خدایی که به همه چیز هستی می‌بخشد" در واقع تمام موجودات در آسمانها و زمین حیات خود را مدیون خدا هستند.

خدا، خدای متعال

خدا نه فقط خدایی زنده و جاودانی، و روحی است که حیات می‌بخشد بلکه او یگانه خدای متعال است. در کتاب اشعیاء نبی فصل چهل و چهارم، آیه ۶ نوشته شده است "من اول هستم و من آخر

هستم و غیر از من خدایی نیست". در عهد جدید می‌بینیم که پولس رسول بیان متشابهی درباره‌ی خداوند دارد، زیرا در رساله‌ی اول به قرنتیان فصل هشتم، آیه‌ی ۴ نوشته شده است "پس درباره‌ی خوراکی‌هایی که به بتها تقدیم شده است، ما می‌دانیم که بت واقعیت ندارد و خدای دیگری جز خدای یکتا نیست." پس هم در عهد عتیق و هم در عهد جدید تایید شده است که خداوند یکتاست.

خدا، سه در یک

کتاب مقدس این حقیقت را به روشنی بیان می‌کند که خدا با وجود اینکه خدایی یکتاست خود را در سه شخص آشکار نموده است که مسیحیان این را تثلیث می‌خوانند. البته کلمه‌ی تثلیث در کتاب مقدس وجود ندارد، ولی این کلمه طبیعت خدا را آنطور که هست تشریح می‌کند. تثلیث با وحدانیت خدا تناقضی ندارد و به تعداد اشاره نمی‌کند. تثلیث توصیف کننده‌ی خدایی است که در عین حالی که یکتاست از سه شخص تشکیل شده است. مثالهایی وجود دارند که ما را کمک می‌کنند تا مفهوم تثلیث را درک کنیم، هر چند این مثالها نمی‌توانند اتحاد سه گانه اشخاص الوهیت را بطور کامل توضیح بدهند، چون در این دنیا چیزی که عیناً مثل طبیعت خدا باشد وجود ندارد.

در عهد عتیق در کتاب اعداد فصل سیزدهم می‌خوانیم که دوازده مرد به جهت جاسوسی به زمین کنعان فرستاده شدند و با خوشه‌ی بزرگی از انگور برگشتند. در یک خوشه‌ی انگور حبه‌های انگور زیادی است ولی از طریق یک ساقه حیات برای همه‌ی حبه‌ها مهیا می‌شود.

از لحاظ علمی آب می‌تواند به سه حالت بخار، مایع و یخ وجود داشته باشد اما می‌دانیم که هر سه از یک چیز ساخته شده‌اند. هر کتابی شامل طول و عرض و ارتفاع است، ولی این سه یک کتاب را تشکیل می‌دهند. با وجود اینها، هیچ مثالی نمی‌تواند طبیعت خدا و رابطه بین اشخاص الوهیت را به درستی توصیف کند. تعلیم کتاب مقدس در مورد تثلیث را می‌توان به این صورت بیان کرد که فقط یک خدا وجود دارد و این خدا شامل سه شخص مشخص یعنی پدر و پسر و روح القدس می‌باشد. هر یک از این سه شخص خودش خداست و با دو شخص دیگر با هماهنگی کامل در ارتباط است. ضمناً اشخاص الوهیت در قدرت و جلال و ابدیت با هم برابر می‌باشند و در ماهیت یا ذات با هم همانند هستند.

تثلیث در عهد عتیق

حالا نظری اجمالی به قسمت عهد عتیق از کتاب مقدس می‌افکنیم و مختصراً تعالیم آن را در مورد طبیعت خدا بررسی می‌کنیم. در عهد عتیق کلمات الوهیم و آدونای که اسامی خداوند هستند هر دو در زبان عبری فرم جمع دارند. بعلاوه بعضی از کلمات که برای اشاره به خدا بکار برده شده‌اند از نظر دستوری حالت جمع دارند. در کتاب پیدایش فصل اول، آیه ۲۶ نوشته شده است که "و خدا گفت: آدم را بصورت ما و موافق شبیه ما بسازیم". و سپس در آیه ۲۷ می‌فرماید: "پس خدا آدم را بصورت خود آفرید، او را بصورت خدا آفرید ایشان را از نر و ماده آفرید".

عده‌ای می‌گویند، زمانی که خدا فرمود: "آدم را بصورت ما و موافق شبیه ما بسازیم" او با فرشتگان صحبت می‌کرد! باید به دو نکته توجه داشته

باشیم، نکته اول اینکه در این قسمت از کتاب مقدس چیزی درباره فرشتگان گفته نشده است، و نکته دوم اینکه فرشتگان که خود بوسیله خدا خلق شده‌اند نمی‌توانند در آفرینش آدم نقشی داشته باشند. پس وقتی خدا فرمود: آدم را بصورت ما و موافق ما بسازیم، کلمه ما به پدر، و پسر، و روح القدس اشاره دارد. زیرا در آیه بعدی نوشته شده است که "خدا آدم را به صورت خود آفرید". بعلاوه گفته نشده است که خدا فرشتگان را مثل انسان به شباهت خود آفرید.

جهت مطالعه کلماتی که فرم جمع دارند و به خدا اشاره می‌کنند می‌توان به قسمتهای دیگر عهد عتیق از قبیل کتاب پیدایش فصل سوم، آیه ۲۲؛ کتاب پیدایش فصل یازدهم، آیه ۷؛ و کتاب اشعیا نبی فصل ششم، آیه ۸ مراجعه کرد.

خداوند مجروح شده

در کتاب زکریای نبی فصل دوازدهم، آیه ۱۰ پیشگویی بسیار جالبی وجود دارد که به آمدن دوباره مسیح اشاره می‌کند. در این آیه خدا می‌فرماید: "و بر خاندان داود و بر ساکنان اورشلیم روح فیض و تضرعات را خواهم ریخت و بر من که نیزه زده‌اند خواهند نگریست..." در این آیه می‌بینیم که گوینده یعنی خدا ابتدا می‌فرماید "و بر خاندان داود و بر ساکنان اورشلیم روح فیض و تضرعات را خواهم ریخت". و سپس می‌فرماید "و بر من که نیزه زده‌اند خواهند نگریست". این آیه که در عهد عتیق نوشته شده است برای ما که در عهد جدید زندگی می‌کنیم این واقعیت را تشریح می‌کند که خدا به شکل انسان در میان ما ساکن شد و نیزه خورد، و او در آینده مجدداً به جهان خواهد آمد.

عزیزان در این درس مشاهده کردیم که بر اساس کتاب مقدس "خداوند روح"، "خدا سرچشمه حیات" و "خدا متعال" است. تنها یک خدا در آسمانها و زمین وجود دارد، و این خدای یکتا در سه شخص یعنی پدر و پسر و روح القدس خود را آشکار نموده است.

عیسی مسیح که یکی از اشخاص الوهیت است آسمان را ترک نمود و به شکل انسان در این جهان زندگی کرد که از طریق مرگ خود جریمه گناهان ما را پردازد. پس آن کسی که بر صلیب میخکوب شد و نیزه خورد خداوند بود که در جسم انسانی شده بود. اگر شما هم در قلب خود به مسیح خداوند و کاری که او برای نجات شما انجام داده است ایمان بیاورید تمام گناهانتان آمرزیده می شود و زندگی جاوید می یابید. تنها در این صورت است که می توانید برای ورود به آسمان شایسته بشوید و اطمینان پیدا کنید که تا ابد با خدا زندگی خواهید کرد. آیا بهتر نیست که همین الآن در قلب خود به مسیح اعتماد کنید؟
خداوند برکتتان بدهد.

بخش ۴

خدا

او چه شباهتی دارد؟

انسان جدا از کتاب مقدس نمی‌تواند از طریق تحقیق یا استدلال خداوند را به درستی بشناسد. چون کتاب مقدس تنها منبعی است که اطلاعات صد در صد صحیح دربارهٔ خدا را ارائه می‌دهد، و برای شناخت خدا باید به آن مراجعه کرد. کتاب مقدس دربارهٔ خدای حقیقی اطلاعاتی ارائه می‌دهد که در هیچ کجای دیگر چنین اطلاعاتی یافت نمی‌شود. در فصل گذشته گفتیم که بر اساس کتاب مقدس خدا یکتا و در عین حال شامل سه شخص مشخص یعنی پدر و پسر و روح القدس است. هر یک از این سه شخص خودش خداست و با دو شخص دیگر با هماهنگی کامل در ارتباط است. ضمناً در بخش گذشته موضوع تثلیث را با در نظر گرفتن قسمت عهد عتیق از کتاب مقدس بررسی کردیم.

تثلیث در عهد جدید

در این درس می‌بینیم که بر اساس تعالیم عهد جدید نیز خدا در عین حال که یکتاست شامل پدر و پسر و روح القدس می‌باشد.

تثلیث در اناجیل

در انجیل لوقا فصل اول، آیه ۳۵ می‌خوانیم که جبرائیل فرشته به مریم گفت: "روح‌القدس بر تو خواهد آمد و قدرت خدای متعال بر تو سایه خواهد افکند و به این سبب آن نوزاد مقدس پسر خدا نامیده خواهد شد."

باید توجه داشته باشیم که روح‌القدس بر مریم آمد و قدرت خدای متعال بر او سایه افکند و آن نوزاد مقدس پسر خدا بود. بعداً وقتی که عیسی تعمید گرفت بر اساس انجیل لوقا فصل سوم، آیات ۲۱-۲۲ آسمان گشوده شد و روح‌القدس بصورت کبوتری بر او نازل شد و صدایی از آسمان آمد: "تو پسر عزیز من هستی، از تو خوشنودم."

در رویداد تعمید عیسی واقعیت تثلیث بخوبی دیده می‌شود چون پدر از آسمان درباره پسر شهادت می‌دهد و روح‌القدس بصورت کبوتری بر عیسی نازل می‌شود. در انجیل یوحنا نوشته شده است که خدای پدر و خدای پسر یک هستند و در یکدیگر می‌باشند! در انجیل یوحنا فصل دهم، آیه ۳۰ می‌خوانیم که عیسی فرمود: "من و پدر یک هستیم." در اینجا منظور از یک بودن پدر و پسر این است که این دو در ماهیت و ذات یک هستند.

در انجیل یوحنا فصل چهاردهم، آیات ۹-۱۰ می‌خوانیم که عیسی به یکی از شاگردانش فرمود: "ای فیلیپس، در این مدت طولانی، من با شما بوده‌ام و تو هنوز مرا نشناخته‌ای؟ هر که مرا دید پدر را دیده است. پس چگونه می‌گویی پدر را به ما نشان بده؟ آیا باور نمیکنی که من در پدر هستم و پدر در من است. سخنانی که به شما می‌گویم از خودم نیست. آن پدری

که در من ساکن است همه این کارها را انجام می‌دهد". در اینجا می‌بینیم که پدر و پسر در یکدیگر می‌باشند.

تثلیث در اعمال رسولان

در کتاب اعمال رسولان فصل پنجم، آیات ۳-۴ بطور واضح می‌بینیم که روح‌القدس خداوند است. در صحبت پطرس با حنانیا روح‌القدس بعنوان یکی از اشخاص الوهیت و خدا به ما معرفی شده است. بر اساس کلام خدا پطرس به حنانیا گفت: "ای حنانیا، چرا اینطور تسلیم شیطان شدی تا او تو را وادار کند به روح‌القدس دروغ بگویی و مقداری از پول زمینت را نگاهداری؟ آیا وقتی آن را داشتی مال خودت نبود؟ آیا وقتی آن را فروختی باز هم در اختیار خودت نبود؟ چطور شد که فکر چنین کاری را کردی؟ تو نه به انسان بلکه به خدا دروغ گفته‌ای.

تثلیث در رسالات

البته در رسالات نیز اشاره‌های زیادی به تثلیث وجود دارد. بعنوان مثال دعای پولس رسول در رساله دوم به قرنطیان فصل سیزدهم، آیه ۱۴ را در نظر می‌گیریم. فیض عیسی مسیح خداوند، محبت خدا و رفاقت روح‌القدس با همه شما باد آمین.

می‌بینیم که پدر و پسر و روح‌القدس هر سه در یک آیه ذکر شده‌اند. ما ایمان‌داران به مسیح باید بدانیم که در نجات ما هر سه شخص الوهیت دست اندر کار بوده‌اند. در مورد فعالیت خدای پدر عیسی فرمود: "هیچکس نمی‌تواند نزد من بیاید مگر اینکه پدری که مرا فرستاد او را به طرف من جذب نماید" (انجیل یوحنا فصل ششم، آیه ۴۴)

در مورد فعالیت خدای پسر، عیسی فرمود: "هیچکس جز بوسیله من نزد پدر نمی آید" (انجیل یوحنا فصل چهاردهم، آیه ۶). و بالاخره در مورد فعالیت خدای روح القدس، در رساله اول پولس به قرنتیان فصل دوازدهم، آیه ۳ می خوانیم "کسی نمی تواند عیسی را خداوند بداند مگر بوسیله روح القدس".

پدر و پسر و روح القدس همچنین در انتخاب قوم خدا و قادر ساختن آنها جهت یک زندگی خداپسندانه در فعالیت می باشند. باز ما ایمان داران به مسیح باید بدانیم که خدای پدر ما را انتخاب کرده، عیسی مسیح ما را محبت نموده و روح القدس ما را تقدیس کرده است.

مسیحیان می توانند تا تمامی پری خدا پر بشوند (رساله پولس رسول به افسسیان فصل سوم، آیه ۱۹). به اندازه قامت پری مسیح برسند (رساله پولس رسول به افسسیان فصل چهارم، آیه ۱۳) و بالاخره از روح القدس پر بشوند (رساله پولس رسول به افسسیان فصل پنجم، آیه ۱۸). خداوند خدای قادر مطلق که از پدر و پسر و روح القدس تشکیل شده است موضوع ایمان ماست.

هر چند انسان نتواند که موضوع تثلیث را بخوبی درک کند، ولی تثلیث واقعیت دارد و کتاب مقدس به روشنی آن را تعلیم می دهد. از آنجایی که تثلیث واقعیتی مافوق تجارب انسانی است باید با ایمان آن را بپذیریم و از روح القدس بخواهیم که ما را در درک بهتر تثلیث کمک کند.

صفات طبیعی خدا

خدا دانای مطلق، قادر مطلق، حاضر مطلق، جاودانی و تغییر ناپذیر است. حالا در بررسی خود جلوتر می‌رویم و به بعضی از صفات خدا نظر می‌افکنیم.

در مورد صفات طبیعی خدا، نخست اینکه کتاب مقدس تعلیم می‌دهد که خدا دانای مطلق است یعنی او همه چیز را می‌داند. در واقع هیچ چیز درباره‌ی من و شما وجود ندارد که خدا از آن بی‌خبر باشد. در کتاب امثال سلیمان نبی فصل پنجم، آیه ۲۱ نوشته شده است که "راههای انسان در مقابل چشمان خداوند است، و تمامی طریقهای وی را می‌سنجد".

و باز در کتاب امثال سلیمان نبی فصل پانزدهم، آیه ۳ می‌خوانیم "چشمان خداوند در همه جا است، و بر بدان و نیکان می‌نگرد". همچنین در کتاب عهد جدید، در رساله به عبرانیان فصل چهارم، آیه ۱۳ نوشته شده است که "در آفرینش چیزی نیست که از خدا پوشیده بماند. همه چیز در برابر چشمان او برهنه و رو باز است و همه ما باید حساب خود را به او پس بدهیم." بلی خدا از تمام گفتار، افکار و اعمال مخلوقات خود باخبر است.

دوم اینکه، خدا قادر مطلق است یعنی او دارای تمام قدرت می‌باشد. در کتاب پیدایش فصل هجدهم، آیه ۱۴ نوشته شده است که "مگر هیچ امری نزد خداوند مشکل است؟" و در کتاب ایوب فصل چهل و دوم، آیه ۲ می‌بینیم که ایوب به خداوند پاسخ داد "می‌دانم که به هرچیز قادر هستی، و ابداً قصد تو را منع نتوان نمود".

نکته سوم این است که خدا حاضر مطلق است یعنی او همیشه در همه جا حضور دارد، واضح است که هیچکس نمی‌تواند از حضور خدا فرار کند

چون او همه جا هست. در کتاب ارمیاء نبی فصل بیست و سوم، آیات ۲۳-۲۴ نوشته شده است که "یهوه می گوید آیا من خدای نزدیک هستم و نه خدای دور؟ و خداوند می گوید آیا کسی خویشتن را در جای مخفی پنهان تواند نمود که من او را نبینم؟ مگر من آسمان و زمین را مملو نمی سازم؟ کلام خداوند این است".

هر چند که انسانها در جاهای مختلف زندگی می کنند، اما خدا در هر لحظه در همه جا حاضر است و همه را می بیند.

چهارم اینکه، خدا جاودانی است یعنی او ابتدا و انتهای ندارد. پولس رسول در رساله اول خود به تیموتاوس فصل اول، آیه ۱۷ می فرماید: "به پادشاه جاودانی و فناپذیر و نادیدنی، خدای یکتا تا به ابد عزت و جلال باد آمین". حبقوق نبی با الهام از خدا اینطور می فرماید: "ای یهوه خدای من ای قدوس من آیا تو از ازل نیستی؟" (کتاب حبقوق نبی فصل اول، آیه ۱۲). در قسمتهای مختلف کتاب مقدس به این سؤال پاسخ داده شده است. بعنوان نمونه در مزمور نوزدهم، آیه ۲ نوشته شده "از ازل تا به ابد تو خدا هستی".

پنجمین نکته ای را که باید در نظر داشت این است که خدا تغییر ناپذیر است یعنی او عوض نمی شود. اگر خدا عوض شدنی بود او خدای کاملی نبود. اما چون خدا کامل است او تغییر ناپذیر است. خدا خودش اظهار می دارد "من که یهوه می باشم تبدیل نمی پذیرم" (کتاب ملاکی نبی فصل سوم، آیه ۶) و در رساله یعقوب فصل اول، آیه ۱۷ می خوانیم "تمام بخشش های نیکو و هدایای کامل از آسمان و از جانب خدایی می آید که آفریننده نور است و در او تغییر و تیرگی وجود ندارد". بنابراین، ما همیشه می توانیم روی خدا حساب کنیم چونکه او در هر لحظه تغییر عقیده نمی دهد! او کاملاً قابل اعتماد است.

تعالیم اساسی کتاب مقدس

صفات اخلاقی خدا

خدا همچنین مقدس، عادل، وفادار، رحیم و محبت است. علاوه بر صفات طبیعی، صفات اخلاقی خدا نیز در کتاب مقدس دیده می‌شوند.

اول، خدا کاملاً مقدس است، یعنی او بدون گناه است. پطرس رسول در رساله خود، ما مسیحیان را تشویق می‌کند که زندگی پاکی داشته باشیم چون خداوند پاک و مقدس است.

در رساله اول پطرس فصل اول، آیات ۱۵-۱۶ نوشته شده است "چنانکه خدایی که شما را خوانده است پاک است شما نیز در تمام رفتارتان پاک باشید. زیرا کتاب مقدس می‌فرماید، شما باید پاک باشید، زیرا من پاک هستم." (رساله اول پطرس فصل اول، آیات ۱۵-۱۶).

دوم، خدا عادل است. عیسی مسیح در دعای خویش که در فصل هفدهم انجیل یوحنا یافت می‌شود خدا را "پدر عادل" خطاب می‌کند. در این مورد می‌توانید به آیه ۲۵ از فصل هفدهم انجیل یوحنا مراجع کنید. این مطلب که خدای آسمانها و زمین عادل است و به درستی عمل می‌کند مایه تسلی ماست و ما را تشویق می‌کند.

سوم، خدا وفادار است، و به همین دلیل او عهدهای خود را با قوم خویش حفظ می‌کند. در رساله دوم پولس رسول به تیموتائوس فصل دوم، آیه ۱۳ نوشته شده است که "ولی اگر بی وفایی کنیم او وفادار خواهد ماند، زیرا او نمی‌تواند خود را انکار کند."

چهارم، خدا رحیم است. داود، پادشاه اسرائیل و نویسنده مزامیر غالباً درباره رحمت خدا صحبت می‌کرد. در مزمور یکصد و سوم، آیه ۸ می‌خوانیم "خداوند رحمان و کریم است، دیر غضب و بسیار رحیم."

پنجم، خدا محبت است. در رسالهٔ اول یوحنا فصل چهارم، آیهٔ ۸ می‌خوانیم "آنکه محبت ندارد از خدا کاملاً بی‌خبر است، زیرا خدا محبت است".

ما که از راه ایمان با مسیح متحد شده‌ایم و او را پیروی می‌کنیم می‌توانیم این واقعیت را در نظر داشته باشیم که ما کسی را داریم که کاملاً مقتدر و نیکوست. ما ایمان‌داران به مسیح می‌توانیم اطمینان کامل داشته باشیم که خدا قادر و مایل است در هر شرایطی ما را کمک کند چون او نه فقط قادر مطلق است بلکه رحیم و با محبت است. خدا را شکر که در آسمانها و زمین خدایی مثل خدای ما وجود ندارد. جلال بر او باد. آمین

بخش ۵

عیسی مسیح

پسر خدا

در درس قبلی تعالیم کتاب مقدس را دربارهٔ خدا بیان کردیم، و حالا می‌خواهیم بررسی خود را دربارهٔ عیسی مسیح آغاز کنیم. در این درس و چند درس بعد، در ضمن اینکه دربارهٔ عیسی مسیح مطالعه خواهیم کرد به سؤالاتی از "قبیل او کیست"، "چرا آمد" و "اکنون چه می‌کند" نیز پاسخ خواهیم داد.

عیسی مسیح کیست؟

مهمترین سؤالی که برای هر فرد مطرح می‌شود این است که، عیسی مسیح کیست؟ جالب است که عیسی بیشتر ایام خدمتش را در تعلیم شاگردان برای پاسخ به این سؤال گذراند. او کار خود با ایشان را، با گفتن اینکه او پسر خداست و شاگردان باید از وی پیروی کنند، شروع نکرد. بلکه عیسی به شاگردانش فرمود "دنبال من بیایید تا شما را صیاد مردم گردانم" (انجیل متی فصل چهارم، آیه ۱۹) در طول حدوداً سه سال و نیم، عیسی شاگردانش را تعلیم داد. او در حضور آنها معجزات عظیمی انجام داد. شاگردان به آهستگی، اما بطور یقین، درک کردند که عیسی در واقع که بود. در انجیل متی فصل

تعالیم اساسی کتاب مقدس

شانزدهم، آیات سیزده تا شانزده نوشته شده است که "وقتی عیسی به نواحی اطراف قیصریه فیلیپس رسید از شاگردان خود پرسید: بنظر مردم پسر انسان کیست؟ آنها جواب دادند: بعضی‌ها می‌گویند یحیای تعمید دهنده است و عده‌ای می‌گویند الیاس یا ارمیاء و یا یکی از انبیاء است. عیسی پرسید شما مرا کی می‌دانید؟ شمعون پطرس جواب داد: تو مسیح، پسر خدای زنده هستی".

عیسی، پسر خدا، نجات دهنده

اعتراف پطرس این بود که عیسی، مسیح و پسر خدای زنده است. در آن ایام نام هر کس معنی خاصی داشت، عیسی یعنی نجات دهنده و مسیح یعنی مسح شده. مسح شده یعنی جدا شده برای خدمتی مقدس در آیینی مخصوص. بنابراین، عیسی مسیح بوسیله خدا مسح شده که نجات دهنده بشر باشد.

عیسی، خدا با ما در جسم

در فصل اول انجیل یوحنا مطلب بسیار مهمی درباره عیسی مسیح به چشم می‌خورد که در مورد هیچکس دیگری صدق نمی‌کند، در آنجا عیسی کلمه خوانده شده است. در انجیل یوحنا فصل اول، آیات ۱-۳ نوشته شده است که "در ازل کلمه بود. کلمه با خدا بود و کلمه خود خدا بود، از ازل کلمه با خدا بود. همه چیز بوسیله او هستی یافت و بدون او چیزی آفریده نشد". سپس در آیه ۱۴ از همین فصل می‌خوانیم "پس کلمه انسان شد و در میان ما ساکن گردید. ما شکوه و جلالش را دیدیم، شکوه و جلالی شایسته فرزند یگانه پدر و پر از فیض و راستی".

این آیات به ما می‌آموزند که عیسی قبل از تولد از مریم وجود داشته است و در واقع جاودانی بوده است. در آیه ۱ از فصل اول انجیل یوحنا می‌بینیم که کلمه از ازل وجود داشته و با خدا بوده است. کلمه "با" در اینجا یعنی در مقابل یا روبرو. پس می‌توانیم بگوییم "کلمه" که همان مسیح است همیشه در مقابل یا روبروی خدا بوده است. این نشان می‌دهد که از ازل رابطه‌ای بسیار نزدیک و صمیمی و شخصی میان عیسی مسیح و خدای پدر وجود داشته است. عیسی نه فقط از ازل رابطه بسیار نزدیکی با پدرش داشته بلکه او خودش خداست. بلی، عیسی یا همان کلمه ازلی، خدا است. و او در جسم شد و در جسم در میان ما زندگی کرد.

نقش عیسی در آفرینش

در آیه ۳ از فصل اول انجیل یوحنا می‌خوانیم "همه چیز بوسیله او هستی یافت و بدون او چیزی آفریده نشد" می‌بینیم کلمه که بعداً جسم پوشید، آفریننده همه چیز بود. بر اساس آیه ۱۶ از فصل اول رساله به کولسیان "بوسیله مسیح هر آنچه در آسمان و زمین است، دیدنیها و نادیدنیها، تختها، پادشاهان، حکمرانان و اولیاء امور آفریده شدند، آری تمام موجودات بوسیله او و برای او آفریده شد." خدای واحد و یکتا که شامل پدر و پسر و روح القدس است خالق همه چیز می‌باشد. در واقع خدای پدر و کلمه که همان عیسی مسیح است و روح القدس در کار آفرینش سهیم بوده‌اند.

عیسی قبل از تولد وجود داشت و دارای شکوه و جلال بود

در انجیل یوحنا فصل هفدهم، آیه ۵ می‌بینیم که عیسی در دعا به پدر آسمانی خود گفت: "و اکنون ای پدر، مرا در پیشگاه خود جلال بده همان جلالی که پیش از آفرینش جهان در نزد تو داشتم". این آیه به ما می‌آموزد که عیسی مسیح قبل از تولد و قبل از آفرینش جهان وجود داشته و دارای جلال بوده است.

عیسی بر اساس رسالات پولس رسول خداست

در رسالهٔ پولس به تیطس فصل دوم، آیهٔ ۱۳ نوشته شده "و در عین حال در انتظار امید متبارک خود، یعنی ظهور خدای بزرگ و نجات دهندهٔ ما عیسی مسیح باشیم". در اینجا می‌بینیم که عیسی "خدای بزرگ" و "نجات دهنده" خوانده شده است.

پولس رسول این واقعیت را که عیسی خدا است در سایر رسالاتش بسط می‌دهد. در رسالهٔ پولس به کولسیان فصل اول، آیات ۱۵-۱۷ نوشته شده است که "مسیح صورت و مظهر خدای نادیده است و از همهٔ مخلوقات برتر است، زیرا بوسیلهٔ او هر آنچه در آسمان و زمین است، دیدنی‌ها و نادیدنی‌ها، تخت‌ها، پادشاهان، حکمرانان و اولیاء امور آفریده شدند، آری تمام موجودات بوسیلهٔ او و برای او آفریده شد. او قبل از همه چیز وجود داشت و همه چیز بوسیلهٔ او بهم می‌پیوندد و مربوط می‌شود".

می‌بینیم که عیسی مسیح چهرهٔ دیدنی خدای نادیده و خالق عالم است. قبل از اینکه چیزی بوجود بیاید او وجود داشته است و قدرت اوست که عالم هستی را حفظ می‌کند. بنابراین عیسی مسیح نه فقط نجات دهندهٔ

مسح شده‌ای است که برای نجات بشر به جهان آمد، بلکه خود او از هر لحاظ خداست.

عیسی بر اساس سایر قسمت‌های عهد جدید، خداست

مثلاً در رساله به عبرانیان فصل اول، آیات ۸-۹ می‌بینیم که عیسی خدا خوانده شده است، این آیه در مورد پسر به ما می‌گوید: "ای خدا، تخت سلطنت تو ابدی است و با عدالت حکومت می‌کنی. تو راستی را دوست داشته و از ناراستی نفرت داری. از این جهت خدا، یعنی خدای تو، تو را با روغن شادمانی بیشتر از رفقای تدهین کرده است." در اینجا علاوه بر خدا بودن، به انسان بودن عیسی نیز اشاره شده است. زیرا خدای پدر علاوه بر اینکه درباره پسر خود می‌فرماید "ای خدا، تخت سلطنت تو ابدی است و با عدالت حکومت می‌کنی" اعلام می‌نماید که پسر خود را با روغن شادمانی بیشتر از رفقای تدهین کرده است.

حقوقی محترم، چون عیسی مسیح خدا است که در جسم شد و به صورت انسان در میان ما ساکن شد، لازم است که هر یک از ما توجه خاصی به کلام او داشته باشیم. به راستی که اگر کسی به کلام او توجه نکند به هیچ وجه نخواهد توانست از محکومیت در روز داوری رهایی بیابد.

خدا روزی را تعیین نموده که در آن روز دنیا را بوسیله عیسی مسیح داوری خواهد کرد. آیا بهتر نیست که شما نیز فرصت را غنیمت بشمرید و در قلب خود به خداوند و نجات دهنده بشر ایمان بیاورید. عیسی مسیح که بخاطر گناه بشر مرد و دوباره زنده شد و حالا زنده است، قادر

است تمام گناهان شما را ببامرزد و زندگی جاوید را به شما ببخشد. آیا
بہتر نیست کہ ابدیت را با خدای نیکو بگذرانید؟
ہمین الآن در قلبتان را برای عیسی مسیح باز کنید و از راه ایمان او را
دریافت نمایند.
خداوند شما را برکت بدهد.

بخش ۶

عیسی مسیح

پسر انسان

در درس پیشین، در مورد اینکه عیسی کیست صحبت کردیم و دیدیم که بر اساس کتاب مقدس او پسر خداست. عیسی مسیح از ازل با خدای پدر بود و همه چیز بوسیله او آفریده شد. او در جسم شد و مانند انسانی در میان ما زندگی کرد. گفتیم که عیسی قبل از تولد از مریم، وجود داشته و با خدای پدر می‌زیسته است. تمام رسولان او اعلام کرده‌اند که عیسی مسیح خدای در جسم ظاهر شده است. در این درس راجع به عیسی مسیح بعنوان انسان واقعی صحبت می‌کنیم زیرا بر طبق کتاب مقدس او هم خدا و هم انسان است.

عیسی از باکره متولد شد

پرسیده می‌شود که اگر عیسی خدا است و قبل از تولد از مریم وجود داشته، پس چگونه او انسان گردیده است؟ پاسخ این سؤال در تولد عیسی از باکره یافت می‌شود.

در انجیل لوقا فصل اول، آیات ۲۶ و ۲۷ می‌خوانیم "در ماه ششم جبرائیل فرشته از جانب خدا به شهری به نام ناصره که در استان جلیل واقع است

تعالیم اساسی کتاب مقدس

به نزد دختری که در عقد مردی به نام یوسف از خاندان داود بود فرستاده شد، نام این دختر مریم بود."

چند آیه بعد که تا آیه ۳۳ ادامه دارد ما را مطلع می‌سازند که جبرائیل فرشته به مریم چه گفت. در آیات ۳۱-۳۳ مشاهده می‌کنیم که جبرائیل فرشته به مریم گفت: "تو آبستن خواهی شد و پسری خواهی زایید و نام او را عیسی خواهی گذارد. او بزرگ خواهد بود و به پسر خدای متعال ملقب خواهد شد، خداوند، خدا تخت پادشاهی جدش داود را به او عطا خواهد فرمود. او تا به ابد بر خاندان یعقوب فرمانروایی خواهد کرد و پادشاهی او هرگز پایانی نخواهد داشت."

مریم در اثر آنچه که فرشته گفت بسیار متعجب شد و در آیه ۳۴ پرسید: "این چگونه ممکن است؟ من با هیچ مردی رابطه نداشته‌ام". در آیه ۳۵ می‌خوانیم که فرشته به او پاسخ داد "روح‌القدس بر تو خواهد آمد و قدرت خدای متعال بر تو سایه خواهد افکند و به این سبب آن نوزاد مقدس، پسر خدا نامیده خواهد شد."

با در نظر گرفتن آیه ۳۵ می‌توانیم بفهمیم که چطور عیسی مسیح ازلی، انسان گردید. روح‌القدس بر مریم باکره نازل شد و قدرت خدای متعال بر او سایه انداخت و مریم آبستن گردید. به این ترتیب عیسی مادر جسمانی داشت اما پدر جسمانی نداشت. او مقدس و از لحاظ روحانی پسر خدا بود.

جالب است که از نقطه نظر کتاب مقدس انسان معمولی از نسل مرد می‌باشد، اما عیسی بر خلاف تمام انسانها از نسل زن می‌باشد. در اولین پیشگویی کتاب مقدس که در کتاب پیدایش فصل سوم، آیه ۱۵ یافت می‌شود می‌بینیم که خدا قول داد بوسیله نسل زن، سر آن مار قدیمی یعنی

شیطان کوبیده می‌شود. این اولین پیشگویی کتاب مقدس درباره آمدن عیسی و پیروزی او بر شیطان بود.

عیسی انسان کامل

ما نمی‌توانیم در پاسخ به این سؤال که "عیسی مسیح کیست"، او را فقط خدا معرفی کنیم. چون او علاوه بر اینکه خداست انسان نیز هست. بر اساس رساله پولس به رومیان فصل اول، آیه ۳ "او از لحاظ انسانیت یکی از فرزندان داود بود" ضمناً ما نمی‌توانیم بگوییم که عیسی مسیح انسانی عادی بود که خدا در وجودش زندگی می‌کرد. خیر او خدای کامل بود و انسان کامل شد. بنابراین او خدای کامل و انسان کامل است. چون او انسان است که دارای روح و جان و بدن می‌باشد.

عیسی بدن انسانی دارد

این حقیقت بدیهی است که عیسی دارای بدن انسانی می‌باشد. یوحنا در رساله اول خود نوشت "ما درباره کلام حیات به شما می‌نویسیم، کلامی که از ازل بود و ما آن را شنیده و با چشمان خود دیده‌ایم. آری، ما آن را دیده‌ایم و دستهایمان آن را لمس کرده است. آن حیات ظاهر شد و ما آن را دیدیم. پس ما موظفیم درباره آن شهادت دهیم و از حیات جاودانی که با پدر بود و به ما شناسانیده شد شما را آگاه سازیم". (رساله اول یوحنا فصل اول، آیات ۱-۲). یوحنا و سایر رسولان کلام حیات را که در جسم ظاهر شد را دیدند، تعالیم او را شنیدند و با دستهای خود عیسی را لمس کردند.

در رساله به عبرانیان فصل دوم، آیه ۱۴ نوشته شده است که: "بنابراین چون این فرزندان انسانهایی دارای جسم و خون هستند، او نیز جسم و خون به خود گرفت و انسان گردید تا بوسیله مرگ خود ابلیس را که بر مرگ قدرت دارد نابود سازد." و در انجیل متی فصل بیست و ششم، آیه ۱۲ می‌بینیم که خود عیسی فرمود "او با ریختن این عطر بر بدن من، مرا برای تدفین آماده ساخته است".

این آیات بخوبی بیان می‌کنند که عیسی از بدن انسانی برخوردار است. البته عیسی علاوه بر بدن انسانی از جان و روح انسانی نیز برخوردار است.

عیسی جان و روح انسانی دارد

در انجیل متی فصل بیست و ششم، آیه ۳۸ که عیسی فرمود "جان من از شدت غم نزدیک به مرگ است" عیسی به جان انسانی خود اشاره نمود. سرانجام او بر روی صلیب با فریادی بلند فرمود "ای پدر، روح خود را به تو تسلیم می‌کنم" (انجیل لوقا فصل بیست سوم، آیه ۴۶). به این ترتیب از کلام خدا می‌آموزیم که عیسی مسیح یک وجود کامل انسانی است. چون او مثل هر انسانی دارای روح و جان و بدن است. همچنین از کلام خدا می‌آموزیم که عیسی در طول زندگی بشری خود بر اساس انجیل متی فصل چهارم، آیه ۲ "گرسنه شد".

در انجیل یوحنا فصل نوزدهم، آیه ۲۸ می‌بینیم که عیسی "تشنه" گردید. در انجیل یوحنا فصل چهارم، آیه ۶ می‌خوانیم که "عیسی که از سفر خسته شده بود، در کنار چاه نشست". در انجیل متی فصل هشتم، آیه ۲۴ می‌بینیم که "عیسی در خواب بود". بر اساس انجیل یوحنا فصل یازدهم،

آیه ۳۵ بخاطر مرگ ایلعازر عیسی "بگریست". بر اساس انجیل لوقا فصل نوزدهم، آیه ۴۱ عیسی با دیدن شهر اورشلیم "اشک ریخت". و بر اساس انجیل متی فصل بیست و ششم، آیه ۳۷ "غم و اندوه بر عیسی مستولی شد". اینها همه به انسان بودن عیسی اشاره می‌کنند.

ضمناً این را اضافه کنیم که عیسی مسیح در طول زندگی بشری خود وسوسه می‌شد، اما هرگز تسلیم وسوسه نگردید و گناه نکرد. در رساله به عبرانیان فصل چهارم، آیه ۱۵ می‌خوانیم "عیسی از هر لحاظ وسوسه شد ولی مرتکب گناه نگردید".

این مطلب مهم که عیسی انسان واقعی بود اما بدون گناه، او را واجد شرایط می‌ساخت که در راه بشر گناهکار قربانی بشود. چونکه عیسی خدا بود مرگ او بی‌نهایت ارزش دارد، بنابراین او همزمان برای یک نفر و برای تمام انسانها مرد. خدا بودن و انسان بودن عیسی هر دو اهمیت زیادی دارد و نباید هیچیک نادیده گرفته بشود. اگر عیسی خدای کامل نبود مرگ او به هیچ وجه چاره‌گناه بشر را نمی‌کرد. و اگر عیسی انسان کامل نبود به هیچ وجه نمی‌توانست بخاطر گناه بشر بمیرد.

خدا خون خود را ریخت

در حالی که اشارات زیادی به این واقعیت در سرتاسر عهدجدید وجود دارد به یک آیه که در کتاب اعمال رسولان وجود دارد نگاه می‌کنیم. در کتاب اعمال رسولان فصل بیستم می‌بینیم که پولس در خداحافظی با رهبران کلیسای افسس به آنان گفت "مواظب خود و مواظب آن گله‌ای باشید که روح‌القدس شما را به نظارت آن برگزیده

است و چون شبانان، کلیسایی را که خداوند با خون خود خریده است پرورش دهید" (اعمال رسولان فصل بیستم، آیه ۲۸)

توجه فرمودید که "کلیسا" یعنی جماعت ایمان‌داران به مسیح، جماعتی که با خون خداوند خریداری شده است. خداوند برای اینکه خویش را بریزد در جسم ظاهر شد و انسان گردید. پس باید در نظر داشته باشیم که عیسی مسیح خدای کامل و انسان کامل است.

عیسی مسیح پسر خدا و پسر انسان، بر روی صلیب خون خود را ریخت و مرد. چون کاری که او بر روی صلیب انجام داد ارزشی بی پایان دارد، جریمه گناهان من و جریمه گناهان شما بوسیله او پرداخت شده است. آیا شما مایلید که به او و کاری که او انجام داده است ایمان بیاورید و از این به بعد برای او زندگی کنید؟

امیدوارم که همین الآن عیسی مسیح خداوند را بعنوان نجات دهنده خود بپذیرید و از او تشکر کنید که جریمه گناهانتان را از طریق مرگ خود پرداخت نمود.

بخش ۷

عیسی مسیح فدیه برای بسیاری

در این درس تعلیم کتاب مقدس درباره عیسی مسیح را ادامه داده، بخصوص به این سؤال که چرا او به جهان آمد پاسخ می‌دهیم. در دو درس قبل شخصیت عیسی مسیح را بررسی کردیم و به این سؤال که او کیست جواب دادیم. دیدیم که شخصیت یگانه عیسی مسیح از دو طبیعت کامل الهی و انسانی برخوردار است. یعنی او علاوه بر اینکه خدای کامل است، انسان کامل نیز هست.

چرا عیسی به جهان آمد

این سؤال که "چرا عیسی به جهان آمد" به واقعیتی اشاره می‌کند که در مورد هیچ شخص دیگری که تا بحال در جهان زندگی کرده است صدق نمی‌کند. با توجه به این مطلب که عیسی قبل از تولد و قبل از آفرینش دنیا وجود داشت، آمدن او به این دنیا و در جسم شدنش، باید دلیل خاصی داشته باشد. دلیل این کار چه بود؟

در رساله پولس رسول به فیلیپیان فصل دوم، آیات ۵-۱۱ دلیل آمدن عیسی به این جهان تشریح شده است. در اینجا آیات ۵-۸ را برایتان قرائت می‌کنم "کلام خدا به مسیحیان می‌فرماید: طرز تفکر شما درباره

تعالیم اساسی کتاب مقدس

زندگی باید مانند طرز تفکر مسیح عیسی باشد. اگر چه او از ازل دارای اولوهیت بود ولی این را غنیمت نشمرد که برابری با خدا را به هر قیمتی حفظ کند، بلکه خود را از تمام مزایای آن محروم نموده بصورت یک غلام درآمد و شبیه انسان شد. چون او به شکل انسان در میان ما ظاهر گشت، خود را پست‌تر ساخت و از روی اطاعت حاضر شد مرگ، حتی مرگ بر روی صلیب را بپذیرد. "دلیل اصلی آمدن عیسی به جهان در آخر آیه‌ای که بدان اشاره شد یافت می‌شود. عیسی آمد تا در اطاعت از خدا بر روی صلیب بمیرد.

در انجیل مرقس نیز به آن پرسش که چرا عیسی به جهان آمد، پاسخ واضحی داده شده است. در هشت فصل اول انجیل مرقس، بتدریج آشکار شده است که عیسی مسیح کیست. در ضمن در فصل هشتم، آیه ۲۹ مشاهده می‌کنیم که عیسی از شاگردان خود می‌پرسد: "به عقیده شما من کی هستم؟" و پطرس جواب می‌دهد: "تو مسیح هستی" بعد از این پرسش و پاسخ، عیسی به آشکار نمودن این مطلب پرداخت که چرا او به جهان آمد.

در انجیل مرقس فصل هشتم، آیه ۳۱ می‌خوانیم که "آنگاه عیسی به تعلیم ایشان پرداخت و گفت: لازم است پسر انسان متحمل رنجهای زیادی شده و بوسیله رهبران و سران کاهنان و ملایان یهود طرد و کشته شود و پس از سه روز زنده گردد".

عیسی آمد تا جان خود را در راه بسیاری فدا سازد

دیدیم به محض اینکه شاگردان تشخیص دادند که عیسی کیست او بیان نمود که چرا به جهان آمده است. سپس در انجیل مرقس

فصل دهم، آیه ۴۵ می‌خوانیم که عیسی به شاگردان خود فرمود: "پسر انسان نیامده است تا مخدوم شود بلکه تا به دیگران خدمت کند و جان خود را در راه بسیاری فدا سازد" بر اساس این آیه، جان عیسی فدیهای بود که بایستی در راه بسیاری داده می‌شد.

"فدیه" بهایی است که برای آزاد ساختن شخصی یا ملکی باید داده شود. در زمینه موضوع مورد بحث ما، فدیه بهایی است که برای رهایی گناهکار از تقصیر و مجازات و اسارت گناه داده شده است. در ارتباط با این موضع، معمولاً سؤالاتی از این قبیل مطرح می‌شوند: اول اینکه "این فدیه برای چه کسانی داده شده است؟" دومین سؤال این است که "چرا فدیۀ مرگ لازم بود؟" و بالاخره "نتیجۀ فدیهای که داده شده است چیست؟"

فدیه برای ما داده شده است

جواب این سؤال که فدیه برای چه کسانی داده شده است در رسالۀ پولس به رومیان فصل پنجم؛ رساله به عبرانیان فصل دوم؛ رسالۀ اول یوحنا فصل دوم و قسمت‌های دیگری از کتاب مقدس یافت می‌شود. در رسالۀ اول یوحنا فصل دوم، آیه ۲ نوشته شده است که "خود مسیح کفارۀ گناهان ماست، نه تنها گناهان ما بلکه گناهان همه مردم دنیا." یعنی اینکه عیسی مسیح بخاطر ما مرد و خود او برطرف کننده گناهان ماست. ضمناً یوحنا می‌افزاید که مسیح کفارۀ گناهان همه مردم دنیاست. بنابراین فدیهای که عیسی مسیح داد برای تمام مردم دنیاست. این فدیۀ بی‌نظیر آنقدر با ارزش است که می‌تواند هر جانی را از زمان آدم تا پایان دنیا نجات بدهد. چون خدا در جسم ظاهر شد و بخاطر گناهان ما مرد این قربانی می‌تواند هر گناهی را برطرف کند.

فدیه برای فرشتگان داده نشده است

نویسنده رساله به عبرانیان با دقت توضیح می‌دهد که مرگ عیسی مسیح برای بشر بود نه برای فرشتگان. در فصل دوم رساله به عبرانیان آیات ۹-۱۰ و همچنین آیات ۱۴-۱۶ نوشته شده است که "اما عیسی را می‌بینیم که اندک زمانی از فرشتگان پست‌تر گردیده و اکنون تاج جلال و افتخار بر سر دارد، زیرا او متحمل مرگ شد تا بوسیله فیض خدا، بخاطر تمام آدمیان طعم مرگ را بچشد. شایسته بود که خدا، آفریدگار و نگهدار همه چیز، برای اینکه فرزندان بسیاری را به جلال برساند عیسی را نیز که پدید آورنده نجات آنان است از راه درد و رنج به کمال رساند."

"بنابراین چون این فرزندان انسانهایی دارای جسم و خون هستند، او نیز جسم و خون به خود گرفت و انسان گردید تا بوسیله مرگ خود ابلیس را که بر مرگ قدرت دارد نابود سازد و آن کسانی را که به سبب ترس از مرگ تمام عمر در بردگی به سر برده‌اند را آزاد سازد. البته او برای یاری فرشتگان نیامد، بلکه بخاطر فرزندان ابراهیم آمده است."

فدیه‌ای که داده شده است، فقط برای ایمان‌داران موثر است

دیدیم که کلام خدا می‌فرماید "عیسی برای یاری فرشتگان نیامد، بلکه بخاطر فرزندان ابراهیم آمده است." شاید عده‌ای بگویند فدیه‌ای که عیسی داد صرفاً برای فرزندان ابراهیم یعنی قوم یهود می‌باشد. باید توجه داشته باشیم که بر اساس رساله پولس به غلاطیان فصل سوم، آیه ۲۹ ایمان به مسیح باعث می‌شود که غیر یهودیان فرزند ابراهیم به حساب بیایند. در آیه مذکور نوشته شده است که "اگر متعلق به مسیح هستید فرزند ابراهیم و مطابق وعده خدا وارث او هستید." این آیه در

رساله‌ای است که به مسیحیان غیر یهودی نوشته شده است. بنابراین اشخاصی که به مسیح ایمان دارند با ابراهیم هم ایمان هستند و نسل روحانی او محسوب می‌شوند. پس عیسی جان خود را داد تا افراد بی‌شماری بتوانند نجات بیابند، اما عملاً فقط کسانی نجات می‌یابند که مثل ابراهیم، ایمان می‌آورند. عهد جدید این مطلب را روشن می‌کند که عیسی از طریق مرگ خود بهای رهایی شما را از گناه داده است، اما شما باید شخصاً این را بپذیرید و به عیسی ایمان بیاورید تا فدیۀ او برایتان موثر واقع بشود. یوحنا درباره‌ی عیسی نوشت "او به قلمرو خود آمد ولی متعلقانش او را قبول نکردند، اما به همه‌ی کسانی که او را قبول کردند و به او ایمان آوردند این امتیاز را داد که فرزندان خدا شوند، که نه مانند تولدهای معمولی و نه در اثر تمایلات نفسانی یک پدر جسمانی بلکه از خدا تولد یافتند". (انجیل یوحنا فصل اول، آیات ۱۱-۱۳).

علت اینکه عدۀ زیادی مژده‌ی نجات را می‌دانند ولی از آن منفعت نمی‌برند این است که عیسی را نمی‌پذیرند یا به عبارت دیگر عیسی را دریافت نمی‌کنند. شاید شما پرسید "من چطور می‌توانم عیسی مسیح را دریافت کنم؟"

این عمل در عین حال که ساده است بسیار عمیق و بنیادی می‌باشد. شما موقعی می‌توانید عیسی را دریافت کنید که قبول کنید او بخاطر گناهان شما بر روی صلیب مرد و به این ترتیب بهای رهایی شما را داد. ضمناً لازم است قبول کنید که عیسی مسیح بعد از مرگ زنده شد. زنده شدن عیسی پس از مرگ بخوبی ثابت می‌کند که فدیۀ‌ای که داد مورد قبول خدا واقع شد و به همین دلیل خدا او را از مردگان برخیزانید.

حالا برای دریافت عیسی مسیح می‌توانید به او بگویید که "عیسی خداوند، من قبول دارم که تو بخاطر گناهان من بر روی صلیب مردی و

بعد از مرگ دوباره زنده شدی. اکنون من تو را بعنوان یگانه نجات دهنده خود دریافت می‌کنم و از تو درخواست می‌کنم که گناهانم را برطرف کنی، فرمانروای زندگیم باشی و زندگیم را برای جلال نامت بکار ببری. در نام تو دعا می‌کنم آمین".

اگر از راه ایمان، عیسی مسیح را دریافت کرده باشید شما نیز از گناه و عواقب بد آن نجات یافته‌اید و به عیسی تعلق دارید. توجه داشته باشید که شما خودتان قادر نیستید زندگی پاک و خدایسندانه‌ای داشته باشید و چیزی به نجاتتان بیافزاید. وقتی شما قدم جلو می‌گذارید و به عیسی مسیح و کاری که او انجام داده است اعتماد می‌کنید او شما را قادر می‌سازد که زندگی پاک و خدایسندانه‌ای داشته باشید.

در این درس دیدیم که فدیۀ عیسی مسیح برای همه داده شده است و هر که ایمان داشته باشد نجات می‌یابد. در درس بعدی به دو سؤال دیگر که در رابطه با فدیۀ عیسی مسیح است پاسخ خواهیم داد.

سؤال اول این است که چرا فدیۀ مرگ لازم بود؟ و سؤال دوم دربارهٔ نتیجهٔ فدیۀ ای است که داده شده است. اکنون چنانچه تابحال عیسی را دریافت نکرده‌اید بهتر است این موضوع را به تعویق نیندازید. این کار فوق العاده خطرناک است چونکه به سرنوشت ابدی شما مربوط می‌شود. پس تا دیر نشده است عیسی را از راه ایمان دریافت کنید. اما اگر عیسی را دریافت کرده‌اید و با او متحد هستید برای نجاتتان از او تشکر کنید.

آمین

بخش ۸

چرا عیسی مسیح به جهان آمد؟

در درس قبل درباره عیسی مسیح مطالعه کردیم و به این سؤال که چرا او به جهان آمد پاسخ دادیم. دیدیم که عیسی به جهان آمد تا جانس را در راه بسیاری فدا کند. این مطلب سؤال دیگری را پدید می‌آورد که در این درس می‌خواهیم به آن پاسخ بدهیم.

چرا فدیۀ مرگ لازم بود؟

دومین سؤالی که نیاز به پاسخ دارد این است که "چرا عیسی باید بخاطر نجات بشر می‌مرد؟" در اولین قسمت کتاب مقدس یعنی در کتاب پیدایش، فصل دوم، آیه ۷ نوشته شده است که "خداوند خدا پس آدم را از خاک زمین بسرشت و در بینی وی روح حیات دمید و آدم نفس زنده شد." سپس می‌بینیم که خدا آدم را در باغ عدن گذاشت. باغ عدن به احتمال زیاد در عراق کنونی قرار داشته است. بعد در آیات ۱۶-۱۷ می‌خوانیم که خدا به آدم فرمانی داد. کلام خدا می‌فرماید: "و خداوند خدا آدم را امر فرموده گفت از همه درختان باغ بی‌ممانعت بخور. اما از درخت معرفت نیک و بد زنهار نخوری زیرا روزی که از آن خوردی هر آینه خواهی مرد."

تعالیم اساسی کتاب مقدس

مزد گناه ما (انسانها)

گناه آدم که در واقع بی‌اطاعتی از فرمان خدا بود به مرگ او منتهی شد. البته هم مرگ روحانی و هم مرگ جسمانی. وقتی آدم مرتکب گناه شد آنرا از لحاظ روحانی مرد و بعداً مرگ جسمانی نیز به سراغش آمد. این بود نتیجه شوم گناه آدم. ابتدا مرگ روحانی و سپس مرگ جسمانی. مرگ نابودی کامل یا پایان کامل هستی نیست بلکه مرگ عبارتیست از جدایی. مرگ روحانی جدایی از خداست و مرگ جسمانی جدایی جان و روح از بدن می‌باشد. بعد از مرگ جسمانی جان و روح به زیستن ادامه می‌دهند اما جدا از بدنی که سرانجام به خاک تبدیل می‌شود. وقتی آدم مرتکب گناه شد بلافاصله از خدا که سرچشمه حیات است جدا گردید. بر اساس کتاب مقدس آدم بعد از گناه خودش را از خدا پنهان کرد، و این انسان نبود که در جستجوی خدا بود، بلکه خدا در جستجوی انسان بود. در کتاب پیدایش فصل سوم، آیه ۹ می‌خوانیم که "خداوند خدا آدم را ندا درداد و گفت کجا هستی؟" البته خدا می‌دانست که آدم کجا بود اما او می‌خواست آدم خودش اعتراف کند که کجاست، یعنی معترف بشود که بخاطر گناه جدا از خدا بسر می‌برد. چون خدا منشاء حیات است نتیجه جدایی از او مرگ است. گناه آدم را از خدا جدا کرد، به همین علت او ابتدا از لحاظ روحانی و سپس از لحاظ جسمانی مرد. بعلاوه چون آدم سر نژاد انسانی بود وقتی او گناه کرد گناه به نژاد انسانی سرایت کرد و در نتیجه مرگ تمام بشریت را در بر گرفت. کلام خدا می‌فرماید "مزدی که گناه می‌دهد موت است." (رساله پولس به رومیان فصل ششم، آیه ۲۳)

پس مرگ بعنوان مزد گناه شامل تمام بشریت گردیده است. باز در رساله پولس به رومیان فصل پنجم، آیه ۱۲ می‌خوانیم "گناه بوسیله یک انسان به جهان وارد شد و این گناه مرگ را به همراه آورد. در نتیجه چون همه گناه کردند مرگ همه را در بر گرفت." حالا بهتر می‌توانیم این واقعیت را درک کنیم که مرگ عیسی به منظور پرداخت جریمه گناه بشر، ضروری بود.

خدا در عهد عتیق به قوم خود فرمود "زیرا که جان جسد در خون است و من آن را بر مذبح به شما داده‌ام تا برای جانهای شما کفاره کند زیرا خون است که برای جان کفاره می‌کند. بنی اسرائیل را گفته‌ام خون هیچ ذی جسدی را منخورید، زیرا جان هر ذی جسد خون آن است. هر که آن را بخورد منقطع خواهد شد." (کتاب لاویان فصل هفدهم، آیات ۱۱ و ۱۴)

وقتی مسیح بر روی صلیب خورش را ریخت و مرد، در واقع او جریمه گناه آدمیان را پرداخت کرد. در رساله به عبرانیان فصل نهم، آیه ۲۲ نوشته شده است "بدون ریختن خون آمرزش گناهان وجود ندارد." پس اکنون متوجه شدیم که چرا عیسی بایستی خون می‌ریخت و می‌مرد؟ او اینکار را کرد تا من و شما بتوانیم از تقصیر و مجازات و اسارت گناه آزاد بشویم و زندگی جاوید بیابیم. در رساله پولس به رومیان فصل ششم، آیه ۲۳ می‌خوانیم "زیرا مزدی که گناه می‌دهد موت است، اما خدا به کسانی که با خداوند ما، مسیح عیسی متحد هستند حیات جاودان می‌بخشد."

عیسی داوطلبانه جان خود را داد

در انجیل یوحنا فصل دهم، آیات ۱۷-۱۸ می‌بینیم که عیسی فرمود "پدرم مرا دوست دارد زیرا من جان خود را فدا می‌کنم تا آن را بار

دیگر بازیابم. هیچکس جان مرا از من نمی‌گیرد، من به میل خود آن را فدا می‌کنم. اختیار دارم که آن را فدا سازم و اختیار دارم آن را باز بدست آورم. پدر این دستور را به من داده است." چون عیسی خداوند بود اختیار داشت جانش را بخاطر گناهان ما فدا کند و بمیرد و اختیار داشت جانش را باز بدست بیاورد و زنده بشود. عیسی قبل از مرگ درباره قیام پر شکوهی که قرار بود بعد از مرگ او واقع بشود صحبت کرد. بنابراین عیسی نه از روی اجبار بلکه داوطلبانه جان خود را در راه ما داد و پس از مرگ دوباره زنده شد.

نتایج فدیۀ عیسی مسیح

سومین سؤالی که می‌خواهیم به آن پاسخ بدهیم این است که "نتایج فدیۀ ای که عیسی مسیح داد چه هستند؟" در رسالۀ پولس به رومیان فصل پنجم، آیات ۱۸-۱۹ می‌خوانیم "پس همانطور که یک گناه موجب محکومیت همه آدمیان شد یک عمل کاملاً نیک نیز باعث تبرئه و حیات همه می‌باشد. و چنانکه بسیاری در نتیجۀ سرپیچی یک نفر، گناهکار گشتند به همان طریق بسیاری هم در نتیجۀ فرمانبری یک نفر، کاملاً نیک محسوب خواهند شد."

نیک محسوب شدن ایمان‌داران

یکی از نتایج فدیۀ عیسی مسیح نیک محسوب شدن تمام ایمان‌داران است. انسان در نظر خدا گناهکار است و خدا بدون دلیل، یک فرد گناهکار را نیک محسوب نمی‌کند. اما بخاطر فدیۀ ای که عیسی مسیح داد خدا تمام کسانی را که به مسیح ایمان می‌آورند را نیک محسوب

می‌نماید. قبلاً گفتیم که مرگ بعنوان مزد گناه شامل تمام بشریت گردیده است. انسان در اثر گناه از خدا که سرچشمهٔ حیات است جدا شده و از لحاظ روحانی مرده است. وقتی عیسی بخاطر گناهان ما مرد خدا مرگ او را بعنوان جریمهٔ گناه بشر پذیرفت. در نتیجه کسی که به عیسی مسیح ایمان می‌آورد از لحاظ روحانی زنده می‌شود و با خدا رابطه پیدا می‌کند. به این ترتیب فدیهای که عیسی مسیح داد این امکان را برای همه فراهم کرد که نیک محسوب بشوند و حیات بیابند. عیسی مسیح که پاک و مقدس بود و هیچ گناهی مرتکب نشد از طریق مرگ خود جریمهٔ گناهان ما را پرداخت. چون مرگ او در راه گناه بشر بطور کامل خدا را خوشنود کرد. عیسی پس از مرگ دوباره زنده شد.

کسی که به عیسی و موضوع مرگ و زنده شدن دوبارهٔ او ایمان می‌آورد تمام گناهانش برطرف می‌شود و در پیشگاه خدا کاملاً نیک محسوب خواهد شد. ضمناً چنین شخصی زندگی جاوید می‌یابد و ابدیت را با خدا می‌گذراند.

در رسالهٔ پولس رسول به رومیان فصل چهارم، آیهٔ ۲۵ نوشته شده است که "او (یعنی عیسی مسیح) بخاطر گناهان ما تسلیم مرگ گردید (این اشاره به فدیهای است که عیسی پرداخت کرد) و زنده شد تا ما در پیشگاه خدا کاملاً نیک محسوب شویم" (این اشاره به نتیجهٔ فدیهای عیسی مسیح دارد).

یکبار دیگر این موضوع را تکرار می‌کنیم که ایمان به عیسی مسیح که مرد و دوباره زنده شد باعث می‌شود که ما کاملاً نیک محسوب بشویم.

صلح و آشتی با خدا

ایمان‌دار به مسیح علاوه بر اینکه عادل محسوب می‌شود و حیات می‌یابد از صلح و آشتی با خدا بهره‌مند می‌شود. در رسالهٔ به رومیان فصل پنجم آیات ۱ و ۲ نوشته شده است "بنابراین چون از راه ایمان در حضور خدا نیک شمرده شده‌ایم از صلح با خدا که بوسیلهٔ خداوند ما عیسی مسیح برقرار گردید بهره‌مند هستیم. بوسیلهٔ ایمان به مسیح، ما وارد فیض الهی شده‌ایم، فیضی که در آن پایداریم...."

یقیناً هر جان مضطربی به صلح و آشتی با خدا نیاز دارد. کسی که می‌داند رابطهٔ مسالمت آمیزی با خدا دارد جانش در آرامش است. بخاطر فدیهای که عیسی مسیح داد ما ایمان‌داران به او از صلح و آشتی با خدا برخورداریم.

کلام خدا می‌فرماید "زیرا مسیح صلح و صفا را بین یهود و غیر یهود بوجود آورده و این دو را با هم متحد ساخته است. او با بدن جسمانی خود دیواری که آنان را از هم جدا می‌کرد و دشمنان یکدیگر می‌ساخت در هم شکست. به این سبب بود که مسیح آمد و مژدهٔ صلح را به شما که دور بودید و آنانی که نزدیک بودند اعلام کرد." (رسالهٔ پولس رسول به افسسیان فصل دوم، آیات ۱۴ و ۱۷)

خوانندهٔ عزیز، در انجیل مرقس فصل دهم، آیهٔ ۴۵ می‌بینیم که عیسی آمد تا به دیگران خدمت کند و جانش را در راه بسیاری فدا کند. و در انجیل یوحنا فصل دهم، آیهٔ ۱۰ می‌بینیم که عیسی آمد تا آدمیان حیات بیابند و آن را بطور کامل داشته باشند.

اگر شما در گناه و مرگ روحانی بسر می‌برید و از نعمت حیات برخوردار نشده‌اید لازم است که به سوی عیسی مسیح بازگشت کنید. او بهایی را

که برای رهایی شما از گناه ضروری است تماماً پرداخت کرده است و حال کافی است که شما شخصاً و قلباً به گناه پشت کنید و به او روی بیاورید. در این صورت نیک محسوب می‌شوید، زندگی جاوید می‌یابید و رابطهٔ مسالمت آمیزی با خدا پیدا می‌کنید. امیدواریم تک‌تک شما که این درس را می‌خوانید عیسی مسیح خداوند را که جریمهٔ گناهانتان را از طریق مرگ خود به شما هدیه کرده است را بپذیرید و از برکاتی که در او یافت می‌شود برخوردار بشوید. آمین.

تعاليم اساسی كتاب مقدس

بخش ۹

عیسی مسیح

قیام، صعود، کار او در حال حاضر

در درسهای قبل طبیعت خدا، طبیعت عیسی و علت آمدن عیسی به جهان را بررسی کردیم. درس گذشته ما در مورد فدیهای بود که عیسی برای بشر داد. در این درس می‌خواهیم دربارهٔ زنده شدن دوبارهٔ عیسی، صعودش به آسمان و کار فعلی او مطالعه کنیم.

قیام یا زنده شدن دوبارهٔ عیسی جسمانی بود

خیلی مهم است که بدانیم عیسی مسیح پس از مرگ، جسماً از قبر برخاست. او بعداً با همین بدن به آسمان صعود نمود، و بر دست راست خدا نشسته است. بعضی‌ها فکر می‌کنند که عیسی بعد از مرگ فقط از لحاظ روحانی زنده شد و قیام او صرفاً روحانی بود! این فکر اشتباه است، چون کتاب مقدس به روشنی تعلیم می‌دهد که عیسای پس از مرگ زنده شده، دارای بدن بود.

در انجیل لوقا فصل بیست و چهارم، آیات ۳۶-۴۳ می‌بینیم که عیسی بعد از زنده شدن، به شاگردان خود که دور هم جمع بودند ظاهر شد. کلام خدا می‌فرماید "در حالی که شاگردان دربارهٔ این چیزها گفتگو می‌کردند عیسی در بین ایشان ایستاده به آنها گفت: صلح و سلامتی بر شما باد. آنها

تعالیم اساسی کتاب مقدس

با ترس و وحشت تصور کردند که شب‌چی می‌بینند. او فرمود: چرا اینطور آشفته حال هستید؟ چرا شک و شبهه به دل‌های شما رخنه می‌کند؟ به دست‌ها و پا‌های من نگاه کنید، خودم هستم، به من دست بزنید و ببینید. شب‌چی مانند من گوشت و استخوان ندارد". این را گفت و دست‌ها و پا‌های خود را به ایشان نشان داد. از فرط شادی و تعجب نتوانستند این چیزها را باور کنند. آنگاه عیسی از آنان پرسید: آیا در اینجا چیزی برای خوردن دارید؟ یک تکه ماهی بریان پیش او آوردند. آن را برداشت و پیش چشم آنان خورد". بنابراین قیام عیسی جسمانی بود و او بدن واقعی داشت.

در آیه ۳۷ می‌خوانیم که شاگردان تصور کردند شب‌چی می‌بینند. علت این بود که آنها نمی‌توانستند تصور کنند که عیسی بعد از مردن و دفن شدن جسماً قیام کرده بود. عیسی برای اینکه شاگردان را از اشتباه بیرون بیاورد، بر اساس آیه ۳۹ به آنان فرمود: "به دست‌ها و پا‌های من نگاه کنید، خودم هستم، به من دست بزنید و ببینید، شب‌چی مانند من گوشت و استخوان ندارد." سپس بر اساس آیه ۴۳ عیسی در مقابل چشمان شاگردان، آن تکه ماهی بریان شده را خورد.

به این ترتیب کلام خدا بطور روشن ما را مطلع می‌کند که قیام عیسی بیش از یک قیام روحانی بود. عیسی پس از مرگ جسماً قیام کرد و جسماً نیز به شاگردان خود ظاهر شد.

صعود عیسی مسیح نیز جسمانی بود

در مورد صعود جسمانی عیسی به آسمان در فصل اول کتاب اعمال رسولان، آیات ۹-۱۱ می‌خوانیم همینکه عیسی این را گفت در حالی که همه نگاه می‌کردند، بالا برده شد و ابری او را از نظر ایشان

ناپدید ساخت هنگامی که او می‌رفت و چشمان آنان هنوز به آسمان دوخته شده بود دو مرد سفید پوش در کنار آنان ایستادند و پرسیدند ای مردان جلیلی، چرا اینجا ایستاده‌اید و به آسمان نگاه می‌کنید؟ همین عیسی که از پیش شما به آسمان بالا برده شد، همانطوری که بالا رفت و شما دیدید، دوباره به همین طریق باز خواهد گشت."

عیسی در دست راست خدا

بر اساس کلام خدا، عیسی در برابر چشمان شاگردانش با بدن خود به آسمان صعود کرد. آیات زیادی وجود دارد که جایگاه مسیح را در آسمان برای ما مشخص می‌کنند. در کتاب اعمال رسولان فصل دوم، آیه ۳۳ می‌خوانیم که پطرس رسول در روز پنطیکاست گفت "حال که عیسی به دست راست خدا بالا برده شده روح القدس موعود را از پدر یافته و به ما افاضه کرده است، شما این چیزها را می‌بینید و می‌شنوید". در عهد جدید حدوداً بیست بار ذکر شده است که جایگاه فعلی عیسی در دست راست خداوند است. این مطلب در اناجیل متی، مرقس و لوقا؛ کتاب اعمال رسولان، رسالات پولس رسول به رومیان، افسسیان و کولسیان، رساله اول پطرس رسول و بالاخره در رساله به عبرانیان یافت می‌شود.

عیسی خداوند است

این مطلب که جایگاه عیسی در دست راست خدا است از اهمیت زیادی برخوردار است. در دست راست خدا بودن یعنی اختیار و اقتدار کامل داشتن بر آسمان و بر زمین. بنابراین عیسی که در آسمان و

در دست راست خدا قرار دارد خداوند است. او خداوند آسمان و خداوند زمین است. خدای پدر تمام اختیارات آفرینش را به عیسی سپرده است. عیسی مسیح نیز می‌خواهد اختیاراتش را از طریق کلیسا که بدنش می‌باشد در امور دنیا بکار ببندد. در رساله به افسسیان به ما گفته شده که عیسی سر کلیسا و کلیسا بدن عیسی است. کلام خدا می‌فرماید "و همه چیز را زیر پایهای او نهاد (یعنی خدای پدر همه چیز را زیر پایهای عیسی نهاد) و او را (یعنی عیسی را) سر همه چیز به کلیسا داد. که بدن اوست یعنی پری او که همه را در همه پر می‌سازد" (رساله پولس رسول به افسسیان فصل اول، آیات ۲۲-۲۳)

یکی از دلایلی که هنوز عده‌ای در نقاط مختلف جهان مسیح را نمی‌شناسند و در تاریکی روحانی بسر می‌برند این است که بدن مسیح یعنی کلیسا آنطور که شایسته است با مسیح که سر کلیسا است همکاری نکرده است. اگر کلیسا یعنی ایمان‌داران به مسیح با جدیت دعا کنند و از هر لحاظ مطیع مسیح باشند خواهیم دید که نام خدای حقیقی در نقاط مختلف دنیا جلال خواهد یافت.

کار مسیح در حال حاضر

در حال حاضر عیسی نه فقط بعنوان خداوند و سر کلیسا ایمان‌دارانش را در جهان رهبری می‌کند، بلکه او کاهن اعظم کلیسا است. او بعنوان کاهن اعظم ایمان‌داران خود در آسمان، پنج کار مختلف را بعهدہ گرفته است:

۱- مکانی برای ما مهیا می‌کند.

۲- پیشرو ما می‌باشد.

۳- از ما پشتیبانی می‌کند.

۴- برای ما شفاعت می‌کند.

۵- واسطه ما می‌باشد.

مهیا نمودن مکانی برای ایمان‌داران

ابتدا به کار عیسی در مورد مهیا کردن مکانی برای ایمان‌داران نظر می‌افکنیم. یکی از پر ارزش‌ترین وعده‌های کلام خدا در انجیل یوحنا فصل چهاردهم یافت می‌شود. عیسی هنگامی که با شاگردانش سخن می‌گفت، به آنان فرمود: "دل‌های شما مضطرب نشود. به خدا توکل نمایید، به من نیز ایمان داشته باشید. درخانه پدر من منزلهای بسیاری هست. اگر چنین نبود، به شما می‌گفتم. من می‌روم تا مکانی برای شما آماده سازم. پس از اینکه رفتم و مکانی برای شما آماده ساختم دوباره می‌آیم و شما را پیش خود می‌برم تا جایی که من هستم شما نیز می‌باشید." (انجیل یوحنا فصل چهاردهم، آیات ۱-۳) عیسی درباره آماده کردن مکانی برای ایمان‌داران در خانه پدرش صحبت کرد.

او در آینده ایمان‌دارانش را به این مکان خواهد برد تا پیش وی باشند. از آنجایی که تقریباً دو هزار سال از زمانی که عیسی این وعده را داده است می‌گذرد، مکانی که عیسی درباره‌اش صحبت کرد باید مافوق تصورات ما باشد. خدا آسمانها و زمین و هر چه را که در آنها بود در شش روز آفرید. پس مکانی که حدوداً دو هزار سال قبل عیسی درباره‌اش صحبت کرد بایستی بسیار پر جلال و زیبا و دیدنی باشد.

پولس رسول در رساله دوم خود به قرن‌تینان فصل دوازدهم، آیات ۲-۴ راجع به آسمان سوم صحبت کرد. او اینطور نوشت "من شخصی را در

مسیح می‌شناسم که چهارده سال پیش تا به آسمان سوم رفته شد. جسماً یا روحاً نمی‌دانم، خدا می‌داند. فقط می‌دانم که این مرد به بهشت برده شد (نمی‌دانم جسماً یا روحاً خدا می‌داند) و چیزهایی شنید که آنقدر مقدس و محرمانه است که بیان آن جایز نیست "آسمان یا بهشت به قدری عالی است که نمی‌توانیم آن را توصیف کنیم. پولس رسول در رسالهٔ اول خود به قرن‌تین فصل دوم، آیهٔ ۹ فرمود "آنچه را که هرگز چشمی ندیده و گوشی نشنیده و به خاطر انسان خطور نکرده است خدا برای دوستان خود مهیا نموده است. واقعاً مکانی که ایمان‌داران به مسیح ابدیت را در آن بسر خواهند برد، فوق العاده خوب و زیباست."

ما که به عیسی ایمان آورده‌ایم و به او تعلق داریم باید خوشحال باشیم و از او تشکر کنیم چون در آینده به بهشت بی‌نظیر خدا وارد خواهیم شد و در آن مکان خوب و زیبا زندگی خواهیم کرد. آیا شما که هم اکنون این مطالب را می‌خوانید اطمینان دارید که ابدیت را در مکانی که عیسی ذکر نمود بسر خواهید برد؟ مبدا تصور کنید که راهی برای شما وجود ندارد که بتوانید ابدیت را در بهشت خدا سپری کنید! عیسی مسیح که بخاطر گناهان شما مرد و دوباره زنده شد و اکنون در دست راست خدا نشسته است راه رسیدن شما به آسمان و بهشت خداوند است.

همین الآن می‌توانید زندگیتان را به او بسپارید و قلبتان را در اختیار او بگذارید. آیا مایلید این کار را بکنید؟ تنها در این صورت است که بوسیلهٔ او اطمینان می‌یابید که ابدیت را در بهشت خدا سپری خواهید کرد و آسمان خانهٔ ابدی شما خواهد بود.

بخش ۱۰

عیسی مسیح کار او در حال حاضر

این درس را در ارتباط با موضوع درس قبل شروع می‌کنیم. در درس گذشته پیرامون این مطلب که "عیسی مسیح در حال حاضر چه کار می‌کند" بحث کردیم. گفتیم که عیسی مسیح پس از مرگ جسماً از قبر برخاست و بعداً جسماً به آسمان صعود نمود و در دست راست خداوند نشست است. او که خداوند است و بر تمام آفرینش اقتدار و اختیار دارد در حال حاضر کاهن اعظم ایمان‌داران خود در آسمان است. در بخش گذشته ذکر شد که عیسی مسیح به آسمان رفت تا مکانی برای ایمان‌داران خود مهیا کند. ضمناً او پیشرو ماست، از ما پشتیبانی می‌کند، برای ما شفاعت می‌کند و واسطه ما می‌باشد. در این درس بررسی کار فعلی عیسی مسیح را که کاهن اعظم ما در آسمان است را ادامه می‌دهیم.

عیسی پیشرو ما

عیسی مسیح نه فقط به آسمان رفت تا مکانی برای ایمان‌داران خود مهیا کند، بلکه بر اساس رساله به عبرانیان او بعنوان پیشرو ایمان‌دارانش، به آسمان رفت. این موضوع در فصل ششم رساله به

تعالیم اساسی کتاب مقدس

عبرانیان، آیات ۱۹-۲۰ دیده می‌شود. کلام خدا می‌فرماید "آن امیدی که ما داریم مثل لنگری برای جانهای ماست". آن امیدی قوی و مطمئن است که از پردهٔ معبد گذشته و به قدس الاقداس وارد می‌شود و جایی که عیسی از جانب ما و قبل از ما وارد شده و در رتبهٔ کهنات ملک‌یصدق تا به ابد کاهن بزرگ شده است".

پیشرو کسی است که ابتدا می‌رود تا راه را برای کسی که بعداً می‌آید مهیا کند. بعنوان مثال یحیی تعمید دهنده پیشرو عیسی مسیح بود. اشعیاء نبی در پیشگویی خود کار یحیی تعمید دهنده را اینگونه تشریح کرد "صدای ندا کننده‌ای در بیابان، راه خداوند را مهیا سازید و طریقی برای خدای ما در صحرا راست نمایید. هر دره برافراشته و هر کوه و تلی پست خواهد شد، و کجیها راست و ناهمواریها هموار خواهد گردید." (کتاب اشعیاء نبی فصل نهم، آیات ۳-۴). اشعیای نبی تصویری از یک شاهراه را در اختیار ما می‌گذارد که قرار بود ساخته بشود. او پیشگویی کرد که دره‌ها پر می‌شوند و کوهها و تپه‌ها هموار می‌گردند تا شاهراهی بنا بشود که بتوان به سرعت در آن عبور کرد. هنگامی که مسیح به آسمان رفت، او پیشرو ما بود و شاهراهی را که به آسمان وصل می‌شود را برای ما ساخت. می‌توانیم بگوییم که هر دره‌ای پر شده و هر کوه و تپه‌ای صاف گشته است، کجیها راست و ناهمواریها هموار شده‌اند. به همین علت ما ایمان‌داران به مسیح می‌توانیم به سرعت و به راحتی پیش تخت خدا برویم.

نویسندهٔ رساله به عبرانیان به زبانی ساده به ما می‌گوید که "پس بیایید تا با دلیری به تخت فیض بخش خدا نزدیک بشویم تا رحمت یافته و در وقت احتیاج از او فیض یابیم" (رساله به عبرانیان فصل چهارم، آیهٔ ۱۶).

خدا را شکر که ما ایمان‌داران به مسیح می‌توانیم با دلیری و اطمینان خاطر پیش تخت فیض بخش خدا برویم چون خداوند و منجیمان عیسی مسیح بعنوان پیشرو ما به آسمان وارد شده است.

عیسی پشتیبان ما در آسمان

کار دیگر مسیح در مقام کاهن اعظم این است که نزد پدر آسمانی از ایمان‌داران خود پشتیبانی می‌کند. یعنی او مدافع ما نزد خدای پدر است. در رساله اول یوحنا فصل اول، آیات ۸-۱۰ و فصل دوم، آیات ۱-۲ نوشته شده است "اگر بگوییم که بی‌گناه هستیم خود را فریب می‌دهیم و از حقیقت دوریم. اما اگر ما به گناهان خود اعتراف نماییم، می‌توانیم به او اعتماد کنیم زیرا او به حق عمل می‌کند، او گناهان ما را می‌آمرزد و ما را از همه خطاهایمان پاک می‌سازد. اگر بگوییم که هرگز مرتکب گناهی نشده‌ایم خدا را دروغگو شمرده‌ایم و از کلام او کاملاً بی‌خبریم."

"ای فرزندان من، این را به شما می‌نویسم تا گناه نکنید، اما اگر کسی مرتکب گناهی شود در پیشگاه خدای پدر کسی را داریم که برای ما شفاعت می‌کند (یعنی از ما پشتیبانی می‌کند) همان عیسی مسیح که کاملاً نیکوست، زیرا خود مسیح کفاره گناهان ماست. نه تنها گناهان ما بلکه گناهان همه مردم دنیا."

وقتی ما ایمان‌داران به مسیح، مرتکب گناه می‌شویم نباید ناامید بشویم، بلکه بایستی گناهان ما را به خدا اعتراف کنیم، که در این صورت او ما را می‌آمرزد و از گناه پاک می‌کند. البته اعتراف حقیقی شامل پشت کردن به گناه و در صورت لزوم دادن تاوان است. پس وقتی ما ایمان‌داران مرتکب

گناه می‌شویم، مسیح در پیشگاه خدای پدر از ما پشتیبانی و دفاع می‌کند. در دادگاه وکیل از موکل خود دفاع می‌کند، به همین ترتیب مسیح در آسمان مدافع و پشتیبان ماست. کلمه یونانی "پاراکلیتا" که به معنی پشتیبان می‌باشد در انجیل یوحنا در مورد روح القدس بکار برده شده است. بنابراین ما ایمان‌داران به مسیح بر روی زمین بوسیله روح القدس پشتیبانی می‌شویم و در آسمان توسط مسیح.

وقتی ما مرتکب گناهی می‌شویم پشتیبان آسمانیمان، عیسی مسیح، در برابر دادگاه عدل الهی از ما دفاع می‌کند و اعلام می‌کند که جریمه گناهان ما بوسیله او پرداخت شده است. چون او از طریق مرگ خود بر روی صلیب جریمه گناهان ما را پرداخته ما از غضب خدا رهایی یافته‌ایم.

جالب است توجه داشته باشیم در رساله اول یوحنا فصل دوم، آیه ۱ نوشته نشده است که "عیسی مسیح کسی است که کارهای نیکو انجام می‌دهد" بلکه نوشته شده "عیسی مسیح که کاملاً نیکو است." در اینجا ذات یا طبیعت عیسی مسیح مطرح است که کاملاً نیکو است. و البته او که در ذات و طبیعت نیکوست، کارهای نیکو هم انجام می‌دهد. پس ما ایمان‌داران به مسیح در پیشگاه خدای پدر پشتیبان و مدافع کاملاً نیکویی داریم که از ما پشتیبانی و دفاع می‌کند.

عیسی شفیع ایمان‌داران

عیسی مسیح در مقام کاهن اعظم علاوه بر اینکه در پیشگاه خدای پدر از ایمان‌دارانش پشتیبانی و دفاع می‌کند برای آنها شفاعت نیز می‌کند. به این ترتیب عیسی مسیح علاوه بر اینکه پشتیبان و مدافع آسمانی ما است، شفیع آسمانی ما نیز می‌باشد.

بین مدافع و شفیع تفاوت وجود دارد. مدافع در دادگاه از موکل خود دفاع می‌کند. در دادگاههای این دنیا وقتی موضوعی مطرح می‌شود و جریمه لازم داده می‌شود، موضوع مجدداً قابل مطرح شدن نیست. در آسمان نیز همینطور است، خدای پدر تا به ابد از جریمه‌ای که عیسی در راه ما داده است خوشنود می‌باشد و موضوع خاتمه یافته است.

خون عیسی که بر صلیب ریخته شد جریمه تمام و کمال گناهان ماست و ما برای همیشه تبرئه شده‌ایم ولی در این زمینه که مسیح در آسمان برای ما شفاعت می‌کند باید بگوییم که او در دست راست خدای پدر برای ما دعا می‌کند. وقتی مسیح ما را در گناه یا زیر حمله شیطان می‌بیند در پیشگاه خدا برایمان شفاعت می‌کند و دعا می‌کند که از وضعیت بدی که داریم پیروزمند بیرون بیاییم. در انجیل لوقا فصل بیست و دوم، آیات ۳۱-۳۲ می‌خوانیم که عیسی به شاگردش پطرس فرمود: "ای شمعون، ای شمعون، توجه کن. شیطان خواست مثل دهقانی که گندم را از کاه جدا می‌کند همه شما را بیازماید. اما من برای تو دعا کرده‌ام که ایمانت از بین نرود و وقتی برگشتی باید برادرانت را استوار گردانی."

این واقعیت که عیسی در آسمان بعنوان شفیع برای ایمان‌داران خود دعا می‌کند در کلام خدا دیده می‌شود. در رساله پولس رسول به رومیان فصل هشتم، آیات ۳۱-۳۴ نوشته شده است که "پس در برابر این چیزها چه بگوییم؟ اگر خدا پشتیبان ماست کیست که بر ضد ما باشد؟ آیا خدایی که پسر خود را دریغ نداشت بلکه او را در راه همه ما تسلیم کرد با بخشیدن او همه چیز با سخاوتمندی به ما نمی‌بخشد؟ کی برگزیدگان خدا را متهم خواهد کرد؟ خدا آنان را تبرئه می‌نماید. پس کیست که بتواند آنان را محکوم سازد؟ مسیح عیسی کسی است که مرد و حتی

دوباره زنده شد و اکنون در دست راست خدا از ما شفاعت می‌کند". چه شادی بزرگی است که بدانیم عیسی در آسمان برای ما دعا می‌کند.

عیسی واسطه ما

یکی دیگر از کارهایی که عیسی در مقام کاهن اعظم برای ایماندارانش انجام می‌دهد این است که برای آنها وساطت می‌کند. اصولاً کار واسطه این است که طرفین نزاع را پیش رو هم می‌آورد تا اختلافاتشان برطرف بشود. در این زمینه که عیسی واسطه ما است در رساله اول به تیموتاوس فصل دوم، آیه ۵ می‌خوانیم "زیرا یک خدا و یک واسطه بین خدا و انسان وجود دارد. یعنی شخص عیسی مسیح که جان خود را بعنوان کفاره در راه همه داد و به این ترتیب در زمان مناسب این حقیقت به ثبوت رسید." عیسی خداوند شخصی است که بین انسان و خدا وساطت می‌کند. او تنها واسطه میان ما و پدر آسمانی است، به همین دلیل ما می‌توانیم از طریق مسیح به تخت خدا دسترسی داشته باشیم. باید توجه داشته باشیم که بر اساس کلام خدا بجز مسیح واسطه دیگری وجود ندارد که بتواند بین خدا و انسان وساطت بکند. هیچ انسانی یا هیچ فرشته‌ای نمی‌تواند واسطه بین خدا و انسان باشد. تنها مسیح خداوند که خدای کامل و انسان کامل است می‌تواند واسطه میان ما و خدا باشد.

پس بیایید ما که به مسیح ایمان آورده و به او تعلق داریم، به کاهن اعظم‌مان که در آسمان است چشم بدوزیم و از او شکرگزار باشیم چون در حال حاضر کارهای مختلفی برایمان انجام می‌دهد. ضمناً در نظر داشته باشیم، او میل دارد که ما زندگی پاک و مقدسی در این جهان داشته

باشیم و هر روزه که می‌گذرد بیشتر از لحاظ روحانی به شباهت خداوند
در بیاییم. پس لازم است که هر نوع گناه را از زندگیمان دور کنیم و از
هر نظر مطیع او باشیم تا پیوسته در دوستی و مشارکت با او بسر بریم.

تعاليم اساسی كتاب مقدس

بخش ۱۱

روح القدس

شخصیت او

در درسهای قبل، درباره الوهیت و اشخاص آن صحبت کردیم و مطالبی در مورد خدای پدر و پسر او عیسی خداوند به شما گفتیم. حالا بررسی خود را در مورد روح القدس شروع می‌کنیم. راستی روح القدس کیست!؟

روح القدس کیست؟

ضروری است که ما مسیحیان تعلیم کتاب مقدس را راجع به روح القدس بخوبی درک کنیم چون از طریق روح القدس است که ما قادر به زندگی مسیحی و خدمت به مسیح می‌شویم. لازم است بدانیم که چگونه شخص ایمان‌دار از طریق روح القدس قدرت می‌یابد که زندگی پیروزمندانه و پر ثمری داشته باشد. ما دو مطلب اساسی را که کتاب مقدس راجع به روح القدس تعلیم می‌دهد را بررسی خواهیم کرد. اول اینکه، روح القدس مثل خدای پدر و پسر یک شخص است و دارای شخصیت می‌باشد. دوم اینکه، روح القدس خودش دارای الوهیت است. یعنی مثل پدر و پسر روح القدس خودش خدا است.

در این درس دربارهٔ این مطلب که روح القدس یک شخص است بحث می‌کنیم و در درس بعدی راجع به الوهیت روح القدس صحبت خواهیم کرد. همچنین خواهیم دید که شخصیت و الوهیت روح القدس در زندگی تک تک مسیحیان چه مفهومی دارد.

روح القدس یک شخص است

او رنجیده می‌شود

کتاب مقدس در جاهای زیادی و به طرق مختلفی تعلیم می‌دهد که روح القدس یک شخص است. برای مثال در رسالهٔ پولس به افسسیان فصل چهارم، آیهٔ ۳۰ می‌بینیم که به ایمان‌داران به مسیح گفته شده "روح القدس خدا را نرنجانیده زیرا او مُهر مالکیت خدا بر شماست و ضامن آمدن روزی است که در آن کاملاً آزاد می‌شوید".

این آیه به ما نشان می‌دهد که روح القدس دارای احساسات است. وقتی ما کار خلافی انجام می‌دهیم او محزون و غمگین می‌شود. اگر روح القدس به قول بعضی از گمراهان "فقط نیرویی بود که از جانب خدا صادر شده است" دیگر قوهٔ احساسات نداشت و نمی‌توانست رنجیده بشود. "شخص است" که احساسات دارد و رنجیده می‌شود نه "چیز".

به این ترتیب وقتی کتاب مقدس می‌فرماید که "روح القدس خدا را نرنجانید" باید بفهمیم که روح القدس یک شخص است و دارای شخصیت است. لطفاً با دقت به آیات ۲۵-۳۲ در رسالهٔ پولس رسول به افسسیان فصل چهارم، توجه کنید. کلام خدا به ایمان‌داران به مسیح می‌فرماید:

"پس دیگر به هیچ وجه دروغ نگوئید بلکه همیشه به دیگران راست بگوئید. زیرا همه ما اعضای یکدیگریم. اگر عصبانی شدید نگذارید خشمتان، شما را به گناه بکشاند و یا تا غروب آفتاب باقی بماند. به ابلیس فرصت ندهید، دزد از دزدی دست بردارد و به عوض آن با دستهای خود، با آبرومندی کار کند تا چیزی داشته باشد که به نیازمندان بدهد. یک کلمه زشت از دهانتان خارج نشود بلکه گفتار شما به موقع، خوب و سودمند باشد تا در نتیجه آن به شنوندگان فیضی برسد روح القدس خدا را نرنجانید زیرا او مهر مالکیت خدا بر شماست و ضامن آمدن روزی است که در آن کاملاً آزاد می شوید. از این پس دیگر هیچ نوع بغض و غیظ و خشم و داد و فریاد و دشنام و نفرت را در میان خود راه ندهید. نسبت به یکدیگر مهربان و دلسوز باشید و چنانکه خدا در شخص مسیح شما را بخشیده است شما نیز یکدیگر را ببخشید".

به این مطلب توجه کردید، که گناهی که باعث رنجش روح القدس می شوند امکان دارد بیرونی یا درونی باشد. پس نه فقط دزدی، بلکه نفرت روح القدس را می رنجاند، بطور کلی هر گناهی از قبیل، بد زبانی، عصبانیت، بغض، غیظ و داد و فریاد روح القدس را محزون می کند.

روح القدس می تواند رفاقت کند

روح القدس نه تنها می تواند برنجد، بلکه او شخصاً می تواند با ایمان داران رفاقت و دوستی کند. دعای برکت پولس رسول برای مسیحیان شهر قرنتس از این قرار بود "فیض عیسی مسیح خداوند، محبت خدا و رفاقت روح القدس با همه شما باد، آمین" (رساله دوم پولس به قرنتیان فصل سیزدهم، آیه ۱۴)

کلمهٔ رفاقت به رابطه‌ای گرم و دوستانه در بین اشخاص اشاره می‌کند. پس وقتی دربارهٔ رفاقت روح‌القدس صحبت می‌کنیم معلوم است که روح‌القدس یک شخص است.

روح‌القدس ایمان‌داران را هدایت و رهبری می‌کند

روح‌القدس بعنوان یک شخص، ایمان‌داران به مسیح را هدایت می‌کند که کارهای خوب بکنند و ضمناً به ما نشان می‌دهد که چگونه کار نیکویی را انجام بدهیم.

در کلیسای اولیه مشکلی در مورد ختنه کردن و نگهداشتن شریعت موسی بوجود آمد. عده‌ای عقیده داشتند که غیریهودیان برای نجات یافتن علاوه بر ایمان به مسیح، باید ختنه بشوند و شریعت موسی را نگاهدارند! به همین علت، در اولین انجمن کلیسایی که تشکیل شد موضوع مورد بحث قرار گرفت و نتیجهٔ مذاکرات انجمن در کتاب اعمال رسولان فصل پانزدهم ثبت شده است. به ایمان‌داران غیر یهودی نامه‌ای نوشته شد که قسمتی از آن در آیات ۲۸-۲۹ از فصل پانزدهم کتاب اعمال رسولان دیده می‌شود: "رای روح‌القدس و ما بر این تعلق گرفته است که جز دستوراتی که در زیر می‌آید بار شما را سنگین تر نسازیم و آن این است که از هر چه برای بتها قربانی شده و از خون و حیوانات خفه شده و زنا دوری جوئید. چنانچه از این چیزها پرهیز کنید کار نیکویی انجام داده‌اید، والسلام".

در این نمونه رسولان مسیح تصدیق می‌کنند که تصمیم‌گیری آنها با هدایت و رهبری روح‌القدس بوده است. آنها می‌دانستند که در تهیهٔ متن نامه، با روح‌القدس توافق داشتند و نظر آنها نظر روح‌القدس بوده است.

به همین دلیل نوشته شد "رای روح القدس و ما بر این تعلق گرفته است که جز دستوراتی که در زیر می آید بار شما را سنگین تر نسازیم".

روح القدس صحبت می کند

در کتاب اعمال رسولان فصل سیزدهم می بینیم که روح القدس با بعضی از اعضای کلیسای انطاکیه صحبت می کند. کلام خدا درباره این مطلب می فرماید: "یک روز که آنها روزه دار و مشغول عبادت خداوند بودند روح القدس به ایشان فرمود، برنابا و شائول را مأمور انجام آن کاری که من برای آنها مقرر کرده ام بنمایید. پس آنها بعد از روزه و دعا، دست بر سر آن دو گذاردند و آنها را به مأموریت فرستادند. این دو نفر که فرستادگان روح القدس بودند به بندر سلوکیه رفتند و از آنجا از راه دریا به قبرس آمدند".

کاملاً واضح است که روح القدس شخص است چون می تواند ارتباط برقرار کند. می بینیم که روح القدس کلمه "من" را در مورد خودش بکار میبرد و بیان می کند که او برنابا و شائول را برای کار مخصوصی در نظر گرفته است. در این مورد که روح القدس صحبت می کند همچنین در مکاشفه یوحنا رسول فصل دوم، آیه ۷ نوشته شده است "ای کسانی که گوش دارید، به آنچه که روح به کلیساها می گوید گوش دهید".

روح القدس دارای قوه ادراک و اراده است

در کتاب مقدس آیات دیگری هم وجود دارد که ما از آنها می توانیم بفهمیم روح القدس یک شخص است. مثلاً در رساله اول پولس به قرنطیان فصل دوم، آیه ۱۰ نوشته شده است "خدا این همه را بوسیله"

روح خود (یعنی روح القدس) از راه الهام به ما آشکار ساخته است زیرا روح القدس همه چیز حتی کُنه نیت الهی را کشف می‌کند" پس روح القدس دارای قوه ادراک است.

و در رساله اول پولس به قرنطیان فصل دوازدهم، آیه ۱۱ می‌خوانیم "اما کلیه این عطایا کار یک روح واحد است و او (یعنی روح القدس) آنها را بر طبق اراده خود به هر کس عطا می‌فرماید". بنابراین روح القدس دارای قوه اراده است.

روح القدس برای ما شفاعت می‌کند

بر اساس رساله پولس به رومیان فصل هشتم، آیه ۲۶ روح القدس برای ما شفاعت می‌کند. کلام خدا می‌فرماید: "به همین طریق روح خدا در عین ضعف و ناتوانی، ما را یاری می‌کند زیرا ما هنوز نمی‌دانیم چگونه باید دعا کنیم. اما خود روح خدا با ناله‌هایی که نمی‌توان بیان کرد برای ما شفاعت می‌کند".

اهانت کردن به روح القدس و دروغ گفتن به او

قبلاً دیدیم که روح القدس رنجیده می‌شود. ضمناً در رساله به عبرانیان فصل دهم، آیه ۲۹ اهانت کردن به روح القدس؛ و در کتاب اعمال رسولان فصل پنجم، آیه ۳ دروغ گفتن به روح القدس مطرح شده است.

چون روح القدس یک شخص است و شخصیت دارد باید مراقب باشیم که بوسیله گناه او را نرنجانیم و با رد کردن کار فیض بخش او در زندگیمان به او اهانت نکنیم. وقتی روح القدس از طریق کلام خدا ما را در مورد

گاهی که در زندگیمان است متقاعد می‌کند باید با قلبی باز به او گوش بدهیم. روح القدس از یک طرف بطور واضح و با ملایمت ما را در مورد گناهی که در زندگیمان است متقاعد می‌کند و از طرف دیگر ما را متوجه کار مسیح بر صلیب می‌کند تا بتوانیم از هر گناه پاک بشویم.

اگر با روح القدس همکاری کنیم می‌توانیم برکات خدا را که برای ما در نظر گرفته شده بطور کامل تجربه کنیم. وقتی فصل هفتم انجیل یوحنا را مطالعه می‌کنیم می‌بینیم که روح القدس قبل از مصلوب شدن عیسی به ایمان‌داران او عطا نشده بود. بر اساس کلام خدا لازم بود که ابتدا عیسی جلال می‌یافت و سپس روح القدس بر ایمان‌داران او نازل می‌شد. منظور از جلال یافتن عیسی این است که او بایستی بخاطر گناه بشر می‌مرد، از مردگان بر می‌خواست، به آسمان صعود می‌کرد و در دست راست خدا قرار می‌گرفت. بعد از آنکه عیسی جلال یافت روح القدس بر ایمان‌داران او نازل شد که بطور دائمی در وجود آنان زندگی کند.

اگر شما به مسیح پس از مرگ زنده شده و جلال یافته ایمان آورده‌اید ولی هنوز بخوبی متوجه نشده‌اید که روح القدس را در قلب خود دارید خوب است از خدا تشکر کنید که روحش را به شما عطا نموده، و ضمناً بطور کامل عنان زندگی‌تان را به روح القدس بسپارید. او می‌تواند به شما قدرت بدهد که از گناه دوری کنید و زندگی پاک داشته باشید. او همچنین می‌تواند شما را قادر بسازد که مژده نجات را با دیگران در میان بگذارید.

اگر شما تابحال به مسیح خداوند ایمان نیاورده‌اید، از برکت بزرگ رابطه داشتن با خدای حقیقی محروم هستید. پس فرصت را از دست ندهید. روح القدس منتظر شماست تا قلباً به عیسی مسیح اعتماد کنید. وقتی قلباً به عیسی مسیح خداوند که در راه گناهان شما خون ریخت و مرد و

دوباره زنده شد و زنده است اعتماد می‌کنید روح‌القدس در قلب شما وارد می‌شود و از طریق او با خدا رابطه شخصی پیدا می‌کنید. همین الآن دعوت روح‌القدس را بپذیرید و زندگی خود را به مسیح زنده بسپارید. خداوند شما را برکت بدهد آمین.

بخش ۱۲

روح القدس

او کیست؟

با فیض او به درس دیگری از سری درسهای تعالیم اساسی کتاب مقدس می‌پردازیم. در درس قبل بررسی خود را درباره روح القدس شروع کردیم و دیدیم که بر اساس کتاب مقدس روح القدس یک شخص است و دارای شخصیت می‌باشد. چون روح القدس یک شخص است، از قوه ادراک، قوه احساسات و قوه اراده برخوردار است. آنچه را که روح القدس می‌تواند انجام بدهد یک نیروی فاقد شخصیت به هیچ وجه نمی‌تواند انجام بدهد. به همین دلیل روح القدس یک چیز نیست بلکه او یک شخص زنده است.

روح القدس خدا است

موضوع این درس، الوهیت روح القدس است. بر اساس کتاب مقدس، روح القدس خدا است و از هر نظر با خدای پدر و خدای پسر برابر است. ما قبلاً درباره تثلیث صحبت کردیم و توضیح دادیم که خدا در عین حال که واحد یا یکتاست از سه شخص تشکیل شده است. پدر و پسر و روح القدس هر سه یک خدا را تشکیل می‌دهند و ما مسیحیان این خدا را می‌شناسیم و می‌پرستیم.

تعالیم اساسی کتاب مقدس

همانطور که لازم است بدانیم روح القدس یک شخص واقعی است و دارای شخصیت است، لازم است بفهمیم که او خدای کامل است. در کتاب مقدس آیات مختلفی وجود دارد که به ما می آموزند روح القدس خداوند است.

روح القدس خدا خوانده شده است

در کتاب مقدس می بینیم که به روح خدا اسامی الهی داده شده است. در کتاب اعمال رسولان فصل پنجم می خوانیم که حنایا و سفیره در مورد هدیه شان، به خدا دروغ گفتند و در اثر این کار مردند. پطرس رسول به حنایا گفت که او نه به انسان، بلکه به خدا دروغ گفته است. در این قسمت بطور روشن می بینیم که حنایا و سفیره به روح القدس، که پطرس او را خدا خواند، دروغ گفته بودند. در کتاب اعمال رسولان فصل پنجم، آیات ۳-۴ نوشته شده است "پطرس گفت: ای حنایا، چرا اینطور تسلیم شیطان شدی تا او تو را وادار کند که به روح القدس دروغ بگویی و مقداری از پول زمینت را نگاهداری؟ آیا وقتی آن را داشتی مال خودت نبود؟ آیا وقتی آن را فروختی باز هم در اختیار خودت نبود؟ چطور شد که فکر چنین کاری را کردی؟ تو نه به انسان بلکه به خدا دروغ گفته ای."

روح القدس خداوند خوانده شده است

روح القدس نه تنها خدا خوانده شده است، بلکه در رساله دوم پولس رسول به قرنثیان فصل سوم آیات ۱۷-۱۸ روح القدس خداوند خوانده شده است. کلام خدا می فرماید: "در اینجا مقصود از کلمه"

خداوند، روح القدس است و هر جا روح خداوند باشد، در آنجا آزادی هست. و همه ما درحالی که با صورتهای بی نقاب مانند آئینه‌ای جلال خداوند را منعکس می‌کنیم، به تدریج در جلالی روز افزون به شکل او مبدل می‌شویم و این کار، کار خداوند یعنی روح القدس است."

در زمانی که عهد جدید نوشته شد، خدا شناسان کلمه خداوند بی نقاب را برای بت بکار می‌بردند. در آن روزها در نواحی مدیترانه مردم خدایان بسیاری داشتند. اهالی هر شهر و دهی خدای خودشان را می‌پرستیدند. پس وقتی یک نفر می‌گفت خداوند، او در واقع به خداوند شهر یا ده خاصی اشاره می‌کرد. در چنین ایامی بود که پولس رسول با الهام از خدا رسالات خود را نوشت. وقتی پولس کلمه خداوند را در مورد مسیح و روح القدس بکار می‌برد منظورش این نبود که آنها فقط بر سایر مخلوقات برتری داشتند! خیر، در واقع منظور پولس این بود که مسیح و روح القدس مثل پدر، خدا هستند. روح القدس همانند مسیح، خداوند خوانده شده است زیرا او دارای الوهیت است و خداوند است.

روح القدس جاودانی است

طریق دیگری که ما می‌توانیم به الوهیت روح القدس پی‌ببریم این است که بدانیم او از همان صفات الهی برخوردار است که خدای پدر و خدای پسر برخوردار هستند. برای نمونه در رساله به عبرانیان فصل نهم، آیه ۱۴ روح القدس روح جاودانی خوانده شده است. یقیناً هیچکس و هیچ چیزی جاودانی نبوده است، چون هر مخلوقی در زمانی بوجود آمده است. اما خدا که خالق، و شامل پدر و پسر و روح القدس است جاودانی می‌باشد. باید توجه داشته باشیم که جاودانی

بودن و غیرفانی بودن دو موضوع متفاوت هستند. غیرفانی بودن یعنی یکی تا ابد وجود خواهد داشت. اما جاودانی بودن یعنی یکی همیشه وجود داشته است و تا ابد هم وجود خواهد داشت. به عبارت دیگر جاودانی بودن یعنی آغاز و پایانی نداشتن. همانطور که گفتیم روح القدس جاودانی است.

روح القدس در همه جا حضور دارد

روح القدس همانند خدای پدر و عیسی مسیح خداوند در همه جا حضور دارد. در مزمور صد و سی و نهم، آیات ۷-۱۰ نوشته شده است: "از روح تو کجا بروم، و از حضور تو کجا بگریزم؟ اگر به آسمان صعود کنم تو آنجا هستی و اگر در عالم اموات بستر بگسترانم اینک تو آنجا هستی. اگر بالهای سحر را بگیرم و در اقصای دریا ساکن شوم، در آنجا نیز دست تو مرا رهبری خواهد نمود و دست راست تو مرا خواهد گرفت." بنابراین روح القدس همیشه در همه جا حاضر است و می تواند ما را کمک کند. وقتی به کمک احتیاج داریم بخاطر ایمانمان به عیسی مسیح و کاری که او در راه ما انجام داده است، می توانیم به روح القدس اعتماد کنیم و مطمئن باشیم که او به ما کمک خواهد کرد. روح القدس کسی را به این دلیل که آدم خوبی است و کارهای خوب انجام داده است کمک نمی کند چون بر اساس کلام خدا "حتی یک نفر نیست که کاملاً نیک باشد" همه گناه کرده اند و از جلال خدا محرومند" اما وقتی یک نفر به مسیح و کاری که او در راهش انجام داده ایمان می آورد، یعنی ایمان می آورد که مسیح برای آمرزش گناهانش مرده است،

و دوباره زنده شده است آن وقت مورد قبول خدا واقع می‌شود و می‌تواند مطمئن باشد که روح خدا پیوسته کمکش می‌کند.

روح القدس قادر مطلق است

روح القدس دارای قدرت کامل است. زکریا که یکی از انبیاء عهد عتیق بود چنین نوشت "نه به قدرت و نه به قوت بلکه به روح من، قول یهوه صباویوت این است" (کتاب زکریای نبی فصل چهارم، آیه ۶). یوحنا رسول در عهد جدید به ایمان‌داران به مسیح اینطور تعلیم می‌دهد "زیرا روحی که در شماست یعنی روح القدس از روحی که در این دنیا کار می‌کند قوی‌تر است" (رساله اول یوحنا فصل چهارم، آیه ۴). این آیات نشان می‌دهند که روح القدس از انسان و شیطان قوی‌تر است. در واقع او مثل خدای پدر و خدای پسر بر تمام کائنات و مخلوقات اقتدار دارد.

روح القدس از همه چیز آگاه است

بالاخره کتاب مقدس تعلیم می‌دهد که روح القدس از همه چیز آگاه است حتی از مسائل عمیق الهی. در رساله اول پولس به قرنتیان فصل دوم، آیات ۱۰-۱۱ نوشته شده است "خدا این همه را بوسیله روح خود از راه الهام به ما آشکار ساخته است زیرا روح القدس همه چیز حتی کُنه نیات الهی را کشف می‌کند. کیست که بهتر از روح شخص با باطن او آشنا باشد؟ به همان طریق هیچکس جز روح خدا با خدا آشنا نیست".

او که تمام افکار خدا را می‌داند روح‌القدس است، او که از همه چیز با خبر است روح‌القدس است. این روح‌القدس است که می‌تواند ما را تعلیم بدهد و ما را از اراده‌های خدا با خبر کند.

کارهای الهی روح‌القدس

کتاب مقدس کارهای الهی را نیز به روح‌القدس نسبت می‌دهد و یکی از این کارها خلقت است. در دومین آیه کتاب مقدس می‌بینیم که روح‌القدس مثل خدای پدر و عیسی خداوند در کار خلقت شرکت داشته است. در کتاب پیدایش فصل اول، آیه ۲ نوشته شده است "زمین تهی و بائر بود و تاریکی بر روی لجه، و روح خدا یعنی روح‌القدس سطح آبها را فروگرفت."

و در کتاب ایوب فصل سی و سوم، آیه ۴ می‌خوانیم "روح خدا مرا آفریده، و نفس قادر مطلق مرا زنده ساخته است". در این آیه می‌بینیم که روح‌القدس هم در خلقت انسان سهم دارد و هم در حفظ و حراست انسان. در عهد جدید، در گفتگوی عیسی با نیکودیموس می‌بینیم که روح‌القدس قادر است به انسان گناهکار و روحاً مرده، تولد تازه و حیات تازه ببخشد (گفتگوی عیسی با نیکودیموس در فصل سوم انجیل یوحنا یافت می‌شود). وقتی یک نفر از راه ایمان به عیسی مسیح تولد تازه و حیات تازه می‌یابد و از درون تغییر می‌کند، در واقع روح‌القدس عامل این تغییر درونی است. ضمناً بر اساس رساله پولس به رومیان فصل اول، آیه ۴ و فصل هشتم آیه ۱۱ روح‌القدس عامل زنده شدن دوباره عیسی بود. در رومیان فصل هشتم، آیه ۱۱ می‌خوانیم "اگر روح خدا که مسیح را پس از مرگ زنده گردانید در وجود شما ساکن باشد همانطور که او را پس از

مرگ زنده گردانید بوسیله همان روح القدس که در شما ساکن است به جسم فانی شما هم حیات خواهد بخشید".

اتحاد و همکاری و هماهنگی روح القدس با پدر و پسر

الوهیت روح القدس همچنین در چگونگی اتحاد و همکاری و هماهنگی او با پدر و پسر دیده می شود. در عهد جدید می خوانیم که در امر مجسم گشتن و انسان شدن عیسی مسیح، روح القدس با پدر همکاری نمود. کلام خدا در این زمینه می فرماید: "فرشته به او پاسخ داد (یعنی جبرائیل به مریم باکره پاسخ داد) روح القدس بر تو خواهد آمد و قدرت خدای متعال بر تو سایه خواهد افکند و به این سبب آن نوزاد مقدس، پسر خدا نامیده خواهد شد" (انجیل لوقا فصل اول، آیه ۳۵)

در صحنه تعمید عیسی که صدای پدر از آسمان شنیده شد روح خدا حضور داشت. کلام خدا می فرماید "عیسی پس از تعمید، فوراً از آب بیرون آمد. آنگاه آسمان گشوده شد و او روح خدا را دید که مانند کبوتری نازل شده به سوی او می آید. و صدایی از آسمان شنیده شد که می گفت: این است پسر عزیز من که از او خوشنودم" (انجیل متی فصل سوم، آیات ۱۶-۱۷). دیگر اینکه در فرمول تعمید، نام روح القدس در کنار پدر و پسر دیده می شود. عیسی به شاگردان خود فرمود "پس بروید و همه ملتها را شاگرد من سازید و آنها را بنام پدر و پسر و روح القدس تعمید دهید" (انجیل متی فصل بیست و هشتم، آیه ۱۹)

در این آیه هم شخصیت و هم الوهیت روح القدس دیده می شود. باید متوجه باشیم که عیسی نفرمود، آنها را به نام پدر و پسر و یک نیرو تعمید دهید! خیر، عیسی اینطور نفرمود، چون روح القدس یک شخص است و

دارای شخصیت است و ضمناً روح القدس دارای الوهیت می‌باشد. به همین دلیل نام او در کنار پدر و پسر ذکر شده است. ما ایمان‌داران به مسیح می‌توانیم بخاطر این واقعیت که روح القدس در وجودمان ساکن است شاد و مسرور باشیم.

چون روح القدس یک شخص است و دارای شخصیت است می‌تواند با ما مشارکت داشته باشد و در احتیاجاتی که همه روزه داریم کمکمان کند. ضمناً چون او خداست قدرت دارد آنچه را که برای ما مفید است به انجام برساند. او نه فقط قادر است بلکه مایل است آنچه را که برای ما خوب است انجام بدهد. البته ما نیز باید با او همکاری کنیم و از هر نظر به او اعتماد داشته باشیم.

روح القدس نه تنها در وجود ما ایمان‌داران به مسیح حضور دارد بلکه در مقابل خدا برای ما شفاعت می‌کند. پس شاد باشیم چون تنها نیستیم، بلکه حضور دائمی روح القدس با ماست. شکر و سپاس بر نام او باد از حال تا به ابد، آمین.

بخش ۱۳

روح القدس

او چه شباهتی دارد

عزیزان، در نام خداوند و منجی مان عیسی مسیح به شما درود می‌گوییم. خوشحالیم و خدا را شکر می‌کنیم که این فرصت به ما داده شده است تا اعتقادات اساسی مسیحیان را تشریح کنیم. در دروس قبل بررسی خود، درباره روح القدس را آغاز کردیم و گفتیم: نخست اینکه، روح القدس مثل خدای پدر و پسر او یک شخص است و دارای شخصیت است. دوم اینکه، روح القدس جزو اشخاص الوهیت است و همانند پدر و پسر او، خدا است. در این بخش مطالب دیگری را درباره روح القدس به شما می‌گوییم، لطفاً با دقت به دنباله کتاب توجه فرمایید.

اسامی روح القدس

این مطلب که روح القدس جزو اشخاص الوهیت است و یک شخص است، چنین سؤالی را پیش می‌آورد که، روح القدس چه نوع شخصی است، یا به عبارت دیگر او چه شباهتی دارد؟ وقتی نامهای مختلف خدا را در عهد عتیق مطالعه می‌کردیم با توجه به مفهوم این نامها بعنوان مثال گفتیم که "خدا کسی است که فراهم می‌کند، شفا می‌دهد و

تعالیم اساسی کتاب مقدس

تقدیس می‌کند " نامهای مختلف خدا به ما نشان می‌دهند که او چه نوع شخصی است و چه کارهایی انجام می‌دهد. همینطور نامهای مختلف روح خدا طبیعت و کارهای او را برای ما آشکار می‌کنند.

روح القدس

بهترین تعریفی که برای روح خدا می‌شود ارائه داد، این است که "او ذاتی پاک و مقدس دارد. چون ذات یا طبیعت روح خدا کاملاً پاک و مقدس است او روح القدس خوانده شده است."

در کتاب مقدس اشاره‌های زیادی به روح القدس وجود دارد که می‌توان آنها را ذکر کرد. اما چون حجم این کتاب محدود است در اینجا به فصل یازدهم انجیل لوقا، آیات ۹-۱۳ نظر می‌افکنیم.

عیسی در زمینه دعا به شاگردان خود فرمود "پس به شما می‌گویم تقاضا کنید که به شما داده خواهد شد، بجوید که پیدا خواهید کرد، بکوید که در به روی شما باز خواهد شد." چون هر که بخواهد به دست می‌آورد و هر که بجوید پیدا می‌کند و هر که بکوید در به رویش باز می‌شود. آیا در میان شما پدری هست که وقتی که پسرش از او ماهی بخواهد به عوض ماهی، ماری در دستش بگذارد، یا وقتی تخم مرغی بخواهد عقربی به او بدهد؟ پس اگر شما با اینکه جایز الخطا هستید می‌دانید چگونه چیزهای خوب را به فرزندانتان بدهید چقدر بیشتر پدر آسمانی، روح القدس را به آنانی که از او تقاضا می‌کنند عطا خواهد فرمود."

در اینجا تفاوت آشکاری بین آنچه که بد است و آنچه که خوب است دیده می‌شود.

در آیات ۱۱-۱۲ کلمات مار و عقرب بیان کننده دنیای شریر و تحت تسلط شیطان است. در آیه ۱۳ ذکر شده است که بشر خطاکار است چون ما مخلوقات سقوط کرده‌ای هستیم. ولی با این وجود ما می‌دانیم چگونه چیزهای خوب را به فرزندان خود بدهیم. و البته چقدر بیشتر، پدر آسمانی روح‌القدس را به کسانی که از او تقاضا می‌کنند می‌بخشد. می‌بینیم که روح‌القدس همان هدیه بسیار نیکوست که خدا به کسانی که از او تقاضا می‌کنند می‌بخشد. روح‌القدس خوب و پاک است، اما شیطان برخلاف او ناپاک و سرچشمه تمام بدیها است.

روح قدوسیت

در رساله پولس رسول به رومیان فصل اول، آیه ۱۴، روح خدا، روح قدوسیت خوانده شده است. شاید کسی پرسد چه فرقی بین قدوسیت و عدالت وجود دارد؟ بنظر ما قدوسیت یا پاکی قسمتی از شخصیت است، به همین علت می‌توانیم بگوییم که قدوسیت جزو وجود خداست. اما عدالت توصیف کننده اعمال یک شخص پاک و مقدس است. چرا تمام اعمال خدا عادلانه است؟ چون خدا پاک و مقدس است. روح‌القدس مثل خدای پدر و عیسی خداوند کاملاً پاک و مقدس است و هیچ گناهی در او نیست. ما ایمان‌داران به مسیح باید به روح قدوسیت اجازه بدهیم که زندگی ما را بطور کامل کنترل کند و خصوصیات اخلاقی ما را به تدریج شبیه خدا بسازد. پولس رسول در این زمینه به مسیحیان افسس نوشت: "دل و ذهن شما باید کاملاً نو شود و شخصیت تازه‌ای را که در نیکی و پاکی حقیقی و به

صورت خدا آفریده شده است به خود بیوشانید" (رساله به افسسیان فصل چهارم، آیات ۲۳-۲۴) پس این ما هستیم که باید عنان زندگیمان را به خدا بسپاریم و مطیع او باشیم، تا روح خدا مرتباً ما را عوض کند و به شکل دلخواه خود دریاورد. یکی از مشخصات زندگی مسیحیان پر از روح القدس این است که در پاکی و قدوسیت بسر می‌برند، و این نشان می‌دهد که آنها با خدا مشارکت و رفاقت دارند.

روح فیض

سومین نامی که به روح خدا داده شده است روح فیض است. در رساله به عبرانیان فصل دهم، آیه ۲۹ می‌خوانیم "پس اگر کسی پسر خدا را تحقیر نموده و خونی را که پیمان بین خدا و انسان را اعتبار بخشیده است و او را از گناهانش پاک ساخته است ناچیز شمارد و به روح پر فیض خدا اهانت نماید با چه کیفر شدیدتری روبرو خواهد شد". فیض بیان کننده لطف و مرحمت خدا نسبت به ما است، اگر چه سزاوار آن نبوده‌ایم. انسان بخاطر گناه سزاوار جهنم و جدایی ابدی از خدا است. در انسان گناهکار و سقوط کرده هیچ قدوسیتی وجود ندارد و به هیچ وجه قادر نیست خدا را خشنود بسازد. پس چه چیزی باعث شده که محبت خدا شامل حال ما بشود؟ جواب این سؤال فیض خداوند است. کلام خدا به ایمان‌داران به مسیح می‌فرماید: "زیرا به سبب فیض خداست که شما از راه ایمان نجات یافته‌اید و این کار شما نیست بلکه بخشش خداست. این نجات نتیجه اعمال شما نیست، پس هیچ دلیلی وجود ندارد که کسی به خود ببالد" (رساله به افسسیان فصل دوم، آیات ۸ و ۹)

پس حالا که فیض خدا باعث شده ما از گناه و عواقب بد آن نجات بیابیم روح فیض که همان روح خداست برای ما کار می‌کند تا بتوانیم از تمام برکاتی که در مسیح یافت می‌شود بهره‌مند بشویم. حتی وقتی که مطابق میل و اراده خدا بسر نمی‌بریم روح فیض ما را ملزم می‌کند و حتی اگر احتیاج باشد ما را تأدیب می‌کند تا توبه کرده و مطابق میل خدا زندگی کنیم.

روح داوری و روح سوختگی

چهارمین و پنجمین طریقی که روح خدا خود را به ما آشکار کرده است بوسیله اسامی روح داوری و روح سوختگی است. در کتاب مقدس آتش نشانه داوری بر گناه و پاکسازی آن است. کتاب اشعیا نبی فصل چهارم، آیات ۴-۵ ضمن اینکه به روح داوری و روح سوختگی اشاره می‌کند نشان می‌دهد که مفهوم این دو اسم چیست. کلام خدا می‌فرماید: "هنگامی که خداوند چرک دختران صهیون را بشوید و خون اورشلیم را به روح انصاف یعنی داوری و روح سوختگی از میانش رفع نماید، خداوند بر جمیع مساکن کوه صهیون و بر محفلهایش ابر و دود در روز و درخشندگی آتش مشتعل در شب خواهد آفرید زیرا که بر تمامی جلال آن پوششی خواهد بود".

روح داوری و سوختگی، گناه و سرکشی را از قلب کسانی که به سوی مسیح می‌آیند پاکسازی می‌کند. وقتی فرزند خدا مرتکب گناه می‌شود روح القدس قویاً او را ملزم و تشویق به توبه می‌کند. به این ترتیب فرزند خدا با بودن گناه در زندگیش نمی‌تواند در راحتی و آرامش بسر ببرد تا اینکه توبه کند و مطیع خدا بشود.

وقتی یحیی تعمیده دهنده درباره عیسی صحبت می‌کرد چنین گفت: "من شما را با آب تعمید می‌دهم و این تعمید نشانه توبه شماست ولی کسی که بعد از من می‌آید از من تواناتر است و من لایق آن نیستم که حتی کفشهای او را بردارم. او شما را با روح القدس و آتش تعمید خواهد داد (انجیل متی فصل سوم، آیه ۱۱)

روح القدس کار پاکسازی را در ما انجام می‌دهد و بر علیه هر نوع گناه و شرارت اقدام لازم را به عمل می‌آورد. او نمی‌تواند گناه را در ما نادیده بگیرد و هیچ اقدامی نکند. هدف روح خدا برای ما ایمان‌داران این است که روز بروز پاکتر بشویم و بیشتر به شباهت خدا در بیاییم. به همین دلیل روح القدس در ضمن اینکه بر علیه هر نوع گناه اقدام لازم را بعمل می‌آورد، ما را کمک و تقویت می‌کند تا بر هر گناهی پیروز بشویم و زندگی خداپسندانهای داشته باشیم. البته به این شرط که ما خود را از هر لحاظ تسلیم او کنیم و مطیع او باشیم.

وقتی اسامی روح خدا را مطالعه می‌کنیم در وهله اول بنظر می‌رسد که نامهای روح قدوسیت و روح فیض با نامهای روح داوری و روح سوختگی در تضاد هستند! اما بایستی بدانیم که بدون داوری و پاکسازی گناه، فیض و قدوسیتی نمی‌تواند وجود داشته باشد.

روح خدا مایل است ما را به تدریج به شباهت خدا در بیاورد این کار مستلزم تأدیب هم می‌شود. خدا مایل است که ما از هر گناهی دوری کنیم و زندگی پاک و مقدسی داشته باشیم. به همین دلیل روح خدا بر علیه هر گناهی که در زندگی ما هست اقدام لازم را بعمل می‌آورد. او بخاطر خیریت ما، ما را تأدیب می‌کند چون گناه می‌تواند روزگار ما را سیاه کند. بهرحال، روح خدا روح فیض است و حتی تأدیب او با فیض همراه است.

در درس بعد بررسی خود را دربارهٔ اسامی روح خدا ادامه خواهیم داد.

تعالیم اساسی کتاب مقدس

تعاليم اساسی كتاب مقدس

بخش ۱۴

روح القدس

او چه شباهتی دارد

با درود مجدد در نام عیسی خداوند، مطالب دیگری را درباره روح القدس به شما ارائه می‌دهیم. موضوع این بخش که در رابطه با بخش قبل است پیرامون اسامی مختلف روح خداست. در بخش قبل پنج نام روح خدا را بررسی کردیم. این نامها از این قرار هستند "روح القدس، روح قدوسیت، روح فیض، روح داوری و روح سوختگی". و اما سایر اسامی روح خدا

روح راستی

ششمین نامی که به روح خدا داده شده است روح راستی است. در انجیل یوحنا می‌بینیم که عیسی مسیح حداقل سه بار روح خدا را روح راستی خوانده است (این مطلب در انجیل یوحنا فصل چهاردهم، آیه ۱۷؛ فصل پانزدهم، آیه ۲۶؛ فصل شانزدهم، آیه ۱۳ دیده می‌شود) روح خدا که روح راستی است با هر نوع ناراستی مخالف است. انسان از لحاظ روحانی کور بدنیا می‌آید و به همین دلیل نمی‌تواند حقیقت را ببیند. اما وقتی که روح راستی چشم باطنی انسان را باز می‌کند آنوقت می‌تواند حقیقت را همانطور که هست ببیند.

تعالیم اساسی کتاب مقدس

بر طبق انجیل یوحنا فصل چهاردهم، آیه ۱۷، عیسی مسیح درباره روح راستی بیان نمود که مردم بی‌ایمان جهان او را نمی‌شناسند، ولی ما ایمان‌داران به مسیح روح راستی را می‌شناسیم چون او بطور دائمی در وجود ما زندگی می‌کند. او ما را بر اساس راستی تعلیم می‌دهد، رهبری و راهنمایی می‌کند. پس باید در هر حال مطیع او باشیم و تحت فرمان او بسر ببریم که در این صورت زندگی پیروزمندانه‌ای خواهیم داشت. هر وقت کاری را با هدایت روح راستی انجام می‌دهیم نتیجه خوبی هم می‌گیریم، در غیر اینصورت نتیجه بد کار ما بخودی خود ثابت می‌کند که تحت فرمان روح راستی بسر نبرده‌ایم ما ایمان‌داران به مسیح باید بدانیم که روح راستی ما را به تمام راستی رهبری می‌کند. این مطلب در انجیل یوحنا فصل شانزدهم، آیات ۱۳-۱۴ دیده می‌شود. عیسی مسیح درباره روح خدا فرمود: "در هر حال، وقتی او که روح راستی است بیاید شما را به تمام حقیقت رهبری خواهد کرد زیرا از خود سخن نخواهد گفت بلکه فقط درباره آنچه بشنود سخن می‌گوید و شما را از امور آینده با خبر می‌سازد. او مرا جلال خواهد داد زیرا حقایقی را که از من دریافت کرده به شما اعلام خواهد نمود".

روح حیات

در رساله پولس رسول به رومیان فصل هشتم، آیه ۲ یکی دیگر از نامهای روح خدا یافت می‌شود. در آنجا می‌خوانیم "زیرا که شریعت روح حیات در مسیح عیسی مرا از شریعت گناه و موت آزاد گردانید". می‌بینیم که روح خدا روح حیات نامیده شده است. او به تمام گناهکارانی که به مسیح ایمان می‌آورند حیات می‌بخشد. در انجیل یوحنا

با اصطلاح تولد دوباره برخورد می‌کنیم. عیسی مسیح به یکی از بزرگان قوم یهود فرمود: "آنچه از جسم تولد بیابد جسم است و آنچه از روح متولد گردد روح است. تعجب نکن که به تو می‌گویم همه باید دوباره متولد شوند" (انجیل یوحنا فصل سوم، آیات ۶-۷). وقتی یکنفر عیسی خداوند را بعنوان نجات دهنده خود قبول می‌کند روح خدا به او تولدی دوباره و حیاتی تازه می‌بخشد. کلام خدا درباره این تجربه روحانی می‌فرماید: "که نه مانند تولدهای معمولی و نه در اثر تمایلات نفسانی یک پدر جسمانی بلکه از خدا تولد یافتند" (انجیل یوحنا فصل اول، آیه ۱۳). مفهوم روح حیات بسیار وسیعتر از آن است که در این درس بتوانیم همه آنرا توضیح بدهیم. بعنوان مثال پولس رسول در رساله‌اش به رومیان نوشت "اگر روح خدا که مسیح را پس از مرگ زنده گردانید در وجود شما ساکن باشد همانطور که او را پس از مرگ زنده گردانید بوسیله همان روح القدس که در شما ساکن است به جسم فانی شما هم حیات خواهد بخشید (رساله به رومیان فصل هشتم، آیه ۱۱). باید توجه داشته باشیم که در اینجا جسم فانی گفته شده است، نه جسم غیرفانی! جسم انسانی فانی است، ولی ما ایمان‌داران به مسیح در آینده جسمی غیرفانی خواهیم داشت. این دگرگونی بوسیله همان روحی انجام خواهد شد که مسیح را بعد از مرگ زنده کرد.

همان روح حیات که در وجود ما ساکن است در آینده به جسم فانی ما حیات خواهد بخشید و به این ترتیب در آینده جسمی غیرفانی خواهیم داشت.

ضمناً در حال حاضر نیز روح حیات قادر است بدن ما را تقویت کند و شفا بدهد و بطور کلی احتیاجات روحانی و جسمانی ما را برطرف بسازد.

روح حکمت و معرفت

دو نام دیگر روح خدا، روح حکمت و روح معرفت می‌باشند. ما غالباً به مشکلاتی برخورد می‌کنیم که راه حلی برایشان نداریم. اما بعنوان ایمان‌دار به مسیح چنانچه به روح خدا متکی باشیم او ما را کمک می‌کند. در کتاب اشعیا نبی فصل یازدهم، آیه ۲ و رساله پولس به افسسیان فصل اول، آیات ۱۵-۱۹ می‌بینیم که روح خدا همان روح حکمت و روح معرفت است.

وقتی ما ایمان‌داران به مسیح در شرایط و موقعیتهای سختی قرار می‌گیریم و نمی‌دانیم چکار باید بکنیم بهترین کار این است که از روح خدا حکمت بطلبیم. بر اساس رساله یعقوب فصل اول آیات ۵-۶، اگر با ایمان بطلبیم و شک نداشته باشیم حکمت لازم به ما داده می‌شود. وقتی خود را سردرگم می‌بینیم و نمی‌دانیم که تصمیم صحیح و اقدام درست کدام است، روح حکمت می‌تواند کمکمان کند تا تصمیمی بگیریم و اقدامی بکنیم که خدا در زندگی ما جلال بیابد. روح خدا علاوه بر اینکه روح حکمت است، روح معرفت نیز هست. او می‌تواند معرفت لازم را برای درک هر چه بیشتر حقایق روحانی به ما ببخشد.

پولس رسول به مسیحیان شهر افسس نوشت "از او (یعنی از خدا) می‌خواهم که چشمان دل شما را روشن سازد تا به چگونگی امیدی که خدا شما را به آن دعوت کرده است و به ثروتمندی و شکوه بهره‌ای که خدا به مقدسین خود وعده داده است و به عظمت بی‌قیاس قدرت او که در ما ایمان‌داران در کار است پی ببرید" (رساله پولس به افسسیان فصل اول، آیات ۱۸-۱۹)

چطور ایمان‌داران افسس می‌توانستند به خوبی به این چیزها پی‌ببرند؟
جواب این است که از طریق روح خدا، روح خدا که روح معرفت نیز
هست ما را قادر می‌سازد که هر چه بیشتر به حقایق روحانی پی‌ببریم.

روح وعده

روح خدا روح وعده نیز خوانده شده است، چون خدا از
قبل وعده داده بود که روحش را بر تمام بشر خواهد ریخت. عیسی
مسیح پیش از صعود به آسمان درباره روح‌القدس به شاگردان خود فرمود
".... منتظر آن وعده پدر باشید که از من شنیده‌اید" (کتاب اعمال رسولان
فصل اول، آیه ۴)

حدوداً ده روز بعد از صعود مسیح که روز پنطیکاست بود پطرس رسول
در قسمتی از موعظه خود چنین گفت "حال که عیسی به دست راست
خدا بالا برده شد، روح‌القدس موعود را از پدر یافته، و به ما افاضه کرده
است، شما این چیزها را می‌بینید و می‌شنوید." (کتاب اعمال رسولان
فصل دوم، آیه ۳۳)

و سپس در آیات ۳۸-۳۹ از همین فصل می‌خوانیم که پطرس به آن
یهودیان گفت: "توبه کنید و همه شما فرداً فرد برای آمرزش گناهانتان به
نام عیسی مسیح غسل تعمید بگیرید که روح‌القدس یعنی عطیه خدا را
خواهید یافت، زیرا این وعده برای شما و فرزندان شما و برای کسانی
است که دور هستید یعنی هر که خداوند، خدای ما را بخواند". روح
وعده از طرف خدای پدر و پسر او عیسی مسیح بعنوان بیعانه‌ای به ما
ایمان‌داران به مسیح داده شده است تا مطمئن باشیم که ما آنچه را او به

قومش وعده داده است خواهیم یافت. این مطلب در رسالهٔ پولس رسول به افسسیان فصل اول، آیات ۱۳-۱۴ ذکر شده است.

روح جلال

هنگامیکه پطرس رسول به مسیحیانی که در رنج و زحمت بودند نامه نوشت روح خدا را روح جلال نامید. در رسالهٔ اول پطرس فصل چهارم، آیهٔ ۱۴ نوشته شده است "اگر بخاطر نام مسیح رسوایی می‌کشید خوشحال بحال شما زیرا که **روح جلال** و روح خدا بر شما آرام می‌گیرد".

در رسالهٔ پولس رسول به رومیان فصل هشتم، آیهٔ ۱۷ می‌بینیم که به ما ایمان‌داران به مسیح گفته شده که "اگر در رنج مسیح شریک هستیم در جلال او نیز شریک خواهیم شد". روح جلال بر ایمان‌دارانی آرام می‌گیرد و وجودشان را فرا می‌گیرد که بخاطر مسیح رنج و زحمت می‌بینند و رسوایی می‌کنند.

روح خدا، روح مسیح

و بالاخره بر اساس رسالهٔ پولس به رومیان فصل هشتم، آیهٔ ۹، روح‌القدس هم روح خدا و هم روح مسیح خوانده شده که این مطلب رابطهٔ روح‌القدس را با خدای پدر و پسر تصدیق می‌کند. در دورانی که ما زندگی می‌کنیم و دوران فیض به روح‌القدس اختیار داده شده است که در نام خدای پدر و پسر او عمل کند. روح‌القدس بعنوان نمایندهٔ پدر و پسر به منظور جلال خدا در زندگی ما کار می‌کند. و البته، او همیشه برای خیریت ما کار می‌کند.

با توجه به اسامی روح خدا با اطمینان می‌توانیم بگوییم که روح القدس از هر لحاظ برای رفع احتیاجات ما کفایت دارد. دعای ما این است که تمام احتیاجات شما بوسیله او رفع بشود.
در نام مسیح، آمین.

تعاليم اساسی كتاب مقدس

بخش ۱۵

روح القدس

متقاعد کردن، تولد تازه بخشیدن،

مهر نمودن، ساکن شدن

درود بر شما دوستان، با تشکر از خداوند پر جلالمان که این فرصت را در اختیار ما گذاشته است، بررسی تعالیم اساسی کتاب مقدس را ادامه می‌دهیم. در طول دو بخش گذشته اسامی مختلف روح خدا را مطالعه کردیم و دیدیم که او چه نوع شخصی است. حالا می‌خواهیم ببینیم که روح القدس در حال حاضر چکار می‌کند. با توجه به کتاب مقدس که پایه و اساس اعتقادات مسیحیان واقعی است می‌توانیم کار فعلی روح القدس را به چهار قسمت عمده تقسیم کنیم:

اول، کار روح القدس با افراد نجات نیافته

دوم، کار روح القدس با کسانی که مسیح را می‌پذیرند

سوم، کار روح القدس در زمینه رشد و نمو ایمان‌داران به مسیح

چهارم، کار روح القدس توسط مسیحیان

کار روح القدس با افراد نجات نیافته

کاری که روح القدس با افراد نجات نیافته یا گمشده انجام می‌دهد به دو شاخه تقسیم می‌شود. متقاعد کردن و دعوت نمودن. خداوند ما عیسی مسیح درباره اینکه روح القدس گمشدگان را متقاعد می‌کند اینطور فرمود "و وقتی او (یعنی روح القدس) می‌آید جهان را در مورد گناه و عدالت و مکافات متقاعد می‌سازد. گناه را نشان خواهد داد چون به من ایمان نیاوردند، عدالت را مکشوف خواهد ساخت چون من پیش پدر می‌روم و دیگر مرا نخواهید دید و واقعیت مکافات به آنها ثابت می‌شود چون حکمران این جهان محکوم شده است" (انجیل یوحنا فصل شانزدهم، آیات ۸-۱۱)

متقاعد کردن در مورد گناه

نخست اینکه عیسی فرمود که روح القدس جهان را در مورد گناه متقاعد می‌کند "چون به من ایمان نیاوردند". وقتی کلمه گناه بصورت مفرد بکار می‌رود عموماً به طبیعت سقوط کرده انسان اشاره می‌کند. اما وقتی کلمه گناه بصورت جمع بکار می‌رود (یعنی گناهان)؛ به اعمالی اشاره دارد که طبیعت سقوط کرده انسان تولید می‌کند. وقتی انجیل عیسی مسیح با تأکید بر پاکی و قدوسیت او موعظه می‌شود، روح القدس انسان را در مورد طبیعت گناه آلوده اش متقاعد می‌کند. برخلاف شیطان که می‌خواهد انسان در گناه و محکومیت باقی بماند و هلاک بشود، روح القدس همیشه وسیله آمرزش و آزادی را نشان می‌دهد و این وسیله خونی است که مسیح بر روی صلیب ریخت.

متقاعد کردن در مورد عدالت

علاوه بر متقاعد کردن در مورد گناه، روح‌القدس افراد نجات نیافته را متقاعد می‌کند که احتیاج دارند عادل بشوند. انسان گناهکار چگونه می‌تواند عدالت خدا را کسب کند و عادل بشود؟ روح‌القدس به عیسی مسیح اشاره می‌کند که کاملاً پاک و عادل است. باید توجه داشته باشیم که خدا نمی‌تواند گناه را نادیده بگیرد و گناهکار را به آسمان راه بدهد. این واقعیت بسیار مهم که عیسی به آسمان صعود نموده است و در سمت راست خدای پدر نشسته است ثابت می‌کند که او از هر لحاظ بی‌گناه و عادل بوده است. وقتی انجیل عیسی مسیح اعلام می‌شود، روح‌القدس به افراد نجات نیافته نشان می‌دهد که گناهکار هستند و عدالتی در آنها وجود ندارد. آنوقت عدالت محض عیسی نمایان می‌شود.

عیسی که بی‌گناه و عادل بود برای برطرف نمودن گناهان ما بر روی صلیب مرد. اما او پس از مرگ دوباره زنده گشت و سپس به عالم بالا صعود کرد. پس عیسی و کار او بر روی صلیب از هر نظر خدا را خوشنود نموده، و به همین دلیل هر که به او ایمان بیاورد مجاناً عادل شمرده می‌شود.

متقاعد کردن در مورد مکافات

و بالاخره عیسی فرمود که "روح‌القدس جهان را در مورد مکافات متقاعد می‌سازد" "چون حکمران این جهان محکوم شده است". صلیب عیسی بیانگر محکومیت حکمران این جهان یعنی شیطان است. عیسی بر روی صلیب شیطان را محکوم کرد و شکست داد، و البته شیطان در آینده به داخل دریاچه آتش انداخته خواهد شد و این مکافات نهایی او

خواهد بود. یقیناً برای تمام کسانی که مسیح را نمی‌پذیرند مکافات وجود خواهد داشت. بر اساس کلام خدا "هرکس که در طول عمر خود به مسیح ایمان نیاورد و نامش در دفتر حیات نوشته نشود به داخل دریاچه آتش افکنده خواهد شد". وقتی روح‌القدس شخص نجات نیافته را در مورد گناه و عدالت و مکافات متقاعد می‌کند به او راه نجات را هم نشان می‌دهد. این راه نجات عیسی مسیح خداوند است که از آسمان به این جهان آمد، نجات را برای جهانیان فراهم کرد و سپس به آسمان صعود نمود.

دعوت بسوی مسیح

روح‌القدس نه فقط اشخاص نجات نیافته را در مورد گناه و عدالت و مکافات متقاعد می‌سازد بلکه آنان را دعوت می‌کند که نزد مسیح بیایند. در رساله به عبرانیان فصل ششم، آیه ۴ نوشته شده است "زیرا آنانی که از نور الهی منور شده‌اند و طعم عطیه آسمانی را چشیده‌اند و در روح‌القدس نصیبی دارند ... " باید توجه داشته باشیم که این روح‌القدس است که حقانیت انجیل عیسی مسیح را بر گناهکاران آشکار می‌کند. وقتی انجیل عیسی مسیح اعلام می‌شود، روح‌القدس درباره نجات به مردم آگاهی ذهنی می‌دهد، ضمناً او در مردم اشتیاق ایجاد می‌کند که برای دریافت نجات به مسیح روی بیاورند.

کار روح‌القدس در رابطه با کسانی که مسیح را می‌پذیرند

تا اینجا گفتیم که روح‌القدس اشخاص نجات نیافته را در مورد گناه و عدالت و مکافات متقاعد می‌کند همچنین آنان را دعوت

می‌کند که نزد مسیح بیایند. حالا ببینیم روح‌القدس برای کسانی که مسیح را می‌پذیرند چکار می‌کند.

روح‌القدس تولد تازه و حیات تازه می‌بخشد

به موجب کلام خدا در همان لحظه‌ای که یک نفر بسوی مسیح بازگشت می‌کند روح‌القدس به او تولد تازه و حیات تازه می‌بخشد. بر اساس انجیل یوحنا فصل ششم، آیه ۶۳ "روح خداست که حیات می‌بخشد". در گفتگوی عیسی با نیکودیموس که یکی از بزرگان قوم یهود بود می‌بینیم که این روح‌القدس است که تولد تازه به انسان عطا می‌کند. در انجیل یوحنا فصل سوم، آیات ۳-۷ نوشته شده است که "... یقین بدان تا شخصی از نو تولد نیابد نمی‌تواند پادشاهی خدا را ببیند". نیکودیموس گفت "چطور ممکن است شخص سالخورده‌ای از نو متولد شود؟ آیا می‌تواند باز به رحم مادر خود برگردد و دوباره تولد یابد؟ عیسی پاسخ داد: یقین بدان که هیچکس نمی‌تواند به پادشاهی خدا وارد شود مگر آنکه از آب و روح تولد یابد. آنچه از جسم تولد بیابد جسم است و آنچه از روح متولد گردد روح است. تعجب نکن که به تو می‌گویم همه باید دوباره متولد شوند".

پولس رسول نیز در رساله‌اش به تیطس نوشت "او ما را نجات داد، اما این نجات بخاطر اعمال نیکویی که ما کردیم نبود، بلکه به سبب رحمت او از راه شستشویی بود که بوسیله آن، روح‌القدس به ما تولد تازه و حیات تازه بخشید" (رساله به تیطس فصل سوم، آیه ۵). به این ترتیب روح‌القدس به شخصی که مسیح را می‌پذیرد تولد تازه و حیات تازه می‌بخشد.

روح القدس مُهر می‌کند

علاوه بر بخشیدن تولد تازه و حیات تازه، روح القدس شخصی را که به مسیح ایمان می‌آورد مُهر می‌کند. به این ترتیب ایمان‌دار به مسیح می‌تواند مطمئن باشد که برای همیشه به خدا تعلق دارد. پولس رسول به مسیحیان شهر افسس نوشت "شما نیز وقتی پیام حقیقت یعنی مژده نجات خود را شنیدید و به او ایمان آوردید، با او متحد شدید و خدا با اعطای روح القدس، که قبلاً وعده داده بود مهر مالکیت خود را بر شما نهاده است. روح خدا ضامن آن است که ما آنچه را او به قوم خود وعده داده است خواهیم یافت و به ما اطمینان می‌دهد که خدا به متعلقان خود آزادی کامل خواهد بخشید پس جلال و شکوه خدا را بستاییم" (رساله به افسسیان فصل اول، آیات ۱۳-۱۴).

می‌بینیم که مُهر مالکیت خدا، بر ایمان‌داران به مسیح نهاده شده است و این مهر نشان می‌دهد که ما مسیحیان تا ابد، مال خدا هستیم. در آیه ۳۰ از فصل چهارم رساله به افسسیان نوشته شده است "روح القدس خدا را نرنجانید زیرا او مهر مالکیت خدا بر شما است و ضامن آمدن روزی است که در آن کاملاً آزاد می‌شوید". می‌بینیم که مُهر روح القدس بر ما ایمان‌داران به مسیح، ضامن آمدن روزی است که نجات ما تکمیل خواهد شد. در آن روز که مسیح می‌آید تا ایمان‌دارانش را به آسمان بالا ببرد ما که به او تعلق داریم چه مرده باشیم و چه زنده صاحب جسمی غیرفانی خواهیم شد. چون مهر مالکیت خدا بر ما نهاده شده است نجات نهایی ما قطعی خواهد بود و ما با بدنهایی غیرفانی ابدیت را با خدا خواهیم گذرانند.

روح القدس ساکن می شود

یکی دیگر از کارهایی که روح القدس انجام می دهد این است که در لحظه ای که یکنفر به مسیح ایمان می آورد بطور دائمی در وجودش ساکن می شود. به این ترتیب می توانیم بگوییم که هر ایمان دار واقعی روح القدس را در درون خود دارد.

این، یکی از تفاوت های کار روح القدس در عهد عتیق و عهد جدید است. در عهد جدید روح القدس بطور دائمی در وجود ایمان دار ساکن است و او را ترک نمی کند. در عهد جدید آیات گوناگونی وجود دارد که نشان می دهند روح القدس در قلب ایمان داران به مسیح ساکن است. در رساله پولس رسول به رومیان فصل هشتم، آیه ۹ نوشته شده است "هر که روح مسیح را ندارد از آن او نیست". باید توجه داشته باشیم که در اینجا منظور از روح مسیح همان روح القدس است. می دانیم که مسیح و روح القدس در ذات و ماهیت همانند هستند. در رساله دوم پولس رسول به قرنتیان فصل سیزدهم، آیه ۵ به ایمان داران به مسیح گفته شده "خود را بیازمایید و خود را امتحان کنید تا بفهمید آیا ایمانی که دارید، ایمان حقیقی است یا نه. شما باید تا این موقع دانسته باشید که عیسی مسیح در شماست (مگر اینکه در امتحان رد شده باشید!)"

آیات دیگری در عهد جدید هست که نشان می دهند ما ایمان داران به مسیح معبد خدا هستیم چون روح القدس در ما ساکن است. کلام خدا به ما ایمان داران به مسیح می فرماید: "آیا نمی دانید که معبد خدا هستید و روح خدا در شما ساکن است؟" (رساله اول به قرنتیان فصل سوم، آیه ۱۶) "آیا نمی دانید بدن شما معبد روح القدس است که خداوند به شما بخشیده است و در شما ساکن است؟" (رساله اول به قرنتیان فصل ششم، آیه ۱۹)

به این ترتیب می‌توانیم بگوییم، در لحظه‌ای که یکنفر به گناه پشت می‌کند و به عیسی مسیح خداوند ایمان می‌آورد. نخست اینکه روح‌القدس به او تولد تازه و حیات تازه می‌بخشد. دوم اینکه او را مهر می‌کند و سوم اینکه بطور دائمی در او ساکن می‌شود. روح‌القدس اینکارها را بطور اتوماتیک برای همه کسانی که به مسیح ایمان می‌آورند انجام می‌دهد و هیچ استثنایی وجود ندارد.

در خاتمه، ما که از راه ایمان به مسیح نجات یافته‌ایم و خدا کارهای مختلفی برایمان انجام داده است باید پیوسته سپاسگزار منجی خود باشیم و از او اطاعت کنیم.

اما شما که هنوز مسیح خداوند را بعنوان منجی خود نپذیرفته‌اید و از نعمت بی‌ظنیر نجات برخوردار نشده‌اید، بهتر است هر چه زودتر به او روی بیاورید تا نه فقط از گناه و عواقب بد آن نجات بیابید بلکه از حضور دائمی روح خدا در زندگیتان بهره‌مند بشوید. خداوند شما را برکت بدهد. آمین.

بخش ۱۶

روح القدس

تعمید در بدن مسیح و پُری

در نام خداوند و منجیمان عیسی مسیح به شما عزیزان درود می‌گوییم و بررسیمان را دربارهٔ روح القدس ادامه می‌دهیم. در این سری از درسها اعتقادات اساسی مسیحیان را تشریح می‌کنیم. در بخش گذشته مطالبی در زمینهٔ کار فعلی روح القدس را ارائه دادیم. گفتیم که روح القدس در حال حاضر افراد نجات نیافته را در مورد گناه و عدالت و مکافات متقاعد می‌کند و همچنین روح القدس افراد نجات نیافته را دعوت می‌کند که نزد مسیح بیایند.

ضمناً در بخش گذشته گفتیم، در همان لحظه‌ای که یک نفر به گناه پشت می‌کند و به عیسی مسیح خداوند روی می‌آورد نخست اینکه روح القدس به او تولد تازه و حیات تازه می‌بخشد، دوم اینکه روح القدس او را مهر می‌کند و سوم اینکه روح القدس بطور دائمی در وجود او ساکن می‌شود.

تعمید در بدن مسیح

کار دیگری که روح القدس در لحظهٔ ایمان آوردن به مسیح، برای افراد انجام می‌دهد این است که آنان را در بدن مسیح تعمید می‌دهد. کلمهٔ تعمید از فعلی گرفته شده که به معنی غوطه‌ور شدن یا فرورفتن

تعالیم اساسی کتاب مقدس

می‌باشد. پس می‌توانیم بگوییم که شخص در لحظه ایمان آوردن به مسیح، بوسیله روح القدس در بدن مسیح فرو می‌رود و به این ترتیب عضو بدن مسیح می‌شود. کلام خدا در این زمینه می‌فرماید "پس همه ما خواه یهود، خواه یونانی، خواه برده، خواه آزاد بوسیله یک روح (یعنی روح القدس) در یک بدن (یعنی بدن مسیح) تعمید یافته‌ایم..." (رساله اول پولس رسول به قرنتیان فصل دوازدهم، آیه ۱۳)

پُری روح القدس

تا اینجا شرح دادیم که روح القدس در لحظه‌ای که یک نفر به مسیح ایمان می‌آورد برای او چه می‌کند. گفتیم موقعی که یک نفر به مسیح ایمان می‌آورد روح القدس به او تولد تازه و حیات تازه می‌بخشد، روح القدس او را مُهر می‌کند، روح القدس در او ساکن می‌شود و روح القدس او را در بدن مسیح تعمید می‌دهد یا فرو می‌برد. روح القدس تمام آن کارها را در همان لحظه‌ای که یک نفر به مسیح ایمان می‌آورد بطور اتوماتیک برای او انجام می‌دهد و هیچ استثنایی وجود ندارد. اما کار روح القدس با شخصی که به مسیح ایمان آورده است در اینجا تمام نمی‌شود، چونکه روح القدس مایل است ایمان‌داران به مسیح را از خودش پر کند. خوشبختانه خواست خدا برای هر یک از ایمان‌داران به مسیح این است که از روح القدس پُر بشوند و در پُری روح القدس زندگی کنند. ولی متأسفانه تمام ایمان‌داران به مسیح از روح القدس پر نیستند و در پری روح القدس زندگی نمی‌کنند. البته وقتی می‌گوییم تمام ایمان‌داران به مسیح از روح القدس پر نیستند منظورمان این نیست که آنها روح القدس را در وجودشان ندارند. می‌دانیم که تمام ایمان‌داران به مسیح روح القدس را

در وجود خود دارند اما همانطور که گفتیم تمام ایمان‌داران به مسیح از روح‌القدس پر نیستند و در پُری روح‌القدس زندگی نمی‌کنند. در رسالهٔ پولس رسول به افسسیان فصل پنجم، آیات ۱۷-۱۸ می‌بینیم که به مسیحیان گفته شده است "پس نادان نباشید، بلکه بکوشید تا بفهمید که ارادهٔ خداوند چیست. مست شراب نشوید، زیرا شراب شما را به سوی کارهای زشت می‌کشاند بلکه از روح‌القدس پر شوید".

عبارت "پس نادان نباشید" در آیهٔ ۱۷، با آیهٔ ۱۵ از همین فصل در ارتباط است که به مسیحیان می‌فرماید "پس شما باید دقت کنید که چگونه زندگی می‌کنید، مثل اشخاص عاقل زندگی کنید، نه مانند نادانان".

خوشبختانه ما ایمان‌داران به مسیح می‌توانیم زندگی خداپسندانه‌ای داشته باشیم چون روح خدا در وجود ما ساکن است. اما اشکال اینجاست که بعضی از مسیحیان نمی‌خواهند عاقل باشند و کاملاً تحت کنترل روح‌القدس زندگی کنند. پولس رسول به مسیحیان شهر افسس نوشت "پس نادان نباشید، بلکه بکوشید تا بفهمید که ارادهٔ خداوند چیست".

راستی ارادهٔ خداوند برای ما ایمان‌داران به مسیح چیست؟ در آیهٔ ۱۸ از فصل پنجم رساله به افسسیان می‌بینیم که ارادهٔ خداوند برای ما مسیحیان این است که مست شراب نشویم چون شراب ما را به سوی کارهای زشت می‌کشاند. بلکه از روح‌القدس پر بشویم و پیوسته از روح‌القدس پر باشیم. کسی که تحت کنترل شراب است کارهای زشت و ناشایست از او سر می‌زنند اما کسی که تحت کنترل روح‌القدس است کارهایی انجام می‌دهد که باعث جلال نام خدا می‌شود.

عبارت "از روح‌القدس پر شوید" در واقع دستوری است که از جانب خدا برای تمام ایمان‌داران به مسیح داده شده است. خدا به ما مسیحیان فرموده است که چنانچه وقت داشتید یا میل داشتید از روح‌القدس پر

بشوید! بلکه خدا به ما مسیحیان دستور داده است که از روح القدس پر بشویم. با مطالعه این دستور صریح خدا می فهمیم که مسیحیان باید پیوسته از روح القدس پر باشند و در پری روح القدس زندگی کنند. به این ترتیب می توانیم بگوییم که پر شدن از روح القدس برای ایمان داران به مسیح یک تجربه تکراری است. در اینجا سؤالی پیش می آید که چگونه یک مسیحی می تواند از روح القدس پر بشود؟

جواب این است که ایمان دار به مسیح باید تمام وجودش را تسلیم خدا کند و از او بخواهد که از روح القدس پرش بکند. سؤال دیگر این است که چگونه یک مسیحی می تواند پیوسته از روح القدس پر باشد و در پری روح القدس زندگی کند؟ برای پاسخ به این سؤال باید بگوییم که ایمان دار به مسیح باید دائماً تحت فرمان روح القدس زندگی کند و مطیع او باشد. ایمان داری که از روح القدس پر شده است و در پری روح القدس زندگی می کند لازم است این را بداند که زندگی اش باید از هر نظر خداپسندانه باشد. بنابراین بایستی لحظه به لحظه مطیع روح خدا باشد و تحت کنترل او زندگی کند.

بعضی از مشخصات مسیحیان پر از روح القدس

در فصل پنجم رساله پولس رسول به افسسیان بعضی از مشخصات مسیحیان پر از روح القدس دیده می شود.

شادی

شادی یکی از مشخصات مسیحیانی است که در پری روح القدس بسر می برند. در قسمت اول آیه ۱۹ از فصل پنجم رساله به افسسیان

نوشته شده است که "با استفاده از مزامیر و تسبیحات و سرودهای روحانی با یکدیگر گفتگو کنید..." مسیحیانی که از روح القدس پر هستند شادی فراوان در قلبشان است. این شادی باعث می شود که آنها با استفاده از مزامیر و تسبیحات و سرودهای روحانی با یکدیگر گفتگو کنند. چنانچه گناهی از قبیل غرور، خشم، حسادت و خودخواهی در زندگی یک مسیحی وجود داشته باشد او نمی تواند در پری روح القدس بسر ببرد. این قبیل گناهان روح القدس را می رنجانند و محزون می کنند. وقتی روح القدس در قلب یک مسیحی محزون و رنجیده است شادی فراوان در قلب آن مسیحی نیست. چنین شخصی نه فقط با خدا مشارکت و دوستی ندارد، با سایر مسیحیان نیز نمی تواند مشارکت و دوستی داشته باشد. بنابراین شرط داشتن شادی فراوان این است که مسیحی از روح القدس پر باشد که در این صورت می تواند با استفاده از مزامیر و تسبیحات و سرودهای روحانی با سایر ایمان داران گفتگو کند و به این ترتیب شادی درونی خود را ابراز کند.

ستایش

در قسمت دوم آیه ۱۹ از فصل پنجم رساله به افسسیان نوشته شده است، "با تمام دل برای خداوند بسرایید و آهنگ بسازید". یکی دیگر از مشخصات مسیحیان پر از روح القدس این است که خداوند را چنانکه شایسته است ستایش می کنند. شخصی که از روح القدس پر گشته و در پری روح القدس بسر می برد می تواند با تمام دل خداوند را با سرود ستایش کند. مسیحی پر از روح القدس قدر و ارزش آنچه را که خداوند برایش انجام داده است را می داند و او را ستایش می کند.

داود در مزمور یکصد و سوم اینطور نوشت: "ای جان من خداوند را متبارک بخوان، و هر چه در درون من است نام قدوس او را متبارک خواند. ای جان من خداوند را متبارک بخوان، و جمیع احسانهای او را فراموش مکن. که تمام گناهان تو را می‌آمرزد، و همهٔ مرضهای تو را شفا می‌بخشد. که حیات تو را از دوزخ فدیة می‌دهد، و تاج رحمت و رأفت را بر سر تو می‌نهد. که جان تو را به چیزهای نیکو سیر می‌کند، تا جوانی تو مثل عقاب تازه شود" (مزمور صد و سوم، آیات ۱-۵).

سپاسگزاری

سپاسگزاری، یکی دیگری از مشخصات مسیحیان پر از روح‌القدس است. در رساله به افسسیان فصل پنجم، آیهٔ ۲۰ نوشته شده است که "بنام خداوند ما عیسی مسیح هر روز برای همه چیز سپاسگزار خدای پدر باشید".

مسیحی پر از روح‌القدس می‌تواند برای همه چیز خدای پدر را به اسم خداوند ما عیسی مسیح شکر کند. البته منظور از شکرگزاری برای همه چیز این نیست که یک مسیحی برای اعمال گناه‌آلودی که انجام می‌دهد خدا را شکر کند! برعکس یک مسیحی پر از روح‌القدس می‌تواند خدا را شکر کند که با تکیه بر او می‌تواند در مقابل وسوسه‌ها مقاومت کند و زندگی پاک و پیروزمندانه‌ای داشته باشد.

اطاعت متواضعانه

و بالاخره مسیحیان پر از روح القدس به احترام مسیح مطیع یکدیگر هستند. در رساله به افسسیان فصل پنجم، آیه ۲۱ نوشته شده است که "به خاطر احترامی که به مسیح دارید مطیع یکدیگر باشید". اطاعت متواضعانه جزو مشخصات مسیحیان پر از روح القدس است. وقتی یک مسیحی مطیع روح القدس نیست مطیع دیگران هم نیست. چنین شخصی مغرور است و خودش را بهتر و برتر از دیگران می داند. اما مسیحی پر از روح القدس فروتن است و مطیع دیگران است. بسیار خوب، حال شما برادر و خواهر مسیحی که این درس را مطالعه می کنید متوجه هستید که اراده خدا برای شما این است که از روح القدس پر باشید. لازم است نگاه عمیقی به زندگیتان بیاندازید. چنانچه گناهی در زندگیتان هست آن را به خدا اعتراف کنید و به آن پشت کنید. آنوقت در حالی که تمام وجودتان را تسلیم خدا می کنید از او بخواهید که از خودش پرتان کند تا زندگی پیروزمندانه ای در مسیح داشته باشید. خداوند شما عزیزان را برکت بدهد. آمین.

تعاليم اساسی كتاب مقدس

بخش ۱۷

روح القدس

ایمان داران را رشد می دهد و به افرادی بالغ تبدیل می کند

با درود مجدد خدمت شما، درس هفدهم از سری درسهای تعالیم اساسی کتاب مقدس را شروع می کنیم. در طول چند درس قبل مطالبی درباره روح القدس و کار فعلی او ارائه دادیم. گفتیم که روح القدس افراد نجات نیافته را در مورد گناه و عدالت و مکافات متقاعد می کند و آنان را دعوت می کند که نزد مسیح بیایند. وقتی یک نفر به گناه پشت می کند و عیسی مسیح خداوند را بعنوان نجات دهنده خود می پذیرد روح القدس آنآ به او تولد تازه و حیات تازه می بخشد، روح القدس او را مَهر می کند، روح القدس در وجود او ساکن می شود و روح القدس او را در بدن مسیح تعمید می دهد. سپس کار روح القدس با ایمان دار به مسیح ادامه پیدا می کند، که در این زمینه بطور کلی می توانیم بگوییم، نخست اینکه روح القدس ایمان دار به مسیح را از لحاظ روحانی رشد می دهد و به فردی بالغ تبدیل می کند، و دوم اینکه روح القدس از طریق ایمان دار به مسیح دیگران را کمک می کند.

در این درس توضیح می دهیم که چگونه روح القدس ایمان دار به مسیح را رشد می دهد و به فردی بالغ تبدیل می کند.

روح القدس ایمان‌داران به مسیح را به سوی کمال پیش می‌برد

روح القدس مایل است که هر ایمان‌داری را از لحاظ روحانی بالغ و شبیه عیسی مسیح بسازد. بهمین علت کارهای مختلفی برای ایمان‌داران به مسیح انجام می‌دهد.

روح القدس ایمان‌دار را پُر می‌کند

در درس قبل مطالبی دربارهٔ پر شدن از روح القدس، و زندگی در پری روح القدس را ارائه دادیم. گفتیم که هر ایمان‌داری روح القدس را در وجود خود دارد، اما هر ایمان‌داری از روح القدس پُر نیست. نظر به اینکه کلام خدا به ایمان‌داران به مسیح دستور داده است که از روح القدس پر بشوند و در پری روح القدس زندگی کنند واضح است که زندگی در پری روح القدس خواست خدا برای مسیحیان است. وقتی یک فرد مسیحی تمام وجودش را تسلیم خدا می‌کند و از او می‌خواهد که از روح القدس پرش بکند، می‌تواند انتظار داشته باشد که از روح القدس پر بشود. ایمان‌داری که از روح القدس پر می‌شود برای اینکه بتواند پیوسته از روح القدس پر باشد و در پری روح القدس بسر ببرد بایستی دائماً تحت فرمان روح القدس زندگی کند و مطیع کلام خدا باشد.

انگیزهٔ صحیح برای پر شدن از روح القدس

اصولاً هر چیزی که از خدا می‌طلبیم بایستی با انگیزه‌ای صحیح همراه باشد. پس می‌توانیم بگوییم که ایمان‌دار به مسیح باید با انگیزه‌ای صحیح طالب پری روح القدس باشد.

ما در اینجا سه دلیل ارائه می‌دهیم که با در نظر گرفتن این دلایل هر ایمان‌داری می‌تواند پری روح‌القدس را از خدا بطلبد.

دلیل اول: این است که ثمره روح‌القدس بخوبی در زندگیش دیده بشود و زندگی خداپسندانه‌ای داشته باشد. بر اساس رساله به غلاطیان فصل پنجم آیات ۲۲-۲۳ ثمره روح‌القدس محبت، خوشی، آرامش، بردباری، مهربانی، خیرخواهی، وفاداری، فروتنی و خویشنداری است.

دلیل دوم: ایمان‌دار به مسیح با در نظر گرفتن آن می‌تواند پری روح‌القدس را از خدا بطلبد این است که، قادر بشود عطایایی را که از جانب خداست به نحو موثری برای خیریت دیگران بکار ببرد. در درس بعد مطالبی پیرامون عطایای گوناگون برای شما خواهیم نوشت.

دلیل سوم: ایمان‌دار به مسیح بر اساس آن می‌تواند پری روح‌القدس را از خدا بطلبد این است که توانایی داشته باشد مژده نجات را اعلام کند تا گمشدگان از راه نجات باخبر بشوند. با در نظر گرفتن دلایلی که ذکر کردیم، در اینجا شما برادر و خواهر مسیحی که این درس را مطالعه می‌کنید تشویق می‌کنیم که همین الآن:

اول: صادقانه از روح‌القدس بخواهید که هر گناهی که در زندگیتان هست را به شما نشان بدهد تا بتوانید در ضمن اعتراف به گناه به آن پشت کنید. **دوم:** با فروتنی تمام وجودتان را به خدا تسلیم کنید و از او بخواهید که شما را از روح‌القدس پر کند. حالا کمی سکوت کرده و در درون خود جستجو کنید و هر گناهی را که روح‌القدس بهتان نشان می‌دهد به خدا اعتراف کنید و از آن دست بکشید.

بعد از اعتراف و پشت کردن به گناه، شما برادر و خواهر مسیحی می‌توانید دعا کنید و از خدا بخواهید که از روح‌القدس پُرتان کند.

پس دعا کرده و بگویید "پدر آسمانی، در کلام تو به من امر شده که پیوسته در پری روح‌القدس زندگی کنم. به همین دلیل تمام وجودم را تسلیم تو می‌کنم و از تو می‌خواهم که از روح‌القدس پرم کنی. من می‌خواهم ثمره روح‌القدس بخوبی در زندگی‌م دیده بشود و زندگی‌م مورد پسند تو باشد. مایلم عطایای تو را برای خیریت فرزندان تو بکار ببرم. می‌خواهم شاهد امین عیسی مسیح باشم و او را به دیگران معرفی کنم. پدر ممنونم که می‌توانم در پری روح‌القدس بسر ببرم و عیسی مسیح را جلال بدهم. در نام خداوند و منجی‌ام عیسی مسیح دعا می‌کنم آمین

روح‌القدس ایمان‌دار را مسح می‌کند

مسح نمودن یکی دیگر از کارهایی است که روح‌القدس برای ایمان‌دار به مسیح انجام می‌دهد. مسح قدرت و توانایی خاصی است که روح‌القدس برای خدمتی ویژه به یک ایمان‌دار می‌بخشد. بر اساس انجیل لوقا فصل چهارم عیسی در شهر ناصره، در عبادتگاه یهود، در مورد خود فرمود: "روح خداوند بر من است، او مرا مسح کرده است تا به بینوایان مژده دهم. مرا فرستاده است تا آزادی اسیران و بینایی کوران و رهایی ستمدیدگان را اعلام کنم" (انجیل لوقا فصل چهارم، آیه ۱۸) می‌بینیم که عیسی بوسیله روح‌القدس مسح شده بود تا خدمت مخصوصی را انجام بدهد. در کتاب اعمال رسولان فصل دهم، آیه ۳۸ می‌خوانیم که پطرس رسول در همین زمینه گفت "خدا، عیسی ناصری را با روح‌القدس و قدرت خود مسح کرد و می‌دانید چگونه عیسی به همه جا می‌رفت و اعمال نیک انجام می‌داد و همه کسانی را که در اسارت شیطان بسر می‌بردند رهایی می‌بخشید زیرا خدا با او بود".

در رسالهٔ اول یوحنا رسول دربارهٔ مسح شدن ایمان‌داران بوسیلهٔ روح‌القدس نوشته شده است که "اما مسیح شما را با روح‌القدس خود مسح کرده است و از اینرو همهٔ شما حقیقت را می‌دانید. من این را به آن منظور ننوشتم که شما از حقیقت بی‌خبرید، بلکه چون آنرا می‌دانید و آگاه هستید که هیچ ناراستی از راستی سرچشمه نمی‌گیرد." (رسالهٔ اول یوحنا فصل دوم، آیات ۲۰-۲۱)

پس روح‌القدس مسیحی به ما ایمان‌داران به مسیح می‌بخشد که از طریق آن قادر می‌شویم تعالیم صحیح را از تعالیم غلط تشخیص بدهیم. از آنجایی که تعالیم غلط وجود دارد و ما مسیحیان واقعی بایستی آنها را تشخیص بدهیم و از آنها دوری کنیم اهمیت مسح روح‌القدس بیشتر جلوه‌گر می‌شود.

روح‌القدس ایمان‌دار را تقدیس می‌کند

تقدیس نمودن کار دیگری است که روح‌القدس انجام می‌دهد تا ایمان‌دار به مسیح را بطرف کمال هدایت کند. در رسالهٔ اول پطرس فصل اول، آیهٔ ۲ خطاب به ایمان‌داران به مسیح نوشته شده است که "خدای پدر مطابق ارادهٔ خود شما را از ازل برگزیده است و شما بوسیلهٔ روح خدا تقدیس شده‌اید...." تقدیس شدن ایمان‌دار بوسیلهٔ روح‌القدس مفهومی است که روح‌القدس ایمان‌دار را برای خدا جدا می‌کند و پاک و مقدس می‌سازد. شخصی که از راه ایمان به مسیح خداوند و کاری که او انجام داده است نجات می‌یابد، تمام گناهانش آمرزیده می‌شود و متعلق به خدا می‌شود. چنین شخصی از یک جنبه

برای همیشه تقدیس و مقدس است که این بیان کننده وضعیت ایمان دار از نظر خداست. (می توانیم این را تقدیس وضعیتی بنامیم).
در رساله به عبرانیان فصل دهم، آیه ۱۰ نوشته شده است "پس وقتی عیسی مسیح اراده خدا را بجا آورد و بدن خود را یکبار و آنهم برای همیشه بعنوان قربانی تقدیم کرد ما از گناهان خود پاک گشتیم". سپس در آیه ۱۴ از فصل دهم رساله به عبرانیان می خوانیم "پس او (یعنی مسیح) با یک قربانی افرادی را که خدا تقدیس می کند برای همیشه کامل ساخته است". و بالاخره در آیه ۲۹ از فصل دهم رساله به عبرانیان می خوانیم "پس اگر کسی پسر خدا را تحقیر نموده و خونی را که پیمان بین خدا و انسان است را اعتبار بخشیده، او را از گناهانش پاک ساخته است ناچیز شمارد و به روح پر فیض خدا اهانت نماید با چه کیفر شدیدتری روبرو خواهد شد".

از یک جنبه، در همان لحظه ای که یک نفر از راه ایمان به مسیح نجات می یابد تقدیس هم می شود. به همین دلیل پولس رسول در رسالات خود ایمان داران را مقدسین می خواند هر چند که آنها بدون خطا نبودند. بخاطر ایمان به خون ریخته شده عیسی مسیح ما برای خدا جدا شده ایم و در نظر خدا پاک و مقدس هستیم. اما بعد از نجات همان روح القدس که ایمان دار را برای خدا جدا ساخته است مایل است او را بسوی کمال پیش ببرد تا هر روز بیشتر از لحاظ روحانی شبیه عیسی مسیح بشود. به این ترتیب جنبه دیگری از تقدیس برای ایمان دار مطرح است که با زندگی روزمره او ارتباط پیدا می کند. می توانیم این را تقدیس تدریجی بنامیم. روح القدس پیوسته ایمان دار را متوجه گناهانش می کند و او را کمک می کند که با قلبی توبه کار هر گناه را به خدا اعتراف کند و از گناه دوری کند. سهم ایمان دار این است که مطیع روح القدس باشد و تحت فرمان او زندگی

تعالیم اساسی کتاب مقدس

کند. به این ترتیب ایمان‌داری که بوسیله روح‌القدس تقدیس شده است با کمک روح‌القدس می‌تواند زندگی پاک و پیروزمندانه‌ای داشته باشد و تدریجاً از لحاظ روحانی شبیه عیسی مسیح بشود. و بالاخره آخرین جنبه تقدیس موقعی انجام می‌شود که ایمان‌داری به آسمان ربوده می‌شود و جلال می‌یابد که این در آینده و در مرحله اول بازگشت مسیح صورت خواهد گرفت. (این را تقدیس کامل می‌نامیم).

روح‌القدس فکر ایمان‌دار را روشن می‌کند

کار دیگری که روح‌القدس برای ایمان‌داران انجام می‌دهد تا بسوی کمال پیش بروند روشن نمودن افکار آنهاست. در رساله اول پولس رسول به قرن‌تین فصل دوم، آیات ۹-۱۰ اینطور به ما، ایمان‌داران به مسیح تعلیم داده شده است. "آنچه را که هرگز چشمی ندیده و گوشی نشنیده و بخاطر انسان خطور نکرده است خدا برای دوستداران خود مهیا نموده است. خدا این همه را بوسیله روح خود از راه الهام به ما آشکار ساخته است زیرا روح‌القدس همه چیز حتی کُنهِ نِیَاتِ الهی را کشف می‌کند".

روح‌القدس فکر ایمان‌دار را روشن می‌کند که کتاب مقدس را درک کند. شناخت خدا و پی بردن به آنچه که خدا برای ما ایمان‌داران به مسیح مهیا نموده است از طریق روح‌القدس امکان پذیر است. وقتی از طریق روح‌القدس به جلال و شکوه زندگی که در آینده با مسیح خواهیم داشت پی می‌بریم بیشتر تشویق می‌شویم که زندگی خداپسندانه‌ای داشته باشیم. در رساله پول رسول به افسسیان فصل اول، آیه ۱۷ می‌بینیم که پولس برای ایمان‌داران شهر افسس دعا کرد که از طریق روح‌القدس که حکمت و

الهام می‌بخشد خدا را کاملاً بشناسند. ما نیز بایستی دعا کنیم که روح‌القدس چشم دل‌مان را باز کند تا هر چه بیشتر کلام خدا را درک کنیم.

روح‌القدس برای ایمان‌دار دعا می‌کند

دعا کار دیگری است که روح‌القدس برای ایمان‌داران به مسیح انجام می‌دهد. در رسالهٔ پولس رسول به رومیان فصل هشتم، آیهٔ ۲۶ می‌خوانیم "بهمین طریق روح خدا در عین ضعف و ناتوانی، ما را یاری می‌کند زیرا ما هنوز نمی‌دانیم چگونه باید دعا کنیم، اما خود روح خدا با ناله‌هایی که نمی‌توان بیان کرد برای ما شفاعت می‌کند".

خدا را شکر که روح‌القدس می‌تواند کارهای مختلفی برای ما ایمان‌داران به مسیح انجام بدهد تا در جهت کمال پیش برویم. هدف روح‌القدس برای ما این است که از لحاظ روحانی به شباهت عیسی مسیح در بیاییم. البته باید توجه داشته باشیم که روح‌القدس خود را به زور بر ما تحمیل نمی‌کند چون او مهربان و ملایم است. بلکه او از ما انتظار دارد که پیوسته مطیعش باشیم و مطابق میلش زندگی کنیم که در این صورت می‌توانیم مطمئن باشیم که او از هر لحاظ ما را کمک می‌کند تا بسوی کمال پیش برویم. آمین.

بخش ۱۸

روح القدس

نعمات، خدمات، و تجلیات

در این قسمت به بررسی تعالیم اساسی کتاب مقدس ادامه می‌دهیم. در چند بخش قبل مطالبی درباره روح القدس و کار فعلی او به شما ارائه دادیم. در بخش گذشته گفتیم که چگونه روح القدس ایمان‌داران به مسیح را رشد می‌دهد و بسوی کمال پیش می‌برد. حالا ببینیم چطور روح القدس از طریق ایمان‌داران به مسیح دیگران را کمک می‌کند.

عطایای خدا به ایمان‌داران به مسیح در قسمتهای مختلفی از عهد جدید یافت می‌شوند. سه قسمت عمده از این قرار هستند: فصل دوازدهم رساله پولس به رومیان آیات ۶-۸؛ فصل چهارم رساله پولس به افسسیان آیه ۱۱؛ و فصل دوازدهم رساله اول پولس به قرنتیان آیات ۸-۱۰. با مطالعه این آیات می‌توان گفت که در فصل دوازدهم رساله به رومیان نعماتی ذکر شده است که از جانب پدر می‌باشند؛ در فصل چهارم رساله به افسسیان خدماتی ذکر شده است که از جانب عیسی مسیح هستند؛ و در فصل دوازدهم رساله اول به قرنتیان تجلیاتی ذکر شده است که از جانب روح القدس می‌باشند.

به این ترتیب می‌بینیم که هر سه شخص الوهیت یعنی پدر و پسر و روح‌القدس در بخشیدن عطایا به کلیسا شرکت دارند. (توجه داشته باشید که وقتی می‌گوییم کلیسا منظورمان مسیحیان واقعی هستند) اصولاً هر فرد مسیحی حداقل یک عطیه دارد و البته عده‌ای از مسیحیان از عطایای گوناگونی برخوردارند. در هر حال ما مسیحیان باید عطایایی را که از جانب خدا می‌باشند را برای خیریت دیگران بکار ببریم و خدا را جلال بدهیم.

نعمات

در رسالهٔ پولس رسول به رومیان فصل دوازدهم، آیات ۶-۸ می‌خوانیم "بنابراین ما باید نعمات مختلفی را که خدا بر طبق فیض خود به ما داده است بکار ببریم. اگر نعمت ما اعلام کلام خداست باید آن را به فراخور ایمانی که داریم انجام دهیم. اگر خدمت کردن است باید خدمت کنیم. اگر تعلیم دادن است باید تعلیم بدهیم. اگر تشویق دیگران است باید چنان کنیم. مرد بخشنده باید با سخاوت، و مدیر باید پر کار باشد و شخص مهربان با خوشی خدمت خود را انجام دهد". در آیاتی که قرائت شد هفت نعمت دیده می‌شود. در اینجا بطور خلاصه هر نعمت را تشریح می‌کنیم.

۱- **نعمت نبوت یا اعلام کلام خدا:** این نعمت، اعلام حقایق الهی است بطوری که در کلام اعلام شده است پیغام خاصی برای شنونده وجود داشته باشد. در رسالهٔ اول پولس به قرنتیان فصل چهاردهم، آیهٔ ۳ نوشته شده است "...آنکه نبوت می‌کند برای تقویت و تشویق و تسلی دیگران با آنها سخن می‌گوید".

بنابراین می‌توانیم بگوییم که هدف اصلی کسی که نبوت می‌کند باید تقویت و تشویق و تسلی ایمان‌داران به مسیح باشد. اما بعضی وقتها نعمت نبوت به منظور اخطار نمودن به دیگران هم بکار رفته است که نمونه‌اش در فصل بیست و یک کتاب اعمال رسولان، آیات ۱۰-۱۴ دیده می‌شود. در این آیات می‌خوانیم که یک نفر نبی به نام آگابوس یا آکابوس با هدایت روح‌القدس به پولس رسول اخطار نمود که یهودیان مقیم اورشلیم او را دستگیر کرده و به دست بیگانگان خواهند سپرد.

۲- **نعمت خدمت:** دومین نعمتی که در فصل دوازدهم رساله به رومیان دیده می‌شود خدمت کردن است. کلمه خدمت و کلمه خادم یا شماس در کتاب مقدس ریشه مشترکی با هم دارند. نعمت خدمت، توانایی برای انجام وظایفی است که به شخص واگذار می‌شود، بطوری که شخص با انجام این وظایف، باعث جلال خدا و باعث تقویت ایمان‌داران می‌شود. در فصل ششم کتاب اعمال رسولان آیات ۱-۶ می‌بینیم که وظیفه تقسیم خوراک روزانه بین افراد محتاج، به هفت مرد نیک نام و پراز روح‌القدس و با حکمت واگذار شد.

۳- **نعمت تعلیم:** تعلیم دادن، سومین نعمتی است که در فصل دوازدهم رساله به رومیان یافت می‌شود شخصی که از نعمت تعلیم برخوردار است می‌تواند کتاب مقدس را به نحوی توضیح بدهد و تشریح کند که دیگران به خوبی آن را درک کنند و به مقصود خدا پی ببرند.

۴- **نعمت تشویق:** تشویق دیگران چهارمین نعمتی است که در فصل دوازدهم رساله به رومیان ذکر شده است. کسی که این نعمت را دارد می‌تواند دیگران را تشویق کند که زندگی خداپسندانه‌ای

داشته باشند. ضمناً از طریق این نعمت شخص قادر می‌شود که دیگران را با فروتنی نصیحت کند و همچنین تسلی بدهد.

۵- نعمت بخشندگی: بخشنده بودن، پنجمین نعمتی

است که در فصل دوازدهم رساله به رومیان دیده می‌شود. شخص از طریق این نعمت می‌تواند با سخاوت و با دست و دلی باز به دیگران کمک کند. در نتیجه، احتیاجات دیگران رفع می‌شود، و همچنین ملکوت خدا بر روی زمین توسعه می‌یابد.

۶- نعمت مدیریت: مدیریت ششمین نعمتی است که

در فصل دوازدهم رساله به رومیان ذکر گردیده است. این نعمت شخص را قادر می‌سازد که به منظور جلال خدا دیگران را به درستی رهبری و هدایت کند.

۷- نعمت ترحم: ترحم و مهربانی کردن، آخرین یا

هفتمین نعمتی است که در فصل دوازدهم رساله به رومیان دیده می‌شود. شخصی که از این نعمت برخوردار است می‌تواند در کلام و عمل دلسوزی فوق العاده‌ای نسبت به دیگران داشته باشد.

دیدیم که هفت نعمت در فصل دوازدهم رساله به رومیان ذکر شده است. این نعمات به ایمان‌داران به مسیح داده می‌شود که برای خیریت دیگران بکار ببرند و خدا را جلال بدهند. اکنون می‌توانیم چهار خدمت را که در آیه ۱۱ از فصل چهارم رساله پولس رسول به افسسیان یافت می‌شود را بررسی کنیم.

خدمات

کلام خدا می‌فرماید که "او یعنی عیسی مسیح، خدمات مختلفی به مردم بخشید یعنی بعضی را برای رسالت، بعضی را برای نبوت، بعضی را برای بشارت و بعضی را برای شبنانی و تعلیم برگزید. تا مقدسین را در کاری که برای او انجام می‌دهند مجهز سازد تا به این وسیله بدن مسیح را تقویت نمایند". (رساله به افسسیان فصل چهارم، آیات ۱۱-۱۲). می‌بینیم که مسیح خدمتگزارانی را به کلیسا می‌بخشد تا خدمات مختلفی را برای خیریت دیگران انجام بدهند.

۱- خدمت رسالت بوسیله رسولان: خدمت رسالت

در عهد جدید دارای اهمیت ویژه‌ای بوده است. رسولان قرن اول زیربنای کلیسا و نویسندگان کتب عهد جدید بوده‌اند (افسسیان ۲:۲۰ ترجمه تفسیری). این جنبه از خدمات رسولان با مرگ آنها خاتمه یافت و قابل تکرار نیست، چون کار نوشتن کتب عهد جدید در قرن اول میلادی به پایان رسید. اما چون رسول یعنی "فرستاده شده" جنبه دیگری از خدمت رسالت در هر قرن مطرح است، خوشبختانه در هر قرن افرادی بوده‌اند که فرستاده شده‌اند تا ملکوت خدا را بر روی زمین توسعه بدهند. سفرهای پولس و خدمات او می‌تواند الگوی خوبی برای رسولان امروز باشد که فرستاده می‌شوند تا انجیل را اعلام کنند و کلیساها را تأسیس کنند.

۲- خدمت نبوت بوسیله انبیاء: خدمت نبوت را

کسانی انجام می‌دهند که قادر هستند حقایق الهی را با قدرت اعلام کنند، در نتیجه ایمان‌داران توبه کار، اصلاح و تقویت می‌شوند. در کتاب اعمال رسولان می‌بینیم که انبیاء ایمان‌داران را تشویق و تقویت می‌نمودند و آنها را در ایمان بنا می‌کردند (اعمال فصل پانزدهم، آیه ۳۲).

۳- خدمت بشارت بوسیلهٔ مبشرین: خدمت بشارت

در رابطه با کسانی است که مژدهٔ نجات را اعلام می‌کنند و گمشدگان را به سوی مسیح هدایت می‌کنند.

۴- خدمت شبانی و تعلیم بوسیلهٔ شبانان: با در نظر

گرفتن زبان اصلی می‌توانیم بگوییم که شبانی و تعلیم توأمأ یک خدمت محسوب می‌شود. شبانان افرادی هستند که کلیساهای محلی را سرپرستی می‌کنند و اموری از قبیل تغذیه و پرورش و محافظت روحانی ایمان‌داران را به عهده دارند. هر چند که خدمت اصلی شبانان، تعلیم و شبانی ایمان‌داران به مسیح است اما ممکن است که آنها بشارت هم بدهند. در رسالهٔ دوم تیموتاوس فصل چهارم، آیهٔ ۵ می‌بینیم که پولس رسول به تیموتاوس که شبان بود فرمود که کار مبشر را انجام بدهد. تا اینجا نعمات ذکر شده در فصل دوازدهم رساله به رومیان و خدمات ذکر شده در فصل چهارم رساله به افسسیان را بررسی کردیم. اکنون به تجلیات یا مظاهری می‌پردازیم که از جانب روح القدس هستند.

تجلیات

در رسالهٔ اول پولس رسول به قرنتیان فصل دوازدهم، آیات ۸-۱۰، نُه تجلی روح القدس ذکر شده است. کلام خدا می‌فرماید "در هر فرد، روح خدا به نوعی خاص برای خیریت تمام مردم تجلی می‌کند، مثلاً روح القدس به یکی بیان حکمت عطا می‌کند و به دیگری بیان معرفت. به یکی ایمان می‌بخشد و به دیگری قدرت شفا دادن، به یکی قدرت اعجاز و به دیگری قدرت نبوت و به سومی عطیهٔ تشخیص ارواح را عطا می‌کند، به یکی قدرت تکلم به زبانها و به دیگری قدرت ترجمهٔ زبانها را

می‌بخشد" (رساله اول به قرن‌تینان فصل دوازدهم، آیات ۷-۱۰) و اما تشریح مختصر هر یک از این تجلیات روح‌القدس:

۱- **بیان حکمت:** بیانی است که با حکمتی الهی آمیخته باشد. به همین علت می‌تواند دیگران را راهنمایی کند. گفتار حکیمانه یک ایمان‌دار که از روح‌القدس ناشی شده است می‌تواند در وضعیت‌هایی خاص باعث خیریت دیگران بشود.

۲- **بیان معرفت:** بیانی است که معرفتی الهی در آن وجود دارد به همین علت می‌تواند برای پیشرفت ملکوت خدا مفید باشد. کلام علم که از روح‌القدس سرچشمه می‌گیرد می‌تواند دیگران را متوجه حقایقی از کتاب مقدس بکند و باعث خیریت آنان بشود.

۳- **ایمان:** این ایمان ماوراء ایمانی است که باعث نجات شخص می‌شود. در اینجا ایمانی مطرح است که شخص را قادر می‌سازد تا اراده خدا را درک کند و برای انجام کارهای عظیم به او اعتماد کند.

۴- **هدایای شفاه:** از آنجایی که امراض مختلفی وجود دارند در آیه ۹ از فصل دوازدهم رساله اول به قرن‌تینان، شفا بصورت جمع یعنی شفاه ذکر شده است. خدا می‌تواند ایمان‌داران مختلف را بعنوان وسیله بکار برد تا بیماران از بیماری‌های مختلف شفا بیابند.

۵- **معجزات:** توانایی الهی برای انجام کارهای بزرگ می‌باشد، بنحوی که این معجزات وسیله تأیید پیغام نجات بخش مسیح بشوند و خدا جلال بیابد. (مرقس فصل شانزدهم، آیه ۲۰)

۶- **نبوت:** در مورد نبوت یا اعلام کلام خدا قبلاً صحبت کردیم. نبوت عطیه مهم و جالبی است که هم در فصل دوازدهم

رساله به رومیان و هم در فصل چهارم رساله به افسسیان درباره نبوت می‌خوانیم.

۷- تشخیص ارواح: توانایی الهی برای تشخیص

ارواح خوب از ارواح پلید است. این عطیه ایمان‌دار را قادر می‌سازد که تشخیص بدهد کدام اعمال یا سخنان سرچشمه‌اش از خداوند است و کدام اعمال یا سخنان سرچشمه‌اش از شیطان است.

۸- اقسام زبانها: توانایی الهی برای صحبت به

زبانهای است که برای صحبت کننده ناشناس است. (اول قرن‌تینان فصل چهاردهم، آیات ۲ و ۲۸)

۹- ترجمه زبانها: توانایی الهی برای ترجمه زبانهای

ناشناس می‌باشد.

در مورد تجلیات یا مظاهر روح‌القدس باید این مطلب مهم را در نظر داشته باشیم که بر اساس آیه ۷ از فصل دوازدهم رساله اول به قرن‌تینان در هر فرد روح‌القدس به نوعی خاص برای خیریت تمام مردم تجلی می‌کند. به این ترتیب می‌بینیم که عطایا بایستی برای خیریت دیگران و به منظور کمک به دیگران بکار بروند. در رساله اول پولس به قرن‌تینان فصل دوازدهم، آیات ۲۴-۲۵ می‌خوانیم "خدا اعضای بدن را طوری به هم مربوط ساخته که به اعضای پست‌تر بدن اهمیت بیشتری داده می‌شود تا به این ترتیب در بین اعضای بدن ناهماهنگی بوجود نیاید، بلکه تمام اعضا نسبت به یکدیگر توجه متقابل داشته باشند".

با توجه به این آیات می‌فهمیم که هدف اصلی از بخشیده شدن عطایا تقویت کلیسای عیسی مسیح است. عطایای خدا بایستی در جهت تقویت کلیسا و اتحاد هر چه بیشتر میان مسیحیان بکار بروند. نه اینکه بر اثر

استفاده غلط از عطایا، بین مسیحیان تفرقه بوجود بیاید و کلیسا تضعیف بشود.

خدا را شکر که روح القدس در وجود ما ایمان داران به مسیح زندگی می کند و ما را به سوی کمال پیش می برد. اگر دائماً به او متکی باشیم می توانیم عطایایی را که داریم به بهترین نحو برای خیریت دیگران بکار ببریم و باعث جلال خداوند بشویم.

دعای ما این است که شما برادر و خواهر مسیحی که این درس را خوانده اید بتوانید عطایای خدا را برای منفعت دیگران بکار ببرید و باعث تقویت کلیسا بشوید.

فیض عیسای خداوند بطور روز افزون با شما باشد. آمین.

تعاليم اساسی كتاب مقدس

بخش ۱۹

کتاب مقدس

کلام خدا برای انسان

درودها در نام خداوند ما عیسی مسیح. خوشحالیم که به بحث جدیدی از سری دروس تعالیم اساسی کتاب مقدس رسیده‌ایم. در این درس و درسهای بعد صحبت ما پیرامون خود کتاب مقدس خواهد بود و خواهیم دید که کتاب مقدس کلام خدا برای انسان است.

منابع کسب دانش درباره خدا

انسان از دو طریق می‌تواند درباره خدا آگاهی بیابد. طریق اول دنیائی است که آفریده شده و انسان در آن زندگی می‌کند، و طریق دوم کتاب مقدس است. کلام خدا به روشنی بیان می‌کند که یک انسان متفکر به راحتی می‌تواند دست آفریدگار را در پشت چیزهایی که با چنین مهارتی آفریده شده است مشاهده کند. در واقع برای یک انسان متفکر مشکل تر است که قبول کند آفریدگاری وجود ندارد تا اینکه آفریدگار پر قدرت و با فراستی عالم هستی را خلق نموده است. پولس رسول تحت الهام روح القدس نوشت: "از زمان آفرینش دنیا صفات نادیدنی او یعنی قدرت ازلی و طبیعت الهی او در چیزهایی که او آفریده

است به روشنی مشاهده می‌شود و از این رو آنها ابداً عذری ندارند" (رساله به رومیان فصل اول، آیه ۲۰)

به زبانی ساده‌تر این آیه به ما اعلام می‌کند که انسان از طریق آنچه که آفریده شده می‌تواند به قدرت ازلی و طبیعت الهی آفریدگار پی‌ببرد. البته کلام خدا این مطلب را هم روشن می‌سازد که انسان در جستجوی خدا از طریق چیزهایی که آفریده شده نمی‌تواند با خدا رابطه شخصی پیدا کند. دانستن این مطلب که خدا وجود دارد و او آفریننده عالم هستی است بخودی خود باعث نمی‌شود که انسان با خالق خود رابطه شخصی و روحانی پیدا کند. به این ترتیب اهمیت کتاب مقدس جلوه‌گر می‌شود که خدا از طریق آن به طرزی مخصوص خود را آشکار نموده است. پس کتاب مقدس در زندگی و تاریخ بشر نقش بسیار مهمی را داشته است.

کتاب مقدس - کلام خدا

حقانیت عهد عتیق

ممکن است یک نفر سؤال کند که "چرا فکر می‌کنید کتاب مقدس کلام خدا برای انسان است؟" دلایل گوناگون و خوبی وجود دارند که ما را متقاعد می‌سازند کتاب مقدس کلام الهام شده خداوند است. ابتدا اینکه، خود کتاب مقدس اعلام می‌کند که کلام خداوند است. عهد عتیق بارها و بارها اظهار می‌دارد که پیغامش مستقیماً از طرف خداست. در کتاب تثنیه فصل چهارم، آیه ۲ نوشته شده "بر کلامی که من به شما امر می‌فرمایم چیزی می‌فزایید و چیزی از آن کم ننمایید تا اوامر یهوه خدای خود را که به شما امر می‌فرمایم نگاه دارید".

در ارمیاء نبی فصل اول، آیات ۷-۹ اینطور نوشته شده است که "اما خداوند مرا گفت (یعنی خداوند به ارمیاء گفت) مگو من طفل هستم زیرا هر جایی که ترا بفرستم خواهی رفت و به هر چه ترا امر فرمایم تکلم خواهی نمود. از ایشان مترس زیرا خداوند می‌گوید من با تو هستم و ترا رهائی خواهم داد. آنگاه خداوند دست خود را دراز کرده دهان مرا مسح کرد و خداوند به من گفت اینک کلام خود را در دهان تو نهادم". علاوه بر این دو نمونه که یکی از شریعت و دیگری از انبیاء بود، نمونه‌های زیادی وجود دارند که تأیید می‌کنند عهد عتیق کلام خدا است. در اولین فصل کتاب پیدایش عبارت "خدا گفت" ده بار تکرار شده است. در سرتاسر عهد عتیق عباراتی نظیر "خداوند گفت" یا "خداوند سخن گفت" یا "کلام خداوند نازل شد" حدوداً سه هزار و هشتصد و هشت بار تکرار شده است. بطور یقین نویسندگان عهد عتیق می‌دانستند که آشکار کننده اراده خدا هستند و به همین دلیل غالباً پیغام خود را با عباراتی مثل "خداوند می‌فرماید" شروع می‌کردند. بنابراین عهد عتیق کتابی است که خود ادعا می‌کند از جانب خدا است.

حقانیت عهد جدید

نویسندگان عهد جدید نیز ذکر نموده‌اند که خود و سایر نویسندگان کتاب مقدس دارای الهام الهی بوده‌اند. در رساله دوم پطرس رسول فصل اول، آیات ۲۰-۲۱ می‌خوانیم "اما بیش از همه چیز این را به یاد داشته باشید که هیچکس نمی‌تواند به تنهایی پیشگویی‌های کتاب مقدس را تفسیر کند زیرا هیچ پیشگویی از روی نقشه و خواسته انسان

بوجود نیامده است، بلکه مردم تحت تاثیر روح القدس کلام خدا را بیان نمودند".

در عهد جدید چندین قسمت وجود دارد که نشان می‌دهند نویسندگان می‌دانستند خدا آنها را بکار برده است تا پیغام او را به ما برسانند. در رساله اول به قرن‌تینان فصل دوم، آیه ۱۳ پولس رسول نوشت "ما درباره این حقایق با عباراتی که از حکمت انسان ناشی می‌شود سخن نمی‌گوییم، بلکه با آنچه که روح القدس به ما می‌آموزد....". و در رساله اول به قرن‌تینان فصل چهارم، آیه ۳۷ پولس رسول نوشت "اگر کسی خود را نبی بخواند یا دارای عطایای روحانی دیگر بداند باید تصدیق کند که آنچه را می‌نویسم دستور خداوند است".

پطرس رسالات پولس را بعنوان کلام خدا تایید می‌کند

این مطلب قابل توجه است که پطرس رسول رسالات پولس رسول را کلام خدا دانسته است. جالب اینجاست که در رساله پولس به غلاطیان دیده می‌شود که در انطاکیه پولس در مقابل دیگران پطرس را سرزنش کرد چون او با دلیری بر طبق حقیقت انجیل رفتار نکرده بود! (این موضوع در فصل دوم رساله به غلاطیان یافت می‌شود). اما با وجود این تجربه، پطرس بعداً در دومین رساله خود نوشت "خاطر جمع باشید که صبر و حوصله خداوند ما برای نجات شماست، همچنانکه برادر عزیز ما پولس نیز با استفاده از حکمتی که خدا به او عنایت کرد به شما نوشته است. او در تمام نامه‌های خود درباره این چیزها می‌نویسد. در این نامه‌ها گاهی مطالب دشواری هست که مردمان جاهل و ناپایدار از آنها

تفسیر غلط می‌کنند، همانطور که با قسمتهای دیگر کتاب مقدس هم رفتار می‌کنند و از این راه هلاکت را نصیب خود می‌سازند".
در اینجا پطرس رسالات پولس را هم سطح "قسمتهای دیگر کتاب مقدس" قرار داده است و به این ترتیب بیان نموده که رسالات پولس، کلام خدا هستند.

عیسی در مورد عهد جدید سخن می‌گوید

و عیسی کمی قبل از مصلوب شدن به رسولان خود فرمود "چیزهای بسیاری هست که باید به شما بگویم ولی شما فعلاً طاقت شنیدن آنها را ندارید. در هر حال، وقتی او که روح راستی است بیاید شما را به تمام حقیقت رهبری خواهد کرد زیرا از خود سخن نخواهد گفت بلکه فقط درباره آنچه بشنود سخن می‌گوید و شما را از امور آینده با خبر می‌سازد" (انجیل یوحنا فصل شانزدهم، آیات ۱۲-۱۳)

می‌بینیم که خود عیسی مسیح خداوند بیان نموده است که روح القدس رسولان او را به حقایقی هدایت خواهد کرد که تا آن موقع نیاموخته بودند. وقتی عیسی این مطلب را به شاگردان خود فرمود هنوز به آسمان بالا نرفته بود. اما بعد از مرگ و زنده شدن مجدد و صعود عیسی به آسمان روح القدس فرستاده شد و عده‌ای از پیروان مسیح تحت الهام او عهد جدید را نوشتند.

به این ترتیب در مورد اینکه عهد عتیق و عهد جدید هر دو کلام الهام شده خدا هستند دلایل محکمی وجود دارند.

کتاب مقدس ثابت می‌نماید که کلام خداوند است

بعضی اشخاص اعتبار کتاب مقدس را مورد سؤال قرار می‌دهند! باید توجه داشته باشیم که نه فقط کتاب مقدس ادعا کرده است که کلام خداست بلکه این ادعا را هم ثابت نموده است. می‌دانیم که ادعا کردن و ثابت نمودن دو موضوع متفاوت هستند. در طول قرنهای گذشته کتاب مقدس ثابت نموده که کلام خداست. حدود یک هزار و چهارصد سال قبل از میلاد مسیح هنگامیکه شریعت داده شد معجزاتی هم به وقوع پیوست که مردم بفهمند آن شریعت از طرف خدا بوده است. قوم اسرائیل بخاطر شواهد موجود نمی‌توانستند نقش خدا را انکار کنند. وقتی موسی از حضور خدا بازگشت می‌نمود تا قوانین خدا را با مردم در میان بگذارد صورتش چنان می‌درخشید که قوم اسرائیل طاقت نداشتند به صورت نورانی موسی نگاه کنند.

در عهد جدید شواهد زیادی در مورد حضور خدا در روز پنطیکاست وجود داشت. در روز پنطیکاست افرادی از چهارده ملت مختلف که در اورشلیم اقامت داشتند شرح کارهای بزرگ خدا را به زبان خود شنیدند. در کتاب اعمال رسولان فصل دوم، آیات ۷-۸ می‌خوانیم که آن افراد "در کمال تعجب اظهار داشتند، مگر همه این کسانی که صحبت می‌کنند (یعنی پیروان عیسی مسیح) جلیلی نیستند؟ پس چطور است که همه ما فرداً فرد پیام آنان را به زبان خودمان می‌شنویم؟"

در مواقع لازم معجزات به همراه موعظه انجیل به وقوع پیوسته است. اصولاً موقعی معجزه به وقوع می‌پیوندد که خدا وقوع معجزه را ضروری بداند. عیسی در موقع محاکمه و مصلوب شدن، بمنظور رهایی از مشکلات و مرگ برای خود معجزه نکرد، ولی او در طول سالهای آخر

زندگی زمینی‌اش برای رفع احتیاجات دیگران معجزات زیادی انجام داد (این معجزات در اناجیل دیده می‌شوند). در طی قرون گذشته کتاب مقدس از راههای مختلف مورد آزمایش قرار گرفته است و پیوسته ثابت نموده که کلام خداوند است. تاکنون کتاب مقدس مورد نفرت قرار گرفته است، برضدش سخن گفته شده است، به آتش کشیده شده است، غیرقانونی اعلام شده است ولی با وجود همه اینها پا برجا و استوار است. این کتاب بی‌نظیر نه فقط به صدها زبان ترجمه شده و در دسترس میلیونها نفر قرار گرفته است بلکه زندگی افراد بسیاری را در نقاط مختلف دنیا عوض نموده است. آنانی که خداوند و نجات دهنده‌ای را که کتاب مقدس معرفی می‌کند در قلب خود دریافت کرده‌اند از حقانیت کتاب مقدس با خبر هستند.

جای هیچ تردیدی نیست که کتاب مقدس کلام خدا برای انسان است. در کتاب مقدس نوشته شده "ای خداوند، کلام تو تا ابدالابد در آسمانها پایدار است" (مزمور صد و نوزدهم، آیه ۹). چون کتاب مقدس کلام خداست لازم است که به اخطار نویسنده رساله به عبرانیان توجه داشته باشیم که می‌گوید "مراقب باشید که از شنیدن صدای او که سخن می‌گوید رونگردانید. آنها که از شنیدن سخنان کسی که در روی زمین سخن می‌گفت سر باز زدند به کیفر خود رسیدند (یعنی قوم بنی اسرائیل که از شنیدن سخنان موسی سر باز زدند). سپس می‌خوانیم "پس ما اگر از گوش دادن به آن کسی که از آسمان سخن می‌گوید رو گردانیم دچار چه کیفر شدیدتری خواهیم شد" (رساله به عبرانیان فصل دوازدهم، آیه ۲۵). خواننده گرامی در درس بعد، مطالعه‌مان درباره کتاب مقدس را ادامه خواهیم داد.

تعاليم اساسی كتاب مقدس

بخش ۲۰

کتاب مقدس

کلام خدا برای انسان

در بخش قبل مطالبی پیرامون کتاب مقدس را با شما در میان گذاشتیم و توضیح دادیم که این کتاب بی‌نظیر کلام خدا برای انسان است. دیدیم که انسان از دو طریق می‌تواند درباره‌ی خدا آگاهی بیابد. یک طریق آفرینش است که بر آفریدگار پر قدرت و با فراست شهادت می‌دهد، و طریق دوم کتاب مقدس است که مکاشفه‌ی مخصوص خدا به انسان است. انسان از طریق آفرینش نمی‌تواند نجات بیابد و با خالق خود رابطه‌ی شخصی پیدا کند؛ اما کتاب مقدس راه نجات را به انسان نشان می‌دهد. پس برای نجات انسان کتاب مقدس که کلام خداست کاملاً ضروری می‌باشد. در بخش گذشته همچنین مشاهده کردیم که هر دو قسمت کتاب مقدس (یعنی عهد عتیق و عهد جدید) نه فقط مدعی هستند که کلام خدا می‌باشند بلکه این ادعا را ثابت کرده‌اند. در طول قرنهای متمادی کتاب مقدس با وجود تمام مخالفتها و ضدیتها پا برجا و استوار مانده است و ثابت نموده که کلام خدا برای انسان است.

گذشته غیرعادی کتاب مقدس

بسیاری کتاب مقدس را بزرگترین مجموعه نوشته شده عالم دانسته‌اند. هیچ کتاب دیگری مثل کتاب مقدس گذشته‌اش غیرعادی نبوده است. کتاب مقدس مجموعاً از شصت و شش کتاب تشکیل شده است که از نظر ضخامت با هم متفاوت هستند. کتاب مقدس حدوداً در طول هزار و ششصد سال، یعنی از سال هزار و پانصد قبل از میلاد تا سال صد بعد از میلاد مسیح بوسیله تقریباً چهل نفر نوشته شده است. در بین نویسندگان کتاب مقدس پادشاهان، کاهنان، وکلا، چوپانان، ماهیگیران، و باجگیران به چشم می‌خورند. آنها در واقع نمایندگان تمام قسمتهای دنیای قدیم می‌باشند. از صحرای سینا گرفته تا پرتگاههای واقع در عربستان، از شهرهای کوچک فلسطین گرفته تا شهرهای بزرگ در بابل، از صحنهای معبد گرفته تا زندان در محل تبعید.

یگانگی کتاب مقدس

با وجود اینکه کتاب مقدس توسط اشخاص مختلفی نوشته شده است که در زمانها و مکانهای متفاوتی بسر می‌بردند، تمامی شصت و شش کتاب کتاب مقدس دارای یک موضوع مشخص و مرکزی هستند. این موضوع عبارتست از جدایی انسان از خدا بخاطر گناه و تدارک خدا برای بازگرداندن انسان به سوی خویش. شهادت سرتاسر کتاب مقدس این است که انسان گناهکار از طریق اعمال خود نمی‌تواند نجات بیابد؛ بلکه نجات به سبب لطف و فیض خدا و از طریق ایمان به خدا و طرح او، به انسان داده می‌شود. در اولین کتاب کتاب مقدس سقوط انسان و جدایی او از خدا بخاطر گناه مطرح گردیده است و در آخرین کتاب

کتاب مقدس می‌بینیم که تمام ایمان‌داران در مشارکت با خدا ابدیت را در حضور او خواهند گذراند.

پیشگویی کتاب مقدس

دلیل دیگری که ما را متقاعد می‌کند که کتاب مقدس کلام خداوند است این است که بر تاریخ بشر کنترل دارد. هزاران سال پیش کتاب مقدس در مورد ملل مختلف پیشگویی نموده که قسمتی در گذشته به وقوع پیوسته است و قسمتی هم در آینده به وقوع خواهد پیوست. گرچه انسان در مواقع بسیاری برخلاف میل خدا عمل نموده، اما کتاب مقدس به ما ثابت می‌کند که تاریخ انسان در کنترل خداوند است.

تاثیر خوب کتاب مقدس

واقعیت این است که هر کجا کتاب مقدس بطور صحیح و واضح تعلیم داده شده است، مردان رهایی یافته و زنان به مقام و منزلتی که خدا برای آنها در نظر داشته است رسیده‌اند. هر چند افراد مغرض در سرتاسر جهان (مخصوصاً افراد منکر خدا) تعلیم مسیحیت را رد نموده و به غلط گفته‌اند که تعلیم مسیحیت مردان و زنان را در اسارت نگاه می‌دارد! ولی در واقع آنانیکه تعلیم مسیحیت را نپذیرفته‌اند در اسارت‌های گوناگون بسر می‌برند که این اسارت‌ها از گناه ناشی می‌گردند.

صحت شگفت‌انگیز کتاب مقدس

یکی دیگر از دلایلی که وجود دارد و ما را متوجه می‌کند که کتاب مقدس کلام خداوند است صحیح بودن اظهارات موجود در کتاب

مقدس است. اگر چه کتاب مقدس مدعی نبوده که یک کتاب علمی است، اما جالب این است که در کتاب مقدس موضوعات علمی گوناگونی وجود دارد که تاکنون علم نتوانسته است خلاف آنها را ثابت کند. کتاب ایوب قدیمی‌ترین کتاب در کتاب مقدس است. این کتاب حدوداً هزار و پانصد سال قبل از میلاد مسیح نوشته شده است (یعنی در حدود سه هزار و پانصد سال قبل) در کتاب ایوب می‌بینیم که چگونگی تشکیل باران ذکر شده است. این مطلب که آب تبخیر می‌شود، بخار آب به آسمان بالا می‌رود، سرد می‌شود و بصورت باران به زمین فرو می‌ریزد در کتاب ایوب یافت می‌شود. می‌فرماید "اینک خدا متعال است و او را نمی‌شناسیم، و شماره سالهای او را تفحص نتوان کرد. زیرا که قطره‌های آب را جذب می‌کند و آنها باران را از بخارات آن می‌چکاند. که ابرها آن را بشدت می‌ریزد، و بر انسان به فراوانی می‌چکد. آیا کیست که بفهمد ابرها چگونه پهن می‌شوند، یا رعدهای خیمه او را بدانند؟" (ایوب فصل سی و ششم، آیات ۲۶-۲۹)

اکنون نمونه‌های دیگری را به شما ارائه می‌دهیم که ما را متوجه می‌کنند که تعالیم کتاب مقدس از لحاظ علمی هم صحیح و معتبر است. در کتاب ایوب فصل بیست و ششم، آیه ۷ ذکر شده است که زمین در فضا آویزان است و بر چیزی وصل نیست. می‌فرماید "او شمال را بر جو پهن می‌کند، و زمین را بر نیستی آویزان می‌سازد". باز در کتاب ایوب نوشته شده است که "او دایره‌ای بر سطح آبها ترسیم نموده است، در مرز روشنایی و تاریکی" (ایوب فصل بیست و ششم، آیه ۱۰).

این آیه نشان می‌دهد که شب و روز به علت گردش زمین در رابطه با خورشید بوجود می‌آید. امروزه وقتی ما این مطالب را در کتاب مقدس می‌خوانیم برایمان موضوعاتی عادی به شمار می‌آیند چون حقایق علمی

و ثابت شده هستند. اما باید در نظر داشته باشیم که خدا این اطلاعات را در حدود سی و پنج قرن قبل در اختیار انسان قرار داده است و در آن موقع علم انسانی به چنین حقایقی پی نبرده بود آیاتی را که از کتاب ایوب نقل کردیم فقط چند نمونه از نمونه‌های بسیاری هستند که در کتاب مقدس یافت می‌شوند و ثابت می‌کنند که کتاب مقدس از لحاظ علمی نیز صحیح و معتبر است.

حکمت عظیم کتاب مقدس

کتاب مقدس نه فقط سرشار از حقایق است، بلکه حکمتی که در آن وجود دارد بیش از حکمتی است که در مجموع تمام کتابهای دنیا یافت می‌شود. کتاب امثال سلیمان نبی خود به تنهایی برای زندگی فردی و اجتماعی انسان پندهای بسیار خوبی را ارائه داده است. در اینجا از کتاب امثال سلیمان نبی که بیش از سی فصل است آیاتی را انتخاب کرده‌ایم و برایتان می‌نویسیم. این آیات که مثل مشتکی در مقابل خروار می‌باشند بیان‌کننده حکمت عظیمی هستند که در کتاب مقدس یافت می‌شود. می‌فرماید "بر همسایه‌ات قصد بدی مکن، هنگامی که او نزد تو در امنیت ساکن است. با کسی که به تو بدی نکرده است، بی سبب مخاصمه منما" (امثال فصل سوم، آیات ۲۹-۳۰).

"ای شخص کاهل نزد مورچه برو، و در راههای او تامل کن و حکمت را بیاموز. که ویرا پیشوایی نیست، و نه سرور و نه حاکمی. اما خوراک خود را در تابستان مهیا می‌سازد، و آذوقه خویش را در موسم حصاد جمع می‌کند. ای کاهل تا به چند خواهی خوابید، و از خواب خود کی خواهی برخواست؟ اندکی خفت و اندکی خواب، و اندکی برهم نهادن دستها به

جهت خواب. پس فقر مثل راهزن بر تو خواهد آمد، و نیازمندی بر تو مانند مرد مسلح". (امثال فصل ششم، آیات ۶-۱۱)

"شش چیز است که خداوند از آنها نفرت دارد، بلکه هفت چیز که نزد جان وی مکروه است. چشمان متکبر و زبان دروغگو، و دستهایی که خون بی‌گناه را می‌ریزد. دلی که تدابیر فاسد را اختراع می‌کند، پایهایی که در زیان کاری تیزرو می‌باشند. شاهد دروغگو به کذب متکلم شود، و کسی که در میان برادران نزاعها بپاشد" (امثال فصل ششم، آیات ۱۶-۱۹)

هدف کتاب مقدس این است که انسان را به آغوش سرشار از برکت و محبت خدا برگرداند. کتاب مقدس حقیقتاً کلام خدا برای انسان است. پولس رسول نوشت "تمام کتاب مقدس از الهام خداست و برای تعلیم حقیقت، سرزنش خطا، اصلاح معایب و پرورش ما در نیکی مطلق مفید است تا مرد خدا برای هر کار نیکو کاملاً آماده و مجهز باشد" (رساله دوم به تیموتاوس فصل سوم، آیات ۱۶-۱۷)

اگر شما برادر و خواهر مسیحی مایلید بطرز شایسته‌ای خدا را خدمت کنید و ملکوت او را توسعه بدهید لازم است که با جدیت و پشتکار کتاب مقدس را بیاموزید. آنچه را که امروز می‌آموزید فردا می‌توانید در جهت گسترش ملکوت خدا بکار ببرید. دعای ما این است که تمام فرزندان خدا به ارزش کتاب مقدس پی ببرند و به منظور خیریت خود و دیگران از کتاب مقدس استفاده کنند. آمین.

بخش ۲۱

آفرینش

انسان و دنیای او

در این درس پیرامون آفرینش مطالبی می‌آموزیم. معمولاً موضوع آفرینش بطور جداگانه در تعالیم اساسی کتاب مقدس مورد بررسی قرار نمی‌گیرد. اما باید در نظر داشته باشیم که آفرینش موضوعی بسیار مهم و بنیادی است.

خدا بخاطر آفرینش پرستیده می‌شود

در کتاب مکاشفه که آخرین کتاب، کتاب مقدس است وقایع مربوط به زمان آینده ثبت شده است. در فصلهای چهارم و پنجم این کتاب صحنه‌ای از پرستش خدا در عالم بالا دیده می‌شود. فصل چهارم کتاب مکاشفه دربارهٔ تخت‌نشین سخن می‌گوید که موجوداتی روحانی در حضور او می‌باشند. چهار موجود زنده که بنظر می‌رسد، فرشتگان بسیار مقرب خدا هستند که در اطراف تخت او قرار دارند و شب و روز خدا را می‌پرستند و می‌گویند "قدوس، قدوس، قدوس خداوند خدای قادر مطلق که بود و هست و خواهد آمد". (مکاشفهٔ یوحنا ی رسول فصل چهارم، آیهٔ ۸) سپس در آیات ۱۰-۱۱ می‌خوانیم "آن بیست و چهار پیر در برابر تخت نشین که تا ابد زنده است

تعالیم اساسی کتاب مقدس

سجده می‌کنند و او را می‌پرستند و تاجهای خود را در جلوی تخت او می‌اندازند و فریاد می‌زنند، ای خداوند و خدای ما، تو تنها شایسته‌ای که صاحب جلال و حرمت و قدرت باشی، زیرا تو همه چیز را آفریدی و به اراده تو آنها هستی و حیات یافتند."

خدا در آفرینش حاکم نهایی است

صحنه پرستش خدا در عالم بالا و آیات مربوطه ما را متوجه می‌کنند که خدا به این علت پرستیده می‌شود که آفریننده عالم هستی است و همه چیز به اراده او هستی و حیات یافته‌اند. هر انسان و هر فرشته‌ای زندگی و نفس خود را مدیون آفریدگار مقتدر است.

در کتاب ایوب می‌خوانیم "اگر او دل خود را به وی مشغول سازد، اگر روح و نفس خویش را نزد خود بازگیرد. تمامی بشر با هم هلاک می‌شوند و انسان به خاک باز می‌گردد." (ایوب فصل سی و چهارم، آیات ۱۴-۱۵)

بنابراین خدا نه فقط آفریننده عالم هستی است بلکه از عالم هستی نگهداری می‌کند. وقتی خدا به شکایات ایوب و اتهامات دوستان او پاسخ داد او اقتدار و حاکمیت نهایی خود را در آفرینش بیان نمود.

در کتاب ایوب فصل سی و هشتم، آیات ۴-۷ می‌بینیم که خدا فرمود "وقتی که زمین را بنیاد نهادم کجا بودی! بیان کن اگر فهم داری، کیست که آن را اندازه‌گیری نمود اگر می‌دانی؟ و کیست که ریسمان‌کار را بر آن کشید؟ پایه‌هایش بر چه چیز گذاشته شد؟ و کیست که سنگ زاویه‌اش را نهاد، هنگامی که ستارگان صبح با هم ترنم نمودند، و جمیع پسران خدا آواز شادمانی دادند؟"

در طول فصل سی و هشتم و فصل سی و نهم کتاب ایوب، خدا دربارهٔ جنبه‌های گوناگون خلقت خویش سخن می‌گوید و چیزهایی که غیر از او هیچکس نمی‌تواند انجام بدهد.

مقصود از آفرینش

یکی از دلایل اصلی آفرینش این است که آفریننده مورد پرستش قرار بگیرد. در آیات ۱-۴ از مزمور نوزدهم می‌خوانیم "آسمان جلال خدا را بیان می‌کند، و فلک از عمل دستهایش خبر می‌دهد. روز سخن می‌راند تا روز و شب معرفت را اعلان می‌کند تا شب. سخن نیست و کلام نی، و آواز آنها شنیده نمی‌شود. قانون آنها در تمام جهان بیرون رفت، و بیان آنها تا اقصای ربع مسکون." مقصود از آفرینش پرستش آفریدگار است. تمام کسانی که به خدای حقیقی ایمان دارند معتقدند که او خالق عالم هستی است.

حضور فعال عیسی در آفرینش

گفتیم که خدا به این علت پرستیده می‌شود که آفرینندهٔ عالم هستی است. هر چند که عده‌ای از حضور فعال عیسی در آفرینش بی‌خبرند، اما واقعیت این است که او پیش از جسم گردیدن و ساکن شدنش در این جهان، نقش مهمی در آفرینش داشته است. در انجیل یوحنا فصل اول، آیات ۱-۳ و آیهٔ ۱۴ نوشته شده است "در ازل کلمه بود. کلمه با خدا بود و کلمه خود خدا بود. از ازل کلمه با خدا بود. همه چیز بوسیلهٔ او هستی یافت و بدون او چیزی آفریده نشد."

"پس کلمه انسان شد و در میان ما ساکن گردید. ما شکوه و جلالش را دیدیم، شکوه و جلالی شایسته فرزند یگانه پدر و پسر از فیض و راستی". این آیات بطور واضح به ما می‌گویند که عیسی قبل از آنکه به شکل انسان در میان ما ساکن بشود در آفرینش شرکت داشته است. پولس رسول در مورد نقش عیسی در آفرینش نوشت "بوسیله او (یعنی بوسیله عیسی مسیح) هر آنچه در آسمان و زمین است، دیدنی‌ها و نادیدنیها، تختها، پادشاهان، حکمرانان و اولیاء امور آفریده شدند، آری تمام موجودات بوسیله او و برای او آفریده شد" (رساله به کولسیان فصل اول، آیه ۱۶) به این ترتیب می‌بینیم که عیسی مسیح در آفرینش دیدنی‌ها و نادیدنیها که فرشتگان را هم شامل می‌شود نقش به‌سزایی داشته است.

حضور فعال روح القدس در آفرینش

نه فقط خدای پدر و پسر او عیسی خداوند در آفرینش عالم هستی شرکت داشتند بلکه روح القدس نیز عاملی فعال در آفرینش بوده است. دومین آیه کتاب مقدس درباره روح القدس چنین می‌فرماید "و زمین تهی و بائر بود (یعنی زمین خالی و بدون شکل بود) و تاریکی بر روی لجه (یعنی تاریکی روی آبهای سطح زمین را پوشانده بود) و روح خدا (یعنی روح القدس) سطح آبها را فرو گرفت." (کتاب پیدایش فصل اول، آیه ۲)

بر اساس کتاب مقدس روح القدس همانند پدر و پسر در آفرینش آسمانها و زمین سهیم بوده است. در کتاب ایوب در مورد آفرینش انسان می‌خوانیم که الیهو چنین گفت "روح خدا مرا آفریده، و نفس قادر مطلق مرا زنده ساخته است" (ایوب فصل سی و سوم، آیه ۴)

به این ترتیب می‌بینیم که هر سه شخص الوهیت یعنی پدر و پسر و روح‌القدس در کار آفرینش شرکت داشته‌اند.

آفرینش برای اصلاح فهم انسان ضروری است

موضوع آفرینش که در کتاب پیدایش ذکر شده است برای آگاهی صحیح از مسئله گناه بسیار ضروری است. بر اساس کتاب پیدایش انسان بی‌گناه و از لحاظ روحانی به شباهت خدا آفریده شد، ولی او گناه کرد و گناه انسان را از خدا جدا ساخت. همه می‌دانند که انسان کامل نیست، اما سؤالاتی از این قبیل مطرح می‌شود؛ چرا انسان کامل نیست؟ آیا انسان می‌تواند از طریق تعلیم و تربیت و سعی و کوشش بهتر بشود؟ رساله پولس رسول به رومیان در کتاب مقدس به ما می‌آموزد که انسان گناهکار است و گناه از طریق آدم به تمام نژاد بشر سرایت کرده است. هر انسانی با ذات آلوده به گناه به جهان می‌آید و شخصاً نیز مرتکب گناه می‌شود. اگر تعلیم تکامل صحیح بود انسان در ابتدا بایستی از چند مرد و چند زن بوجود می‌آمد و آنوقت نژاد بشر از چندین شاخه مختلف بود. به این ترتیب ممکن بود عده‌ای گناهکار و عده‌ای بی‌گناه باشند! اما واقعیت این است که نژاد بشر از یک مرد و یک زن یعنی آدم و حوا بوجود آمده است و گناه از طریق آدم که سرکرده نژاد بشر است به تمام آدمیان سرایت کرده است و به همین دلیل تمام بنی آدم گناهکار هستند.

در رساله به رومیان فصل پنجم، آیه ۱۲ می‌خوانیم "گناه بوسیله یک انسان به جهان وارد شد و این گناه مرگ را به همراه آورد. در نتیجه چون همه گناه کردند مرگ همه را در بر گرفت."

و در رساله به رومیان فصل ششم، آیه ۲۳ می‌خوانیم "زیرا مزدی که گناه می‌دهد موت است اما خدا به کسانی که با خداوند ما مسیح عیسی متحد هستند حیات جاودان می‌بخشد".

آفرینش موضوعی است که به ایمان بستگی دارد

در کتاب اعمال رسولان فصل هفدهم می‌بینیم که پولس رسول در میان شورای کوه مریخ برای یونانیان چنین موعظه کرد "آن خدایی که دنیا و آنچه را که در آن است آفرید و صاحب آسمان و زمین است در معابد ساخته شده به دست انسان ساکن نیست ... پس چون همه ما فرزندان خدا هستیم نباید گمان کنیم که ذات الهی مانند پیکره‌ای از طلا و نقره و سنگ است که با هنر و مهارت آدمی تراشیده می‌شود. خدا دوران جهالت را نادیده گرفت، اما اکنون در همه جا بشر را امر به توبه می‌فرماید، زیرا روزی را معین فرمود که جهان را با راستی و درستی بوسیله شخصی که برگزیده خود اوست داوری فرماید و برای اثبات این حقیقت او را پس از مرگ زنده کرد." (اعمال رسولان فصل هفدهم، آیات ۲۴، ۲۹، ۳۰ و ۳۱)

هر چند انسان از طریق آنچه که خلق شده است می‌تواند به وجود آفریدگار که خدا است پی ببرد اما باز هم این موضوع به ایمان بستگی دارد. در رساله به عبرانیان فصل یازدهم، آیه ۳ نوشته شده است "از راه ایمان، ما پی می‌بریم که کائنات چگونه با کلام خدا خلقت یافت بطوریکه آنچه دیدنی است از آنچه نادیدنی است بوجود آمد."

عده‌ای حاضر نیستند خدا را بعنوان خالق عالم هستی بپذیرند چون نمی‌خواهند مسئولیتی را که نسبت به او دارند قبول کنند. انسانی که خدا

را بعنوان خالق عالم هستی و خالق خود می‌پذیرد بعنوان یک گناهکار در برابر خدا مسئولیت پیدا می‌کند. آیا انسان می‌تواند از این مسئولیت شانه خالی کند؟ یقیناً خدا هیچ گناهکاری را بدون علت نمی‌آمرزد و او روزی را تعیین نموده است که جهانیان را بوسیله عیسی مسیح داروی خواهد کرد. آیا بهتر نیست که انسان در طول عمر خود، خدا را بعنوان خالق خویش بپذیرد و به کسی که پس از مرگ زنده شد و داور جهانیان خواهد بود ایمان بیاورد.

توبه از گناه و ایمان به عیسی مسیح خداوند که در راه گناه بشر مُرد، و پس از مرگ زنده شد و حالا زنده است بهترین کاری است که یک نفر در طول عمر خود می‌تواند انجام بدهد. عیسی مسیح برای مرگ خود دلیل خوبی داشت. او مرد تا انسان گناهکار را از گناه و عواقب بد گناه برهاند. دعای ما این است که شما خواننده حَقِجُو در اثر توبه از گناه و ایمان به مسیح نجات بیابید و صاحب حیات جاودان بشوید. آمین.

تعاليم اساسی كتاب مقدس

بخش ۲۲

عالم روح

خدا، فرشتگان و انسان

به مبحث دیگری از سلسله دروس تعلیم اساسی کتاب مقدس رسیده‌ایم و این مبحث دربارهٔ عالم روح است. برای آگاهی یافتن از آنچه که در دنیای امروزه اتفاق می‌افتد لازم است بدانیم که تعلیم کتاب مقدس دربارهٔ عالم روح چیست.

خدا روح است

بر اساس انجیل یوحنا فصل چهارم، آیهٔ ۲۴ "خدا روح است". پس انسان با چشم طبیعی خود نمی‌تواند خدا را ببیند. در انجیل یوحنا فصل اول، آیهٔ ۱۸ می‌خوانیم "کسی هرگز خدا را ندیده است". در رسالهٔ اول پولس رسول به تیموتاوس فصل اول، آیهٔ ۱۷ نوشته شده است "به پادشاه جاودانی و فناپذیر و نادیدنی، خدای یکتا تا به ابد عزت و جلال باد، آمین".

اگر شما به خدایی که کتاب مقدس معرفی نموده است ایمان دارید، شما در واقع به وجودی روحانی ایمان دارید که عالم هستی را خلق نموده است.

شیطان و فرشتگان روح هستند

نه فقط خدا روح است بلکه فرشتگان نیز روح هستند. فرشتگان ارواحی هستند که خدا بوسیله عیسی مسیح آنان را آفریده است. در این زمینه کلام خدا می‌فرماید "زیرا بوسیله او (یعنی بوسیله مسیح) هر آنچه که در آسمان و زمین است، دیدنی‌ها و نادیدنیها ... آفریده شدند، آری تمام موجودات بوسیله او و برای او آفریده شد" (رساله به کولسیان فصل اول، آیه ۱۶)

کلام خدا همچنین به ما می‌آموزد که شیطان، دشمن خدا و انسان، روح است. (البته می‌دانیم که او روحی است سقوط کرده) در رساله به افسسیان فصل دوم، آیه ۲ درباره شیطان اینطور نوشته شده است "روحی که اکنون در اشخاص نافرمان و سرکش عمل می‌کند".

انسان دارای روح است

در این بخش از کتاب، ما طبیعت فرشتگان را بررسی خواهیم کرد، اما در اینجا می‌خواهیم به طبیعت انسان نظری بیانداریم. انسان دارای طبیعتی سه گانه است. او تشکیل شده از یک بدن مادی، یک جان غیرمادی و یک روح غیرمادی. پس انسان علاوه بر بدن و جان دارای روح است. در رساله اول پولس به تسالونیکیان فصل پنجم، آیه ۲۳ نوشته شده است: "خدایی که سرچشمه آرامش است شما را کاملاً پاک گرداند و عطا فرماید که روح و جان و بدن شما سالم بماند تا در وقت آمدن خداوند ما عیسی مسیح از هر نوع عیب و نقصی به دور باشید". و در رساله به عبرانیان فصل چهارم، آیه ۱۲ می‌خوانیم "... کلام خدا زنده و

فعال و از تمام شمشیرهای دو دم تیزتر است و تا اعماق روح و نفس ... نفوذ می‌کند".

تفاوت مشخصی بین جان و روح انسان وجود دارد. انسان از طریق روح خود می‌تواند با خدا در تماس باشد، این یکی از دلایل برتری انسان بر حیوانات است. در رساله اول پولس به قرنطیان فصل دوم، آیه ۱۱ نوشته شده است "کیست که بهتر از روح شخص با باطن او آشنا باشد؟" همانطور که گفته شد انسان دارای روح است و از طریق روح خود می‌تواند با خدا در تماس باشد. اما در ضمن انسان توسط روح خود می‌تواند با ارواح پلید و ضد خدا نیز تماس برقرار کند. به همین علت سحر و جادو، غیبگویی و طالع بینی می‌توانند انسان را تحت تاثیر ارواح شریر و مخرب قرار بدهند.

وجود فرشتگان

در مورد فرشتگان که موجوداتی روحانی هستند در کتاب مقدس اشارات زیادی است. خود عیسی مسیح در تعالیمش بارها تایید نموده که فرشتگان وجود دارند. در انجیل متی فصل سیزدهم، آیه ۴۱ نوشته شده است "پسر انسان فرشتگان خود را خواهد فرستاد و آنها هر کس را که در پادشاهی او باعث لغزش شود و همچنین همه بدکاران را جمع می‌کنند". می‌بینیم که در موقع بازگشت دوباره مسیح فرشتگان او را کمک خواهند کرد. در انجیل متی فصل هجدهم، آیه ۱۰ اینطور نوشته شده است "هرگز این کوچکان را حقیر نشمارید. بدانید که آنان در عالم بالا فرشتگانی دارند که پیوسته در پیشگاه پدر آسمانی من حاضر هستند". در اینجا مسیح به ما می‌آموزد، فرشتگانی که به پیشگاه خدای پدر

دسترسی دارند از ایمان‌داران او محافظت می‌کنند. البته ما ایمان‌داران به مسیح بایستی این موضوع را در نظر داشته باشیم که هیچگاه نباید به فرشتگان اعتماد و توکل کنیم بلکه ما باید پیوسته به خالق فرشتگان یعنی به خدا اعتماد داشته باشیم. در فصل بیست و ششم انجیل متی می‌بینیم که خدمت فرشتگان در زمینه محافظت از عادلان بوسیله مسیح ذکر شده است. او یک شب قبل از مرگ خود، در باغ جتسیمانی اظهار نمود "که می‌تواند از پدر خود بخواهد که بیش از دوازده فوج از فرشتگان را به یاری او بفرستد."

از آنجایی که هر فوج رومی برابر با شش هزار سرباز رومی بود، دوازده فوج فرشته، شامل هفتاد و دو هزار فرشته می‌شود. به این ترتیب می‌توانیم بگوییم که عیسی برای رهایی از دستگیری و مرگ قادر بود از پدر خود بخواهد که بیش از هفتاد و دو هزار فرشته را به یاری او بفرستد. اما مسیح این کار را نکرد چون "پیشگویی‌های کتاب مقدس درباره او باید به وقوع می‌پیوست." (در مورد مطالبی که گفتیم می‌توانید به انجیل متی فصل بیست و ششم، آیات ۵۳ و ۵۴ مراجعه کنید)

باز در مورد وجود فرشتگان در انجیل مرقس فصل هشتم، آیه ۳۸ می‌بینیم که عیسی فرمود "هر که از من و سخنان من در این زمانه گناه‌آلود و فاسد عار داشته باشد، پسر انسان هم در وقتی که در جلال پدر خود با فرشتگان مقدس می‌آید از او عار خواهد داشت."

نه فقط در انجیل دیده می‌شود که عیسی وجود فرشتگان را تصدیق نموده است، در قسمتهای دیگر عهد جدید نیز وجود عالم روحانی و فرشتگان تایید شده است. پولس رسول در رسالات خود وجود فرشتگان را تایید کرده است. در این زمینه بعنوان نمونه می‌توانید به کولسیان فصل دوم، آیه ۱۸ و دوم تسالونیکیان فصل اول، آیه ۷ مراجعه کنید. یوحنا رسول

در قسمتهای مختلف کتاب مکاشفه به فرشتگان اشاره نموده است، بنظر می‌رسد که فعالیت فرشتگان در زمانهای آخر افزایش خواهد یافت. پطرس رسول در رساله اول خود نوشته است "او به عالم بالا رفت (یعنی مسیح بعد از مرگ و زنده شدن دوباره خود به عالم بالا صعود نمود) و در دست راست خدا است و تمام فرشتگان و قوتها و قدرتهای آسمانی تحت فرمان او هستند" (اول پطرس فصل سوم، آیه ۲۲). حتی یهودا در رساله خود که شامل یک فصل است به شیطان و سایر فرشتگان سقوط کرده، و همچنین به میکائیل رئیس فرشتگان اشاره نموده است. اینها فقط نمونه‌هایی بود از اشارات زیادی که درباره عالم روح در کتاب مقدس وجود دارد.

فرشتگان چه شباهتی دارند

حالا ببینیم که بر اساس کتاب مقدس فرشتگان چه شباهتی دارند. بعضی وقتها فرشتگان که روح هستند به شکل انسان ظاهر شده‌اند. در رساله به عبرانیان فصل سیزدهم، آیه ۲ خطاب به مسیحیان نوشته شده است "همیشه مهمان نواز باشید، زیرا بعضی‌ها با چنین کاری بی آنکه خود بدانند، از فرشتگان پذیرایی کردند". ما موقعی می‌توانیم بدون اینکه خودمان بدانیم از فرشتگان پذیرایی کنیم که آنها به شکل انسان بر ما ظاهر بشوند. ابراهیم و همسرش ساره همینطور با فرشتگان ملاقات کردند و البته اشخاص دیگری نیز بر اساس کتاب مقدس فرشتگان را به همین صورت یعنی در شباهت انسان ملاقات کردند.

در مورد خلقت فرشتگان باید بگوییم که هر فرشته‌ای فرداً بوسیله خدا آفریده شده است. ضمناً خلقت فرشتگان قبل از آفرینش زمین و انسان

بوده است. بر اساس فصل سی و هشتم کتاب ایوب وقتی خدا زمین را بنیاد نهاد فرشتگان یا پسران خدا حضور داشتند و فریاد شادی برآوردند. به آیات ۴ تا ۷ از فصل سی و هشتم کتاب ایوب توجه کنید. خدا از ایوب پرسید "وقتی که زمین را بنیاد نهادم کجا بودی، بیان کن اگر فهم داری، کیست که آن را اندازه‌گیری نمود اگر می‌دانی؟ و کیست که ریسمان کار را بر آن کشید؟ پایه‌هایش بر چه چیزی گذاشته شد؟ و کیست که سنگ زاویه‌اش را نهاد، هنگامی که ستارگان صبح با هم ترنم نمودند، و جمیع پسران خدا آواز شادمانی دادند."

کتاب مقدس فرشتگان را موجوداتی باهوش معرفی می‌کند که هم می‌توانند فکر کنند و هم برنامه‌ریزی کنند. در فصل ششم رساله پولس رسول به افسسیان ذکر گردیده است که شیطان، آن فرشته سقوط کرده، بر علیه ما ایمان‌داران به مسیح برنامه‌ریزی می‌کند. باید در نظر داشته باشیم که بطور کلی فرشتگان از لحاظ نیرو و قدرت از ما انسانها قویتر هستند (دوم پطرس فصل دوم آیه یازدهم)؛ آنها بسیار سریع حرکت می‌کنند (دانیال فصل نهم آیه بیست و یک)؛ و تعدادشان بسیار زیاد است (مکاشفه فصل پنجم آیه یازدهم). فرشتگان آسمانی پاک و مقدس هستند چون مسیح فرمود که با فرشتگان مقدس به جهان بازگشت خواهد نمود. (این موضوع در انجیل مرقس فصل هشتم، آیه ۳۸ ذکر گردیده است) در فصل آینده خواهیم گفت که چگونه تعدادی از فرشتگان به همراه شیطان در گناه افتادند.

فعالیت فرشتگان

راستی فرشتگان اوقات خود را چگونه سپری می‌کنند؟ به عبارت دیگر آنها چکار می‌کنند؟ بر اساس کتاب اشعیا نبی فصل ششم، آیات ۱ تا ۷ و فصل چهارم و پنجم کتاب مکاشفه، فرشتگان خدا را پرستش و خدمت می‌کنند. در کتاب مقدس می‌بینیم که فرشتگان فرستاده شدند تا عیسی را در پایان وسوسه‌هایی که در بیابان از طریق شیطان داشت خدمت کنند. فرشتگان در عهد عتیق و عهد جدید از طرف خدا پیغامهای مخصوصی برای مردان و زنان آوردند. بطور نمونه در فصل اول انجیل لوقا می‌خوانیم که جبرائیل فرشته نزد مریم فرستاده شد و مژده تولد عیسی را به او داد. بر اساس رساله به عبرانیان فصل اول، آیه ۱۴ فرشتگان فرستاده می‌شوند تا وارثان نجات را یاری کنند. در فصل دوازدهم کتاب اعمال رسولان می‌خوانیم که فرشته خداوند پطرس را که به زندان انداخته شده بود رهایی داد. در فصل هشتم کتاب اعمال رسولان می‌خوانیم که فرشته خداوند فیلیپس را به محلی هدایت کرد که خواجه سرای حبشی با کالسکه به وطن خود برمی‌گشت. بعلاوه، بر اساس کتاب اعمال رسولان فصل هفتم، آیه ۵۳ فرشتگان در رسیدن کلام خدا به انسان سهم داشتند و آنها در حال حاضر فعالیت کلیساهای محلی را ملاحظه می‌کردند (این مطلب در رساله اول به قرنتیان فصل چهارم، آیه ۹؛ فصل یازدهم، آیه ۱۰ و رساله اول به تیموتاوس فصل پنجم، آیه ۲۱ ذکر شده است)

فرشتگان موجودات روحانی باهوش و نیرومندی هستند به همین دلیل به قول پطرس رسول بی‌حرمتی به آنها کار غلطی است. پطرس درباره معلمین دروغین نوشت که آنها "... بی باک و خودبین هستند و هیچ

حرمتی به موجودات آسمانی نشان نمی‌دهند و برعکس به آنان اهانت می‌نمایند. حتی فرشتگان که از این معلمین دروغین بسیار قویتر و تواناترند اینان را در پیشگاه خداوند با بد زبانی متهم نمی‌سازند" (رسالهٔ دوم پطرس فصل دوم، آیات ۱۰-۱۱)

دیدیم که دنیای فوق طبیعی وجود دارد و ارواح پاک و پلید جزو عالم روح هستند. هر چند فرشتگان ارواح پاکی هستند که فرستاده می‌شوند تا وارثان نجات را یاری کنند، اما ما مسیحیان هیچگاه نباید در دعا با فرشتگان صحبت کنیم. ما در دعا با خدا صحبت می‌کنیم که شامل پدر و پسر و روح القدس است، و از او تشکر می‌کنیم که فرشتگانش ما را کمک می‌کنند.

بخش ۲۳

عالم روح

سقوط شیطان در گناه

خواننده محترم، به درس دیگری از سری دروس تعالیم اساسی کتاب مقدس می‌پردازیم. در درس قبل مطالبی درباره وجود فرشتگان و کار آنها به شما ارائه دادیم. در این درس سقوط شیطان در گناه و آغاز گناه را مورد بررسی قرار می‌دهیم. در کتاب اشعیا نبی فصل چهاردهم و حزقیال نبی فصل بیست و هشتم که در قسمت عهد عتیق از کتاب مقدس می‌باشند اطلاعات جالبی درباره شیطان وجود دارد. در این درس آیاتی از فصل بیست و هشتم کتاب حزقیال نبی را مورد بررسی قرار می‌دهیم که درباره سقوط شیطان است. و در درس بعد آیاتی از فصل چهاردهم کتاب اشعیا نبی را بررسی خواهیم کرد که به هدف و مقصود شیطان مربوط می‌شود.

شیطان قبل از سقوط خود

در کتاب حزقیال نبی فصل بیست و هشتم، آیات ۱۱-۱۲ اینطور نوشته شده است "و کلام خداوند بر من نازل شده گفت، ای پسر انسان برای پادشاه صور مرثیه بخوان و ویرا بگو خداوند یهوه چنین می‌فرماید تو خاتم کمال، پر از حکمت و در زیبایی کامل هستی."

تعالیم اساسی کتاب مقدس

از این آیات و آیات بعدی می‌توان فهمید که سخن درباره مخلوقی است که از یک انسان عادی بالاتر است. این مخلوق همان شیطان است که روحی است پلید، و در واقع او از تخت سلطنت صور حمایت می‌کرد. او خاتم کمال معرفی شده است. یقیناً پادشاه صور و هیچ بنی آدم دیگری خاتم کمال نبوده است. اما شیطان قبل از سقوط مَهر کمال را داشته و خاتم کمال بوده است. شیطان همچنین پر از حکمت است. در رساله یعقوب به دو نوع حکمت اشاره شده است. یکی حکمتی است دنیوی و نفسانی و شیطانی و دیگری حکمتی است که از عالم بالاست. نوع اول حکمت، حسادت و خودخواهی و بی

نظمی و شرارت را بوجود می‌آورد اما حکمت آسمانی پاک و صلح‌جو و با گذشت و مهربان و پر از شفقت و ثمرات نیکو و بی‌غرض و بی‌ریاست. حکمت شیطان بعد از سقوط او فاسد شد و او حکمت فاسد شده خود را برای ایجاد هرگونه شرارت بکار می‌برد.

آیه ۱۳ از فصل بیست و هشتم کتاب حزقیال درباره شیطان می‌گوید "در عدن در باغ خدا بودی" لغت عدن یعنی "خوشی". شیطان با خوشی در باغ خدا بسر می‌برد و از بودن در آن مکان عالی لذت می‌برد. در دنباله آیه ۱۳ می‌خوانیم "و هر گونه سنگ گرانها... پوشش تو بود." در این آیه اسامی نه سنگ گرانها دیده می‌شود. نکته جالب این است که اسامی این نه سنگ مشابه اسامی گرانهایی هستند که بر روی زره سینه کاهن اعظم در عهد عتیق قرار داشت. در انتهای آیه ۱۳ نوشته شده است "...که در روز خلقت تو آنها مهیا شده بود" می‌بینیم که مخلوق مورد بحث ما در اثر تولید مثل بوجود نیامده است بلکه او مستقیماً بوسیله خدا خلق شده است. (می‌دانیم که آدم و حوا نیز مستقیماً بوسیله خداوند خلق شده‌اند)

در آیه ۱۴ از فصل بیست و هشتم کتاب حزقیال می‌خوانیم "تو کروبی مسح شده سایه‌گستر بودی و ترا نصب نمودم تا بر کوه مقدس خدا بوده باشی و در میان سنگهای آتشین می‌خرامیدی". کروبیان فرشتگان مقرب و عالی رتبه خدا هستند که خدا را در رابطه با مخلوقات این جهان خدمت می‌کنند. در قسمت دیگری (حزقیال، فصل اول) درباره آنها گفته شده است که دارای چهار صورت می‌باشند (صورت شیر، گوساله، انسان و عقاب) و صورتها در چهار جهت مختلف قرار دارند. این صورتها نمایانگر مخلوقات دنیای ما هستند. صورت شیر نمایانگر حیوانات وحشی است، صورت گوساله نمایانگر حیوانات اهلی است، صورت انسان نمایانگر بشریت است و صورت عقاب نمایانگر پرندهگان آسمان است. خدمت کروبیان در رابطه با مخلوقات جهان ما می‌تواند دلیل خوبی برای علاقه شیطان به کره زمین و موجودات آن باشد.

سقوط شیطان

شیطان پس از خلق شدن خدا را بر کوه مقدس خدمت می‌کرد. در آیات ۱۵-۱۶ از فصل بیست و هشتم کتاب حزقیال نبی درباره شیطان اینطور نوشته شده است "از روزی که آفریده شدی تا وقتی که بی‌انصافی در تو یافت شد به رفتار خود کامل بودی. اما از کثرت سوداگریت بطن ترا از ظلم پر ساختند پس خطا ورزیدی و من ترا از کوه خدا بیرون انداختم و ترا ای کروبی سایه‌گستر از میان سنگهای آتشین تلف نمودم". شیطان بدون گناه آفریده شد، اما زمانی رسید که او در دل خود با خدا ضدیت کرد. به همین علت وجود او از ظلم پرگشت. این وضعیت همه کسانی است که در گناه بسر می‌برند. این اشخاص درونی

مضطرب و ناآرام دارند. از آنجایی که کروی مورد بحث ما گناه کرد، خدا اعلام نمود "ترا ای کروی سایه گستر از میان سنگهای آتشین تلف نمودم" به این ترتیب شیطان خدمت و موقعیت مهمی را که داشت از دست داد و سقوط کرد.

چرا شیطان سقوط کرد

در آیه ۱۷ از فصل بیست و هشتم کتاب حزقیال نبی دلیل سقوط شیطان برای ما ذکر گردیده است. می‌خوانیم "دل تو از زیبایی مغرور گردید" شیطان با دیدن زیبایی خود مغرور گردید و برای خودش اعتبار قائل شد، در صورتی که او باید جلال را به خدا می‌داد. این مطلب برای کسانی که می‌خواهند خدا را خدمت کنند می‌تواند درس بسیار خوبی باشد. بعضی از مسیحیان بخاطر عطایایی که خدا به آنها بخشیده است مغرور می‌شوند و به خود می‌بالند، در صورتی که این غرور بی‌جاست. اگر خدا به شما نعمت تعلیم یا نعمات دیگری بخشیده باید آنها را به منظور جلال خدا بکار ببرید. پس به هیچ وجه مغرور نشوید، بلکه با فروتنی خدا را خدمت کنید. شیطان می‌توانست توسط چیزهایی که از خدا یافته بود خدا را جلال بدهد اما غرور مانع اینکار شد و همین غرور باعث سقوط او گردید.

نتایج سقوط شیطان

سقوط شیطان چه نتایج داشت؟ در آیه ۱۷ از فصل بیست و هشتم کتاب حزقیال نبی نوشته شده است "...به سبب جمالت حکمت خود را فاسد گردانیدی" می‌بینیم که چون توجه شیطان به خودش جلب

شد سقوط کرد و نتیجتاً حکمت او فاسد گردید. در آیات ۱۷-۱۹ بعضی از نتایج دیگر سقوط شیطان ذکر شده است. کتاب حزقیال نبی و اشعیاء نبی ما را با خبر می‌کنند که بعضی از نتایج سقوط شیطان به آینده مربوط می‌شود. در آیه ۱۷ از فصل بیست و هشتم کتاب حزقیال نبی نوشته شده است "...ترا بر زمین می‌اندازم و ترا پیش روی پادشاهان می‌گذارم تا بر تو بنگرند" در اینجا ظاهراً به شکست دجال یا دشمن مسیح اشاره شده است که در آینده از شیطان قدرت گرفته و بر دنیا حکومت خواهد کرد. می‌دانیم دجال بوسیله مسیح خداوند که برای بار دوم خواهد آمد شکست خورده و در دریاچه آتش انداخته خواهد شد.

خدمت آسمانی شیطان قبل از سقوط او

بسیاری از مردم در شگفت هستند که شیطان قبل از سقوط در گناه، چه می‌کرد. با در نظر گرفتن آیاتی که در فصل بیست و هشتم کتاب حزقیال نبی وجود دارد عده زیادی معتقدند که شیطان قبل از سقوط، فرشتگان آسمان را در عبادت خدا رهبری می‌کرد. در آیه ۱۳ ذکر شده است که او دارای پوششی از سنگهای گرانها بود. وقتی اسامی این سنگهای گرانها را با سنگهایی که بر روی زره سینه کاهن اعظم در عهد عتیق قرار داشت مقایسه می‌کنیم می‌بینیم که اسامی نه سنگ مشابه یکدیگر هستند. تنها فرقی که وجود دارد این است که بر روی زره سینه کاهن اعظم اسراییل دوازده سنگ گرانها قرار داشت اما در پوشش شیطان اسامی نه سنگ گرانها دیده می‌شود. ما دقیقاً نمی‌دانیم که چرا در پوشش شیطان اسامی نه سنگ دیده می‌شود، اما در مورد کاهن اعظم اسراییل، چون او از طرف دوازده طایفه نمایندگی داشت، بر روی زره سینه‌اش

دوازده سنگ گرانها قرار داشت. در آیه ۱۴ از فصل بیست و هشتم کتاب حزقیال نبی می‌بینیم که شیطان "کروبی مسح شده سایه گستر" خوانده شده است. این مطلب ما را به یاد آن دو کروبی کنده کاری شده می‌اندازد که در عهد عتیق، در قسمت قدس الاقداس مسکن بر روی کرسی رحمت قرار داشتند و با بالهای خود آن را می‌پوشاندند. آن دو کروبی به کرسی رحمت نگاه می‌کردند و کاهن اعظم سالی یکبار بر این کرسی خون قربانی او را می‌پاشید.

نکته جالب دیگر این است که با توجه به آیه ۱۳ از فصل بیست و هشتم کتاب حزقیال نبی می‌توانیم بگوییم که در وجود شیطان توانایی خاصی برای موسیقی وجود داشته است. کلام خدا می‌فرماید "... صنعت دفها و نایهات در تو از طلا بود که در روز خلقت تو آنها مهیا شده بود" موسیقی بر اساس فصل پنجم کتاب مکاشفه قسمتی از پرستش خدا در آسمان است.

و بالاخره آیه ۱۸ از فصل بیست و هشتم کتاب حزقیال می‌فرماید "...مقدسهای خویش را بی‌عصمت ساختی" با توجه به نکاتی که ذکر گردید به نظر می‌رسد که شیطان قبل از سقوط، رهبری فرشتگان را در عبادت خدا به عهده داشته است. اما او تصمیم گرفت که به عوض خدا، خودش مورد پرستش قرار بگیرد چون او مجذوب زیبایی و شکوه خود شد. این تصمیم باعث سقوط شیطان گردید و او بخاطر گناه از مقام و موقعیتی که داشت برکنار شد. در دنباله آیه ۱۸ و آیه ۱۹ از فصل بیست و هشتم کتاب حزقیال نبی می‌خوانیم "...پس آتش از میانت بیرون می‌آورد که ترا بسوزاند و ترا بنظر جمیع بیندگانت بر روی زمین خاکستر خواهم ساخت. و همه آشنایانت از میان قومها بر تو متحیر خواهند شد و تو محل سرگشتگی شده دیگر تا به ابد نخواهی بود". بعضی از

پیشگویی‌های کتاب مقدس در مراحل مختلف به وقوع می‌پیوندد. در آیاتی که خواندیم می‌بینیم که سرنوشت نهایی شیطان (و البته تمام پیروان او) عذاب ابدی در دریاچهٔ آتش خواهد بود. (این موضوع هم شامل انسانهای بی‌ایمان به مسیح می‌شود، و هم شامل فرشتگان سقوط کرده). بررسی مختصری که داشتیم نشان می‌دهد که چگونه گناه آغاز شد. غرور گناه خانمان براندازی است که در درون انسان و فرشتگان سقوط کرده یافت می‌شود. ما مسیحیان نباید این گناه را ناچیز و کم اهمیت بشمریم چون شیطان در اثر همین گناه روزگارش سیاه شد!

ما ایمان‌داران به مسیح باید صادقانه دل‌هایمان را در حضور خدا تفتیش کنیم و هر نوع غرور و تکبر را از خود دور کنیم. اگر غرور در دل شما یافت می‌شود آن را بعنوان گناه به خداوند اعتراف کنید و از آن دست بکشید. یقیناً شایستهٔ فرزندان خدا نیست که در دل‌هایشان غرور و تکبر وجود داشته باشد.

خدا شما را برکت بدهد. آمین.

بخش ۲۴

عالم روح مقصود شیطان

در درس گذشته با توجه به فصل بیست و هشتم کتاب حزقیال نبی موضوع سقوط شیطان را بررسی کردیم. ضمناً مطالبی در مورد شخصیت، کار و موفقیت شیطان قبل از آنکه سقوط کند را با شما در میان گذاشتیم.

مقصود شیطان

در این درس آیاتی از فصل چهاردهم کتاب اشعیاء نبی را بررسی می‌کنیم. در رابطه با مقصود شیطان کلام خدا می‌فرماید: "ای ستاره صبح پسر سپیده دم چگونه از آسمان افتاده‌ای، ای که امتهای را ذلیل می‌ساختی چگونه به زمین افکنده شده‌ای. و تو در دل خود می‌گفتی به آسمان صعود نموده کرسی خود را بالای ستارگان خدا خواهم افراشت، و بر کوه اجتماع در اطراف شمال جلوس خواهم نمود. بالای بلندیهای ابرها صعود کرده مثل حضرت اعلی خواهم شد. لکن به هاویه به اسفلهای حفره فرود خواهی شد." (اشعیاء نبی فصل چهاردهم، آیات ۱۲-۱۵)

(۱۵)

جای خدا را گرفتن

می‌بینیم که شیطان در دل خود گفت "به آسمان صعود خواهم کرد". شیطان به موقعیتی که خدا برایش فراهم کرده بود قانع نبود، او با خودخواهی می‌خواست خودش را بالا ببرد و جای خدا را بگیرد!

بعنوان حاکم در آسمان فرمانروایی کردن

شیطان همچنین در دل خود گفت "کرسی خود را بالای ستارگان خدا خواهم افراشت" در اولین فصل کتاب مکاشفه، آیه ۲۰ می‌بینیم که منظور از ستارگان، فرشتگان هستند. در آنجا گفته شده است که "آن هفت ستاره، فرشتگان هفت کلیسا ... می‌باشند." به این ترتیب مفهوم آنچه که شیطان در دل خود گفت این است که: من تخت خود را بالای فرشتگان آسمان خواهم افراشت. به عبارت دیگر شیطان قصدش این بود که بر فرشتگان خدا فرمانروایی کند. و این یعنی او می‌خواست خدا را از سلطنت برکنار کند و مقام و موقعیت او را تصاحب کند!

در اجتماع فرشتگان بودن

مورد دیگری که ضدیت شیطان با اراده خدا را نشان می‌دهد این است که او در دل خود اینطور گفت "بر کوه اجتماع در اطراف شمال جلوس خواهم نمود." در مزمور هشتاد و نهم، آیات ۵-۷ نوشته شده است "و آسمانها کارهای عجیب ترا ای خداوند تمجید خواهند کرد، و امانت ترا در جماعت مقدسان. زیرا کیست در آسمانها که با خداوند برابری تواند کرد، و از فرزندان زورآوران که را با خداوند تشبیه توان

نمود. خدا بی‌نهایت مهیب است در جماعت مقدسان، و ترسناک است بر آنانی که گرداگرد او هستند."

با توجه به آیاتی که از مزموور هشتاد و نهم برایتان خواندم و اینکه شیطان می‌خواست بر کوه اجتماع جلوس کند می‌توان گفت که شیطان قصد داشت بر اجتماع فرشتگان مسلط باشد یا بر جماعت مقدسان فرمانروایی کند. به این ترتیب می‌بینیم که شیطان می‌خواست پایه‌ایش را از گلیمش درازتر کند و اختیارات خدا را داشته باشد.

برتر از خدا بودن

جالب اینجاست که شیطان نه فقط می‌خواست با خدا برابری کند بلکه قصد داشت از خدا بالاتر باشد! او در دل خود گفت "بالای بلندیهای ابرها صعود خواهم کرد" در بسیاری از قسمتهای کتاب مقدس، ابر با حضور خدا وابستگی دارد. مثلاً وقتی خدا شریعت را عطا کرد ابر غلیظی کوه سینا را پوشانید (خروج فصل نوزدهم، آیه ۱۶)؛ در سالهایی که قوم اسرائیل در بیابان بسر می‌برد خداوند در روز پیش روی قوم در ستون ابر می‌رفت (خروج فصل سیزدهم، آیه ۲۱)؛ هنگام صعود عیسی به آسمان ابری او را از نظر شاگردانش ناپدید ساخت (اعمال رسولان فصل یک، آیه ۹)؛ و البته او دوباره به همین گونه به جهان باز خواهد گشت (اعمال رسولان فصل یک، آیه ۱۱). در مکاشفه یوحنا ی رسول فصل اول، آیه ۷ نوشته شده است "بین او با ابرها می‌آید! همه و از جمله آن کسانی که به او نیزه زدند او را خواهند دید..."

آرزوی شیطان برای صعود کردن به بالای بلندیهای ابرها به این علت بود که او نه فقط قصد داشت با خدا برابری کند بلکه از خدا برتر و بالاتر باشد!

توسط خدا پرستیده شدن

شیطان نه فقط مایل نبود خدا را بپرستد بلکه آرزو داشت توسط خدا پرستیده بشود! این آرزوی شیطان در یکی از مواردی که او عیسی را وسوسه کرد دیده می‌شود.

در فصل چهارم انجیل متی ذکر شده است که عیسی در بیابان بوسیله شیطان وسوسه شد. در آیه ۹ از این فصل می‌بینیم که در سومین موردی که شیطان عیسی را وسوسه کرد، او به عیسی اینطور گفت: "اگر پیش من سجده کنی و مرا بپرستی همه اینها را یعنی تمامی ممالک جهان و شکوه و جلال آنها را) به تو خواهم داد. اگر عیسی که خدای مجسم شده بود، تسلیم این وسوسه می‌شد شیطان به آرزوی بزرگ خود رسیده بود. اما خدا را شکر که عیسی تسلیم هیچ یک از وسوسه‌های شیطان نشد و هرگز گناه نکرد.

تصرف آسمان و زمین

و بالاخره شیطان در دل خود گفت: "مثل حضرت اعلی خواهم شد." خدا در کتاب مقدس با اسامی مختلفی به ما معرفی شده است و یکی از این اسامی حضرت اعلی یا تعالی است. این نام خدا که در زبان عبری "الیان" است اولین بار در فصل چهاردهم کتاب پیدایش ذکر شده است. در آنجا می‌خوانیم که ابراهیم با ملکیصدق پادشاه سالیم

ملاقات کرد و ملکیصدق کاهن خدای تعالی بود. کلام خدا می‌فرماید "و ملکیصدق ملک سالیم نان و شراب بیرون آورد و او کاهن خدای تعالی بود. و او را مبارک خوانده گفت مبارک باد أبرام از جانب خدای تعالی مالک آسمان و زمین." (پیدایش فصل چهاردهم، آیات ۱۸-۱۹)

می‌بینیم که مالک آسمان و زمین خدای تعالی است. اما شیطان قصد داشت که مثل خدای تعالی باشد، یعنی شیطان می‌خواست خودش مالک آسمان و زمین باشد.

می‌دانیم که چون سرکرده نژاد بشر یعنی آدم، خواسته شیطان را انجام داد و گناه کرد خدا اجازه داد که شیطان نظارت محدودی بر انسان و دنیای ما داشته باشد. اما عیسی در جسم انسانی شیطان را شکست داد و او بر انسان و دنیای ما نظارتی کامل و نامحدود دارد. البته باید توجه داشته باشیم که خدا امروز هم به شیطان اجازه می‌دهد که بطور محدودی بر انسان گناهکار کنترل داشته باشد. اما بر اساس کتاب مقدس همه چیز بطور کامل تحت کنترل خداوند است. شاید عده‌ای با توجه به ظاهر آنچه که در دنیا می‌گذرد تصور کنند که شیطان پیروزمندانه در حال پیشروی است! ولی در واقع اینطور نیست. تاریخ بشر تحت کنترل کامل خدا است و همانطور که از قبل در کتاب مقدس نوشته شده است به وقوع می‌پیوندد. همه چیز تحت کنترل خدا پیش می‌رود و به اتمام خواهد رسید. پس صاحب و مالک و کنترل کننده کامل آسمان و زمین شیطان نیست بلکه عیسی خداوند است. درست است که شیطان با اجازه خدا می‌تواند بر بشر گناهکار نفوذ داشته باشد، ولی خدا بر عالم هستی فرمانروایی می‌کند و همه چیز تحت کنترل اوست. هر چند که شیطان می‌خواسته است که حاکم آسمان و زمین باشد، اما او حاکم آسمان و

زمین نیست. او تحت کنترل خدا بسر می‌برد و با اجازه از خدا فعالیت می‌کند.

خلاصه مقصود شیطان

بطور خلاصه می‌توان گفت که مقصود شیطان از سرکشی

این بود که:

- نخست اینکه : آسمان را تصرف کند
- دوم اینکه : بر فرشتگان آسمان فرمانروایی کند
- سوم اینکه : کرسی خود را به عوض کرسی خدا بگذارد

چهارم اینکه : خود را بالاتر از حضور خدا قرار بدهد

پنجم اینکه : مالک آسمان و زمین باشد

هنگامی که شیطان به اراده خدا بی‌اعتنایی کرد و خواست اراده خود را انجام بدهد در گناه سقوط کرد. او بخاطر گناه زیر غضب خدا قرار گرفت و عاقبت او عذاب ابدی در دریاچه آتش خواهد بود. بر اساس انجیل متی فصل بیست و پنجم، آیه ۴۱ "او و فرشتگان او (یعنی ارواح پلید یا دیوهای او) ابدیت را در آتش خواهند گذراند."

یقیناً تفاوت عظیمی میان رفتار شیطان نسبت به خدا و رفتار عیسی نسبت به خدا وجود دارد با وجود اینکه خدا در آسمان مقام و موقعیت بسیار خوبی برای شیطان فراهم کرده بود و شیطان در شرایطی بسیار خوب بسر می‌برد او اراده خود را از اراده خدا بهتر و برتر دانست. اما عیسی بر روی زمین در بدترین شرایط، با وجود رنجها و مشکلات زیادی که داشت و حتی وقتی مرگ بر روی صلیب در انتظارش بود، از اراده خدا پیروی

نمود. او یک شب قبل از مرگ اینطور دعا کرد "ای پدر، اگر راه دیگری نیست جز اینکه من این پیاله را بنوشم پس اراده تو انجام شود." (انجیل متی فصل بیست و ششم، آیه ۴۲)

ما ایمان‌داران به مسیح باید رفتار خداوند و منجیمان عیسی مسیح را الگو قرار بدهیم و از او تقلید کنیم. در این صورت می‌توانیم مطمئن باشیم که خدا ما را برای جلال نامش بکار می‌برد و ما وسیله خوبی در دست او خواهیم بود. وقتی در شرایطی قرار می‌گیریم که باید تصمیمی جدی بگیریم مثل مسیح به خدا بگوییم "ای پدر... اراده تو انجام شود". آمین.

بخش ۲۵

سقوط انسان گناه و عواقب آن

تاکنون در سلسله دروس تعلیم اساسی کتاب مقدس دربارهٔ خدا، کتاب مقدس و آفرینش و عالم روح بررسیهایی انجام داده‌ایم. در این درس موضوع مورد بحث ما سقوط انسان و عواقب گناه اوست. بسیاری از فلاسفهٔ دنیا به مشکلات بشر از قبیل جنگ، بیماری و فقر نظرافکنده‌اند و سعی نموده‌اند که دلایل قانع کننده‌ای برای این مشکلات عرضه کنند. ما مسیحیان دلیل معتبر و قاطعی برای مشکلات بشر داریم. کتاب مقدس به ما توضیح می‌دهد که علت فساد و خرابی دنیا و دلیل مشکلات انسان چیست. دربارهٔ خلقت آدم و حوا در کتاب مقدس می‌خوانیم:

"خداوند خدا پس آدم را از خاک به زمین بسرشت و در بینی وی روح حیات دمید و آدم یک موجود زنده گردید." (کتاب پیدایش فصل دوم، آیهٔ ۷)

"و خداوند خدا خوابی گران بر آدم مستولی گردانید تا بخفت و یکی از دنده‌هایش را گرفت و گوشت در جایش پر کرد. و خداوند خدا آن دنده را که از آدم گرفته بود زنی بنا کرد و وی را به نزد آدم آورد." (پیدایش فصل دوم، آیات ۲۱-۲۲).

تعلیم اساسی کتاب مقدس

آفریده شد و از بدن و زندگی مادی برخوردار گردید. علاوه بر این، بر اساس آیات ۲۶-۲۷ از فصل اول کتاب پیدایش، خدا انسان را به صورت خود آفرید. مقصود این است که خدا انسان را از لحاظ باطنی یا معنوی به شباهت خود آفرید. پس زندگی انسان علاوه بر جنبه مادی، از جنبه معنوی برخوردار بود چون انسان از لحاظ روحانی به شباهت خدا آفریده شد.

وظیفه انسان، اطاعت از خدا

آدم بعد از آنکه آفریده شد، در باغ عدن گذاشته شد و فرمانی دریافت کرد. در کتاب پیدایش فصل دوم، آیات ۱۶-۱۷ می‌خوانیم "و خداوند خدا آدم را امر فرموده گفت، از همه درختان باغ آزادانه بخور، اما از درخت شناسایی نیک و بد زنه‌ار نخوری زیرا روزی که از آن خوردی یقیناً خواهی مرد."

خدا از هر نظر کامل است و مخلوقات او بایستی بطور کامل از او اطاعت کنند. خدا را نمی‌توان تا حد انسان پایین آورد و هم سطح انسان نمود. انسان هم نمی‌تواند تا حد خدا بالا برود و هم سطح خدا بشود. درست است که انسان به شباهت خدا آفریده شد اما بین انسان و خدا تفاوت زیادی هست. می‌توان گفت که تفاوت میان انسان و خدا، تفاوت میان محدود و نامحدود است. انسان محدود است و همیشه باید بطور کامل از خدای نامحدود و بی‌کران اطاعت کند.

سقوط انسان بر اثر عدم اطاعت از خدا

در فصل سوم کتاب پیدایش ماجرای سقوط انسان ثبت شده است. انسان موقعی سقوط کرد که تصمیم گرفت برخلاف میل و اراده خدا عمل کند. بعد از آفرینش آدم و حوا، شیطان به سراغ حوا آمد و او را وسوسه کرد. شیطان در ابتدا به طور واضح چیزی برخلاف امر خدا نگفت، بلکه زیرکانه سعی کرد نیکویی و انگیزه خوب خدا را مورد سؤال قرار بدهد. او با ناراستی سؤالی را مطرح کرد که خدا را نامهربان و بی‌انصاف نشان بدهد. در آیات ۱-۳ از فصل سوم کتاب پیدایش می‌خوانیم که شیطان به حوا اینطور گفت: "...آیا خدا حقیقتاً گفته است که از همه درختان باغ نخورید؟ زن به مار گفت از میوه درختان باغ می‌خوریم. اما از میوه درختی که در وسط باغ است خدا گفت از آن نخورید و آن را لمس نکنید مبادا بمیرید."

شیطان با طرح این سؤال که آیا خدا حقیقتاً گفته است که از همه درختان باغ نخورید؟ در واقع می‌خواست زن را نسبت به امر خدا مشکوک و بدبین کند. حوا در پاسخ به شیطان مرتکب دو اشتباه شد. نخست اینکه خدا نفرموده بود که میوه درخت ممنوعه لمس نشود! بلکه فرموده بود که میوه آن درخت خورده نشود و دوم اینکه خدا نفرموده بود که مبادا متخلف در اثر خوردن میوه ممنوعه بمیرد! بلکه فرموده بود که متخلف حتماً در اثر خوردن میوه ممنوعه می‌میرد. پاسخ حوا شیطان را متوجه کرد که او نسبت به امر خدا بی‌توجه بوده است. آنگاه شیطان به زن گفت: "یقیناً نخواهید مُرد" (پیدایش فصل سوم، آیه ۴)

می‌بینیم که شیطان دروغ گفت و انسان را تشویق کرد که امر خدا را زیر پا بگذارد. سپس در آیات ۶-۷ می‌بینیم که چطور آدم و همسر او برخلاف

دستور خدا، از میوه درخت ممنوعه خوردند و گرفتار عواقب شوم گناه خود شدند. کلام خدا می‌فرماید: "و چون زن دید که آن درخت برای خوراک نیکوست و به نظر خوش‌نما و درختی دلپذیر دانش‌افزا پس از میوه‌اش گرفته بخورد و به شوهر خود نیز داد و او خورد. آنگاه چشمان هر دوی ایشان باز شد و فهمیدند که عریانند پس برگهای انجیر به هم دوخته پوششها برای خویشان ساختند." (پیدایش فصل سوم، آیات ۶-۷)

عواقب گناه انسان

مرگ روحانی

آدم و حوا بخاطر اطاعت از خدا، بلافاصله مشارکتی را که با خالق خود داشتند از دست دادند. آیه بعد، یعنی آیه ۸ از فصل سوم کتاب پیدایش نشان می‌دهد که آنها بخاطر گناه از خدا هراسان شدند. بر اساس این آیه، آدم و حوا آواز خدا را که در باغ می‌خرامید شنیدند و آنها خودشان را از حضور خدا در میان درختان باغ پنهان کردند. آدم و حوا بی‌گناه آفریده شدند و با خدا دوستی و مشارکت داشتند اما گناه باعث گردید که انسان از خدا جدا بشود. ضمناً عدم اطاعت انسان از خدا، باعث تباهی دنیای ما شد و به همین علت انسان با این همه مشکلات روبرو است. خدا به آدم فرمود: "از درخت شناسایی نیک و بد زنهار نخور زیرا روزی که از آن خوردی یقیناً خواهی مُرد." (پیدایش فصل دوم، آیه ۱۷) کسانی که معنی واقعی مرگ را نمی‌دانند متوجه نمی‌شوند که منظور خدا در این آیه چیست. مرگ پایان فعالیت و هستی نیست، بلکه مرگ یعنی جدایی. وقتی آدم گناه کرد، از خدا که سرچشمه حیات

است جدا گردید و دچار مرگ روحانی شد. البته بعداً آدم از لحاظ جسمانی نیز مرد. مرگ جسمانی جدایی روح و جان از بدن است. در رساله به افسسیان فصل دوم، آیه ۱ می‌بینیم که انسان بخاطر گناه در مرگ روحانی بسر می‌برد. کلام خدا می‌فرماید "... به علت خطایا و گناهان خود مرده بودید" به همین دلیل انسان به نجات احتیاج دارد. و وقتی از راه ایمان به مسیح نجات می‌یابد از لحاظ روحانی زنده می‌شود و زندگی جاوید می‌یابد.

سرایت گناه به نژاد بشر و از دست دادن حاکمیت

گناه آدم که سرکرده نژاد بشر بود نه فقط باعث شد که انسان از خدا جدا بشود بلکه انسان حاکمیتش را بر زمین از دست داد. وقتی آدم که ریاست تمام بشریت را داشت گناه کرد، گناه به نژاد بشر سرایت کرد و ضمناً انسان با دست خود حاکمیتش را بر زمین به شیطان سپرد. میل به بدی که در درون هر بنی‌آدمی وجود دارد و مشکلات انسان در این جهان، جزو عواقب گناه آدم است. پولس رسول با الهام از روح‌القدس نوشت "گناه بوسیله یک انسان (یعنی آدم) به جهان وارد شد و این گناه مرگ را به همراه آورد. در نتیجه چون همه گناه کردند مرگ همه را برگرفت." (رساله به رومیان فصل پنجم، آیه ۱۲) اگر آدم گناه نمی‌کرد نه خودش می‌مرد و نه آدمیان می‌مردند. اما می‌بینیم که مردم می‌میرند و این مطلب بخودی خود ثابت می‌کند که گناه آدم به نژاد بشر سرایت کرده است. این مطلب که انسان می‌میرد نشان می‌دهد گناه آدم دامنگیر تمام آدمیان شده است. در آیات پانزدهم و شانزدهم از فصل پنجم رساله به رومیان می‌بینیم که چه فرقی است بین گناه و مرگ که از آدم به

انسان رسیده است و فیض و حیات که از عیسی مسیح به انسان می‌رسد. کلام می‌فرماید: "اما این دو، مثل هم نیستند، زیرا بخشش الهی با گناهی که بوسیله آدم به جهان وارد شد قابل مقایسه نیست. درست است که بسیاری بخاطر گناه یک نفر مردند اما چقدر بیشتر فیض خدا و بخششی که از فیض آدم ثانی یعنی عیسی مسیح ناشی شده است به فراوانی در دسترس بسیاری گذاشته شده است. همچنین نمی‌توان آن عطیه خدا را با نتایج گناه یک نفر یعنی آدم مقایسه کرد، زیرا در نتیجه آن نافرمانی، انسان محکوم شناخته شد، حال آنکه بخشش خدا پس از آن همه خطایا موجب تبرئه انسان گردید."

سپس در آیات ۱۷-۱۹ از فصل پنجم رساله به رومیان می‌بینیم که پولس رسول لب کلام را به ما ارائه داده است و از طریق این آیات می‌توانیم به نکته اصلی بحث پی ببریم. می‌فرماید: "به سبب نافرمانی آن یک نفر (یعنی آدم) و بخاطر او مرگ بر سرنوشت بشر حاکم شد، اما چقدر نتیجه آنچه آن انسان دیگر یعنی عیسی مسیح انجام داد بزرگتر است. همه کسانی که فیض فراوان خدا و عطیه رایگان نیکی مطلق او را دریافت دارند بوسیله مسیح در زندگانی حکومت خواهند نمود. پس، همانطور که یک گناه موجب محکومیت همه آدمیان شد. یک عمل کاملاً نیک نیز باعث تبرئه و حیات همه می‌باشد. و چنانکه بسیاری در نتیجه سرپیچی یک نفر، گناهکار گشتند به همان طریق بسیاری هم در نتیجه فرمانبری یک نفر، کاملاً نیک محسوب خواهند شد، پس از آدم مرگ به انسان رسید اما در مسیح حیات برای انسان وجود دارد.

بطور خلاصه می‌توانیم بگوییم، انسان بر اثر عدم اطاعت از خدا، دچار شکست و ناکامی گردیده است و در دنیایی بسر می‌برد که بخاطر گناه خودش به تباهی کشیده شده است. گناه انسان را از خدا که سرچشمه

حیات است جدا کرده و گناه باعث سیاه شدن روزگار انسان گردیده است! به عوض زندگی در صلح و آرامش، انسان با خدا و با هموعانش در جنگ است. بلی گناه عواقب شومی برای انسان به همراه داشته است. خواننده حقیقو: اگر هنوز عیسی مسیح را در قلب و زندگی دریافت نکرده اید، شما را تشویق می‌کنیم که به گناه پشت کنید و از راه ایمان عیسی مسیح را دریافت کنید. تنها در این صورت است که زندگی جاوید می‌یابید و می‌توانید ابدیت را با خدا بگذرانید. ما قول نمی‌دهیم که بعد از ایمان آوردن به مسیح زندگی شما از هر نظر راحت خواهد بود! در واقع بعضی وقتها زندگی پیروان مسیح از زندگی غیرمسیحیان سخت‌تر است. اما در اثر پیوستن به مسیح انسان از برکاتی بهره‌مند می‌شود که جدا از مسیح هرگز نمی‌تواند به این برکات دسترسی پیدا کند. شخصی که به مسیح ایمان می‌آورد از صلح با خدا بهره‌مند می‌شود و آنوقت می‌تواند با هموعان خود نیز در صلح بسر ببرد. شخصی که با خدا و با هموعانش در صلح بسر می‌برد آرامش درونی دارد و این بسیار باارزش است. مسیح می‌خواهد تمام گناهان شما را بیامرزد و قلب و وجود شما را پاک کند. مسیح می‌خواهد کویر خشک و بی‌آب و علف زندگی شما را به دشت سبز و خرمی تبدیل کند. به گناه پشت کن و از راه ایمان با مسیح متحد بشو. او تنها راه نجات است. خداوند شما را برکت بدهد. آمین.

تعاليم اساسی كتاب مقدس

بخش ۲۶

شریعت خدا

نیکو ولی شکسته شده

خواننده محترم در این درس و در درس بعدی درباره شریعت خدا که در عهدعتیق داده شد، و کاربرد کنونی آن سخن خواهیم گفت.

شریعت خدا نیکو است

قبل از هر چیز باید ذکر بشود که شریعت خدا نیکوست. بسیاری از مردم شریعت را باری سنگین می‌پندارند، اما یوحنا رسول در اولین رساله خود نوشت "... این احکام بار سنگینی نیست" (رساله اول یوحنا فصل پنجم، آیه ۳). کتاب مقدس همچنین اعلام می‌کند که شریعت خوب است اما باید به طرز صحیحی از آن استفاده می‌شود. در رساله اول پولس رسول به تیموتاوس فصل اول، آیات ۸-۱۱ می‌خوانیم "ما می‌دانیم شریعت وقتی نیکوست که به طرز صحیحی از آن استفاده شود. البته باید دانست که قوانین برای نیکان وضع نشده است، بلکه برای افراد متمرّد و سرکش، برای خداناشناسان، گناهکاران، کافران، بی‌دینان، قاتلان پدر، قاتلان مادر، آدمکشان، زشتکاران، لواط‌گران، آدم‌زدان، دروغگویان و اشخاصی که شهادت دروغ می‌دهند و هر عمل

تعالیم اساسی کتاب مقدس

دیگری که بر خلاف تعلیم درست باشد، آن تعلیمی که در انجیل یافت می‌شود، یعنی مزده‌ای از جانب خدای پر جلال و متبارک که به من سپرده شده است تا آن را اعلام کنم."

در رسالهٔ پولس رسول به رومیان فصل هفتم، آیهٔ ۱۲ می‌خوانیم "بنابراین شریعت به خودی خود مقدس است و تمام احکام آن مقدس و عادلانه و نیکو است". و سپس در آیهٔ ۱۴ نوشته شده است "ما می‌دانیم که شریعت روحانی است...".

هر چند نویسندهٔ رساله به عبرانیان ذکر می‌کند که پیمان اولیه بدون نقص نبود، اما او توضیح می‌دهد که نقص موجود در خود پیمان اولیه نبود بلکه در دریافت کنندگان آن. می‌فرماید: "اگر آن پیمان اولیه بدون نقص می‌بود هیچ نیازی نبود که پیمان دیگری جای آن را بگیرد، اما خداوند از قوم خود ایراد گرفته می‌فرماید: "ایامی خواهد آمد که من پیمان تازه‌ای با خاندان اسرائیل و با خاندان یهودا ببندم." (رساله به عبرانیان فصل هشتم، آیات ۷-۸). بنابراین، پیمان فیض در عهد جدید بر این واقعیت شهادت می‌دهد که شریعت نیکوست.

فرامین خدا

راستی شریعت خدا چیست؟ افرادی که کتاب مقدس را مطالعه نکرده‌اند نمی‌دانند که خدا بمنظور تنظیم و تعدیل اعمال انسان شریعت را به او داد. بعضی از قوانین به اعمال انسان در برابر خدا مربوط می‌شوند، و البته قوانینی هم وجود دارند که به اعمال انسانها در برابر یکدیگر مربوط می‌شوند. در فصل بیستم کتاب خروج ده فرمان خدا نوشته شده است. این ده فرمان، پایه و اساس قوانین دیگری هستند که

در کتاب مقدس یافت می‌شوند. در عهد عتیق بیش از ششصد قانون وجود دارد. این قوانین که از ده فرمان اصلی نشأت گرفته‌اند به جزییات چگونگی اجراء ده فرمان مربوط می‌شوند.

بطور خلاصه ده فرمان خدا از این قرار هستند:

- ۱- ترا خدایان دیگر غیر از من نباشد
 - ۲- صورتی تراشیده و هیچ تمثالی از آنچه بالا در آسمان است و از آنچه پایین در زمین است و از آنچه در آب زیرزمین است برای خدا مساز
 - ۳- نام یهوه خدای خود را به باطل مبر
 - ۴- روز سبت را یاد کن تا آن را تقدیس نمایی
 - ۵- پدر و مادر خود را احترام نما
 - ۶- قتل مکن
 - ۷- زنا مکن
 - ۸- دزدی مکن
 - ۹- بر همسایه خود شهادت دروغ مده
 - ۱۰- به آنچه که متعلق به همسایه‌ات می‌باشد طمع موز
- همانطور که ذکر شد ده فرمان در فصل بیستم کتاب خروج نوشته شده است

مقصود خدا از دادن شریعت

می‌دانیم که هیچ بنی آدمی قادر نیست در تمام اوقات شریعت را بطور تمام و کمال رعایت کند. البته اشکال از شریعت نیست بلکه از انسان است. عده‌ای می‌پرسند که، اگر انسان قادر نیست شریعت

را بطور تمام و کمال رعایت کند پس چرا خدا شریعت را به انسان داد، اصلاً قصد و هدف شریعت چه بود؟

برای پاسخ به این سؤال باید دو نکته توضیح داده شود.

نکته اول این است که، شریعت داده شد تا به انسان ثابت بشود که گناهکار است و به نجات دهنده احتیاج دارد. در رساله به رومیان فصل سوم، آیات ۱۹-۲۰ نوشته شده است "ما می‌دانیم که روی سخن در شریعت با پیروان شریعت است تا هر دهانی بسته شود و تمام دنیا خود را نسبت به خدا ملزم و مسئول بدانند. زیرا هیچ انسانی در نظر خدا با انجام احکام شریعت نیک شمرده نمی‌شود. کار شریعت این است که انسان گناه را بشناسد". این آیات بطور واضح بیان می‌کنند که انسان در روز داوری نمی‌تواند به خدا بگوید که از هر نظر مطیع او بوده و مطابق میل و اراده خدا زندگی کرده است. ضمناً انسان در موقع داوری نمی‌تواند به خدا بگوید که فرق بین خوب و بد را نمی‌دانسته است. یقیناً هر دهانی بسته خواهد شد! چون شریعت داده شد تا انسان از طریق آن فرق بین خوب و بد را تشخیص بدهد. بعلاوه، خدا می‌فرماید که هیچ انسانی با انجام احکام شریعت نیک شمرده نمی‌شود. کار شریعت این است که انسان گناه را بشناسد. به این ترتیب می‌توانیم بگوییم که شریعت داده شد تا انسان به گناهکار بودن خود پی ببرد و بفهمد که قادر نیست احکام شریعت را بطور تمام و کمال انجام بدهد. پس انسان در حضور خدای قادر مطلق گناهکار و محکوم است.

نکته دوم در رابطه با هدف و قصد شریعت این است که، شریعت داده شد تا وسیله هدایت انسان به سوی مسیح باشد. باید توجه داشته باشیم که اگر قصد شریعت فقط این بود که انسان به گناهکار بودن و محکومیت خود پی ببرد، دیگر امیدی برای نجات نداشتیم! کلام خدا در

تعالیم اساسی کتاب مقدس

این زمینه که شریعت داده شد تا وسیلهٔ هدایت انسان بسوی نجات دهنده باشد اینطور می‌فرماید: "اما قبل از رسیدن دورهٔ ایمان همهٔ ما محبوس و تحت تسلط شریعت بودیم و در انتظار آن ایمانی که در شرف ظهور بود بسر می‌بردیم. به این ترتیب شریعت للهٔ ما بود که ما را به مسیح برساند تا بوسیلهٔ ایمان کاملاً نیک محسوب شویم." (رسالهٔ پولس رسول به غلاطیان فصل سوم، آیات ۲۳-۲۴).

برای درک بهتر این آیات در رابطه با هدف و قصد شریعت، می‌توانیم بچه‌ای را در نظر بگیریم که تا قبل از رسیدن به سن بلوغ تحت نظارت للهٔ بسر می‌برد. شریعت نیز للهٔ ما بود که ما را به مسیح برساند تا بوسیلهٔ ایمان کاملاً نیک محسوب بشویم. در آیات ۲۳-۲۴ از فصل سوم غلاطیان می‌بینیم که نخست اینکه انسان از طریق اجرای احکام شریعت قادر نیست نیک محسوب بشود و دوم اینکه راهی برای نجات انسان وجود دارد. (خدا را شکر)

در عهد عتیق که ده فرمان خدا به انسان داده شد همچنین قوانین قربانی نیز در اختیار انسان گذاشته شد. قربانیهای عهد عتیق تصویری از قربانی شدن مسیح بودند که برای مهیا شدن راه نجات انسان بایستی صورت می‌گرفت. باید توجه داشته باشیم که در عهد عتیق فرامین و قربانیها انسان را متوجه می‌کردند که او به نجات احتیاج دارد، و مسیح نجات دهنده‌ای است که به جهان آمد تا انسان بوسیلهٔ ایمان به او نجات بیابد و نیک محسوب بشود.

کاربرد امروزی شریعت

در اوایل این بخش آیاتی را از فصل اول رساله اول به تیموتاوس نقل کردیم و دیدیم که شریعت وقتی نیکوست که به طرز صحیحی از آن استفاده بشود. سؤالی که مطرح می‌شود این است که طرز صحیح استفاده از شریعت چیست؟ در پاسخ به این سؤال می‌توانیم بگوییم که امروز هم می‌شود توسط شریعت به انسان فهماند که گناهکار و محکوم است، و به نجات دهنده احتیاج دارد. طرز صحیح استفاده از شریعت این است که مردم را متوجه کنیم که مقررات خدا بعنوان معیاری برای داوری آنان بکار خواهد رفت. انسان باید درک کند که خدا او را داوری خواهد کرد. ما تعلیم نمی‌دهیم که کسی از طریق شریعت می‌تواند نجات بیابد چون بر اساس کلام خدا "هیچ انسانی ... با انجام احکام شریعت نیک شمرده نمی‌شود". (رومیان فصل سوم، آیه ۲۰)

تعلیم ما این است که انسان قوانین خدا را شکسته و از نظر خدا گناهکار و محکوم است. ضمناً ما تعلیم می‌دهیم که مسیح پسر روحانی خدا شریعت را بطور کامل بجای ما انجام داد. او که از هر لحاظ بی‌گناه بود جرمه گناهان ما را از طریق مرگ خود بر روی صلیب پرداخت تا ما بتوانیم بوسیله ایمان به او نجات بیابیم. بنابراین کاربرد صحیح امروزی شریعت این است که نخست اینکه تعلیم بدهیم که انسان گناهکار است و به نجات احتیاج دارد و دوم اینکه او را به سوی مسیح هدایت کنیم. مبشر معروفی گفته است: تا انسان نفهمد که گمراه است و به نجات احتیاج دارد نمی‌توانیم دست او را در دست نجات دهنده بگذاریم. متأسفانه بسیاری متوجه این واقعیت نیستند که انسان بدون مسیح گمراه است و سرنوشت او هلاکت است، به همین علت لازم است که انسان

بفهمد در چه وضعیت روحانی بدی بسر می‌برد. وقتی انسان متوجه می‌شود که قوانین خدا را شکسته و در نظر خدا محکوم است، می‌توان انتظار داشت که او نیازش را به نجات درک کند. مسیح فرمود: "من نیامدم تا پرهیزکاران را دعوت کنم بلکه گناهکاران را" (انجیل متی فصل نهم، آیه ۱۳). او همچنین فرمود: "بیماران به طبیب احتیاج دارند، نه تندرستان" (متی فصل نهم، آیه ۱۳). پس کسانی می‌توانند از عیسی یاری بطلبند که قبول دارند گناهکار و بیمار هستند. وقتی قوانین خدا را برای گمشدگان و گمراهان توضیح می‌دهیم روح خدا، انسان را در مورد گناهِش ملزم می‌سازد و او را تشویق می‌کند که به خداوند و نجات دهنده ما عیسی مسیح ایمان بیاورد.

خواننده حقیقتاً آیا شما قلباً عیسی مسیح خداوند را بعنوان نجات دهنده خود پذیرفته‌اید؟ اگر جواب شما به این سؤال مهم "نه" است بایستی این حقیقت را در نظر داشته باشید که شما قوانین خدا را شکسته‌اید و خدا شما را گناهکار و محکوم می‌داند. اما خبرخوش این است که پسر روحانی خدا به منظور پرداخت جریمه گناهان شما بر روی صلیب خون ریخت و مُرد. اگر شما صادقانه به خدا اعتراف کنید که گناهکار هستید و به مسیح ایمان بیاورید، خدا شما را نجات می‌دهد و تمام گناهانتان آمرزیده می‌شود.

کلام خدا می‌فرماید: "اگر با لبان خود اعتراف کنید که عیسی، خداوند است و در قلب خود ایمان آورید که خدا او را پس از مرگ زنده ساخت نجات خواهی یافت" (رساله به رومیان فصل دهم، آیه ۹).

عیسی مسیح مثل آدمیان قوانین خدا را نشکست و مرتکب گناه نشد، چون او آسمانی و از خدا بود (یوحنا فصل ششم، آیه ۴۶). عیسی مسیح از هر لحاظ پاک و بی‌گناه بود و او که بخاطر ما مُرد و دوباره زنده شد و

زنده است تنها نجات دهنده بشر است". به او ایمان بیاورید و از راه
ایمان به او، تا ابد با خدا زندگی کنید. آمین.

بخش ۲۷

شریعت خدا

نیکو، اما شکسته شده

در درس گذشته بحث خود را درباره شریعت خدا آغاز کردیم و در پیرامون شریعت و کاربرد امروزی آن مطالبی ارائه گردید. کتاب عهد جدید یا انجیل شریف اعلام می‌کند که شریعت داده شده در عهد عتیق، به خودی خود نیکو، مقدس و روحانی است. اما عهد و پیمان جدید ضروری بود چون انسان نمی‌توانست شریعت را بطور تمام و کمال رعایت کند. در این درس بحث خود را درباره شریعت از نقطه نظر عهد جدید ادامه می‌دهیم و خواهیم دید که هرچند شریعت خوب بود ولی بدون ضعف نبود.

وحدت موجود در شریعت

قبل از آنکه ضعف شریعت را مورد بحث قرار بدهیم می‌خواهیم به رساله یعقوب نظری بیافکنیم. در فصل دوم رساله یعقوب آیات ۸-۱۱ نوشته شده است "اگر شما قانون شاهانه‌ای را که در کلام خدا است و می‌فرماید: همسایه خود را مثل نفس خود محبت کن بجا آورید کاری نیکو کرده‌اید. اما اگر بین اشخاص از روی ظاهر آنها تبعیض قائل شوید، مرتکب گناه شده‌اید و شریعت شما را بعنوان خطاکار محکوم می‌نماید،

تعالیم اساسی کتاب مقدس

چون اگر کسی تمام شریعت را رعایت کند و فقط یکی از قوانین آن را بشکند باز هم در مقابل تمام شریعت مقصر است، زیرا همان کسی که گفت زنا نکن همچنین گفته است قتل نکن پس اگر تو از زنا مبرا باشی ولی مرتکب قتل شوی باز هم شریعت را شکسته‌ای".

باید توجه داشته باشیم که در شریعت یگانگی و وحدت وجود دارد. قوانین خدا مثل حلقه‌های یک زنجیر همگی به هم متصل هستند. هر حلقه‌ای از این زنجیر که شکسته بشود زنجیر پاره می‌شود. شاید یک نفر زنا نکند اما شهادت دروغ بدهد. شاید یک نفر دزدی نکند، اما به آنچه که به شخص دیگری تعلق دارد طمع بورزد، پس مسئله اصلی این نیست که شخص کدام یک از قوانین شریعت را شکسته است، بلکه مطلب اصلی این است که با شکستن هر یک از قوانین خدا، شخص در مقابل تمام شریعت مقصر است.

طمع ورزیدن به آنچه که متعلق به ما نیست نمونه خوبی است. می‌توان گفت که هر بنی‌آدمی مرتکب این گناه می‌شود. دل انسان غالباً چیزهایی را می‌خواهد که مال دیگران است. در کتاب خروج فصل بیستم، آیه ۱۷ می‌بینیم که دهمین فرمان خدا از این قرار است: "به خانه همسایه خود طمع موز و به زن همسایه‌ات و غلامش و کنیزش و گاوش و الاغش و به هیچ چیزی که از آن همسایه تو باشد طمع مکن."

وقتی یک نفر حتی یکبار یکی از قوانین خدا را می‌شکند در واقع شریعت را می‌شکند. به همین علت انسان از نظر خدا گناهکار و محکوم است و به نجات دهنده احتیاج دارد. خدا را شکر برای عیسی مسیح که همان نجات دهنده مقتدری است که انسان احتیاج دارد.

ضعف شریعت

می‌دانیم که احکام شریعت مقدس و عادلانه (رومیان فصل هفتم، آیه ۱۲) و نیکوست، اما شریعت دارای ضعفی بود. آن ضعف این است که شریعت قادر نبود به انسان گناهکار و از لحاظ روحانی مرده، حیات ببخشد.

در رساله پولس رسول به غلاطیان فصل سوم، آیه ۲۱ می‌خوانیم "بنابراین آیا شریعت با وعده‌های خدا تناقض دارد؟ ابدًا! زیرا اگر شریعتی داده شده بود که قادر به بخشیدن حیات بود البته نیکی مطلق نیز بوسیله شریعت میسر می‌شد" از این آیه نتیجه می‌گیریم که انسان توسط شریعت نمی‌توانست صاحب حیات بشود. باید توجه داشته باشیم که مشکل انسان فقط این نیست که در طول عمر خود قوانین خدا را می‌شکند و مرتکب گناه می‌شود، بلکه انسان با ذاتی آلوده به گناه بدنیا می‌آید و از لحاظ روحانی مرده است. پس انسان گناهکار و روحاً مرده به حیات احتیاج دارد و شریعت قادر نیست این احتیاج انسان را رفع کند. به همین دلیل عیسی مسیح خداوند در راه گناهان ما مرد و پس از مرگ دوباره زنده شد. تنها او قادر است به انسان در گناه مرده، حیات ببخشد. در رساله اول یوحنا فصل پنجم، آیات ۱۱-۱۲ نوشته شده است "شهادت این است که خدا به ما حیات جاودانی داده است و این حیات در پسر او یافت می‌شود. هر که پسر را دارد حیات دارد و هر که پسر را ندارد صاحب حیات نیست."

وقتی یک نفر به عیسی مسیح خداوند که مرد و دوباره زنده شد و زنده است ایمان می‌آورد صاحب حیات می‌شود و اینکار یعنی بخشیدن حیات از شریعت بر نمی‌آید! اگر شما با مفهوم تولد دوباره آشنا باشید می‌دانید

که تولد دوباره به تولد روحانی انسان اشاره دارد که کار روح خداست. انسان یک بار از رحم مادر خود متولد می‌شود و این تولد جسمانی انسان است. چون انسان به حیات احتیاج دارد لازم است که از طریق روح خدا تولد روحانی بیابد، در غیر اینصورت هرگز نمی‌تواند به پادشاهی خدا وارد بشود. در فصل سوم انجیل یوحنا مکالمه خداوند و منجی ما عیسی مسیح با نیکودیموس که یکی از بزرگان قوم یهود بود نوشته شده است. عیسی خداوند درباره موضوع تولد دوباره به نیکودیموس چنین فرمود: "یقین بدان تا شخص از نو تولد نیابد نمی‌تواند پادشاهی خدا را ببیند. نیکودیموس گفت: چگونه ممکن است شخص سالخورده‌ای از نو متولد شود؟ آیا می‌تواند باز به رحم مادر خود برگردد و دوباره تولد یابد؟ عیسی پاسخ داد: یقین بدان که هیچکس نمی‌تواند به پادشاهی خدا وارد شود مگر آنکه از آب و روح تولد یابد. آنچه از جسم تولد بیابد جسم است و آنچه از روح متولد گردد روح است. تعجب نکن که به تو می‌گویم همه باید دوباره متولد شوند. باد هر جا که بخواهد می‌وزد. صدای آن را می‌شنوی اما نمی‌دانی از کجا می‌آید یا به کجا می‌رود. حالت کسی هم که از روح خدا متولد می‌شود همینطور است" (انجیل یوحنا فصل سوم، آیات ۳-۸).

تجربه تولد دوباره یا تولد روحانی هرگز از طریق رعایت شریعت بدست نمی‌آید. اما تمام کسانی که به مسیح خداوند ایمان می‌آورند تولد دوباره می‌یابند و صاحب حیات جاوید می‌شوند. پس شریعت، انسان را بسوی مسیح هدایت می‌کند تا انسان توسط ایمان به مسیح حیات بیابد. اگر شما تلاش کرده‌اید که از راه رعایت احکام شریعت خدا را خوشنود کنید و به پادشاهی خدا وارد بشوید بهتر است هر چه زودتر راهتان را عوض کنید. انسان با انجام احکام شریعت تولد دوباره نمی‌یابد و به پادشاهی خدا وارد

نمی‌شود. تنها از طریق ایمان به مسیح خداوند است که انسان به پادشاهی خدا وارد می‌شود و حیات ابدی می‌یابد. پس به خداوند و منجی ما عیسی مسیح ایمان بیاورید و صاحب حیات جاوید بشوید.

مسیحیان و شریعت

در رسالهٔ پولس به رومیان فصل دهم، آیهٔ ۴ نوشته شده است "مسیح هدف و تمام کنندهٔ شریعت است برای هر که ایمان آورد و به این وسیله در حضور خدا نیک شمرده شود".

وقتی می‌گوییم ما از راه ایمان به مسیح نیک شمرده شده‌ایم غرض این نیست که ما مسیحیان عمداً احکام خدا را زیر پا می‌گذاریم و با بی‌عدالتی زندگی می‌کنیم! برعکس، شخصی که به مسیح ایمان می‌آورد توسط روح خدا قدرت می‌یابد که مطابق میل و ارادهٔ خدا زندگی کند. کلام خدا در مورد ما ایمان‌داران به مسیح می‌فرماید که: "ما مصنوع دست او هستیم و خدا ما را در مسیح عیسی از نو آفریده است تا آن کارهای نیکویی را که او قبلاً برای ما مقدر فرمود که انجام دهیم، بجا آوریم." (رسالهٔ پولس به افسسیان فصل دوم، آیهٔ ۱۰).

ما ایمان‌داران به مسیح باید "خداوند خدای خود را با تمام دل و تمام جان و تمام ذهن و تمام قدرت خود دوست بداریم. و هم‌نوع خود را مانند خود محبت کنیم" (مرقس فصل دوازدهم، آیات ۳۱-۳۰). به این ترتیب ما قانون شاهانهٔ محبت را که یعقوب در رساله‌اش ذکر نموده است بجا آورده‌ایم.

خلاصه مطلب

بطور خلاصه می‌توانیم بگوییم شریعتی که خدا عطا فرمود خوب و عادلانه و روحانی است. اما هیچکس بجز عیسی مسیح نتوانسته است شریعت را بطور کامل رعایت کند. بنابراین تمام کسانی که فیض و رحمت خدا را نادیده می‌گیرند و به مسیح ایمان نمی‌آورند توسط خود شریعت محکوم می‌شوند. بعلاوه شریعت دارای ضعف بود و نمی‌توانست انسان را نجات بدهد. انسان با ذاتی گناه‌آلود به دنیا می‌آید و از لحاظ روحانی مرده است. شریعت نمی‌تواند به انسان در گناه مرده حیات ببخشد اما مسیح قادر است انسان گناهکار را نجات بدهد و به او حیات ببخشد. کار شریعت این است که به انسان نشان بدهد گناهکار و به نجات دهنده احتیاج دارد. وقتی انسان به این واقعیت پی می‌برد که گناهکار است و سپس به عیسی مسیح روی می‌آورد، ایمان انسان به کاری که عیسی خداوند انجام داده است باعث نجات او می‌شود.

حیات جاودان هدیه خدا به اشخاصی است که به مسیح ایمان می‌آورند. روح خدا که در وجود ایمان‌داران به مسیح زندگی می‌کند آنان را قادر می‌سازد که مطابق اراده خدا زندگی کنند و زندگی خداپسندان‌ای داشته باشند. امروزه به این صورت می‌شود از شریعت استفاده کرد که انسان با توجه به احکام خدا به گناهکار بودن خود و به نیازش به عیسی مسیح پی ببرد.

در خاتمه، اگر شما خواننده محترم تلاش کرده‌اید که با رعایت احکام شریعت نجات بیابید و شایسته آسمان بشوید به شما توصیه می‌کنیم که به تلاش بی‌ثمر خود ادامه ندهید. در عوض با تمام دل به عیسی مسیح ایمان بیاورید چون او قادر است شما را نجات بدهد و ضمناً او پس از

نجات به شما توانایی می‌بخشد که مطابق میل و اراده خدا زندگی کنید.
بخاطر داشته باشید که آنچه عیسی مسیح می‌تواند برای شما انجام بدهد
هیچگاه از دست شریعت بر نمی‌آید. او شما را می‌رهاند و حیات
می‌بخشد و راهی آسمان می‌کند. جلال بر او باد. آمین.

تعاليم اساسی كتاب مقدس

بخش ۲۸

نجات

اعمال و فیض

خواننده گرامی، در این درس پیرامون این سؤالات تفکر می‌کنیم که آیا نجات بوسیله اعمال انسان بدست می‌آید یا فیض خدا؟ آیا می‌توان گفت که در نجات انسان، هم اعمال او و هم فیض خدا حائز اهمیت است؟

در درسهای اخیرمان توضیح دادیم که انسان بخاطر عدم اطاعت از خدا از سرچشمه حیات جدا شده است و در مرگ روحانی بسر می‌برد. خدا شریعت را به انسان داد تا انسان به گناهکار بودن خود و نیاز خود به نجات پی ببرد. انسان توسط شریعت نمی‌تواند نجات بیابد چون هیچ بنی آدمی قادر نیست شریعت را بطور تمام و کمال رعایت کند و بعلاوه شریعت قادر نیست به انسان در گناه مرده حیات ببخشد.

نقشه خدا برای نجات انسان

در این درس می‌خواهیم نشان بدهیم که خدا نقشه نجات انسان را طوری طرح ریزی نمود تا انسان بتواند بسوی او بازگشت کند. خدا که مایل به نجات انسان بوده است راهی برای نجات انسان فراهم کرد تا انسان بتواند با خالق خود دوستی و مشارکت داشته باشد.

تعالیم اساسی کتاب مقدس

عدم توانایی انسان در انجام اعمال خداپسندانه

شخصی که کوشش می‌کند با رعایت شریعت و انجام کارهای نیک خدا را خوشنود کند به زودی خود را در وضعیتی می‌یابد که در رساله به رومیان تشریح گردیده است. پولس رسول در رساله خود به رومیان اینطور نوشت: "ما می‌دانیم که شریعت روحانی است اما من نفسانی هستم و مانند برده‌ای به گناه فروخته شده‌ام. نمی‌دانم چکار می‌کنم زیرا آنچه را که دلم می‌خواهد انجام نمی‌دهم بلکه برخلاف، چیزی را که از آن تنفر دارم بعمل می‌آورم. وقتی کاری می‌کنم که نمی‌خواهم بکنم، این نشان می‌دهد که من با حقانیت شریعت موافقم. پس در واقع من آن کسی که این عمل را انجام می‌دهد نیستم بلکه این گناه است که در من بسر می‌برد." (رساله به رومیان فصل هفتم، آیات ۱۴-۱۷).

این وضعیت کسی است که سعی می‌کند از طریق رعایت شریعت زندگی خداپسندانه‌ای داشته باشد. چنین شخصی به زودی متوجه می‌شود که طبیعت سقوط کرده و گناه‌آلود او به هیچ وجه نمی‌خواهد مطیع خدا باشد. پولس رسول مثل هر بنی‌آدم دیگری نمی‌توانست بطور تمام و کمال شریعت را رعایت کند چون طبیعت انسان او گناهکار و سرکش بود. باید توجه داشته باشیم که انسان با طبیعتی گناه‌آلود به دنیا می‌آید و این طبیعت گناهکار، مطیع خدا و احکام خدا نیست. پولس رسول در آیات ۱۸-۲۱ از فصل هفتم رساله‌اش به رومیان نوشت: "می‌دانم که در من یعنی در طبیعت نفسانی من جایی برای نیکویی نیست زیرا اگر چه میل به نیکی کردن در من هست ولی قدرت انجام آن را ندارم آن نیکی را که می‌خواهم، انجام نمی‌دهم بلکه کار بدی را که نمی‌خواهم، بعمل

می‌آورم. اگر کاری را که نمی‌خواهم، انجام می‌دهم دیگر کننده آن کار من نیستم بلکه گناه است که در من بسر می‌برد. پس به این قاعده کلی پی می‌برم که، هر وقت می‌خواهم کاری نیکو انجام دهم فقط شرارت از من سر می‌زند."

این آیات بطور بسیار واضحی بیان می‌کنند که انسان بخاطر طبیعت سقوط کرده خود نمی‌تواند با اعمالش خدا را خوشنود کند. هر چند یک نفر بخواهد و تلاش کند که با اعمال نیکو باعث خوشنودی خدا بشود چون طبیعت گناه‌آلود در او هست به نتیجه مطلوب نخواهد رسید. بر اساس آیه ۱۸ که خواندم "در طبیعت نفسانی انسان جایی برای نیکویی نیست." سپس پولس رسول در آیات ۲۲-۲۵ از فصل هفتم رساله به رومیان اینطور ادامه می‌دهد "باطناً از شریعت خدا لذت می‌برم، ولی می‌بینم فرمان دیگری بر بدن من حاکم است که با فرمان حاکم بر ذهن من می‌جنگد و مرا اسیر فرمان گناه می‌سازد یعنی اعضای بدن مرا مطیع خود نموده است. من چه آدم بدبختی هستم! این بدن، مرا بسوی مرگ می‌کشاند. کی می‌تواند مرا از دست آن آزاد سازد؟ خدا را بوسیله خداوند ما عیسی مسیح شکر می‌کنم که چنین کاری را کرده است. خلاصه در حالیکه طبیعت نفسانی من بنده گناه است با عقل خود شریعت خدا را بندگی می‌کنم." می‌بینیم پولس رسول بیان می‌کند که احتیاج دارد از چنگ طبیعت گناه‌آلود خود آزاد بشود (آیه ۲۴). اما او روشن می‌سازد که این آزادی با رعایت شریعت بدست نمی‌آید. این آزادی هدیه خداست که توسط خداوند ما عیسی مسیح به انسان داده می‌شود. پس آزادی ما ایمان‌داران به مسیح نتیجه اعمالمان نیست بلکه نتیجه فیض است که در عیسی مسیح به ما بخشیده شده است. تجربه روحانی پولس که در فصل هفتم رساله به رومیان ذکر گردیده است احتمالاً بعد از توبه و بازگشت او

بوده است. در غیر اینصورت او اظهار نمی نمود که "باطناً از شریعت خدا لذت می برد (رومیان فصل هفتم، آیه ۲۲). فصل ششم رساله به رومیان در رابطه با افرادی است که بخاطر اتحاد با عیسی مسیح از مرگ به حیات منتقل شده اند. فصل هفتم رساله به رومیان وضعیت همین افراد را تشریح می کند که می خواهند توسط اعمال خود خدا را خوشنود بسازند ولی موفق نمی شوند.

در این فصل، موضوع درس ما درباره زندگی مسیحی نیست بلکه درباره نجات است. می خواهیم ببینیم که نجات چگونه بدست می آید، آیا نجات از طریق اعمال انسان بدست می آید یا از طریق فیض خدا؟ شاید پرسید، اگر موضوع درس ما درباره نجات است پس چرا وارد فصل هفتم رساله به رومیان شدیم، مگر آیات ۱۴-۲۵ از فصل هفتم رومیان درباره کشمکش درونی ایمان داران نیست، مگر این آیات نشان نمی دهند که ما ایمان داران به مسیح نمی توانیم با رعایت شریعت و انجام اعمال نیک از چنگ طبیعت نفسانی خود آزاد بشویم؟

در اینجا می خواهیم تذکر بدهیم که قصد ما از وارد شدن به فصل هفتم رساله به رومیان این است که نشان بدهیم حتی ایمان داران به مسیح، بدون کمک خدا نمی توانند زندگی خداپسندانه ای داشته باشند. وقتی شخص نجات یافت، نتواند با کوشش انسانی خود خدا را خوشنود بسازد چطور ممکن است شخص نجات نیافته با تکیه بر اعمالش خدا را خوشنود کند؟! فصل هفتم رساله به رومیان بخوبی ما را متوجه می کند که هیچکس (خواه نجات یافته، خواه نجات نیافته) از طریق تلاش و کوشش انسانی خود نمی تواند باعث خوشنودی خدا بشود.

شرط لازم برای ورود به آسمان

انسان نمی‌تواند به آسمان وارد بشود مگر اینکه از گناهان خود پاک شده باشد. گناه، مانع رسیدن انسان به آسمان است و هیچ بنی آدمی در نظر خدا بی‌گناه نیست. شاید یکنفر بگوید من آنقدر کارهای خوب انجام می‌دهم که گناهانم را پوشش بدهد!! آیا انسان می‌تواند در تمام طول عمر خود فقط کارهای خوب انجام بدهد و هیچگاه مرتکب گناه نشود؟ چنین چیزی غیرممکن است، چون انسان در درون خود طبیعتی گناهکار و سرکش دارد. میل باطنی به گناه باعث می‌شود که انسان گناه بکند. انسان در فکر و کلام و عمل گناهکار است و هرگز نمی‌تواند با کارهای خوب خود گناهانش را برطرف کند. پس انسان از طریق کارهای خوب نمی‌تواند از گناهانش پاک بشود و به آسمان برسد. برای نجات و رسیدن به آسمان باید راه دیگری وجود داشته باشد.

اشتباه بزرگ قوم اسرائیل

در فصلهای نهم و دهم و یازدهم رساله به رومیان می‌بینیم که پولس رسول با حکمتی مخصوص اشتباه بزرگ قوم اسرائیل را توضیح می‌دهد. این اشتباه این است که قوم اسرائیل بعوض پذیرفتن فیض خدا برای نجات، سعی نمودند شریعت را رعایت کنند. قوم اسرائیل در عهد عتیق بایستی حیوانات را قربانی می‌کردند که متوجه فیض خدا بشوند. بعلاوه بعداً مسیح موعود قوم اسرائیل بر روی صلیب قربانی شد و فیض خدا را بطور کامل آشکار نمود.

با مرگ مسیح بر روی صلیب جریمه گناهان قوم اسرائیل و جریمه گناهان تمام بشر پرداخت گردید. پولس رسول در فصل نهم رساله به رومیان

آیات ۳۰-۳۳ درباره قوم اسرائیل اینطور نوشت: "پس چه بگوییم؟ باید بگوییم که ملت‌های غیریهود که برای بدست آوردن نیکی مطلق کوشش نکردند از راه ایمان آن را بدست آوردند، حال آنکه قوم اسرائیل که پیوسته جویای شریعتی بودند تا بوسیله آن نیک محسوب شوند آن را نیافتند. چرا؟ بعلت اینکه کوشش‌های ایشان از روی ایمان نبود بلکه در اثر اعمال خودشان بود. به این ترتیب آنها از همان سنگی لغزش خوردند که کلام خدا به آن اشاره می‌کند..." پاک‌ی از گناه و نیکی مطلق، به سبب فیض خدا و از راه ایمان به انسان بخشیده می‌شود ولی قوم اسرائیل به اعمال خود متکی بوده است و به همین علت خود را از نجات که هدیه خداست محروم نموده است.

پایان شریعت

در رساله به رومیان فصل دهم، آیه ۴ می‌خوانیم "مسیح هدف و تمام کننده شریعت است برای هر که ایمان آورد و به این وسیله در حضور خدا نیک شمرده شود." منظور پولس در این آیه این نیست که مسیح شریعت را زیر پا گذاشت. می‌دانیم که مسیح اینکار را نکرد بلکه او بطور کامل شریعت را انجام داد. در واقع مسیح شریعت را در راه هر که به او ایمان می‌آورد انجام داده است. مسیح با پاک‌ی و بیگناهی مطلق در این جهان زندگی کرد و او هدف و تمام کننده شریعت برای نیک شمرده شدن انسان است. البته فقط کسانی نیک شمرده می‌شوند که به مسیح ایمان می‌آورند. نیکی مطلق مسیح به حساب تمام کسانی گذاشته می‌شود که به او ایمان می‌آورند.

با توجه به آنچه که گفتیم به سادگی می‌توان فهمید که نجات انسان به اعمال او بستگی ندارد بلکه به فیض خدا بستگی دارد. چون نجات انسان به فیض خدا بستگی دارد هرکس در هر شرایطی که باشد می‌تواند هدیه نجات را از خدا دریافت کند.

هیچکس بخاطر گناهایی که در زندگی‌اش انجام داده است از نجات محروم نمی‌شود. هیچکس بخاطر کم سواد یا بی‌سواد از نجات محروم نمی‌شود. هیچکس بخاطر نداشتن پول کافی از نجات محروم نمی‌شود. شخص ثروتمند، شخص فقیر، شخص تحصیل کرده، شخص تحصیل نکرده، دروغگو، دزد، زناکار، قاتل و هرکس دیگری چنانچه حاضر باشد به گناه پشت کند و به عیسی مسیح خداوند روی بیاورد بوسیله خدا پذیرفته می‌شود و نجات می‌یابد. اگر شما تاکنون به عیسی مسیح خداوند ایمان نیاورده‌اید به شما توصیه می‌کنیم بدون توجه به وضعیت گذشته خود یا به شرایط فعلیتان با توبه از گناه و ایمان به عیسی مسیح به سوی خدا بازگشت کنید.

پولس رسول در رساله‌اش به مسیحیان افسس نوشت "زیرا به سبب فیض خداست که شما از راه ایمان نجات یافته‌اید و این کار شما نیست بلکه بخشش خداست. این نجات نتیجه اعمال شما نیست، پس هیچ دلیلی وجود ندارد که کسی بخود ببالد."

امیدواریم که تک تک شما خوانندگان حقجو از راه ایمان به مسیح، فیض خدا را نصیب خود بسازید و به جمع نجات یافتگان عالم بپیوندید. آمین.

تعاليم اساسی كتاب مقدس

بخش ۲۹

نجات

اعمال و فیض

در درس گذشته تعلیم کتاب مقدس را درباره موضوع نجات آغاز نمودیم. بحث ما در پیرامون نجات، شامل مطالبی از قبیل توبه، ایمان، فیض و غیره خواهد بود. در این درس بحث خود را در این زمینه که نجات چگونه بدست می‌آید ادامه خواهیم داد.

نجات فقط از طریق فیض خدا

در درس گذشته ذکر کردیم که پولس رسول با الهام از روح القدس فیض خدا را پایه و اساس نجات معرفی کرده است. وقتی می‌گوییم فیض خدا، منظور بخششی است که انسان گناهکار و محکوم به موت اصلاً استحقاق آن را ندارد. اما خدا بخشش خود را بصورت بلاعوض نصیب انسان می‌سازد و او را نجات می‌دهد.

در فصل دوم رساله پولس رسول به افسسیان فصل دوم، آیات ۸-۹ خطاب به ایمان‌داران به مسیح نوشته شده است "زیرا به سبب فیض خداست که شما از راه ایمان نجات یافته‌اید و این کار شما نیست بلکه بخشش خداوند است. این نجات نتیجه اعمال شما نیست، پس هیچ دلیلی وجود ندارد که کسی به خود ببالد."

تعالیم اساسی کتاب مقدس

در فصل دهم رساله به رومیان می‌بینیم که پولس توضیح می‌دهد نجات توسط ایمان به عیسی مسیح خداوند به انسان داده می‌شود. نوشته شده است: "... اگر با لبان خود اعتراف کنی که عیسی، خداوند است و در قلب خود ایمان آوری که خدا او را پس از مرگ زنده ساخت نجات خواهی یافت زیرا انسان با قلب ایمان می‌آورد و نیک محسوب می‌گردد و با لبهای خود به ایمانش اعتراف می‌کند و نجات می‌یابد. کتاب مقدس می‌فرماید هر که به او ایمان آورد هرگز خجل نخواهد شد." (رساله به رومیان فصل دهم، آیات ۹-۱۱)

ضروریات ایمان

این موضوع بسیار واضح است که در مژده نجات از طریق فیض خدا، دو نکته مرکزی وجود دارد. اول اعتراف به اینکه عیسی خداوند است و دوم ایمان به اینکه خدا او را پس از مرگ زنده ساخت. البته نکات دیگری نیز هست که شخص در مسیر شناخت بیشتر حقیقت لازم است بیاموزد. اما برای نجات، هرکس باید تصدیق کند که عیسی خداوند و هم ذات خدا است، او در جسم شد و در این جهان زندگی کرد، برای آمرزش گناهان بشر بر روی صلیب مرد و پس از مرگ بوسیله خدا زنده شد که برای همیشه زنده بماند. با پذیرفتن قلبی این واقعیتها، خدا انسان را از قلمرو ظلمت بیرون می‌آورد و به پادشاهی پسر خود منتقل می‌کند.

در رساله پولس به کولسیان فصل اول، آیات ۱۲-۱۴ خطاب به ایمان‌داران به مسیح نوشته شده است "پیوسته خدای پدر را شکر کنید که شما را لایق آن گردانیده است تا در سرنوشتی که در عالم نورانی در انتظار

مقدسین است سهمی داشته باشید. او ما را از چنگ نیرومند ظلمت رها کند و به پادشاهی پسر عزیزش منتقل ساخته است. خدا بوسیله او ما را آزاد ساخته است و گناهانمان را آمرزیده است."

نیک محسوب شدن جدا از شریعت

پولس رسول در فصل سوم رساله به رومیان فرق میان فیض و شریعت خدا را توضیح می‌دهد. هدف و مقصود شریعت این است که انسان درک کند که گناهکار است. یقیناً افرادی که به مسیح ایمان نمی‌آورند در روز داوری خود را در حضور خدا گناهکار و محکوم خواهند یافت. برای این افراد هیچ دلیلی وجود نخواهد داشت که بر اساس آن تبرئه بشوند. درست است که شریعت باعث می‌شود انسان به گناهکار بودن و محکومیت خود پی ببرد اما خدا را شکر که راهی برای نجات و رهایی ما فراهم شده است و این راه، جدا از شریعت است. در این زمینه می‌توانید آیات ۲۱-۳۱ از فصل سوم رساله به رومیان را مطالعه کنید چون در این آیات توضیح داده شده است که خدا انسان را بدون در نظر گرفتن شریعت نجات می‌دهد و نیک محسوب می‌کند. در آیات ۲۱-۲۴ از فصل سوم رساله پولس رسول به رومیان چنین می‌خوانیم: "اما اکنون نیکی مطلق خدا که تورات و انبیاء بر آن شهادت داده‌اند به ظهور رسیده است. خدا بدون در نظر گرفتن شریعت و فقط از راه ایمان به عیسی مسیح همه ایمان‌داران را نیک می‌شمارد، زیرا هیچ تفاوتی نیست، همه گناه کرده‌اند و از جلال خدا محرومند اما با فیض خدا همه بوساطت عیسی مسیح که آنان را آزاد می‌سازد، بطور رایگان، نیک محسوب می‌شوند." راستی منظور پولس رسول در این آیات چیست؟ منظور او

این است که جدا از شریعت موجود در عهد عتیق، نیکی مطلق خدا به همه کسانی که به مسیح ایمان می‌آورند بخشیده می‌شود. به این ترتیب نه با انجام احکام شریعت، بلکه با ایمان انسان می‌تواند نیک محسوب بشود و به آسمان برود. باید توجه داشته باشیم که شریعت و انبیاء در عهد عتیق، خود شهادت داده‌اند که نیکی مطلق از راه ایمان بدست می‌آید. در این زمینه بعنوان نمونه می‌توانیم آنچه را که در خیمه انجام می‌شد در نظر بگیریم و یا فصل پنجاه و سوم کتاب اشعیاء نبی را مطالعه کنیم.

در واقع سراسر عهد عتیق بر این واقعیت شهادت می‌دهد که نیکی مطلق نه از راه اعمال بلکه از راه ایمان به انسان داده می‌شود. آیات ۲۲-۲۴ از فصل سوم رومیان به ما می‌آموزند که نیکی مطلق خدا از راه ایمان به مسیح بدست می‌آید. عیسی مسیح بر طبق شریعت با پاکی و عدالت در این جهان زندگی کرد و سپس بر روی صلیب مُرد. از آنجایی که او بدون گناه زندگی کرد مرگ گناه او نبود بلکه او بخاطر گناه آدمیان مُرد. او با مرگ خود جریمه گناه آدمیان را پرداخت تا کسانی که به او ایمان می‌آورند نیک محسوب بشوند (مثل اینکه مرتکب هیچ گناهی نشده‌اند) پس هدیه نیکی مطلق، به کسانی داده می‌شود که به عیسی و کاری که او در راه گناهانشان انجام داده است ایمان می‌آورند.

آنچه که بوسیله عیسی برای ما فراهم شده است حداقل از دو جنبه برخوردار می‌باشد. نخست اینکه او جریمه تمام گناهان ما را پرداخته است و تمام گناهان ما را برطرف نموده است، و دوم اینکه او نیکی و عدالت برای ما مهیا کرده است. اگر گناه از حساب ما پاک می‌شد و چیزی به حساب ما گذاشته نمی‌شد نمی‌توانستیم با دست خالی راهی آسمان بشویم! اما کسانی که به مسیح ایمان می‌آورند نه فقط گناه از حسابشان پاک می‌شود بلکه نیکی مطلق مسیح به حسابشان گذاشته

تعالیم اساسی کتاب مقدس

می‌شود و به این خاطر می‌توانند راهی آسمان بشوند. به این ترتیب توسط ایمان آنچه را که مسیح برای ما مهیا نموده است دریافت می‌کنیم و می‌توانیم به آسمان برویم. کلام خدا می‌فرماید: "بدون ایمان محال است که انسان خدا را خوشنود سازد." (رساله به عبرانیان فصل یازدهم، آیه ۶). بسیار خوب حالا سری به فصل یازدهم رساله به رومیان می‌زنیم جایی که نوشته شده است "پس همچنین در حال حاضر تعداد کمی که خدا بر اثر فیض خود برگزیده است وجود دارند. اگر این از فیض خداوند است دیگر بسته به اعمال انسانی نیست، و اما اگر به اعمال انسان مربوط است دیگر فیض معنایی نخواهد داشت." (رومیان فصل یازدهم، آیات ۵-۶)

خواننده حقیقو، اگر شما تصور می‌کنید که با تکیه بر اعمال خود می‌توانید به آسمان برسید کافی است به قلب خودتان مراجعه کنید و به ندای موجود در اعمال دلتان توجه کنید. این ندا به شما می‌گوید که اعمال شما نمی‌تواند شما را به آسمان برساند. اما ناامید نشوید چون ما خبر خوشی برایتان داریم. این خبر خوش می‌تواند مسیر زندگی شما را کاملاً تغییر بدهد و شما را راهی آسمان کند. این خبر خوش می‌تواند آرامش پایدار خدا را در وجود شما ساکن بسازد، آرامشی که فقط بر اثر رهایی از گناه در دل انسان برقرار می‌شود. این خبر خوش این است که عیسی مسیح خداوند آنچه را که برای رسیدن شما به آسمان بایستی انجام می‌شد انجام داده است تا شما بتوانید از راه ایمان به کار او راهی آسمان بشوید. اگر امکان‌پذیر بود که انسان از راه اعمال خودش به آسمان برسد هیچگاه مسیح جلال و شکوه آسمانیش را کنار نمی‌گذاشت و به این جهان نمی‌آمد. اما او به این جهان آمد تا بر روی صلیب بمیرد و به این ترتیب جریمه گناهان شما را پردازد. خدا را شکر برای کاری که عیسی مسیح در راه ما گناهکاران انجام داده است.

در انجیل یوحنا فصل دهم، آیات ۱۵ و ۱۸ می‌خوانیم که خداوند و منجی ما عیسی مسیح دربارهٔ لزوم مرگ خود چنین فرمود " ... من جان خود را در راه گوسفندان فدا می‌سازم. هیچکس جان مرا از من نمی‌گیرد، من به میل خود آن را فدا می‌کنم. اختیار دارم که آن را فدا سازم و اختیار دارم که آن را باز بدست‌آورم. پدر این دستور را به من داده است." شبان نیکوی ما جان خود را در راه شما فدا کرده است تا بتوانید نجات بیابید. آیا بهتر نیست همین الآن زندگی خود را به او بسپارید و به منظور نجات به او ایمان بیاورید؟

کلام خدا به نجات یافتگان می‌فرماید "زیرا به سبب فیض خدا است که شما از راه ایمان نجات یافته‌اید و این کار شما نیست بلکه بخشش خداست. این نجات نتیجهٔ اعمال شما نیست، پس هیچ دلیلی وجود ندارد که کسی به خود ببالد." (افسیسیان فصل دوم، آیات ۸-۹)

در اینجا از شما دعوت می‌کنیم که با ما دعا کرده بگویید: پدر آسمانی، با تمام وجود از تو سپاسگزارم برای نجاتی که توسط عیسی مسیح مهیا نموده‌ای. ممنوم که این نجات به اعمال من بستگی ندارد بلکه به فیض تو بستگی دارد.

من ایمان دارم که عیسی مسیح خداوند است و او در راه گناهان من جان خود را فدا کرده است. من همچنین ایمان دارم که او بعد از مرگ زنده شده است و زنده است. پدر متشکرم برای هدیهٔ بی‌نظیر نجات در خداوند و منجی‌ام عیسی مسیح. جلال بر او باد از حال تا به ابد، آمین.

بخش ۳۰

نجات

توبه

در درس امروز موضوع نجات را که قبلاً آغاز کردیم ادامه می‌دهیم. طی دو درس گذشته پیرامون این سؤال که نجات چگونه بدست می‌آید مطالبی به شما ارائه گردید. دیدیم که بر اساس کتاب مقدس نجات بخاطر انجام کارهای خوب به انسان داده نمی‌شود. نجات هدیه‌ی خداست و این هدیه‌ی رایگان به سبب فیض خدا به انسان داده می‌شود. نظر به اینکه نجات توسط اعمال بدست نمی‌آید، این سؤال مطرح می‌شود که "سهم انسان در نجات چیست؟" از آنجایی که دو چیز یعنی توبه و ایمان باید در قلب و زندگی انسان وجود داشته باشد که بتواند نجات بیابد بررسی خود را درباره‌ی توبه و ایمان شروع می‌کنیم.

ایمان واقعی زندگی را تغییر می‌دهد

بعضی وقتها بطور مفصل درباره‌ی این مطلب که شخصی برای نجات باید به عیسی مسیح ایمان بیاورد صحبت می‌شود اما در این زمینه چیزی گفته نمی‌شود که زندگی شخص بعد از ایمان آوردن بایستی تغییر کند. در رساله‌ی یعقوب با تاکید خاصی تعلیم داده شده است که اگر ایمان کسی باعث تغییر زندگی او نشود آن ایمان واقعی نیست. در رساله‌ی

تعالیم اساسی کتاب مقدس

یعقوب فصل دوم، آیات ۱۴-۲۰ نوشته شده است "ای برادران چه فایده دارد اگر کسی بگوید: من ایمان دارم ولی عمل او این را ثابت نکند؟ آیا ایمانش می‌تواند او را نجات بخشد؟ پس اگر برادری یا خواهری که برهنه و محتاج غذای روزانه خود باشد پیش شما بیاید و یکی از شما به ایشان بگوید: به سلامت بروید، آرزومندم که خدا خوراک و لباس برساند. چه چیزی عاید آنها می‌شود؟ هیچ مگر آنکه احتیاجات مادی آنها را برآورید. همینطور ایمانی که با عمل همراه نباشد مرده است. ممکن است کسی بگوید: تو ایمان داری و من اعمال نیکو، تو به من ثابت کن چگونه می‌توانی بدون اعمال نیک ایمان داشته باشی و من ایمان خود را بوسیله اعمال خویش به تو ثابت می‌کنم. تو ایمان داری که خدا واحد است، بسیار خوب! شیاطین هم ایمان دارند و از ترس می‌لرزند. ای مرد نادان آیا نمی‌دانی که ایمان بدون اعمال نیک بی‌ثمر است؟"

باید توجه داشته باشیم که یعقوب در این آیات تعلیم نداده است که انسان از طریق انجام اعمال خوب نجات می‌یابد. می‌دانیم که نجات انسان به اعمال او بستگی ندارد. بلکه یعقوب تعلیم داده است که ایمان واقعی باعث می‌شود که شخص زندگی‌اش عوض بشود و کارهای نیکو انجام بدهد. بعضی‌ها به غلط تصور کرده‌اند که یعقوب و پولس درباره موضوع مورد نظر ما با هم اختلاف عقیده داشتند! بهر حال اگر کسی تعلیم یعقوب را بخوبی درک کند متوجه می‌شود که او و پولس با هم اختلاف عقیده نداشتند بلکه هر دو معتقد بودند که ایمان واقعی تولیدکننده کارهای نیکو در زندگی انسان است. پولس در رساله‌اش به مسیحیان شهر افسس اینطور نوشت: "زیرا به سبب فیض خداست که شما از راه ایمان نجات یافته‌اید و این کار شما نیست بلکه بخشش خداست. این نجات نتیجه اعمال شما نیست، پس هیچ دلیلی وجود ندارد که کسی به خود ببالد، زیرا

ما ساخته دست او هستیم و خدا ما را در مسیح عیسی از نو آفریده است تا آن کارهای نیکویی را که او قبلاً برای ما مقدر فرمود که انجام دهیم، بجا آوریم." (افسیان فصل دوم، آیات ۸-۱۰)

می‌بینیم که نقطه نظر پولس با نقطه نظر یعقوب هماهنگ است. پولس نیز ایمان و کارهای نیکو را جزو خصوصیات زندگی مسیحیان معرفی کرده است. نکته مهم این است که کارهای نیکو باعث نجات انسان نمی‌شوند بلکه صرفاً نتیجه ایمان واقعی هستند.

توبه چیست؟

بعد از روشن شدن این مطلب که کارهای نیکو باعث نجات انسان نمی‌شوند، سؤالی که لازم است به آن پاسخ بدهیم این است که توبه چیست و چه رابطه‌ای با ایمان و کارهای نیکو دارد؟ یحیی تعمید دهنده که پیشرو عیسی مسیح بود. بر اساس انجیل لوقا فصل سوم، آیه ۳ "...به تمام نواحی اطراف رود اردن می‌رفت و اعلام می‌کرد که مردم توبه کنند و برای آمرزش گناهان خود تعمید بگیرند." و سپس می‌خوانیم که "انبوه مردم بیرون می‌آمدند تا از دست یحیی تعمید بگیرند. او به ایشان گفت: ای مارها، چه کسی شما را آگاه ساخت تا از خشم و غضب آینده بگریزید! پس توبه خود را با ثمراتی که بیار می‌آورید نشان دهید و پیش خود نگوئید که ما پدری مانند ابراهیم داریم، بدانید که خدا قادر است از این سنگها فرزندان برای ابراهیم بیافریند" (انجیل لوقا فصل سوم، آیات ۷-۸).

می‌بینیم یحیی به یهودیان ذکر نمود که "توبه آنها باید از طریق زندگیشان نمایان بشود. به عبارت دیگر زندگی آنها بایستی منعکس کننده توبه‌شان

باشد." سؤال این است که توبه چیست؟ در پاسخ به این سؤال باید بگوییم که توبه صرفاً احساس پشیمانی برای گناه نیست. در واقع نوعی تأسف وجود دارد که نه فقط منجر به توبه نمی‌شود بلکه انسان را به هلاکت می‌کشاند. یهودایی که به مسیح خیانت کرد نمونه چنین تأسفی است. وقتی او دید که عیسی محکوم شده پشیمان شد (متی فصل بیست و هفتم، آیه ۳) اما توبه نکرد و به همین دلیل نیز هلاک گردید. پشیمانی یهودا به توبه منجر نشد بلکه باعث گردید که او بر اثر تأسف خودکشی کند در رساله دوم پولس رسول به قرن‌تین فصل هفتم، آیه ۱۰ نوشته شده است "زیرا غمی که بر اساس اراده خدا است باعث توبه و در نتیجه نجات شما می‌گردد و هیچ پشیمانی به دنبال ندارد، اما غم دنیوی باعث مرگ می‌شود." می‌بینیم که توبه با احساس پشیمانی برای گناه تفاوت زیادی دارد. توبه تغییری است در فکر شخصی در مورد گناه، بطوری که این تغییر فکر باعث تغییر عمل شخص بشود. پولس به مسیحیان تسالونیکی نوشت که آنها بتها را ترک کرده به سوی خدا بازگشت نمودند. این مطلب، مفهوم توبه را به خوبی نشان می‌دهد چون وقتی آنان به سوی خدا بازگشت نمودند بتها را ترک کردند. وقتی ما به سوی خدا بازگشت می‌کنیم به گناه پشت می‌کنیم، این تعریف خوبی برای توبه است. پس توبه روگردان شدن از گناه است. البته نه به این معنی که شخص دیگر مرتکب هیچ گناهی نمی‌شود بلکه به این معنی است که نظر شخص نسبت به گناه عوض می‌شود. ایمان واقعی باید همراه توبه‌ای واقعی باشد در غیر اینصورت شخص نمی‌تواند نجات بیابد و راهی آسمان بشود. کسی که واقعاً توبه می‌کند و ایمان می‌آورد نجات می‌یابد و اعمال نیکوی چنین شخصی بیان‌کننده نجات اوست.

تشریح توبه با مثال

بعد از آنکه یحیی درباره توبه موعظه کرد "مردم از او پرسیدند، پس تکلیف ما چیست؟ او پاسخ داد: آن کسی که دو پیراهن دارد باید یکی از آنها را به کسی که ندارد بدهد و هر که خوراک دارد باید همچنین کند. باجگیران هم برای گرفتن تعمید آمدند و از او پرسیدند: ای استاد، ما چه کنیم؟ به ایشان گفت: بیش از آنچه مقرر شده مطالبه نکنید. سپاهیان هم پرسیدند: ما چه کنیم؟ به آنان گفت: از کسی به زور پول نگیرید و تهمت ناروا نزنید و به حقوق خود قانع باشید". (انجیل لوقا فصل سوم، آیات ۱۰-۱۴).

می‌بینیم شخصی که می‌خواهد توبه کند، باید نظرش درباره گناه عوض بشود و در عمل به گناه پشت کند. یحیی در پاسخ به سؤال کسانی که می‌خواستند تکلیف خود را بدانند، به روشنی بیان نمود که باید از خودخواهی دست بکشند و احتیاجات هموعان خود را رفع کنند. او باجگیران یا ماموران مالیات را متوجه ساخت که باید از فریبکاری و ناراستی دست بکشند و با درستکاری و صداقت کار خود را انجام بدهند. او همچنین به سپاهیان ذکر نمود که باید از زورگویی و نیرنگ دست بردارند و به حقوق خود قانع باشند. به این ترتیب واضح است که توبه بایستی باعث تغییر عمل و روش زندگی شخص بشود.

توبه پیغام عهد جدید است

پس از یحییای تعمید دهنده پیغام توبه بوسیله عیسی و شاگردان او موعظه شد. موعظه پطرس در روز پنطیکاست به این صورت خاتمه یافت "پس ای جمیع قوم اسرائیل، یقین بدانید که خدا این عیسی

را که شما مصلوب کردید، خداوند و مسیح کرده است" (اعمال رسولان فصل دوم، آیه ۳۶). سپس می‌خوانیم "وقتی آنها این را شنیدند دل‌هایشان جریحه‌دار شد و از پطرس و سایر رسولان پرسیدند ای برادران تکلیف ما چیست؟ پطرس به ایشان گفت: توبه کنید و همه شما فرداً فرد برای آمرزش گناهانتان به نام عیسی مسیح غسل تعمید بگیرید که روح‌القدس یعنی عطیة خدا را خواهید یافت". (اعمال رسولان فصل دوم، آیات ۳۷-۳۸).

در روز پنطیکاست پطرس شنوندگان را تشویق کرد که توبه کنند. سپس در فصل سوم کتاب اعمال رسولان آیات ۱۹-۲۰ می‌بینیم که پطرس اینچنین گفت "پس توبه کنید و به سوی خدا بازگشت نمایید تا گناهان شما محو گردد و زمان تجدید حیات از پیشگاه خداوند فرارسد...".

در اعمال رسولان فصل بیستم می‌بینیم که پولس خدمت خود را برای رهبران کلیسای افسس توضیح داد. او در ضمن صحبت به آنان چنین گفت "شما می‌دانید که من برای خیر و صلاح شما از هیچ چیز مضایقه نکردم. من پیام را به شما رساندم و شما را پیش مردم و در خانه‌هایتان تعلیم دادم. من به یهودیان و یونانیان اخطار کردم که آنها باید توبه کنند و به خدا روی آورند و به خداوند ما عیسی ایمان داشته باشند" (اعمال رسولان فصل بیستم، آیات ۲۰-۲۱).

پولس، هم درباره توبه و هم درباره ایمان موعظه می‌کرد. امروز نیز پیغام نجات شامل توبه و ایمان می‌شود. بدون توبه واقعی نجات امکان پذیر نیست. بنابراین بر اساس کلام خدا: "خدا... اکنون در همه جا بشر را امر به توبه می‌فرماید". (اعمال رسولان فصل هفدهم، آیه ۳۰).

اگر شما خواننده عزیز تا بحال از گناه توبه نکرده و به سوی خدا بازگشت ننموده‌اید الآن بهترین فرصت برای بازگشت شما به سوی خداست. در

نظر داشته باشید که شما بخاطر گناه زیر غضب خدای قادر مطلق هستید. پس همین الآن به گناه خود پشت کنید و به خبر خوش نجات ایمان بیاورید. یعنی ایمان بیاورید که عیسی مسیح خداوند بخاطر برطرف نمودن گناهان شما بر روی صلیب خون ریخت و مُرد و او با قدرت خدای پدر پس از مرگ دوباره زنده شد. از طریق ایمان به خبر خوش نجات بلافاصله از محکومیت بیرون می‌آید و از نعمت بی‌نظیر نجات بهره‌مند می‌شوید. آیا این خبر خوش نیست؟! خدا را شکر، پس از گناه توبه کنید و به این خبر خوش ایمان بیاورید. خدا شما را برکت بدهد. آمین.

تعاليم اساسی كتاب مقدس

بخش ۳۱

نجات

ایمان

خواننده گرامی، هدف از این دروس این است که حقایق اصلی مسیحیت بطور منظم به شما تعلیم داده بشود. در درس گذشته موضوع توبه و نقش آن را در نجات مورد بحث قرار دادیم. در این درس موضوع ایمان را که با توبه رابطه نزدیکی دارد بررسی می‌کنیم. گفته شده است که نجات همانند سکه‌ای است و دو روی مختلف این سکه توبه و ایمان نام دارند. به این ترتیب توبه و ایمان به یکدیگر مربوط هستند و مجموعاً باعث نجات انسان می‌شوند.

نقش مهم ایمان در خوشنود ساختن خدا

توبه از گناه قدم اولی است که انسان برای نجات بایستی بردارد. این قدم به خودی خود باعث نجات انسان نمی‌شود. قدم بعدی که ایمان به خداوند ما عیسی مسیح است باعث می‌شود که انسان از نعمت بی‌ظنیر نجات بهره‌مند بشود. پس در نجات انسان ایمان سهم مهمی را دارد. در رساله به عبرانیان فصل یازدهم، آیه ۶ می‌خوانیم "بدون ایمان محال است که انسان خدا را خوشنود سازد، زیرا هر کس به سوی خدا می‌آید باید ایمان داشته باشد که او هست و به جویندگان خود پاداش

تعالیم اساسی کتاب مقدس

می‌دهد." شخص هر قدر هم که تلاش کند، بدون ایمان هرگز نمی‌تواند خدا را خوشنود کند. ایمان داشتن یا معتقد بودن که غالباً در عهد جدید به عوض کلمه ایمان بکار برده شده است صرفاً به معنی پذیرش فکری نیست. ایمان داشتن در عهد جدید به معنی اعتماد قلبی است، بنابراین شخص برای نجات باید به عیسی مسیح و کاری که او به موجب کلام خدا انجام داده است قلباً اعتماد کند.

ایمان ابراهیم

موضوع ایمان در همان اوایل کتاب مقدس به چشم می‌خورد. در پیدایش فصل پانزدهم، آیه ۶ در مورد ابراهیم می‌خوانیم "و به خداوند ایمان آورد و او این را برای وی عدالت محسوب کرد." می‌بینیم که عدالت یا نیکی مطلق از راه ایمان به حساب ابراهیم گذاشته شد. در عهد جدید از ابراهیم بعنوان کسی که به خدا و کلام خدا ایمان داشت صحبت شده است. مثلاً در فصل چهارم رساله پولس رسول به رومیان می‌خوانیم "ابراهیم ایمان آورد و در آن هنگام که هیچ امیدی نبود او امیدوار گشت و از اینرو پدر ملل بسیار شد. همانطور که کتاب خدا می‌فرماید: فرزندان تو به این اندازه کثیر خواهند شد. ابراهیم تقریباً صد ساله بود، اما توجه به وضع بدنی خودش که تقریباً مرده بود و با توجه به اینکه سارا نمی‌توانست صاحب فرزندی شود ایمانش را سست نساخت، و نسبت به وعده خدا شک نکرد بلکه در حالیکه خدا را حمد می‌گفت، ایمانش او را تقویت می‌نمود، زیرا اطمینان کامل داشت که خدا قادر است مطابق آنچه وعده فرموده است عمل کند. به این دلیل است که ایمان

ابراهیم بعنوان نیکی مطلق محسوب شد" (رومیان فصل چهارم، آیات ۱۸-۲۲).

بلی، ابراهیم حتی در شرایطی که اوضاع و احوال مناسب به نظر نمی‌آمد در اعتمادش به خدا استوار بود. ما ایمان‌داران باید وعده‌های خدا را بعنوان حقایق محض بپذیریم هر چند که همه چیز برخلاف انتظارات ما پیش بروند. گناه اولیه انسان که باعث سقوط و جدایی او از خدا گردید این بود که او کلام خدا را زیر پا گذاشت و برخلاف اراده خدا عمل کرد. حالا شخصی که می‌خواهد نجات بیابد باید به گناه خود پشت کند و به خدا و کلام او ایمان بیاورد.

ایمان به شهادت خدا

در رساله اول یوحنا رسول فصل پنجم، آیات ۹-۱۲ می‌خوانیم "ما که شهادت انسان را می‌پذیریم با شهادت خدا که قویتر است چه خواهیم کرد؟ و این شهادتی است که او برای پسر خود داده است. هر که به پسر خدا ایمان آورد این شاهد را در دل خود دارد، اما هر که شهادت خدا را قبول نکند و گواهی او را در مورد پسرش نپذیرد، خدا را دروغگو شمرده است. شهادت این است که خدا به ما حیات جاودانی داده است و این حیات در پسر او یافت می‌شود. هر که پسر را دارد حیات را دارد و هر که پسر را ندارد صاحب حیات نیست." می‌دانیم که انسان برای نجات باید ایمان بیاورد. اما باید توجه داشت که اگر موضوع ایمان خدا و پسر او عیسی مسیح نباشد انسان هرگز نمی‌تواند نجات بیابد. پس هر ایمانی باعث رستگاری انسان و رسیدن او به آسمان نمی‌شود. موضوع ایمان باید خدای حقیقی باشد که از روی محبت پسر

یگانه خود عیسی مسیح را داد تا انسان از طریق او بتواند نجات بیابد. شخص برای نجات باید ایمان بیاورد که عیسی مسیح از خدا بود و در جسم شد و برای برطرف نمودن گناهانش بر روی صلیب خون ریخت و مُرد و دوباره زنده شد و زنده است. تنها بوسیلهٔ چنین ایمانی انسان می‌تواند نجات بیابد و به آسمان برسد.

ایمان با تمام دل و جان

ایمان واقعی شامل تمام دل و جان انسان می‌شود. منظور این است که شخص باید با فکر و احساسات و ارادهٔ خود ایمان بیاورد در غیر اینصورت نمی‌تواند نجات بیابد. بسیاری از مردم دربارهٔ انجیل عیسی مسیح آگاهی فکری دارند و البته لازم است که انسان ابتدا از حقیقت آگاه بشود. اما با خبر بودن از انجیل به خودی خود باعث نجات انسان نمی‌شود. اینکه یک نفر دربارهٔ عیسی مسیح صرفاً آگاهی فکری دارد و با خیر است که او در راه گناه بشر مرده و دوباره زنده شده است برای نجات او کافی نیست. شخص برای نجات باید علاوه بر فکر، با احساسات و ارادهٔ خود به انجیل ایمان بیاورد و این ایمانی با تمام دل و جان است. شخص باید ابتدا آگاه بشود که عیسی مسیح کیست و برای او چه کار کرده است. سپس احساس کند که به او و هدیهٔ نجات احتیاج دارد و بالاخره با اراده و تصمیم خود به مسیح اعتماد کند.

ضروری بودن ایمان به عیسی مسیح

کسانی که از راه ایمان قلبی، عیسی مسیح خداوند را بعنوان نجات دهندهٔ خود دریافت می‌کنند در واقع معتقدند که او بخاطر

گناهانشان مرده و پس از مرگ دوباره زنده شده است و زنده است. این اشخاص در مرکز ایمانشان خدای حقیقی قرار دارد و او دربارهٔ پسر خود اینطور شهادت داده است که "هر که پسر را دارد حیات را دارد و هر که پسر را ندارد صاحب حیات نیست" (اول یوحنا فصل پنجم، آیهٔ ۱۲).

به این ترتیب ایمانی مُنجر به نجات و حیات انسان می‌شود که بر پسر خدا بنا شده باشد. تا شخص پسر خدا عیسی مسیح را در قلب و زندگی خود نداشته باشد نمی‌تواند از ثمرات نیکوی نجات بهره‌مند بشود. بنابراین ایمان به عیسی مسیح برای نجات انسان کاملاً ضروری است و جدا از او نجاتی برای انسان وجود ندارد. عده‌ای فکر می‌کنند که از طریق اعمالشان می‌توانند به آسمان برسند! اما واقعیت این است که "هر که پسر را ندارد صاحب حیات نیست". پس انسانی که عیسی مسیح را در قلب و زندگی‌اش نداشته باشد، محال است که به آسمان برسد. چطور می‌توان عیسی مسیح را در قلب و زندگی دریافت کرد؟ کلام خدا اینطور می‌فرماید: «به همهٔ کسانی که او را (یعنی عیسی مسیح را) قبول کردند و به او ایمان آوردند این امتیاز را داد که فرزندان خدا شوند» (انجیل یوحنا فصل اول، آیهٔ ۱۲).

پس از راه ایمان می‌توان عیسی مسیح را دریافت کرد و صاحب زندگی جاوید شد. اگر شما مایلید عیسی مسیح خداوند را دریافت کنید به او بگویید که حاضرید از گناه دست بکشید و زندگی خود را به او بسپارید. از او درخواست کنید که قلب شما را با خون خود شستشو بدهد و به قلب و زندگی شما وارد بشود. چنانچه صادقانه درخواست کنید یقیناً دریافت می‌کنید.

در اینجا بطور خلاصه می‌توانیم بگوییم: ایمان ما باید خدا باشد که پسر خود عیسی مسیح را در راه ما داد. وقتی یک نفر حقایقی را که کتاب

مقدس دربارهٔ نجات گفته است قبول می‌کند لازم است به گناه پشت کند (یعنی از گناه توبه کند) و به عیسی مسیح خداوند که در راه گناه بشر مرد و دوباره زنده شد روی بیاورد (یعنی به عیسی مسیح ایمان بیاورد). برای روی آوردن به عیسی باید به گناه پشت کرد چون نمی‌شود هم خدا را داشت و هم گناه را!

شاید عده‌ای دوستان جویای حقیقت بگویند: "که ما مایلیم به گناه پشت کنیم و به عیسی مسیح خداوند روی بیاوریم اما فعلاً دست نگهداشته‌ایم چون مطمئن نیستیم که در آینده می‌توانیم زندگی پاک و خداپسندانه‌ای داشته باشیم!" دوست حقیقو لطفاً توجه داشته باشید که وقتی شما به عیسی مسیح خداوند روی بیاورید روح خدا در درون شما ساکن می‌شود و او شما را کمک می‌کند که مطابق میل و ارادهٔ خدا زندگی کنید. هیچ انسانی بدون کمک روح‌القدس نمی‌تواند زندگی پاک و خداپسندانه‌ای داشته باشد اما با یاری روح‌القدس انسان قادر می‌شود که از گناهان مختلف دوری کند و با پاکی و قدوسیت در این جهان بسر ببرد. پس لزومی ندارد که نگران عدم توانایی خود برای داشتن یک زندگی پاک و خداپسندانه باشید. شما به عیسی مسیح خداوند ایمان بیاورید و اجازه بدهید که روح‌القدس زندگی آیندهٔ شما را بطور کامل کنترل کند. آنوقت خواهید دید که آنچه از شما بر نمی‌آید روح‌القدس می‌تواند در زندگی شما به انجام برساند. در رسالهٔ اول یوحنا فصل پنجم، آیهٔ ۴ می‌خوانیم "همهٔ فرزندان خدا بر این جهان غلبه یافته‌اند و ما این پیروزی را بوسیلهٔ ایمان بدست آورده‌ایم."

حالا شما دوست حقیقو بهتر است فرصت را غنیمت بشمرید و در حالیکه به گناه پشت می‌کنید به عیسی مسیح خداوند روی بیاورید. به

این ترتیب از راه ایمان نجات می‌یابید و صاحب حیات جاوید می‌شوید.
آمین.

تعالیم اساسی کتاب مقدس

تعاليم اساسی كتاب مقدس

بخش ۳۲

نجات

نیک شمرده شدن

در چند درس قبل بحث خود را درباره موضوع نجات شروع کردیم و در این زمینه که نجات چگونه بدست می آید، توضیحاتی داده شد. گفتیم که نجات نه بخاطر اعمال انسان، بلکه به سبب فیض خدا به شخص داده می شود ضمناً نقش توبه و ایمان را در نجات تشریح کردیم. در این درس در مورد نیک شمرده شدن که یکی از نتایج نجات است مطالبی به شما ارائه می گردد.

معنی نیک شمرده شدن

در رساله پولس رسول به رومیان معنی نیک شمرده شدن برای ما بیان گردیده است. نیک شمرده شدن در واقع اعلامیه ای است قانونی از جانب خدا که نشان می دهد شخصی که به مسیح ایمان آورده است نیک شمرده شده است. البته نه به این معنی که شخص مرتکب هیچ گناهی نشده است، بلکه به این معنی که بموجب شریعت جریمه گناه شخص پرداخت شده و او از نظر خدا عادل و نیک است. می دانیم که جریمه گناه، مرگ گناهکار یا مرگ جانشین گناهکار است. خدا جریمه گناه انسان را قبل از آنکه آدم مرتکب گناه بشود تعیین نمود. خدا به آدم چنین فرمود: "اما از درخت شناسایی نیک و بد زنهار نخوری زیرا روزی

که از آن خوردی هر آینه (یعنی در واقع) خواهی مُرد." (پیدایش فصل دوم، آیه ۱۷).

می‌دانیم که آدم و حوا بر اثر گناه مردند و این با فرمایش خدا مطابقت داشت. البته آنها ابتدا از لحاظ روحانی مردند و بعد به مرگ جسمانی نیز دچار شدند.

نیک شمرده شدن بوسیله خون قربانی

بعدها در لاویان فصل هفدهم، آیه ۱۱ خدا بطور روشن اهمیت خون قربانی را ذکر نموده است. او فرمود: "جان جسد در خون است و من آن را بر مذبح به شما داده‌ام تا برای جانهای شما کفاره کند زیرا خون است که برای جان کفاره می‌کند".

چون مرگ جریمه گناه است و مرگ بر اثر ریخته شدن خون حاصل می‌شود خدا خون را بعنوان کفاره تعیین نمود. برای حفظ عدالت اخلاقی در جهان، جریمه منصفانه‌ای که توسط شریعت مقرر شده بود بایستی پرداخت می‌شد. در عهد جدید می‌خوانیم که "...بدون ریختن خون، آمرزش گناهان وجود ندارد" (رساله به عبرانیان فصل نهم، آیه ۲۲). بنابراین ما ایمان‌داران به مسیح صرفاً بخاطر اینکه جانشین قانونی ما عیسی مسیح جریمه منصفانه گناهان ما را پرداخته است، نیک شمرده شده‌ایم. کلام خدا می‌فرماید: که "...با ریختن خون او (یعنی خون عیسی مسیح) کاملاً نیک شمرده شدیم..." (رساله به رومیان فصل پنجم، آیه ۹).

گناهکاری که به عیسی مسیح خداوند ایمان آورده است بوسیله خون ریخته شده او، از جریمه گناهان خود آزاد شده است و از نظر خدا عادل و نیک است. کسانی که به عیسی مسیح ایمان دارند بخاطر کاری که او

انجام داده است از تمام گناهانشان آمرزیده شده‌اند و از محکومیت و مجازات که جزو عواقب گناه است رهایی یافته‌اند. قاضی عادل یعنی خدا مرگ عیسی مسیح را بعنوان جریمه منصفانه گناه پذیرفته است و ما که به او ایمان داریم عادل و نیک شمرده شده‌ایم.

اصول نیک شمرده شدن

با توجه به معنی نیک شمرده شدن و توضیحاتی که ارائه دادیم می‌توان نتیجه گرفت که نیک شمرده شدن شامل سه مطلب می‌شود:

۱- آمرزش گناهان

۲- تبرئه قانونی

۳- مجدداً مورد لطف خدا قرار گرفتن

در اعمال رسولان فصل سیزدهم، آیات ۳۸-۳۹ می‌بینیم که پولس رسول در کنیسه انطاکیه پیسیدیه اینطور موعظه نمود "ای برادران، شما باید بدانید که مژده آمرزش گناهان بوسیله عیسی، به شما اعلام شده است. شما باید بدانید که هر کس به او ایمان آورد از تمام گناهانی که شریعت موسی نتوانست او را آزاد نماید آزاد خواهد شد."

پولس بطور واضح بیان نمود که از راه ایمان به عیسی، شخص از تمام گناهان خود آمرزیده می‌شود و کاملاً نیک شمرده می‌شود، یقیناً شریعت موسی نمی‌توانست چنین کاری را انجام بدهد. بنابراین ما که به مسیح ایمان آورده‌ایم هم از تمام گناهانمان آمرزیده شده‌ایم و هم از لحاظ فاصله قانونی تبرئه گشته‌ایم.

چون جریمه گناهان ما پرداخت شده است و ما آمرزیده شده‌ایم مجدداً مورد لطف و مرحمت خدا قرار گرفته‌ایم. به این ترتیب خدا به چشم

دیگری به ما نگاه می‌کند و ما برای همیشه سعادت‌مند خواهیم بود. پولس به ایمان‌داران شهر افسس نوشت: "خدا و پدر خداوند ما عیسی مسیح را سپاس گوئیم، زیرا او ما را در اتحاد با مسیح از همه برکات روحانی در قلمرو آسمانی بهره‌مند ساخته است." (افسیان فصل اول، آیه ۳).

نیک شمرده شدن از راه ایمان

ما در درسهای خود بارها این واقعیت را ذکر کرده‌ایم که کسی با اعمال خود نمی‌تواند نجات بیابد.

در رساله به رومیان می‌خوانیم "...هیچ انسانی در نظر خدا با انجام احکام شریعت نیک شمرده نمی‌شود. کار شریعت این است که انسان گناه را بشناسد." (رومیان فصل سوم، آیه ۲۰) و در آیه ۲۸ از همین فصل نوشته شده است "... ما به یقین می‌دانیم که بوسیله ایمان بدون اجرای شریعت می‌توانیم کاملاً نیک محسوب شویم." چون عیسی از طریق قربانی شدن جریمه منصفانه گناهان ما را پرداخته ایمان به خون ریخته شده او باعث گردیده است که ما کاملاً نیک شمرده بشویم. پس خدا بر اساس دلیلی موجه گناهان ما را آمرزیده و ابداً بی‌عدالتی در کار نبوده است! باید در نظر داشته باشیم که عدالت نیز مثل محبت و رحمت جزو صفات خدا است. عیسی از طریق مرگ خود جریمه‌ای را که توسط شریعت تعیین شده بود پرداخت نمود تا خدا بتواند گناهکارانی را که ایمان می‌آورند، بیامرزد بدون اینکه به عدالت او لطمه‌ای وارد بشود. در رساله به رومیان فصل چهارم آیه ۲۵ می‌خوانیم که عیسی مسیح "بخاطر گناهان ما تسلیم مرگ گردید و زنده شد تا ما در پیشگاه خدا کاملاً نیک محسوب شویم." سپس در فصل پنجم رساله به رومیان، آیه ۱ می‌خوانیم "بنابراین چون از

راه ایمان در حضور خدا نیک شمرده شده‌ایم از صلح با خدا که بوسیله خداوند ما عیسی مسیح برقرار گردید بهره‌مند هستیم." و در آیه ۹ از فصل پنجم رساله به رومیان می‌خوانیم "ما که با ریختن خون او کاملاً نیک شمرده شدیم چقدر بیشتر بوسیله خود او از غضب خدا خواهیم رست."

نیک شمرده شدن توسط عیسی

نیک شمرده شدن همانند سایر نتایج نجات بخاطر مرگ، دفن، زنده شدن دوباره و جلال یافتن عیسی به ایمان‌دار عطا می‌شود. در رومیان فصل پنجم، آیه ۹ که بدان اشاره شد می‌بینیم که نیک شمرده شدن ما بخاطر خون ریخته شده عیسی و نتیجتاً مرگ عیسی است. و در رومیان فصل چهارم، آیه ۲۵ که خواننده شد می‌بینیم که نیک شمرده شدن ما بخاطر مرگ و زنده شدن دوباره عیسی است. به این ترتیب واقعه تاریخی مرگ و رستاخیز خداوند ما عیسی پایه و اساس نیک شمرده شدن و سایر نتایج نجات ما است.

وقتی ایمان‌دار به مسیح این مطلب را درک می‌کند که نیک شمرده شدن اعلامیه‌ای قانونی از جانب خداوند است و بر اساس این اعلامیه، او برای همیشه از محکومیت و مجازات گناهان خود رهایی یافته است، او دیگر نگران محفوظ ماندن نجات خود نخواهد بود. در عیسی مسیح نجات ما کاملاً محفوظ است. خود او فرمود "یقین بدانید هر که سخنان مرا بشنود و به فرستنده من ایمان آورد حیات جاودانی دارد و هرگز محکوم نخواهد شد بلکه از مرگ گذشته و به حیات رسیده است" (انجیل یوحنا فصل پنجم، آیه ۲۴). "گوسفندان من صدای مرا می‌شنوند و من آنها را

می‌شناسم و آنها به دنبال من می‌آیند. من به آنها حیات جاودان می‌بخشم و آنها هرگز هلاک نخواهند شد و هیچکس نمی‌تواند آنها را از دست من بگیرد." (انجیل یوحنا فصل دهم، آیات ۲۷-۲۸).

کسانی که به عیسی مسیح ایمان نمی‌آورند از داوری آینده وحشت دارند اما وضعیت ما ایمان‌داران به مسیح کاملاً با بی‌ایمانان متفاوت است. خدا بی‌ایمانان را داوری خواهد کرد و آنان محکوم خواهند شد. اما همانطور که عیسی فرمود ما ایمان‌داران به او، هرگز محکوم نخواهیم شد. البته ما ایمان‌داران به مسیح بوسیله او داوری خواهیم شد اما این داوری صرفاً به منظور دریافت پاداش یا عدم دریافت پاداش خواهد بود. در این داوری ایمان‌داران مطیع بر اساس اعمال خوبی که در زندگی مسیحی خود انجام داده‌اند از مسیح پادشاهی خواهند یافت. اما هیچ ایمان‌داری در این داوری کلماتی از قبیل مجرم، محکوم و دریاچه آتش را از مسیح نخواهد شنید. چرا؟ چون ما قبلاً تبرئه شده‌ایم و از محکومیت و مجازات‌هایی یافته‌ایم. وقتی عیسی مسیح بر روی صلیب خون ریخت و مرد نعمت نیک شمرده شدن (رومیان فصل پنجم، آیات ۱۶ و ۱۸ و ۱۹) برای آدمیان گناهکار فراهم گردید. من و شما که به مسیح ایمان آورده‌ایم در همان لحظه‌ای که از راه ایمان او را دریافت کردیم نیک شمرده شدیم و هرگز هلاک نخواهیم شد.

خواننده حقیقو:

اگر تاکنون به عیسی مسیح خداوند ایمان نیاورده‌اید شما باید در آینده برای گناهیانی که مرتکب شده‌اید به خدا جواب بدهید. آیا بهتر نیست همین الآن به کسی که جریمه گناهان شما را پرداخته است

ایمان بیاورید؟ وقتی از راه ایمان عیسی را در قلب و زندگی خود دریافت می‌کنید دادگاه آسمانی شما را تبرئه می‌کند و نیک شمرده می‌شوید. به این ترتیب حیات جاودانی خواهید داشت و هرگز محکوم نخواهید شد. خدا از طریق عیسی مسیح نجات را برای جهانیان (یعنی تمام ملتها، قبیله‌ها، نژادها و زبانها) فراهم نموده است تا هر بنی آدمی از راه ایمان بتواند نجات بیابد و نیک شمرده شود. ثروتمند و فقیر، برده و آزاد، مرد و زن همگی می‌توانند از طریق ایمان به مسیح و کاری که او انجام داده است نجات بیابند و نیک شمرده بشوند. آیا این عالی نیست؟ باید توجه داشته باشید که اگر راه دیگری برای نجات وجود داشت عده‌ای به دلایل گوناگون نمی‌توانستند از نعمت نجات بهره‌مند بشوند. اما خدای مهربان فقط بر اساس کاری که عیسی انجام داده است انسان را نجات می‌دهد و به همین دلیل هر کسی در هر جا می‌تواند با ایمان به مرگ و زنده شدن دوباره عیسی نجات بیابد. همین الآن در قلب خود به عیسی مسیح خداوند که در راه گناهان شما قربانی شد و پس از مرگ زنده گشت و زنده است ایمان بیاورید و از این به بعد او را پیروی کنید. خداوند و منجی زنده و مقتدر ما عیسی مسیح شما را برکت بدهد. آمین.

تعاليم اساسی كتاب مقدس

بخش ۳۳

نجات

تولد تازه

در درس قبل، موضوع نیک شمرده شدن را که یکی از مزایای نجات ما مسیحیان است بررسی کردیم. در این درس یکی دیگر از مزایای نجات را مطالعه می‌کنیم که "تولد تازه" خوانده شده است. ببینیم تولد تازه چیست.

مفهوم تولد تازه

در اینجا بایستی ذکر کنیم که تولد تازه به معنی تولد دوباره است اما نه از لحاظ جسمانی بلکه از لحاظ روحانی. وقتی انسان از رحم مادر خود متولد می‌شود این در واقع تولد جسمانی یا تولد اول اوست. اما انسان می‌تواند بوسیله روح القدس دوباره متولد بشود و این تولد دوم در واقع تولدی روحانی است. انسانی که از طریق روح القدس تولد دوباره می‌یابد از حیات تازه روحانی بهره‌مند می‌شود. ببینیم کلام خدا درباره تولد تازه چه می‌فرماید. در رساله پولس رسول به تیطس فصل سوم، آیات ۴-۵ خطاب به ایمان‌داران به مسیح نوشته شده است "اما هنگامی که مهر و محبت نجات دهنده ما خدا آشکار شد، او ما را نجات داد، اما این نجات بخاطر اعمال نیکویی که ما کردیم نبود، بلکه به سبب

رحمت او و از راه شستشویی بود که بوسیله آن، روح القدس به ما تولد تازه و حیات تازه بخشید."

به این ترتیب بر اساس کلام خدا نه اعمال ما بلکه رحمت خدا باعث شد که نجات بیابیم و روح القدس به ما تولد تازه و حیات تازه ببخشد.

ضروری بودن تولد تازه

چرا تولد تازه برای انسان ضروری است؟ یکی از دلایل ضروری بودن تولد تازه این است که انسان احتیاج دارد به نژادی تازه منتقل بشود. وقتی آدم که سرکرده بشریت بود گناه کرد، گناه به نژاد انسانی سرایت نمود. از آن به بعد هر انسانی که به دنیا می آید چون از نژاد آدم است دارای ذات یا طبیعتی گناه آلود است و در محکومیت بسر می برد. به این ترتیب می بینیم که انسان احتیاج دارد از نژاد گناه آلود و سقوط کرده آدم خارج بشود و وارد نژادی تازه بشود. می دانیم که گناه محکومیت را برای انسان به همراه آورده است، اما باید در نظر داشته باشیم که انسان با میل و اراده خود به دنیا نمی آید و با میل و اراده خود وارد نژاد آدم نمی شود! خوشبختانه خدای مهربان چاره ای برای این مشکل انسان فراهم نموده است تا انسان محکوم بتواند از نژاد آدم خارج بشود و به نژادی تازه منتقل بشود. بر اساس کلام خدا عیسی مسیح خداوند بخاطر گناه بشر مرد و بعد از مرگ دوباره زنده شد. کسانی که از راه ایمان عیسی مسیح زنده را در قلب و زندگی خود دریافت می کنند از نژاد سقوط کرده و گناه آلود آدم خارج می شوند و به نژادی تازه منتقل می شوند که سرکرده اش عیسی مسیح خداوند است. کلام خدا می فرماید: "همانطور که همه آدمیان بخاطر همبستگی با آدم می میرند، تمام کسانی

که با مسیح متحد هستند زنده خواهند شد." (رساله اول پولس به قرنتیان فصل پانزدهم، آیه ۲۲) اشخاصی که به مسیح ایمان می‌آورند و تولد تازه می‌یابند به نژادی منتقل می‌شوند که سرکرده‌اش عیسی مسیح زنده است. بنابراین هر انسانی به تولد تازه احتیاج دارد.

دلیل دیگری که در مورد ضروری بودن تولد تازه وجود دارد این است که انسان به حیات روحانی نیاز دارد. می‌دانیم که انسان بخاطر گناه جدا از خدا و در مرگ روحانی بسر می‌برد، و فقط توسط مسیح که سرچشمه حیات است می‌تواند از حیات روحانی بهره‌مند بشود. در رساله پولس به افسسیان فصل دوم، آیات ۱ و ۴ و ۵ می‌بینیم که انسان در اثر اتحاد با مسیح از مرگ روحانی به حیات روحانی منتقل می‌شود.

کلام خدا به ایمان‌داران به مسیح می‌فرماید: "در گذشته، شما... به علت خطایا و گناهان خود مرده بودید... اما خدا آنقدر در رحمت و بخشایش ثروتمند و در محبتش نسبت به ما کریم است که گرچه بعلت خطاهای خود مرده بودیم ما را با مسیح زنده گردانید (از راه فیض خداست که شما نجات یافته‌اید)

پس تفاوت میان متحد بودن و متحد نبودن با عیسی مسیح، تفاوت میان موت و حیات است. اگر شما که این دروس را مطالعه می‌کنید، عیسی مسیح زنده را در قلب و زندگی خود ندارید بدانید که شما به حیات روحانی احتیاج دارید و فقط عیسی خداوند می‌تواند این هدیه عالی را به شما عطا کند.

یکی دیگر از دلایلی که در مورد ضروری بودن تولد تازه می‌توان ذکر کرد این است که انسان برای رسیدن به آسمان باید نامش در دفتر حیات نوشته شده باشد. چه کسانی نامشان در دفتر حیات نوشته شده است؟

کسانی که بر اثر ایمان به مسیح تولد تازه یافته‌اند. در مکاشفه یوحنا ی رسول فصل بیستم، آیه ۱۵ می‌بینیم که در آینده تمام کسانی که نامشان در دفتر حیات نوشته نشده است به دریاچه آتش افکنده خواهند شد. و بالاخره دلیل دیگری که در مورد ضروری بودن تولد تازه وجود دارد این است که بدون این تولد انسان نمی‌تواند پادشاهی خدا را ببیند. در فصل سوم انجیل یوحنا می‌بینیم که عیسی بطور واضح این واقعیت را برای یک یهودی حقیقو بیان نمود. نيقوديموس که یکی از بزرگان قوم يهود بود شبانگاه نزد عیسی آمد و خداوند ما عیسی به او فرمود: "یقین بدان تا شخص از نو تولد نیابد نمی‌تواند پادشاهی خدا را ببیند." (یوحنا فصل سوم، آیه ۳).

وقتی نيقوديموس این مطلب را شنید تصور کرد که عیسی درباره تولد دوباره جسمانی با او سخن می‌گوید! نيقوديموس بلافاصله چنین گفت: "چطور ممکن است شخص سالخورده‌ای از نو متولد شود؟ آیا می‌تواند باز به رحم مادر خود برگردد و دوباره تولد یابد؟" (یوحنا فصل سوم، آیه ۴)

عیسی به نيقوديموس اینطور پاسخ داد: "یقین بدان که هیچکس نمی‌تواند به پادشاهی خدا وارد شود مگر آنکه از آب و روح تولد یابد." (یوحنا فصل سوم، آیه ۵)

هر چند بعضی از مفسرین کلام خدا اظهار نموده‌اند که کلمه آب در آیه ۵ به تعمیم بوسیله آب اشاره دارد اما با توجه به آیه ۶ می‌توان گفت که کلمه آب در آیه ۵ به تولد جسمانی انسان اشاره دارد. در آیه ۶ از فصل سوم انجیل یوحنا می‌بینیم که عیسی فرمود: "آنچه از جسم تولد بیابد جسم است و آنچه از روح متولد گردد روح است."

وقتی آیات ۵-۶ را در کنار هم قرار می‌دهیم بنظر می‌رسد که آب به تولد جسمانی انسان مربوط می‌شود ولی روح به تولد روحانی انسان. بچه‌ای که در رحم مادر خود قرار دارد آب او را احاطه کرده است و سپس از رحم مادر متولد می‌شود. این تولد جسمانی انسان است. اما تولد روحانی انسان موقعی حاصل می‌شود که شخص از راه ایمان مسیح را دریافت می‌کند. چنین شخصی می‌تواند پادشاهی خدا را ببیند چون بوسیله روح خدا تولد دوباره یافته است.

عوامل تولد تازه (کلام خدا و روح خدا)

در رساله اول پطرس رسول درباره تولد تازه یا تولد دوباره اینطور نوشته شده است: "تولد دوباره شما بوسیله تخم فانی نبود بلکه بوسیله تخم غیرفانی، یعنی کلام خدای زنده و جاویدان." (اول پطرس فصل اول، آیه ۲۳)

کلام خدا که حقیقت محض است بذریع تولد تازه است. روح خدا از این بذریع غیرفانی استفاده می‌کند و در شخص حیات تازه ایجاد می‌کند. به این ترتیب کلام خدا و روح خدا عوامل تولد تازه می‌باشند.

روح القدس کلام خدا را در فکر و قلب شخص بکار می‌برد و چنانچه شخص حقیقت را بپذیرد روح القدس به او تولد تازه می‌بخشد. پس می‌توان گفت که شخص نمی‌تواند تولد تازه بیابد مگر اینکه از مژده نجات باخبر بشود و قلباً به این مژده ایمان بیاورد. از طرفی هم شخص نمی‌تواند به مژده نجات ایمان بیاورد مگر اینکه روح خدا در زندگی او کار کند. وقتی یک نفر توسط روح القدس تولد تازه و حیات تازه می‌یابد این حیات غیرفانی است چون کلام خدا بذریع است غیرفانی.

علائم باطنی شخص تولد تازه یافته

در اینجا بعضی از علائم باطنی شخص تولد تازه یافته را بیان می‌کنیم. این علائم شخص را با خبر می‌کنند که تولد تازه یافته است. آگاهی تازه از خدا یکی از علائم باطنی شخصی است که تولد تازه یافته است. چنین شخصی آگاهی تازه‌ای از خدا و پسر او دارد چون روح‌القدس به او عطا شده است. کلام خدا به مسیحیان واقعی می‌فرماید: "... او روح‌القدس را به ما بخشیده است تا ما مطمئن باشیم که او در ما زندگی می‌کند." (رساله اول یوحنا رسول فصل سوم، آیه ۲۴)

محبت تازه به خدا و قوم خدا یکی دیگر از علائم باطنی شخصی است که تولد تازه یافته است. بر اساس رساله پولس رسول به رومیان فصل پنجم، آیه ۵ "... محبت خدا بوسیله روح‌القدس که به ما عطا شد قلبهای ما را فرا گرفته است." این محبت که از خدا است و دلهای ما را فرا گرفته است ما را وامی‌دارد که قوم خدا را دوست بداریم. همچنین شخصی که تولد تازه یافته است چون به خدا محبت دارد مایل است احکام خدا را اطاعت کند. برای چنین شخصی انگیزه اطاعت از خدا ترس نیست بلکه محبتی است که او به خدا دارد.

در رساله اول یوحنا رسول فصل دوم، آیات ۳-۶ اینطور نوشته شده است "فقط وقتی ما از احکام خدا اطاعت می‌کنیم می‌توانیم مطمئن باشیم که او را می‌شناسیم و اگر کسی بگوید که او را می‌شناسد، ولی طبق دستورات او عمل نمی‌کند دروغگو است و در او حقیقت وجود ندارد. اما وقتی کسی مطابق کلام خدا زندگی می‌کند محبت خدا در او بطور واقعی به کمال رسیده است. از این راه می‌توانیم مطمئن باشیم که در خدا

زندگی می‌کنیم، هر که بگوید که در خدا زندگی می‌کند، زندگی او باید درست مانند زندگی عیسی مسیح باشد."

در اینجا لازم است این نکته را ذکر کنیم که منظور یوحنا رسول در آیاتی که خوانده شد این نیست که ایمان‌دار به مسیح هیچگاه خطا نمی‌کند! در رساله اول یوحنا فصل دوم، آیه ۱ می‌بینیم که ایمان‌دار به مسیح ممکن است مرتکب گناه بشود.

اما باید در نظر داشته باشیم که چون ایمان‌دار به مسیح خدا را می‌شناسد و در خدا زندگی می‌کند، مایل است از گناه دوری کند و مطیع خدا باشد. البته چنانچه ایمان‌دار به مسیح مرتکب گناهی بشود لازم است با قلب توبه‌کار گناهِش را به خدا اعتراف کند تا اینکه لطمه‌ای به مشارکت او با خدا وارد نشود.

در این درس تاکنون مفهوم تولد تازه، ضروری بودن تولد تازه، عوامل تولد تازه و علائم باطنی شخص تولد تازه یافته را بررسی کرده‌ایم. حالا می‌خواهیم شما خواننده حقیق را تشویق کنیم که شخصاً تولد تازه را تجربه کنید. آیا می‌دانید در همان جایی که هستید می‌توانید تولد تازه را بیابید؟ بلی، چون روح‌القدس در هر جا که باشید حضور دارد و او می‌تواند به شما تولد تازه ببخشد. همین الآن به گناه پشت کنید و صادقانه به عیسی مسیح خداوند روی بیاورید. در نظر داشته باشید که مسیح در راه گناهان شما خون ریخته و مرده است، همچنین او بعد از مرگ دوباره زنده شده و زنده است. در همان لحظه‌ای که قلباً به مسیح روی بیاورید روح‌القدس به شما تولد تازه می‌بخشد. پس فرصت را غنیمت بشمرید و از راه ایمان به مسیح تولد تازه را تجربه کنید. خدا شما را برکت بدهد، آمین.

تعاليم اساسی كتاب مقدس

بخش ۳۴

نجات

فرزند خواندگی به عنوان پسران بالغ

در چند درس قبل بررسی خود را در مورد مزایای نجات مسیحیان شروع کردیم. دیدیم که نیک شمرده شدن تولد تازه از مزایای نجات ایمان‌داران به مسیح هستند. در این درس یکی دیگر از مزایای نجات مسیحیان را که فرزندخواندگی است بررسی می‌کنیم.

معنی فرزندخواندگی

"به مقام پسری منصوب نمودن" معنی صریح اصطلاح فرزندخواندگی است.

می‌دانیم که به موجب کلام خدا هر که به مسیح ایمان بیاورد از لحاظ روحانی تولد دوباره می‌یابد و فرزند خدا می‌شود. در انجیل یوحنا فصل اول، آیه ۱۲ می‌خوانیم "اما به همه کسانی که او را (یعنی مسیح را) قبول کردند و به او ایمان آوردند این امتیاز را داد که فرزندان خدا شوند." باید توجه داشته باشیم که این اشخاص در اثر پذیرفتن مسیح فرزندان خدا شده‌اند و در واقع جزو خانواده خدا می‌باشند. پولس رسول در رسالات خود اصطلاح فرزندخواندگی را بکار برده است. می‌دانیم که موضوع فرزندخواندگی آنچنانکه در بین رومیان و یونانیان متداول بوده است در میان یهودیان معمول و مرسوم نبوده است. جالب است که موضوع فرزندخواندگی فقط سه بار در عهد عتیق عنوان گردیده است. (در

این مورد می‌توانید به خروج فصل دوم، آیه ۱۰؛ اول پادشاهان فصل یازدهم، آیه ۲۰؛ و استر فصل دوم، آیات ۷-۱۵ مراجعه کنید)

با مطالعه قسمتهایی که ذکر شد متوجه می‌شویم که این رویدادها خارج از فلسطین واقع شدند. پولس رسول نیز موضوع فرزندخواندگی را برای کلیساهایی عنوان کرد که خارج از فلسطین قرار داشتند. بعضی از علماء کتاب مقدس اظهار نموده‌اند که اعتقاد یونانیان درباره موضوع فرزندخواندگی اینچنین بوده است که فرزندخوانده پسر از امتیازات پسر حقیقی خانواده برخوردار می‌شده است و البته او بایستی مسئولیتهای یک پسر حقیقی خانواده را نیز بر عهده می‌گرفته است. به این ترتیب فرزندخواندگی نه فقط امتیازاتی را به همراه داشته است بلکه مسئولیتهایی را نیز شامل می‌شده است. فرزندخواندگی در مسیحیت زمانی به وقوع می‌پیوندد که شخص بوسیله روح القدس تولد تازه می‌یابد. یک ایمان‌دار مسیحی نه فقط فرزند خداست بلکه چون بعنوان پسری بالغ در خانواده خدا شناخته شده است دارای امتیازات و مسئولیتهای خاصی است.

امتیازات فرزندخواندگی

ببینیم ما مسیحیان که از راه ایمان به مسیح پسران بالغ خانواده خدا محسوب شده‌ایم از چه امتیازاتی بهره‌مند هستیم. در رساله پولس رسول به رومیان فصل هشتم، آیات ۱۴-۱۷ نوشته شده است "کسانی که بوسیله روح خدا هدایت می‌شوند پسران خدا هستند. زیرا آن روحی که خدا به شما داده است شما را برده نمی‌سازد و موجب ترس نمی‌شود بلکه آن روح شما را پسران خدا می‌گرداند و ما به کمک این روح در پیشگاه خدا فریاد می‌کنیم، ابا، ای پدر. روح خدا با روح ما با هم

شهادت می‌دهند که ما فرزندان خدا هستیم و اگر فرزندان او هستیم در آن صورت، وارث، یعنی وارث خدا و هم ارث با مسیح نیز هستیم و اگر ما در رنج مسیح شریک هستیم در جلال او نیز شریک خواهیم شد".

آزادی از بردگی روحانی یکی از امتیازات فرزندخواندگی است. روح خدا ما ایمان‌داران به مسیح را از بردگی روحانی آزاد کرده و به ما آزادی واقعی بخشیده است. قبل از آنکه نجات بیابیم و فرزندان خدا بشویم بردگان گناه، شیطان و دنیا بودیم. اما حالا بعنوان فرزندان خدا در آزادی بسر می‌بریم. بر اساس رساله به رومیان فصل هشتم، آیه ۱۵ "ما روحی را دریافت نکرده‌ایم که ما را برده بسازد بلکه ما روح پسرخواندگی را دریافت نموده‌ایم."

داشتن رابطه‌ای صمیمی با خدا امتیاز دیگر فرزندخواندگی است. در رومیان فصل هشتم، آیه ۱۵ می‌بینیم که ما ایمان‌داران به مسیح توسط روح القدس که دریافت کرده‌ایم می‌توانیم خدا را ابا بنامیم. لغت آرامی ابا، با لغت فارسی بابا تقریباً هم معنی است.

باید توجه داشته باشیم که خدا فقط پدری نیست که تنبیه می‌کند، بلکه او همچنین بابایی است صمیمی و مهربان که با وفاداری نیازهای فرزندانش را رفع می‌کند. بابا در واقع کسی است که یک فرزند کوچک به او اعتماد کامل دارد.

از آنجایی که خدا بابای ما ایمان‌داران به مسیح است او احتیاجات ما را برطرف می‌کند، مسئولیت ما را پاسخ می‌دهد، ما را تعلیم می‌دهد، ما را اصلاح می‌کند و با قلبی لبریز از محبت ما را تربیت می‌کند. اگر مطیع او نباشیم او بخاطر خیریت ما، ما را تنبیه می‌کند تا اطاعت را یاد بگیریم. البته او مثل باباهای زمینی دچار محدودیتهای گوناگون نیست و

ضمناً او هیچگاه مرتکب خطا نمی‌شود. بابای آسمانی ما کاملاً نامحدود، بدون خطا و مقتدر است و او همواره ما را محبت می‌کند.

اطمینان از نجات یکی دیگر از امتیازات فرزندخواندگی است. روح خدا به روح ما ایمان‌داران به مسیح اطمینان می‌بخشد که نجات یافته‌ایم. برای شخصی که از راه ایمان به مسیح نجات یافته است هیچ دلیل کتاب مقدسی وجود ندارد که در مورد نجاتش نگران باشد. خود روح خدا در درون ما این مطلب را آشکار می‌سازد که نجات یافته‌ایم و فرزندان خدا هستیم. شیطان غالباً سعی می‌کند به فرزندان خدا این دروغ را بگوید که آنها نجات نیافته‌اند و به خدا تعلق ندارند! اما خدا را شکر که بر اساس رومیان فصل هشتم، آیه ۱۶ "روح خدا با روح ما با هم شهادت می‌دهند که ما فرزندان خدا هستیم."

هم ارث بودن با مسیح یکی دیگر از امتیازاتی است که ما فرزندان خدا داریم. کلام خدا می‌فرماید: "اگر فرزندان او هستیم در آن صورت، وارث، یعنی وارث خدا و هم ارث با مسیح نیز هستیم و اگر ما در رنج مسیح شریک هستیم در جلال او نیز شریک خواهیم شد." (رومیان فصل هشتم، آیه ۱۷)

هم ارث بودن با مسیح مفهومی است که ما ایمان‌داران به مسیح شریک تمام چیزهایی هستیم که به پسر یگانه خدا تعلق دارد. بلی، ما در آنچه که خدا به پسر یگانه‌اش عیسی بخشیده سهمیم و شریک می‌باشیم چون ما هم ارث با مسیح هستیم. یکی از وعده‌هایی که به فرزندان خدا داده شده است این است که آنان که در آینده وارث زمین خواهند شد، مسیح به شاگردان خود فرمود (لوقا فصل ششم آیه ۲۰) "خوشبحال حلیمان (یعنی فروتنان)، زیرا ایشان وارث زمین خواهند شد." (انجیل متی

فصل پنجم، آیه ۵). می‌دانیم که مسیح در آینده به زمین بازگشت خواهد نمود و سلطنت هزار ساله خود را بر زمین برقرار خواهد ساخت. در آن موقع وعده خدا در انجیل متی فصل پنجم، آیه ۵ بطور کامل به وقوع خواهد پیوست و ما که به مسیح ایمان داریم وارث سلطنت مسیح بر زمین خواهیم شد.

قیام جسمانی امتیاز دیگر فرزندان خدا است. خدا به فرزندان خود وعده داده است که صاحب بدنی تازه و فناپذیر خواهند شد. در رومیان فصل هشتم، آیه ۲۳ نوشته شده است "... بلکه ما نیز که روح خدا را بعنوان اولین نمونه عطایای خدا دریافت کرده‌ایم در درون خود می‌نالیم و در انتظار آن هستیم که خدا ما را فرزندان خود بگرداند و کُل بدن ما را آزاد سازد."

وقتی مسیح در آینده ایمان‌داران خود را به آسمان برآید ما از بدن کنونی خود که فانی و فسادپذیر است خلاص خواهیم شد و بدنی تازه خواهیم داشت. آن بدن برخلاف بدن کنونی ما غیرفانی، فسادناپذیر و پر جلال خواهد بود.

حقوق پسر بالغ در خانواده خدا یکی دیگر از امتیازات ما فرزندان خداست. پولس رسول با الهام از روح‌القدس به کلیساهای استان غلاطیه اینطور نوشت: "... تا زمانی که وارث صغیر است اگر چه مالک همه دارایی پدر خود باشد با یک غلام فرقی ندارد و او تا روزی که پدرش معین کرده است تحت مراقبت سرپرستان و قیم‌ها بسر خواهد برد. ما نیز همینطور در دوران کودکی، غلامان عقاید بچگانه دنیوی بودیم اما وقتی زمان معین فرا رسید خدا پسر خود را که از یک زن و در قید شریعت متولد شده بود فرستاد تا آزادی کسانی را که در قید شریعت بودند فراهم

سازد تا آنکه پسرخواندگی را بیاییم. خدا برای اثبات اینکه شما پسران او هستید روح پسر خود را به قلبهای ما فرستاده است و این روح فریاد زده می‌گوید: "ابا، ای پدر پس تو دیگر برده نیستی بلکه پسری و چون پسر هستی، خدا ترا وارث خود نیز ساخته است." (رساله به غلاطیان فصل چهارم آیات ۱-۷).

باید توجه داشته باشیم که ما ایمان‌داران به مسیح پسران بالغ خانواده خدا محسوب شده‌ایم، به همین دلیل از تمام حقوق پسر بالغ خانواده بهره‌مند هستیم. بین یک فرزند صغیر و یک پسر بالغ تفاوت زیادی هست. هرچند که دارایی پدر به وارث صغیر تعلق دارد اما او تا رسیدن به سن قانونی باید تحت مراقبت سرپرست و قیم بسر ببرد. ولی پسر بالغ به سرپرست و قیم احتیاج ندارد و می‌تواند آزادانه از میراث خود استفاده کند.

آگاهی از نقشه‌های خدا امتیاز دیگری است برای فرزندان خدا. خدا ما ایمان‌داران به مسیح را از نقشه‌های حال و آینده خود با خبر می‌سازد چون ما پسران بالغ او محسوب شده‌ایم. در انجیل یوحنا فصل پانزدهم، آیه ۱۵ می‌خوانیم که عیسی به شاگردان خود چنین فرمود "دیگر شما را بنده نمی‌خوانم زیرا بنده نمی‌داند اربابش چه می‌کند. من شما را دوستان خود خوانده‌ام زیرا هر چه را از پدر خود شنیدم برای شما شرح دادم." نظر به اینکه ما ایمان‌داران به مسیح پسران بالغ خانواده خدا هستیم، تا آنجائیکه به ما ربط داشته باشد خدا ما را از نقشه‌های خود با خبر می‌سازد. البته وقتی می‌گوییم نقشه‌های خدا منظور نقشه‌هایی است که خدا در مورد زمانهای آینده دارد و در کتاب مقدس نوشته شده، و همچنین نقشه‌هایی که خدا در مورد زندگی ما دارد.

و بالاخره /منیت در عیسی امتیاز دیگری است که ما فرزندان خدا داریم. در رسالهٔ پولس رسول به افسسیان فصل اول، آیهٔ ۵ نوشته شده است "و برحسب صلاحدید ارادهٔ خویش برای ما مقدر فرمود که بوسیلهٔ عیسی مسیح فرزندان او شویم."

خدا از قبل ما ایمانداران به مسیح را برگزیده بود تا پسرانی بالغ در خانوادهٔ او باشیم. در واقع آیهٔ ۴ از فصل اول افسسیان بیان می‌کند که ما قبل از آفرینش دنیا، در مسیح برگزیده شده بودیم! به این ترتیب می‌بینیم که قصد ازلی خدا برای ما این بوده که جزو خانوادهٔ او باشیم و یقیناً قصد و ارادهٔ خدا تغییر ناپذیر است.

ما در مسیح امن و امان هستیم چون پیش از بنیاد عالم، ما در نظر خدا بعنوان فرزند پذیرفته شده بودیم. در این درس بعضی از امتیازات فرزندخواندگی را برای شما برادران و خواهران مسیحی ذکر نمودیم. اما شما را تشویق می‌کنیم که با هدایت روح خدا کتاب مقدس را مطالعه کنید تا به کمک روح‌القدس بتوانید به امتیازات دیگر فرزندخواندگی نیز پی‌ببرید. در درس بعد با فیض خدا وظایف و مسئولیتهایی را که هر فرزند خدا برعهده دارد را مطالعه خواهیم کرد.

و اما شما عزیزان غیرمسیحی حقیقو که این کتاب را مطالعه می‌کنید، لطفاً یکبار دیگر به آیه‌ای که در اوایل درس ذکر شد توجه کنید. کلام خدا می‌فرماید: "اما به همهٔ کسانی که او را قبول کردند و به او ایمان آوردند این امتیاز را داد که فرزندان خدا شوند." (انجیل یوحنا فصل اول، آیهٔ ۱۲) آیا بهتر نیست که شما خوانندهٔ غیرمسیحی حقیقو نیز همین الآن عیسی مسیح را در قلب و زندگی خود بپذیرید و فرزند خدا بشوید؟ عیسی مسیح خداوند آنقدر نسبت به شما محبت داشته است که جانس را در راه

گناهان شما فدا کرده. حال او که بعد از مرگ دوباره زنده شد و زنده است می‌خواهد به قلب و زندگی شما وارد بشود تا شما نیز فرزند خدا بشوید. پس معطلی جایز نیست.

الآن به عیسی مسیح خداوند ایمان بیاورید و فرزند خدا بشوید. خداوند زندهٔ ما عیسی مسیح برکتان بدهد. آمین.

بخش ۳۵

نجات

وظایف و مسئولیتهای پسران خدا

خواننده گرامی در درس گذشته بعضی از امتیازات فرزند خواندگی شرح داده شد و دیدیم وقتی که یک نفر از راه ایمان به مسیح، فرزند خدا می شود علاوه بر امتیازات دارای مسئولیتهایی نیز هست. ببینیم ما فرزندان خدا که پسرانی بالغ در خانواده خدا محسوب شده ایم چه وظایف و مسئولیتهایی برعهده داریم.

وظایف شرعی پسران خدا

وقتی وظایف شرعی پسران خدا را بررسی می کنیم می بینیم که بعضی از این وظایف شبیه وظایفی است که فرزندان نسبت به والدین زمینی خود دارند.

محترم داشتن پدر

کتاب مقدس تعلیم می دهد که پدران خود را احترام و اطاعت نماییم و همچنین با رفتاری سنجیده اعتبار نیکوی آنان را حفظ کنیم. کلام خدا یکی از گناهان نژاد بشر را اینطور بیان نموده، می فرماید: "اگر چه آنها خدا را شناختند ولی آنطوری که شایسته او است از او

تعالیم اساسی کتاب مقدس

تکریم و تشکر نکردند. در عوض افکارشان کاملاً پوچ گشته و عقل ناقص آنها تیره شده است. در حالی که ادعای حکمت می‌کنند نشان می‌دهند که نادان هستند. آنها جلال خدای جاودان را به بت‌هایی شبیه انسان فانی و پرندگان و چهارپایان و خزندگان تبدیل کردند." (رساله پولس رسول به رومیان فصل اول، آیات ۲۱ و ۲۳).

می‌بینیم که آدمیان "آنطوری که شایسته خداست از او تکریم و تشکر نکردند" یعنی آدمیان آنطوری که شایسته خداست او را تمجید نکردند یا محترم نداشتند. باید توجه داشته باشیم که خدا خالق و نگهدارنده عالم هستی است. او حاکم مطلق است که کائنات را اداره می‌کند و بهترین را برای مخلوقات خود در نظر دارد. عده‌ای بخاطر آشنا نبودن با خدا و ندانستن کلام او، خدا را مسبب مشکلات و ظلم و ستم‌های موجود در جهان می‌دانند! آیا خدا باعث شده است که انسان روزگارش اینطور سیاه بشود و در بدبختی و نابسامانی بسر ببرد؟ یقیناً خیر، چون خدا نیکوست و هیچگاه بدی از او صادر نمی‌شود. آنچه که باعث شده انسان سیه‌روز بشود و در بدبختی بسر ببرد، خود اوست. بنابراین گناه، روزگار انسان را سیاه کرده است نه خدا.

در رساله به رومیان فصل اول، آیه ۲۱ دیدیم که آدمیان آنطوری که شایسته خداست خالق خود را محترم نداشتند. سپس در آیات ۲۴ و ۲۶ و ۲۸ اینطور می‌خوانیم "به این جهت خدا ایشان را با شهوات و هوسهای خودشان در ناپاکی وا گذاشت..." (آیه ۲۴). لذا خدا آدمیان را تسلیم شهوات ننگین خودشان کرده است... (آیه ۲۶) چون آنها خداشناسی را امری ناچیز شمردند خدا آنها را تسلیم افکار فاسدشان نمود تا اعمال زشت و ناشایست بجا آورند (آیه ۲۸).

به این ترتیب می‌توانیم بگوییم که چون انسان از خدا روگردان شده و بطرز شایسته‌ای او را محترم نداشته در سیه‌روزی و بدبختی بسر می‌برد. راستی چگونه می‌توان شخصی را محترم داشت؟ برای محترم داشتن یک شخص باید ارزش او را تشخیص داد و به خاطر این ارزش، برای او احترام و اعتبار قائل شد.

در مورد خدا، ما ایمان‌داران به مسیح که پسران بالغ خانواده خدا محسوب شده‌ایم باید پدر آسمانی خود را به طرز شایسته محترم بدانیم و او را خدمت کنیم. چنین خدمتی خود را از طریق پرستش و تمجید بیان می‌کند. در مزمو بیست و دوم آیه ۲۲ نوشته شده است "نام ترا به برادران خود اعلام خواهم کرد، در میان جماعت ترا تسبیح خواهم خواند" (یعنی تمجید یا ستایش خواهم نمود).

ما فرزندان خدا او را بخاطر آنچه که هست و آنچه که انجام داده است پرستش و تمجید می‌کنیم. در مکاشفه یوحنا رسول فصل چهارم، آیه ۱۱ اینطور نوشته شده است "ای خداوند و خدای ما، تو تنها شایسته‌ای که صاحب جلال و حرمت و قدرت باشی، زیرا تو همه چیز را آفریدی و به اراده تو آنها هستی و حیات یافتند".

اطاعت نمودن از پدر

اطاعت یکی دیگر از وظایفی است که فرزند نسبت به پدر خود دارد. پسران بالغ و وظیفه شناس در مقابل پدر خود نامطیع و یاغی نیستند بلکه مطیع پدر خود می‌باشند. در رساله اول پطرس رسول فصل اول، آیات ۱-۲ نوشته شده است "از طرف پطرس، رسول عیسی مسیح به قوم برگزیده خدا ... خدای پدر مطابق اراده خود، شما را از ازل برگزیده

است و شما بوسیله روح خدا تقدیس شده‌اید تا از عیسی مسیح اطاعت کنید...". و در اعمال رسولان فصل پنجم، آیه ۳۲ می‌بینیم که "خدا روح‌القدس را به مطیعان خود بخشیده است."

اطاعت از پدر، مخصوصاً اطاعت از پدر آسمانی باید بدون چون و چرا صورت بگیرد، چون هر چه او مقرر نموده است برای ما خوب و مفید است. بعضی‌ها به غلط تصور کرده‌اند که اطاعت از خدا نوعی اسارت است! اما یوحنا ی رسول که رسول محبت شناخته شده است در رساله اول خود اینطور نوشته است: "زیرا محبت به خدا چیزی جز اطاعت از احکام او نیست و این احکام بار سنگینی نیست." (اول یوحنا فصل پنجم، آیه ۳). واقعیت این است که ما ایمان‌داران به مسیح بوسیله اطاعت از احکام خدا محبتمان را نسبت به او نمایان می‌کنیم. باز یوحنا ی رسول در رساله دوم خود اینطور نوشته است "منظور من از محبت این است که مطابق احکام خدا زندگی کنیم. آری، آن فرمان که شما از اول شنیدید این است که باید در محبت زندگی کنیم." (دوم یوحنا، آیه ۶). اطاعت از احکام خدا نه فقط باعث اسارت نمی‌شود بلکه باعث آزادی ما می‌شود. خداوند و منجی ما عیسی مسیح فرمود: "و حقیقت را خواهید شناخت و حقیقت شما را آزاد خواهد کرد" (انجیل یوحنا فصل هشتم، آیه ۳۲). پیروان واقعی عیسی مایل هستند که از احکام او اطاعت کنند، و بر اثر اطاعت از آزادی فکری و روحانی بهره‌مند می‌شوند.

در فصل شانزدهم اعمال رسولان می‌بینیم که پولس و سیلاس با وجود اینکه کتک زیادی خورده بودند و در زندان محبوس بودند در آزادی فکری و روحانی بسر می‌بردند.

بر اساس کلام خدا "آنها نیمه‌های شب به دعا مشغول بودند و به درگاه خدا سرودهای حمد می‌خواندند" فرزندان مطیع خدا در زندان هم که

تعالیم اساسی کتاب مقدس

باشند آزادند و این آزادی فکری و روحانی همانطور که ذکر شد بر اثر اطاعت از احکام خدا بدست می‌آید.

حفظ نمودن اعتبار پدر

بالاخره، وظیفه دیگر فرزندان خدا حفظ و حراست اعتبار پدر است. ما ایمان‌داران به مسیح بایستی مردان و زنانی وظیفه‌شناس باشیم و با رفتار خوب خود اعتبار پدر آسمانی را حفظ کنیم. زندگی و رفتار ما در این دنیا بایستی طوری باشد که نه فقط لطمه‌ای به اعتبار خدا وارد نسازیم بلکه ما منعکس کننده اعتبار نیکوی خدا باشیم. همانطور که یک پسر بالغ از طریق رفتار خود شخصیت پدرش را آشکار می‌کند ما ایمان‌داران به مسیح نیز موظف هستیم که از طریق رفتار خود شخصیت واقعی پدر آسمانیمان را بر دیگران آشکار کنیم.

بعضی‌ها ادعا می‌کنند که مسیحی هستند اما زندگی و رفتارشان این را نشان نمی‌دهد. کسی که می‌گوید من مسیحی هستم باید زندگی و رفتارشان نشان بدهد که او از گناه توبه کرده و به عیسی مسیح خداوند ایمان آورده است. پولس رسول در رساله‌اش به تیطس درباره مسیحیان غیر واقعی اینطور نوشت "ادعا دارند که خدا را می‌شناسند، اما اعمالشان این ادعا را تکذیب می‌کند. آنها نفرت‌انگیز و نافرمانند و برای انجام کار نیک کاملاً بی‌فایده هستند." (رساله تیطس فصل اول، آیه ۱۶).

و در رساله اول پولس رسول به قرنطیان می‌بینیم که به مسیحیان شهر قرنطس گفته شده است که با افراد ظاهراً مسیحی ولی باطناً دور از خدا، مشارکت نداشته باشند. می‌فرماید "در نامه‌ای به شما نوشتم که با اشخاص شهوتران معاشرت نکنید، ولی منظور من این نبود که با تمام

اشخاص شهوت‌ران این جهان یا طمعکاران و کلاه‌برداران و یا بت‌پرستان کاری نداشته باشید، زیرا در این صورت مجبور می‌شوید این دنیا را ترک کنید، بلکه مقصود من این بود که با کسانی که خود را مسیحی می‌دانند ولی مرتکب زنا، طمع، بت‌پرستی، ناسزاگویی، مستی و یا کلاه‌برداری می‌گردند معاشرت نکنید، حتی با چنین اشخاصی غذا نخورید." (اول قرن‌تینان فصل پنجم، آیات ۹-۱۱).

مسئولیت‌های قانونی پسران خدا

در اینجا مختصراً به تشریح مسئولیت‌های قانونی پسران بالغ

خدا می‌پردازیم

به کار بستن اقتدار روحانی یکی از مسئولیت‌های قانونی ما ایمان‌داران به مسیح است. خدا به فرزندان خود توانایی بخشیده است که خبر خوش نجات و پادشاهی خدا را در این دنیا منتشر کنند. او ما را انتخاب نموده و به ما اقتدار بخشیده است که پیروزی عیسی بر شیطان را به جهانیان اعلام کنیم. در انجیل متی فصل شانزدهم، آیه ۱۸ می‌بینیم که بر اساس فرمایش خداوند و منجی ما عیسی "قدرت‌های جهنم بر کلیسای او چیره نخواهند شد" در انجیل متی فصل شانزدهم، آیه ۱۹ می‌بینیم که "آنچه را بر روی زمین ببندیم در آسمان بسته خواهد شد و آنچه را بر روی زمین باز کنیم در آسمان باز خواهد شد".

خدا به ایمان‌داران به مسیح که پسرانی بالغ در خانواده او محسوب شده‌اند، اختیار و اقتدار قانونی بخشیده است که از لحاظ روحانی بر پادشاهی شیطان یورش بیاورند و وسیله نجات اشخاصی بشوند که تحت تسلط شیطان بسر می‌برند. می‌دانیم که شیطان در قلب مردم بی‌ایمان دنیا

سلطنت می‌کند و هدفش این است که آنان را هلاک کند. اما ما مژده‌ای نجات بخش داریم که باید به مردم این دنیا اعلام کنیم تا آنها بتوانند از راه ایمان به این مژده از اسارت شیطان خلاص بشوند. نکاتی که باید در نظر داشته باشیم این است که نخست اینکه ما باید با فروتنی و در اطاعت کامل از خدا اقتدار روحانیمان را بکار ببندیم و ماموریت خود را انجام بدهیم؛ دوم اینکه ما به این علت اقتدار روحانیمان را بکار می‌بندیم که "پادشاهی و قدرت و جلال از آن خداوند است نه از آن شیطان".

آموزش به منظور حکومت نمودن مسئولیت قانونی دیگری است برای ما ایمان‌داران به مسیح یا فرزندان خدا. ما می‌دانیم که مسیح در آینده به زمین بازخواهد گشت و به مدت یک هزار سال بر این زمین سلطنت خواهد کرد. در کلام خدا ذکر گردیده است که ایمان‌داران به مسیح "... بر زمین فرمانروایی خواهند کرد" (این مطلب در مکاشفه یوحنا رسول فصل پنجم، آیه ۱۰ ذکر شده است). بنابراین ما که در آینده با خداوند و منجیمان عیسی مسیح سلطنت خواهیم کرد در حال حاضر بایستی مشغول آموزش و کارآموزی باشیم.

به این ترتیب ما ایمان‌داران به مسیح باید پیوسته اقتدار روحانی خود را بر علیه نیروهای شیطانی بکار ببندیم و از طریق تسلیم نمودن خود به خدا برای فرمانروایی با مسیح مهیا گردیم. بعنوان پسرانی بالغ در خانواده خدا، ما باید همواره مسئولیتهای خود را در نظر داشته باشیم و با توکل بر عیسی مسیح پیروز، وسیله به انجام رسیدن اراده خدا در این جهان باشیم. وقتی امتیازات، وظایف و مسئولیتهای ایمان‌داران به مسیح را بررسی می‌کنیم می‌بینیم که ما فرزندان خدا بایستی با تمام وجود شکرگزار خدایی

باشیم که ما را در عیسی مسیح خداوند، پسران بالغ محسوب نموده و اینطور ما را برکت داده است.

اگر شما خوانندهٔ محترم تاکنون به عیسی مسیح خداوند و واقعیت مرگ و زنده شدن دوبارهٔ او ایمان نیاورده‌اید، متأسفانه شما از برکاتی که به فرزندان خدا تعلق دارد بی‌نصیب هستید.

به این دلیل به شما توصیه می‌کنیم که به گناه خود پشت کنید و از راه ایمان، عیسی‌ای پس از مرگ زنده شده را در قلب و زندگی خود دریافت کنید. به این ترتیب شما نیز پسرانی بالغ در خانوادهٔ خدا محسوب می‌شوید و برکات فرزند خواندگی نصیبتان می‌شود.

بخش ۳۶

نجات

تقدیس

درودها در نام عیسی مسیح خداوند. خوشحالیم که در این سری از درسها می‌توانیم اعتقادات اساسی مسیحیان را با شما در میان بگذاریم. مدتی است که موضوع دروس ما در زمینه مزایای نجات ایمان‌داران به مسیح است و تاکنون تعدادی از این مزایا را بررسی کرده ایم. در این درس در نظر داریم در مورد تقدیس که یکی دیگر از مزایای نجات مسیحیان است صحبت کنیم و به مبحث مزایای نجات خاتمه بدهیم. لطفاً با دقت به دنباله این درس توجه کنید.

مفهوم تقدیس

از آنجایی که معنی لغت "تقدیس" جدایی است، می‌توان گفت که مفهوم تقدیس جدا شدن برای خدا و اختصاص یافتن به اوست. تقدیس را همچنین می‌توان مقدس بودن در زندگی روزانه دانست چون کلمه تقدیس نقل‌کننده پاکی و قدوسیت است. وقتی درباره تقدیس که یکی از مزایای نجات مسیحیان است صحبت می‌کنیم باید در نظر داشته باشیم که تقدیس از دو جنبه برخوردار است.

جنبه اول وضعیت ایمان‌دار را در مقابل خدا بیان می‌کند که می‌توانیم این را تقدیس وضعیتی بنامیم. هر فرد مسیحی بخاطر ایمان به کاری که مسیح انجام داده است در نظر خدا پاک و مقدس است. این جنبه از تقدیس در همان لحظه بازگشت به سوی مسیح صورت می‌گیرد و صرفاً کار خداست.

جنبه دوم تقدیس که می‌توانیم آن را تقدیس تدریجی بنامیم به تدریج در زندگی فرد مسیحی صورت می‌گیرد. در این جنبه از تقدیس ایمان‌دار باید روز به روز با خدا همکاری کند تا به سوی کمال پیش برود و زندگی‌اش هرچه بیشتر شبیه زندگی عیسی مسیح بشود.

سهم خدا در تقدیس

وقتی درباره تقدیس سخن می‌گوییم باید توجه داشته باشیم که تنها خدا قادر است تقدیس کند. عهد عتیق و عهد جدید هر دو تأیید می‌کنند که خدا تقدیس‌کننده است. این واقعیت که خدا تقدیس می‌کند چندین بار در فصلهای بیستم تا بیست و دوم لاویان دیده می‌شود. بعنوان نمونه در لاویان فصل بیستم، آیه ۸ نوشته شده است "و فرایض مرا نگاهداشته آنها را بجا آورید من یهوه هستم که شما را تقدیس می‌نمایم." عهد جدید برای ما روشن می‌سازد که هر سه شخص الوهیت یعنی پدر و پسر و روح القدس در تقدیس ما نقش دارند. در انجیل یوحنا فصل هفدهم آیه ۱۷ می‌بینیم که عیسی در دعا از پدر خود درخواست کرد که ایمان‌دارانش را تقدیس کند. او در دعا چنین گفت: "آنان را بوسیله راستی خود تقدیس نما، کلام تو راستی است." پولس رسول در رساله اول خود به قرنتیان فصل اول آیه ۳۰ اینطور نوشت "خدا شما را با مسیح

متحد ساخت و مسیح را برای ما حکمت، نیکی مطلق، قدوسیت و آزادی گردانیده است."

در رساله به عبرانیان فصل دهم، آیه ۱۰ می‌بینیم که مسیح بر طبق اراده خدا بدن خود را بعنوان قربانی تقدیم کرد و خدا بر اساس این قربانی ما را تقدیس نموده است. می‌فرماید: "پس وقتی عیسی مسیح اراده خدا را بجا آورد و بدن خود را یکبار و آنهم برای همیشه بعنوان قربانی تقدیم کرد ما از گناهان خود پاک گشتیم." نقشه مرگ، دفن و زنده شدن دوباره عیسی بوسیله خدا طرح‌ریزی گردید تا انسان بر اساس کار نجات‌بخش عیسی بتواند پاک و آزاد بشود.

در کلام خدا بطور واضح مشاهده می‌شود که تقدیس عملی است از جانب خدای پدر، تا ما از گناه جدا بشویم و به او اختصاص بیاییم.

در مورد نقش عیسی مسیح در تقدیس ما، می‌توانیم به رساله پولس رسول به افسسیان فصل پنجم، آیات ۲۵-۲۶ رجوع کنیم. می‌فرماید: "ای شوهران، چنانکه مسیح کلیسا را دوست داشت و جان خود را برای آن داد شما نیز زنان خود را دوست بدارید. مسیح چنین کرد تا کلیسا را با آب و کلام خدا شسته و آن را پاک و مقدس گرداند."

در رساله به عبرانیان نوشته شده است: "به این جهت عیسی نیز در خارج از دروازه شهر رنج دید تا مردم را با خون خود از گناهانشان پاک سازد." (عبرانیان فصل سیزدهم، آیه ۱۲)

و بالاخره در مورد نقش روح‌القدس در تقدیس ما، در رساله اول پطرس رسول فصل اول، آیات ۱-۲ اینطور نوشته شده است "از طرف پطرس، رسول عیسی مسیح به قوم برگزیده خدا ... خدای پدر مطابق اراده خود، شما را از ازل برگزیده است و شما بوسیله روح خدا تقدیس شده‌اید ... پولس رسول نیز در رساله دوم خود به تسالونیکیان چنین نوشت: "...

تعالیم اساسی کتاب مقدس

خدا شما را بعنوان اولین ایمان‌داران در تسالونیکي برگزید تا بوسیله روح‌القدس شما را پاک گرداند و از راه ایمان به حقیقت نجات یابد." همانطور که قبلاً ذکر شد جنبه اول تقدیس یعنی تقدیس وضعیتی، عملی است از جانب خدا برای هر فردی که به مسیح ایمان می‌آورد. شخصی به موجب این عمل خدا یکبار و برای همیشه به خدا اختصاص می‌یابد. در جنبه اول تقدیس این انسان نیست که خود را به خدا اختصاص می‌دهد بلکه خدا شخصی را که به مسیح ایمان می‌آورد به خود اختصاص می‌دهد.

سهم ما در تقدیس

حالا می‌خواهیم دقایقی را در این مطلب صرف کنیم که سهم ما در تقدیس چیست؟ گفتیم که وقتی یک نفر به مسیح ایمان می‌آورد باید روز به روز با خدا همکاری کند تا بسوی کمال پیش برود. این جنبه دوم تقدیس است که توسط همکاری مداوم ما با خدا صورت می‌گیرد تا زندگی ما هر چه بیشتر شبیه زندگی عیسی مسیح بشود. در تقدیس تدریجی ایمان‌دار باید در زندگی روزمره خود از گناه دوری کند و مطیع اراده خدا باشد. باید توجه داشته باشیم که وقتی از گناه دوری می‌کنیم و مطیع خدا هستیم طوری از جانب خدا برکت می‌یابیم که کمبودی در زندگی خود نمی‌بینیم. آنانیکه در زندگی روزمره خود از گناه دوری می‌کنند و اراده خدا را بجا می‌آورند به خوبی از این واقعیت با خبر هستند که تحت اراده خدا زیستن برکات زیادی به همراه دارد. در عهد عتیق می‌بینیم که افراد، خود و خانه خدا را تقدیس می‌کردند. آنها برای تقدیس معبد بایستی چیزهای بد و ناپاک را از آن خارج

می‌کردند. اصولاً آنچه که به خدا تعلق دارد باید پاک و مقدس باشد. وقتی درباره تقدیس تدریجی ایمان‌دار سخن می‌گوییم باید به این نکته مهم توجه داشته باشیم که خدا از ما انتظار دارد که عملاً پاک باشیم و خود را وقف او نماییم.

در رساله پولس رسول به رومیان فصل ششم آیه ۱۳ خطاب به ایمان‌داران به مسیح اینطور نوشته شده است "هیچیک از اعضای بدن خود را در اختیار گناه قرار ندهید تا برای مقاصد شریرانه بکار رود بلکه خود را به خدا تسلیم نمایید و مانند کسانی که از مرگ به زندگی بازگشته‌اند تمام وجود خود را در اختیار او بگذارید تا اعضاء شما برای مقاصد نیکو بکار رود".

پولس رسول به کلیسای تسالونکیان نوشت "خواست خدا این است که شما پاک باشید و از روابط جنسی غیرمشروع بپرهیزید." (اول تسالونکیان فصل چهارم، آیه ۳)

در رساله اول پولس رسول به قرنتیان فصل ششم آیات ۹-۱۰ نوشته شده است که "...افراد شهوت‌ران، بت‌پرستان، زناکاران، لواط‌گران، دزدان، مستان، ناسزاگویان و کلاهبرداران در پادشاهی خدا هیچ بهره‌ای نخواهند داشت." سپس در آیه ۱۱ می‌بینیم که پولس به مسیحیان شهر قرنتس اینطور می‌گوید: "و بعضی از شما چنان بودید، ولی اکنون از گناهان خود پاک شده‌اید و جزو مقدسین خدا گشته و بنام عیسی مسیح خداوند و روح خدا ما کاملاً نیک محسوب شده‌اید."

خدا شخصی را که به مسیح ایمان می‌آورد از گناه پاک می‌کند و مقدس می‌شمرد. آنگاه لازم است که او با کمک خدا از هر گناهی دوری کند و عملاً زندگی پاک داشته باشد. بر اساس دوم قرنتیان فصل سوم آیه ۸ ما ایمان‌داران به مسیح "... به تدریج در جلالی روزافزون به شکل خداوند

تعالیم اساسی کتاب مقدس

مبدل می‌شویم... "پس هدف خدا برای ما این است که روز به روز بیشتر شبیه عیسی مسیح بشویم. به این ترتیب قدوسیت در زندگی مسیحیان امری است قابل پیشرفت و ترقی.

پطرس رسول در رسالهٔ دوم خود ما مسیحیان را ترغیب می‌کند که "در فیض و معرفت خداوند و منجیمان عیسی مسیح دائماً رشد و نمو کنیم." (دوم پطرس فصل سوم، آیهٔ ۱۸) در رساله به عبرانیان نوشته شده است "بکشید تا با همهٔ مردم با صلح و سازش رفتار کنید و زندگی شما پاک و منزّه باشد، زیرا بدون آن هیچکس خداوند را نخواهد دید" (عبرانیان فصل دوازدهم، آیهٔ ۱۴)

ابتدا، نیکی و پاکی عیسی نصیب کسانی می‌شود که به او ایمان می‌آورند. سپس، این اشخاص یعنی ایمان‌داران به مسیح باید زندگی پاک و پاکیزه‌ای داشته باشند تا بر اثر اینگونه زندگی، خدا را در درون خود مشاهده کنند. پطرس رسول در رسالهٔ اول خود به ما اینطور می‌گوید "...خداوند مسیح را در دل خود تقدیس نماید." (اول پطرس فصل سوم، آیهٔ ۱۵)

رابطهٔ میان سهم خدا و سهم ما در تقدیس

بسیاری از مسیحیان میل دارند که مشارکتی خوب و صمیمانه با خدا داشته باشند. وقتی یک نفر چنین مشارکتی با خدا دارد می‌گویند زندگی او عمیق است یا پاک و مقدس است. برای داشتن مشارکتی خوب و صمیمانه با خدا هر فرد مسیحی باید این را درک کند که او بوسیلهٔ خدا تقدیس شده است. با درک این واقعیت، ایمان‌دار به مسیح می‌تواند با اطمینان خاطر تمام وجودش را در اختیار خدا قرار بدهد و عملاً زندگی پاک و مقدسی داشته باشد. از آنجایی که خون عیسی

مسیح خداوند بخاطر گناهان ما ریخته شده است و او پس از مرگ دوباره زنده شده است، با تکیه بر او و کاری که او انجام داده است می‌توانیم با پاکی و قدوسیت در این جهان زندگی کنیم. باید در نظر داشته باشیم که خدا تمام نیازهای ما را در عیسی مسیح فراهم نموده است تا از طریق او بتوانیم زندگی پاک و خداپسندانه‌ای داشته باشیم. در رساله دوم پطرس رسول فصل اول، آیات ۲-۳ نوشته شده است که "در حالی که شناخت شما از خدا و عیسی مسیح خداوند زیادتر می‌شود، فیض و آرامش شما نیز افزون گردد. قدرت الهی آنچه را که ما برای زندگی و خداپرستی نیاز داریم به ما بخشیده است تا ما بتوانیم کسی که ما را خوانده است تا در جلال و عظمتش سهم شویم بهتر بشناسیم."

قدوسیت عملی

گفتیم که وقتی یکنفر بسوی مسیح بازگشت می‌کند خدا او را پاک و مقدس می‌شمرد. سپس ایمان‌دار باید روز بروز با خدا همکاری کند تا بسوی کمال پیش برود و زندگی‌اش هر چه بیشتر شبیه زندگی عیسی مسیح بشود. این مفهوم قدوسیت عملی است که با همکاری ایمان‌دار صورت می‌گیرد. در اعمال رسولان فصل نوزدهم، آیات ۱۸-۲۰ نمونه خوبی از قدوسیت عملی به جسم می‌خورد چون ایمان‌داران در عمل گناه را از زندگی خود دور نمودند. می‌فرماید "عده زیادی از کسانی که ایمان آورده بودند پیش آمدند و اعتراف کردند که قبل از آن به جادوگری مشغول بودند و عده کثیری از ساحران کتب جادوگری خود را جمع کردند و پیش مردم سوزانیدند. کتابها را که قیمت گذاشتند معلوم

شد که ارزش آنها برابر پنجاه هزار سکه نقره بود به این ترتیب کلام خداوند منتشر می شد و قدرت بیشتری می یافت."

اصولاً وقتی ایمان دار خود را از گناه جدا می کند به خدا وقف می شود، رشد و نمو روحانی می یابد و به سوی کمال پیش می رود.

در اینجا می خواهیم ابتدا شما خواننده حقیقت جو را که تاکنون به سوی مسیح بازگشت نکرده اید تشویق کنیم که همین الآن صادقانه به عیسی مسیح خداوند رویاورید. مسیح برای برطرف شدن گناهان شما خون خود را بر روی صلیب ریخته و مرده است. اما او پس از مرگ دوباره زنده شد و زنده است. وقتی قلباً به او ایمان می آورید تمام گناهان شما برطرف می شود و خدا شما را پاک و مقدس می شمرد.

و اما شما برادر و خواهر مسیحی که بوسیله خدا تقدیس شده اید، لازم است که هر گناهی را از زندگی خود دور کنید تا صاحب و مالک خود عیسی را خوشنود بسازید و در زندگی روزمره خود او را جلال بدهید.

جلال بر او باد از حال تا به ابد. آمین

بخش ۳۷

دعا

خدا چگونه پاسخ می‌دهد

درودها در نام خداوند و منجی ما عیسی مسیح. در این سری از درسها اعتقادات اساسی مسیحیان، برای شما عزیزان تشریح می‌شود. هدف از این درسها این است که شما آگاهی صحیحی از تعالیم عمده کتاب مقدس بیابید. در این درس مبحث جدیدی را شروع می‌کنیم که دعا نام دارد. لطفاً به دنباله این درس توجه کنید.

دعا، مزیتی بزرگ

کسانی که از راه ایمان با مسیح متحد شده‌اند می‌توانند به منظور پرستش و گفتگو، مستقیماً به حضور خدا بروند و برای احتیاجات خود و دیگران دعا کنند. به این ترتیب ایمان‌داران به مسیح می‌توانند بدون واسطه‌های زمینی و بطور مستقیم به حضور خدا بروند و دعا کنند. عیسی مسیح قبل از مرگ خود، به شاگردانش چنین فرمود: "... یقین بدانید که هر چه بنام من از پدر بخواهید به ما خواهد داد" (انجیل یوحنا فصل شانزدهم، آیه ۲۳).

بر اساس این وعده، ما می‌توانیم هر تقاضایی را در نام عیسی با پدر آسمانی در میان بگذاریم. از آنجایی که خدا قادر مطلق است او می‌تواند

تعالیم اساسی کتاب مقدس

درخواستهای کوچک یا بزرگ ما را مستجاب کند. پس خوب است بدون توجه به کوچکی یا بزرگی تقاضای خود، آن را در نام عیسی با پدر آسمانیمان در میان بگذاریم.

خدا چگونه پاسخ می‌دهد

خدا به سه صورت به تقاضای ما پاسخ می‌دهد. صورت اول این است که او به تقاضای ما پاسخ مثبت می‌دهد و فوراً درخواست ما مستجاب می‌شود. صورت دوم این است که او به تقاضای ما پاسخ مثبت می‌دهد اما لازم است که مدتی صبرکنیم تا آنچه که خواسته‌ایم انجام بشود. و بالاخره صورت سوم این است که خدا به تقاضای ما جواب منفی می‌دهد چون آنچه که خواسته‌ایم با اراده او هماهنگ نبوده است. حالا می‌خواهیم نمونه‌هایی را از کتاب مقدس به شما ارائه بدهیم تا مشاهده کنید که خدا به صورتهای مختلف به درخواست ایمان‌داران پاسخ می‌دهد.

پاسخ مثبت و مستجاب شدن فوری تقاضا، در فصل

چهارم اعمال رسولان، آیات ۲۳ تا ۳۱ دیده می‌شود. موضوع از این قرار بود که روسای قوم یهود به شاگردان عیسی اخطار کرده بودند که درباره عیسی با کسی صحبت نکنند! آنگاه ایمان‌داران بطور متحد به دعا پرداختند. کلام خدا می‌فرماید: "به محض اینکه این دو شاگرد (یعنی پطرس و یوحنا) از آنجا مرخص شدند پیش دوستان خود بازگشتند و چیزهایی را که سران کاهنان و مشایخ به آنان گفته بودند بازگو کردند. وقتی آنان باخبر شدند، همه با هم به درگاه خدا دعا کردند و گفتند: "ای

پروردگار، خالق آسمان و زمین و دریا و آنچه در آنها هست، "(اعمال فصل چهارم، آیات ۲۳-۲۴). سپس در آیات ۲۹-۳۱ نوشته شده است که: "اکنون ای خداوند تهدیدات آنان را ملاحظه فرما و بندگانت را تواناگردان تا پیام ترا با شهادت بیان کنند. دست خود را به جهت شفاعت و جاری ساختن آیات و معجزاتی که بنام بنده مقدس تو عیسی انجام می‌گیرد دراز کن. هنگامیکه دعایشان به پایان رسید ساختمان محل اجتماع آنان به لرزه درآمد و همه از روح القدس برگشتند و کلام خدا را با شهادت بیان می‌کردند."

می‌بینیم که خدمتگزاران خدا تحت فشار تهدیدها و در شرایط نامساعد بسر می‌بردند. وقتی ایمان‌داران متحداً دعا کردند تقاضای آنان این نبود که مخالفینشان نابود بشوند یا هر طور شده از مشکلاتی که داشتند خلاصی بیابند. آنها به درگاه خدا دعا کردند که توانا بشوند و پیام خدا را با شهادت بیان کنند. این قبیل دعاها حتماً مستجاب می‌شود چون با اراده خدا هماهنگی دارد. آن ایمان‌داران در فکر راحتی و آسایش خود نبودند و نمی‌خواستند از مسئولیتی که در مورد انتشار مژده نجات برعهده داشتند شانه خالی کنند. آنها می‌خواستند پیغام خدا را با دلیری بیان کنند تا ملکوت خدا گسترش بیابد. پس آنها نفع خود را نمی‌طلبیدند بلکه در فکر پیشرفت ملکوت خدا بودند. ضمناً آنها از ضعف خود با خبر بودند و می‌دانستند که در آن شرایط نامساعد به قدرت خدا نیاز دارند. آنها می‌خواستند توانا بشوند که مأموریت خود را به خوبی انجام بدهند. آن ایمان‌داران همچنین درخواست کردند که خدا از طریق شفا و آیات و معجزات پیغامشان را تصدیق کند. بر اساس کلام خدا بعد از این دعا آنها از روح القدس پرشدند و روح خدا به آنان قدرت بخشید که کلام خدا را با شهادت بیان کنند. جالب است که حتی محلی که در آن جمع شده

بودند به لرزه درآمد! به این ترتیب خدا دعای آن ایمان‌داران را بلافاصله مستجاب کرد و به آنان اطمینان بخشید که قدرت لازم را برای انجام مأموریت دارند. خوشبختانه امروز هم خدا قدرت لازم را به کسانی که می‌خواهند مژده نجات را اعلام کنند عطا می‌کند چون او مایل است ملکوتش گسترش بیابد. خوب است هر ایمان‌داری صمیمانه دعا کند که خدا توانایی لازم را به او ببخشد تا پیغام خدا را با دلیری برای دیگران بیان کند.

پاسخ مثبت و مستجاب شدن تقاضا بعد از گذشت مدتی،

در زندگی ابراهیم دیده می‌شود. گفتیم که ممکن است خدا به درخواست ما جواب مثبت بدهد ولی لازم باشد که مدتی صبرکنیم تا آنچه که خواسته‌ایم انجام بشود. بعضی وقتها درخواست ما از خدا طوری است که در عملی شدن آن دیگران هم نقش دارند. آیا خدا مردم را به زور وادار می‌کند که اراده او را انجام بدهند تا درخواست ما عملی بشود؟! نه، خدا اراده خود را بر مردم تحمیل نمی‌کند، بلکه با صبر و حوصله در زندگی آنها کار می‌کند تا خودشان حاضر بشوند اراده او را انجام بدهند، به این ترتیب بعضی وقتها با وجود اینکه پاسخ خدا به درخواست ما مثبت است بایستی مدت زمانی صبر کنیم تا تقاضای ما عملی بشود. و اما زندگی ابراهیم در رابطه با این مطلب که با وجود مثبت بودن پاسخ خدا، تقاضا بعد از گذشت مدتی مستجاب می‌شود. ابراهیم در حدود دو هزار سال قبل از میلاد مسیح در این جهان زندگی می‌کرد. به موجب کتاب مقدس هنگامی که در شهر اور کلدانیان بسر می‌برد خدا به او فرمود که محل تولدش را ترک کند. خواست خدا این بود که ابراهیم در سرزمین کنعان زندگی کند اما ابراهیم بعد از ترک نمودن وطن خود مدتی در شهر

حران بسر برد. بالاخره او در سن هفتاد و پنج سالگی حران را ترک کرد و راهی کنعان شد. خدا به ابراهیم وعده داده بود که به او قومی کثیر داده و آنان ملتی بزرگ خواهند شد. دیگر اینکه ابراهیم را برکت داده و نام او مشهور و معروف خواهد شد خدا همچنین وعده داده بود که از ابراهیم همه ملتها را برکت خواهد داد، و البته این وعده اشاره دارد به تولد مسیح از نسل ابراهیم و اسحق. خدا این وعده‌ها را در اور کلدانیان به ابراهیم داده بود اما با وجود این وعده‌ها، بعد از آنکه ابراهیم وارد سرزمین کنعان شد و ده سال در آنجا زندگی می‌کرد هنوز بدون فرزند بود. در فصل پانزدهم کتاب پیدایش می‌خوانیم که خدا در رویا به ابراهیم فرمود: "...ای ابرام مترس من سپر تو هستم و اجر بسیار عظیم. ابرام گفت ای خداوند یهوه، مرا چه خواهی داد و من بی‌اولاد می‌روم و مختار خانام این العاذار دمشقی است. و ابرام گفت اینک مرا نسلی ندادی و خانه‌زادم وارث من است. در ساعت کلام خداوند به وی در رسیده گفت این وارث تو نخواهد بود بلکه کسی که از صلب تو درآید وارث تو خواهد بود." (پیدایش فصل پانزدهم آیات ۱ تا ۴)

در اینجا خدا بر اساس آنچه که قبلاً یعنی در فصل دوازدهم پیدایش وعده داده بود به ابراهیم اطمینان بخشید که وارث او شخصی از صلب یا بدن خودش خواهد بود. اما باید در نظر داشته باشیم که تا تولد اسحق هنوز حدود پانزده سال باقیمانده بود، پس ابراهیم باید پانزده سال دیگر هم صبر می‌کرد! در واقع می‌شود گفت که از زمان وارد شدن ابراهیم به سرزمین کنعان تا وقتی که پسر او اسحق بدنیا آمد حدوداً بیست و پنج سال طول کشید. جالب است که در رساله پولس رسول به رومیان فصل چهارم، آیه ۲۰ ذکر شده است که ایمان ابراهیم در طول این سالها نه فقط ضعیف نشد بلکه قویتر می‌گردید. ابراهیم می‌خواست که اولاد داشته باشد و

صاحب اولاد نیز شد. اما می‌دانیم که سالها طول کشید تا تقاضای او مستجاب گردید. بر اساس فصل بیست و یکم کتاب پیدایش آیه ۵ "وقتی اسحق متولد شد ابراهیم صد ساله بود".

و بالاخره، خدا ممکن است به تقاضای ایمان‌دار جواب

منفی بدهد، و این در زندگی پولس رسول دیده می‌شود. در رساله دوم پولس به قرنطیان فصل دوازدهم، آیات ۷ و ۹ چنین نوشته شده است که: "... برای اینکه بخاطر مکاشفات فوق العاده‌ای که دیده‌ام مغرور نشوم ناخوشی جسمانی دردناکی به من داده شد که مانند قاصدی از طرف شیطان مرا بکوبد تا زیاد مغرور نشوم. سه بار از خداوند درخواست کردم که آن را از من دور سازد، اما او در جواب به من گفت فیض من برای تو کافی است، زیرا قدرت من در ضعف تو کامل می‌گردد."

می‌بینیم که پولس رسول سه بار از خداوند درخواست کرد که مشکل جسمانی او را برطرف کند اما پاسخ خداوند منفی بود چون در واقع تقاضای پولس به نفع او نبود! از آنجایی که ناخوشی جسمانی پولس به منظور فروتن نگه‌داشتن او به او داده شده بود و در واقع برای او مفید بود خداوند به درخواست پولس جواب منفی داد. باید توجه داشته باشیم که خداوند نه فقط بطور روشن به پولس جواب منفی داد بلکه علت را نیز برای او بیان کرد. پس می‌توان نتیجه گرفت که پاسخ روشن خدا به ایمان‌داران، ممکن است مثبت یا منفی باشد. البته اوقاتی هم هست که ایمان‌دار تقاضای خود را در دعا با خدا در میان می‌گذارد اما بخاطر دلایلی خدا به او پاسخی نمی‌دهد. در بخش بعد بررسی خود را در این زمینه آغاز می‌کنیم که چرا خدا درخواست ایمان‌دار را بدون پاسخ می‌گذارد!

خاتمه:

در پایان این درس می‌خواهیم کمی با شما خوانندهٔ حقجو دربارهٔ این موضوع صحبت کنیم که. خدای حقیقی پسر یگانهٔ روحانی خود عیسی را به جهان فرستاد تا از طریق مرگ و زنده شدن دوبارهٔ خود رستگاری را برای انسان گناهکار فراهم کند. او بخاطر گناهان شما مُرد و دوباره زنده شد و چون اکنون زنده است می‌تواند شما را رستگار کند. اگر قلباً به او ایمان بیاورید رستگار می‌شوید که در اینصورت شما هم با خدای حقیقی رابطه خواهید داشت. کسانی که با خدای حقیقی رابطه دارند می‌توانند همانند فرزندان با پدر آسمانی خود گفتگو کنند و در دعا برای خود و دیگران از او یاری بطلبید.

تعاليم اساسی كتاب مقدس

بخش ۳۸

دعا

وقتی خدا جواب نمی‌دهد (قسمت ۱)

در روزه‌های مجدد در نام خداوند ما عیسی مسیح. از اینکه در این سری از درس می‌توانیم اعتقادات اساسی مسیحیان را تشریح کنیم، از خداوند سپاسگزاریم. در درس گذشته مبحث دعا را آغاز کردیم و دیدیم که خدا به سه صورت به تقاضاهای ایمان‌داران به مسیح پاسخ می‌دهد.

- پاسخ مثبت و مستجاب شدن فوری تقاضا،
- پاسخ مثبت و مستجاب شدن تقاضا بعد از گذشت مدتی،
- و بالاخره پاسخ منفی.

اما اوقاتی هم هست که ایمان‌دار اصلاً پاسخی از خدا دریافت نمی‌کند! منظورمان این است که ایمان‌دار با وجود اینکه تقاضای خود را در دعا با خدا در میان می‌گذارد جوابی از خدا دریافت نمی‌کند. ببینیم چه دلایلی وجود دارد که خدا درخواست ایمان‌دار را بدون جواب می‌گذارد.

چرا خدا جواب مرا نمی‌دهد؟

در کتاب مقدس حداقل یازده دلیل مختلف وجود دارد که با توجه به آنها می‌توان فهمید که چرا خدا درخواست ایمان‌دار را بدون پاسخ می‌گذارد.

۱- وجود بُت در دل

بر اساس کتاب مقدس وجود بت در دل، یکی از گناهانی است که باعث می‌شود خدا دعای ایمان‌دار را بدون جواب گذارد. در حزقیال نبی فصل چهاردهم، آیات ۱-۳ اینطور نوشته شده است "و کسانی چند از مشایخ اسرائیل نزد من آمده پیش رویم نشستند، آنگاه کلام خداوند به من نازل شده گفت: "ای پسر انسان این اشخاص بت‌های خویش را در دل‌های خود جای دادند و سنگ مصادم گناه خویش را پیش روی خود نهادند پس آیا ایشان از من مسئلت نمایند؟"

از آنجائیکه وجود بت در دل باعث می‌شود که خدا دعای ایمان‌دار را بدون جواب بگذارد بهتر است توضیح بدهیم که مقصود از وجود بت در دل ایمان‌دار چیست. یقیناً خدا مایل است جایگاه اول را در قلب و زندگی ایمان‌دار داشته باشد چون او صاحب و مالک ایمان‌دار است. اما متأسفانه گاهی اوقات، اشخاص یا چیزهای مختلف جایگاه خدا را در قلب ایمان‌دار اشغال می‌کنند و مثل این است که آنها از خدا مهمتر می‌شوند! شوهر یا زن، فرزندان یا خویشاوندان، دوستان یا اشخاص دیگر ممکن است جایگاه خدا را در دل ایمان‌دار اشغال کنند. بعلاوه پول، اموال، شغل و چیزهای دیگر ممکن است سبب بشوند که خدا جایگاه اول را در دل ایمان‌دار نداشته باشد. پس هر کس یا هر چیز که جایگاه خدا را در قلب ایمان‌دار تصاحب کند در واقع بتی است در دل ایمان‌دار. اگر شما برادر یا خواهر مسیحی، جایگاه خدا را در دل خود به اشخاص یا چیزهای دیگری داده‌اید، بهتر است هر چه زودتر حق تقدم را به خدا واگذار کنید تا او جایگاه اول را در قلب شما داشته باشد. در غیر این صورت انتظار نداشته باشید که خدا به دعا شما پاسخ بدهد.

۲- وجود گناه دانسته در قلب

یکی دیگر از دلایلی که در کتاب مقدس برای بی‌جواب ماندن دعای ایمان‌دار یافت می‌شود این است که گناه دانسته در قلب ایمان‌دار وجود داشته باشد. در مزمور شصت و ششم، آیه ۱۸ نوشته شده است که "اگر بدی را در دل خود منظور می‌داشتیم، خداوند مرا نمی‌شنید." همچنین در اشعیا نبی فصل پنجاه و نهم، آیات ۱-۲ نوشته شده است "هان دست خداوند کوتاه نیست تا نرھاند و گوش او سنگین نی تا نشنود. لیکن خطایای شما در میان شما و خدای شما حائل شده است و گناهان شما روی او را از شما پوشانیده است تا نشنود". فرض کنید که شما نسبت به برادر یا خواهر ایمان‌دار خود مرتکب خطایی شده‌اید و هیچ اقدامی هم به منظور جبران آن، انجام نداده‌اید! شما با وجود اینکه می‌دانید مقصر هستید، به عوض در صدد برآمدن برای جبران، دست روی دست گذاشته و هیچ اقدامی به عمل نمی‌آورید! آیا در چنین شرایطی می‌توان انتظار داشت که خدا دعای ایمان‌دار را جواب بدهد در حالی که ایمان‌دار گناه دانسته‌ای در قلب خود دارد؟!

۳- انگیزه بد و نادرست

دلیل دیگری که می‌توان برای بدون جواب ماندن دعای ایمان‌دار ذکر کرد انگیزه بد و نادرست است. در رساله یعقوب فصل چهارم، آیه ۳ نوشته شده است "اگر از خدا هم بخواهید دیگر حاجت شما برآورده نمی‌شود چون با نیت بد و به منظور ارضای هوسهای خود آن را می‌طلبید".

به این ترتیب وقتی ایمان‌دار چیزهایی را به منظور ارضای هوسهای خود می‌طلبد از خدا جوابی نمی‌شنود. البته مقصود این نیست که ایمان‌دار نباید برای برطرف شدن احتیاجاتش دعا کند، چون خود خداوند ما عیسی فرمود که در دعا به پدر آسمانی بگوییم "نان روزانه ما را امروز به ما بده." (انجیل متی فصل ششم، آیه ۱۱)

باید توجه داشته باشیم که خدا مایل است احتیاجات روزانه ما را رفع کند اما وقتی ایمان‌دار چیزهایی را می‌طلبد که جزو ضروریات زندگی او نیست و صرفاً به منظور لذت و خوشی جسمانی است جوابی از خدا شنیده نمی‌شود.

۴- کینه توزی و نبخشیدن دیگران

در انجیل مرقس فصل یازدهم، آیات ۲۵-۲۶ می‌بینیم که نبخشیدن دیگران باعث می‌شود که دعای ایمان‌دار بدون پاسخ بماند. عیسی مسیح به شاگردان خود فرمود: "وقتی برای دعا می‌ایستید اگر از کسی شکایتی دارید او را ببخشید تا پدر آسمانی شما هم خطایای شما را ببخشد. اما اگر شما دیگران را نبخشید پدر آسمانی شما هم، خطایای شما را نخواهد بخشید."

کلام خدا بطور واضح برای ما بیان می‌کند که نباید کینه در دل نگهداریم و یا روح عدم بخشش در ما باشد. بسیاری حاضرند با این شرط ببخشند که شخص خطاکار فروتن شده و از آنها عذرخواهی کند. اما خداوند و منجی ما عیسی از ایمان‌داران خود انتظار دارد که بدون هیچ شرطی دیگران را ببخشند. البته بخشیدن دیگران به این معنی نیست که ما گناه را

جایز می‌دانیم! نه، ما از گناه تنفر داریم اما مردم را می‌بخشیم و آنها را محبت می‌کنیم.

شاید گفته بشود که این کار نشدنی است، ولی کسی که در مسیح زندگی می‌کند با کمک او می‌تواند بدون استثناء دیگران را ببخشد. در مورد بخشش دیگران، خود عیسی بهترین نمونه است. بر اساس کلام خدا او در حالی که بر صلیب می‌خکوب شده بود حتی دشمنان و مصلوب کنندگان خود را بخشید و برای آنها دعای خیر کرد. بعداً یکی از پیروان عیسی بنام استیفان که اولین شهید مسیحی محسوب شده است از طریق روح‌القدس قدرت یافت که سنگسار کنندگان خود را ببخشد و برای آنان دعای خیر کند.

یقیناً خدا از ما نیز انتظار دارد که به عوض کینه‌توزی دیگران را ببخشیم و حتی برای دشمنان خود رحمت بطلبیم. اگر شما برادر یا خواهر مسیحی کینه در دل خود نگهدارید و برایتان مشکل است که دیگران را ببخشید بایستی با تمام وجود از خدا بطلبید که شما را برای انجام اراده خود که بخشش دیگران است قادر بسازد.

۵- وجود مشکلات در زندگی زناشویی

در رساله اول پطرس رسول فصل سوم، آیه ۷ نوشته شده است "و شما نیز ای شوهران، باید رفتارتان با همسران همیشه با ملاحظه باشد و چون آنها جنس لطیف هستند و در فیض حیات با شما سهیم و شریک می‌باشند با عزت و احترام با آنها رفتار کنید مبادا دعاهای شما مستجاب نشود."

زندگی زناشویی مسیحیان باید بر اساس استانداردهای الهی باشد در غیراینصورت دعای ایمان‌دار بی‌جواب می‌ماند. تلخی و تیرگی روابط در زندگی زناشویی، به مشارکت ایمان‌دار با خدا لطمه می‌زند به همین علت همسران مسیحی باید با محبت و تفاهم با یکدیگر بسر ببرند. شاید بعضی‌ها همسر خود را تقصیر کار بدانند و بگویند که او باعث شده است که مشکلات در زندگی زناشویی ما وجود داشته باشد! باید توجه داشته باشید که خدا مایل است شما بدون در نظر گرفتن رفتار شریک زندگیتان وظایف خود را نسبت به او انجام بدهید و همیشه با او رفتاری خداپسندانه داشته باشید. در اینصورت خدا نه فقط برکتان می‌دهد بلکه مشکلات موجود در زندگی زناشوییتان را هم برطرف می‌کند.

۶-عدم ایمان

بی‌ایمانی دلیل دیگری است برای بی‌جواب ماندن دعای ایمان‌دار. در رسالهٔ یعقوب فصل اول، آیات ۶-۷ اینطور نوشته شده است "اما او باید با ایمان بخواند و در فکر خود شک نداشته باشد، چون آدم شکاک مانند موج دریا است که در برابر باد رانده و متلاطم می‌شود. چنین شخصی نباید گمان کند که از خداوند چیزی خواهد یافت." در انجیل مرقس فصل یازدهم، آیهٔ ۲۴ می‌بینیم که عیسای خداوند به ایمان‌داران خود فرموده است: "بنابراین به شما می‌گویم یقین بدانید که آنچه را که در دعا طلب می‌کنید خواهید یافت و به شما داده خواهد شد." با توجه به آیاتی که خوانده شد می‌توانیم به اهمیت نقش ایمان در دعا پی ببریم.

وقتی تقاضایی را در دعا با خدا در میان می‌گذاریم بایستی ایمان داشته باشیم که خدا به ما پاسخ می‌دهد. چنانچه با عدم ایمان دعا کنیم مثل این است که انتظار نداریم جوابی از خدا دریافت کنیم، به همین دلیل بی‌ایمانی باعث می‌شود که دعای ایمان‌دار بدون پاسخ بماند. وقتی چیزی از خدا می‌طلبیم که برخلاف اراده او نیست باید با ایمان و بدون شک بطلبیم و پیشاپیش یقین داشته باشیم که آنچه را طلبیده‌ایم به ما عطا خواهد شد.

دیدیم که خدا به دلالتی تقاضای ایمان‌دار را بدون پاسخ می‌گذارد. وجود بت در دل، وجود گناه دانسته در قلب، انگیزه بد و نادرست، کینه توزی و نبخشیدن دیگران، وجود مشکلات در زندگی زناشویی و عدم ایمان می‌تواند باعث بشوند دعای ایمان‌دار بدون جواب بماند. البته علاوه بر شش دلیلی که ذکر شد دلایل دیگری نیز برای بدون پاسخ ماندن دعای ایمان‌دار وجود دارد. در بخش بعد پنج دلیل دیگری که باعث می‌شوند دعای ایمان‌دار بدون جواب بماند، را به شما خواننده عزیز ارائه خواهیم داد.

چنانچه شما برادر یا خواهر مسیحی در اثر شنیدن مطالب این درس متوجه شده‌اید که گناه یا گناهایی در زندگیتان هست مثلاً رفتار خداپسندانه‌ای با همسر خود نداشته‌اید یا چیزی جای خدا را در دل شما اشغال کرده است و یا اینکه یکی دیگر از دلایل ذکر شده به مشارکت شما با خدا لطمه وارد نموده است و باعث شده که خدا به تقاضای شما پاسخی ندهد. بهتر است هر چه زودتر با قلبی توبه‌کار و با اعتماد به خونی که عیسی در راه شما ریخته گناه یا گناهان خود را به خدا اعتراف کنید. در رساله اول یوحنا فصل اول، آیه ۹ نوشته شده است "... اگر ما به گناهان خود اعتراف نماییم، می‌توانیم به او اعتماد کنیم زیرا او به حق

تعالیم اساسی کتاب مقدس

عمل می‌کند، او گناهان ما را می‌آمرزد و ما را از همه خطاهایمان پاک
می‌سازد". آمین.

تعالیم اساسی کتاب مقدس

بخش ۳۹

دعا

وقتی خدا به من جواب نمی‌دهد (قسمت ۲)

با درود در نام عیسی مسیح خداوند به درس دیگری از سلسله دروس اعتقادات اساسی مسیحیان می‌پردازیم. در فصل گذشته شش دلیل را در ارتباط با بی‌جواب ماندن دعای ایمان‌دار ذکر کردیم. این دلایل از این قرار می‌باشند: وجود بت در دل، وجود گناه دانسته در قلب، انگیزه بد و نادرست، کینه توزی و نبخشیدن دیگران، وجود مشکلات در زندگی زناشویی و عدم ایمان. در این درس پنج دلیل دیگری که می‌توانند باعث بشوند دعای ایمان‌دار بی‌جواب بماند، را به شما ارائه می‌دهیم. لطفاً با دقت به دنباله درس توجه کنید.

چرا خدا جواب مرا نمی‌دهد؟

۱- وضعیت درونی نادرست، هفتمین دلیلی است که می‌توان برای بدون جواب ماندن دعای ایمان‌دار ذکر نمود. در انجیل متی فصل ششم، آیات ۵ و ۶ می‌بینیم که خداوند و منجی ما عیسی چنین فرمود: "وقتی دعا می‌کنید مانند ریاکاران نباشید. آنان دوست دارند در کنیسه‌ها و گوشه‌های خیابانها بایستند و دعا بخوانند تا مردم آنان را ببینند. یقین بدانید که آنها اجر خود را یافته‌اند! هرگاه تو دعا می‌کنی به اندرون خانه خود برو، در

را ببند و در خلوت در حضور پدر نادیده خود دعا کن و پدری که هیچ چیز از نظر او پنهان نیست اجر تو را خواهد داد".

وقتی یک نفر به منظور جلب توجه دیگران دعا می‌کند و هدف او خودنمایی است نباید از خدا انتظار جواب داشته باشد. وقتی ایمان‌داران به مسیح بطور دستجمعی دعا می‌کنند نباید خود را نزد یکدیگر بالا ببرند بلکه عیسی بایستی برافراشته بشود. ضمناً شخصی که دعا می‌کند نباید غرور داشته باشد بلکه باید کاملاً فروتن باشد. در انجیل لوقا فصل هجدهم، آیات ۹-۱۴ می‌بینیم که یک فریسی مغرور و یک باجگیر فروتن هر دو برای دعا به معبد بزرگ رفتند. فریسی از خود راضی که خود را خوب و عادل بحساب می‌آورد با غرور از خود تعریف کرد! اما آن باجگیر با فروتنی به خدا می‌گفت: "ای خدا، به من گناهکار ترحم کن!" (لوقا فصل هجدهم، آیه ۱۳). سپس در آیه ۱۴ می‌خوانیم که آن باجگیر برخلاف فریسی، بخشوده شد. ما ایمان‌داران به مسیح باید با دلی فروتن و خالی از کبر و غرور دعا کنیم چون وضعیت درونی نادرست باعث می‌شود که دعای ما بدون پاسخ بماند.

۲- وجدان ناراحت، دلیل دیگری است برای بی‌جواب ماندن دعای ایمان‌دار. در رساله اول یوحنا رسول فصل سوم، آیات ۲۱-۲۲ نوشته شده است "ای عزیزان، اگر وجدان ما، ما را محکوم نمی‌سازد، ما می‌توانیم با اطمینان به حضور خدا بیاییم و او تمام خواهشهای ما را برمی‌آورد زیرا ما بر طبق احکام او عمل می‌کنیم و آنچه را که پسند اوست بجا می‌آوریم".

گاهی وجدان ما ممکن است بخاطر چیزهایی ما را محکوم کند که در نظر خدا گناه محسوب نمی‌شوند. وجدان یکنفر می‌تواند تحت تاثیر محیطی که شخص در آن رشد یافته است به غلط او را راهنمایی کند. در اینصورت وقتی شخصی تقاضای خود را در دعا با خدا در میان می‌گذارد از اطمینان لازم برخوردار نیست.

ما ایمان‌داران به مسیح باید بیش از هر چیز به کتاب مقدس متکی باشیم بطوریکه وجدان ما کاملاً تحت تاثیر کلام خدا کار کند، نه اینکه وجدان ما تحت تاثیر محیطی باشد که در آن پرورش یافته‌ایم. ما با مطالعه کتاب مقدس و با توجه به احکام خدا می‌توانیم آنچه را که صحیح است درک کنیم، آنوقت وجدان ما نیز تحت تاثیر کلام خدا عمل می‌کند. چنانچه وجدان ما هماهنگ با کلام خدا ما را اینطور هدایت کند که مرتکب گناهی شده‌ایم لازم است با قلبی توبه‌کار گناهمان را به خدا اعتراف کنیم. آنوقت می‌توانیم با وجدانی راحت و آسوده دعا کنیم و یقین داشته باشیم که خدا به تقاضای ما پاسخ می‌دهد.

۳- عدم هماهنگی با اراده خدا، نهمین دلیلی است که می‌توانیم برای بی‌جواب ماندن درخواست ایمان‌دار ذکر کنیم. وقتی ایمان‌دار به مسیح دعا می‌کند نه فقط باید اطمینان درونی داشته باشد، بلکه درخواست او بایستی با اراده خدا هماهنگ باشد. در رساله اول یوحنا رسول فصل پنجم، آیات ۱۴ و ۱۵ اینطور نوشته شده است "اطمینان ما در حضور خدا این است که اگر از او چیزی بخواهیم که مطابق اراده او باشد به ما گوش خواهد داد. ما می‌دانیم که هر چه بخواهیم او به ما گوش می‌دهد. پس این را هم باید بدانیم که آنچه از او بطلبیم به ما عطا خواهد فرمود." از

آنجایی که لازم است هر تقاضایی با اراده خدا هماهنگ باشد ایمان‌دار نباید چیزی را در دعا بطلبد که بر اساس کتاب مقدس صریحاً مخالف اراده خداست. به این ترتیب وقتی در کتاب مقدس بطور واضح ذکر شده است که فلان موضوع برخلاف اراده خداست ایمان‌دار نباید آن را از خدا درخواست کند. البته منظور این نیست که ایمان‌دار هر بار در دعا به خدا بگوید اگر اراده تو است به درخواست من پاسخ بدهد. نکته اصلی این است که ایمان‌دار بایستی به کتاب مقدس توجه کافی داشته باشد و چنانچه خواسته او مخالف اراده خداست از خواسته خود صرف نظر کند. خانمی که شوهرش فوت کرده بود در دعا تقاضا کرد که برای چند دقیقه هم که شده روح شوهرش نزد او بیاید تا او بتواند با شوهر خود صحبت کند!!! بر اساس شهادت این خانم وقتی دعای او به پایان رسید ناگهان اطاق تاریک شد و منظری که ادعا می‌کرد شوهر اوست با او سخن گفت! آن خانم که متوجه نبود دعای او برخلاف اراده خدا بوده است از این طریق خود را بازیچه شیطان قرار داد و شیطان فرصت یافت که او را فریب بدهد. در کلام خدا صریحاً ذکر شده است که احضار ارواح و تماس با مردگان جزو اعمال گناه‌آلود و نفرت‌انگیز است. در این مورد می‌توانید به تثنیه فصل هجدهم، آیات ۱۰-۱۲ مراجعه کنید. وقتی یک نفر سعی می‌کند با ارواح مردگان تماس برقرار کند دیوها که ارواحی پلید هستند می‌توانند شخص را تحت تاثیر خود قرار بدهند و به او لطمه بزنند. خانمی که برخلاف اراده خدا دعا کرده بود تا با روح شوهر خود تماس برقرار کند مدتها در مشکلات گوناگون بسر می‌برد چون شیطان فرصت یافته بود که او را تحت فشار قرار بدهد. خوشبختانه آن خانم تصمیم گرفت که با شبانی در کلیسای محلی خود صحبت کند و از او کمک بطلبد. بر اثر مشاوره و دعا آن خانم از ناراحتیهایی که داشت رهایی یافت

تعالیم اساسی کتاب مقدس

و ضمناً مصمم گردید که با جدیت کتاب مقدس را بیاموزد و بر طبق آن زندگی کند.

وقتی دعا می‌کنیم بایستی با در نظر گرفتن کتاب مقدس چیزی را از خدا درخواست کنیم. اگر تقاضای ما مطابق اراده خدا باشد می‌توانیم مطمئن باشیم که او به ما پاسخ می‌دهد.

۴- بی‌اعتنا بودن به راهنماییهای خدا، یکی دیگر از دلایل بی‌جواب ماندن دعای ایمان‌دار است. وقتی ایمان‌دار راهنماییهای خدا را نادیده می‌گیرد نباید انتظار داشته باشد که خدا به درخواست او جواب بدهد. خدا غالباً از طریق کلام خود با ما صحبت می‌کند و اراده خود را به ما نشان می‌دهد. اگر مطیع خدا باشیم او ما را برکت می‌دهد اما چنانچه به کلام خدا و آنچه که او از ما می‌خواهد بی‌اعتنا باشیم او را نخواهد شنید. در فصل هفتم زکریای نبی می‌خوانیم "پس واقع خواهد شد چنانکه او ندا کرد و ایشان نشنیدند همچنان یهوه صباوت می‌گوید ایشان فریاد خواهند برآورد و من نخواهم شنید". (زکریای نبی فصل هفتم، آیه ۱۳)

همچنین در امثال سلیمان نبی فصل بیست و هشتم، آیه ۹ نوشته شده است "هر که گوش خود را از شنیدن شریعت برگرداند، دعای او هم مکروه می‌شود"

پس ایمان‌دار باید در زندگی روزمره خود به تعالیم کتاب مقدس توجه داشته باشد در غیر اینصورت نه فقط خدا به دعای او پاسخ نمی‌دهد بلکه دعای او را ناپسند می‌داند.

در اینجا می‌خواهیم این مطلب را هم اضافه کنیم که ایمان‌داران به مسیح نباید هر فکر و احساسی را هدایت خدا بدانند. مبدا خیال کنیم که هر

چه از ذهن ما عبور می‌کند و هر احساسی که در دل ما پدید می‌آید از جانب خداست. یقیناً هدایتی که از جانب روح‌القدس باشد با کتاب مقدس هماهنگی دارد. پس باید هر هدایتی با کلام خدا سنجیده بشود وگرنه ایمان‌دار ممکن است برخلاف اراده‌ی خدا قدم بردارد.

۵-عدم ترحم، یازدهمین و آخرین دلیلی است که در ارتباط با بی‌جواب ماندن دعای ایمان‌دار به شما ارائه می‌دهیم. در امثال سلیمان نبی فصل بیست و یکم، آیه ۱۳ نوشته شده است "هر که گوش خود را از فریاد فقیر می‌بندد، او نیز فریاد خواهد کرد و مستجاب نخواهد شد".

ما ایمان‌داران به مسیح که از محبت خدا بهره‌مند شده‌ایم بایستی هم‌نوعان خود را محبت کنیم. خدا مایل است که ما در عمل محبت مسیح را به هم‌نوعان خود نشان بدهیم و حتی الامکان محتاجان را کمک کنیم. ایمان‌داری که اشخاص محتاج را می‌بیند و با وجود توانایی قدمی در جهت رفع احتیاجات آنان بر نمی‌دارد باید انتظار داشته باشد که خدا دعای او را بدون جواب بگذارد.

در خاتمه‌ی مبحث دعا، می‌خواهیم به این نکته توجه داشته باشید که هدف ما از ارائه‌ی یازده دلیل در ارتباط با بی‌جواب ماندن دعای ایمان‌دار این است که دعاهای شما موثرتر باشد.

از آنجایی که دلایل ذکر شده همانند موانعی هستند که باعث می‌شوند دعای ایمان‌دار بدون جواب بماند خوب است هر مانعی برطرف بشود تا دعای ایمان‌دار ثمربخش باشد. بر اساس کلام خدا "... خود مسیح کفارۀ گناهان ماست ..." (رساله‌ی اول یوحنا رسول فصل دوم، آیه ۲)

مسیحی که برای گناهان ما خون ریخته است و حالا زنده است خودش کفارهٔ گناهان ماست. اگر گناهی در زندگی شما وجود دارد یا به عبارت دیگر مانعی در مسیر دعای شما است با دلی توبه‌کار با مسیح خداوند صحبت کنید چون او برطرف کنندهٔ گناهان شماست. وقتی با تکیه بر خون ریخته شدهٔ مسیح گناهی را به او اعتراف می‌کنید اطمینان داشته باشید که مانع از مسیر دعا شما برداشته می‌شود و خدا به دعای شما پاسخ می‌دهد. آمین.

تعاليم اساسی كتاب مقدس

بخش ۴۰

کلیسا

آن چیست؟

درودها در نام عیسی مسیح خداوند. خوشحالیم که در این سری از درسها می‌توانیم تعالیم اساسی کتاب مقدس را با شما در میان بگذاریم. در این درس مبحث جدیدی را با عنوان کلیسا شروع می‌کنیم. ببینیم کلیسا چیست؟

معنی لغت "کلیسا"

چون درس ما در مورد کلیسا است لازم است که ابتدا قدری درباره معنی لغت کلیسا صحبت کنیم. لغت کلیسا از لغت یونانی اِکلیسیا گرفته شده است که به معنی "خواننده شده" می‌باشد. این لغت در نوشتجات دنیوی زمان عهد جدید برای گردهمایی بکار برده می‌شد که عده‌ای با شنیدن خبری در یکجا جمع می‌شدند. در عهد جدید لغت کلیسا برای اشخاصی به کار برده شده است که به خدا تعلق دارند و برای منظور خاصی خواننده شده‌اند. کلیسای محلی شامل گروهی از ایمان‌داران به مسیح است که با هم جمع می‌شوند تا خدا را پرستند، ایمان یکدیگر را تقویت کنند و مژده عیسی مسیح را منتشر کنند. کلیسای جهانی یا

جامع تمام ایمان‌داران به مسیح، بدون در نظر گرفتن زمان و مکان، را در برمی‌گیرد.

از آنجایی که ایمان به عیسی مسیح خداوند باعث می‌شود که یهود و غیریهود نجات بیابند، کلیسا همه کسانی را در برمی‌گیرد که توسط مسیح نجات یافته‌اند و متعلق به خدا هستند. در عهد جدید کلیسا به بدنی تشبیه شده است که اعضای گوناگون دارد و مسیح سر این بدن است. (افسیان فصل پنجم، آیه ۳۰ و کولسیان فصل یک، آیه ۱۸). همچنین کلیسا به معبدی تشبیه شده است که روح خدا در آن سکونت دارد. (اول قرنتیان سوم، آیه ۱۶)

در اینجا می‌خواهیم توجه شما را به این نکته مهم جلب می‌کنیم که لغت کلیسا در عهد جدید، برای ساختمان یا محل گردهمایی بکار برده نشده است. کلیسا، جایی نیست که افراد در آن جمع می‌شوند، بلکه کلیسا مجموع اشخاصی است که به مسیح تعلق دارند. پس وقتی می‌گوییم کلیسا منظور ساختمان یا محل اجتماع نیست بلکه مقصود قوم خداست.

کلیسای عهد جدید

چون کلیسا در روز پنطیکاست تولد یافت و قبل از آن وجود نداشت عیسی مسیح درباره کلیسا چنین فرمود: "... و من بر این صخره کلیسای خود را بنا خواهم کرد و نیروهای مرگ هرگز بر آن چیره نخواهد شد" (انجیل متی فصل شانزدهم، آیه ۱۸).

وقتی مسیح این مطلب را فرمود هنوز نمرده بود و قیام و صعود نیز نکرده بود. به همین دلیل او افعالی را بکار برد که به زمان آینده مربوط می‌شدند. هر چند که قوم اسرائیل بر اساس اعمال رسولان فصل هفتم، آیه ۳۸

جماعتی در بیابان بود اما کلیسای عهد جدید با آن جماعت تفاوت دارد. در بیابان جماعت بنی اسرائیل از کسانی تشکیل شده بود که اسرائیلی بودن را از طریق خانواده به ارث برده بودند. به این ترتیب هر که در این قوم متولد می‌شد اسرائیلی بود حتی اگر به خدای حقیقی ایمان نداشت. اما کلیسای عهد جدید فقط شامل کسانی می‌شد که شخصاً و قلباً مسیح را دریافت می‌کردند. درست است که عده‌ای افراد به ظاهر مسیحی ولی در باطن غیرمسیحی در کلیساهای محلی دیده می‌شوند اما کلیسا از کسانی تشکیل شده است که توسط روح‌القدس تولد تازه یافته‌اند و با خدا رابطه روحانی دارند.

کلیسای عهد جدید در روز پنطیکاست بوجود آمد چون روح خدا بر یکصد و بیست نفر ایمان‌دار به مسیح نازل شد. نزول روح‌القدس بر پیروان مسیح قبلاً وعده داده شده بود و این وعده در روز پنطیکاست به انجام رسید. در آن روز همانطور که مسیح فرموده بود روح‌القدس بر پیروان او نازل شد و آنان اعضای دائمی یک بدن یعنی کلیسا شدند، ضمناً آنان قدرت لازم را برای اعلام مژده نجات بدست آوردند. در ابتدا ایمان‌داران به مسیح، در منازل مختلفی در اورشلیم جمع می‌شدند اما با این وجود کلام خدا از یک کلیسای متحد سخن می‌گوید. این کلیسای متحد در یک روز یعنی در روز پنطیکاست تعداد اعضایش از یکصد و بیست نفر به سه هزار و یکصد و بیست نفر رسید! بر اساس اعمال رسولان فصل دوم، آیه ۴۷ "...خداوند هر روز کسانی را که نجات می‌یافتند، به جمع ایشان می‌افزود". سپس در اعمال فصل چهارم، آیه ۴ می‌بینیم که تعداد مردان ایمان‌دار به حدود پنج هزار نفر رسید! البته باید در نظر داشته باشیم که علاوه بر مردان ایمان‌دار زنان و جوانان ایمان‌دار

هم جزو کلیسا بودند. به این ترتیب کلیسا با سرعتی عجیب رشد می‌کرد و باعث جلال خداوند می‌گردید.

جماعت‌های محلی

کلمه کلیسا در قسمتهایی از عهد جدید برای جماعت‌های محلی در مناطق مختلف بکار برده شده است، از قبیل کلیسای اورشلیم، کلیسای انطاکیه، کلیسای غلاطیه، کلیسای افسس و کلیسای قرنتس. هر چند که یک کلیسای محلی از عده‌ای ایمان‌دار تشکیل شده است که در محلی با هم جمع می‌شوند، اما هر کلیسای محلی به خدا تعلق دارد چون در واقع بدن مسیح است در محلی معین. به همین علت پولس رسول در اولین رساله‌اش به کلیسای شهر قرنتس نوشت، "به کلیسای خدا که در شهر قرنتس است..." (رساله اول به قرنتیان فصل اول، آیه ۲)

البته در عهد جدید قسمتهایی نیز وجود دارد که کلمه کلیسا صرفاً به کلیسای محلی اشاره ندارد بلکه از معنی وسیعتری برخوردار است و مقصود از کلیسا، کلیسای جهانی است. در این مورد قبلاً به انجیل متی فصل شانزدهم، آیه ۱۸ اشاره کردیم و اکنون آیات دیگری را برایتان می‌خوانم. پولس رسول در رساله اول خود به قرنتیان نوشت "زیرا من از تمام رسولان او کمتر هستم و حتی شایستگی آن را ندارم که رسول خوانده شوم، چون بر کلیسای خدا جفا می‌رسانیدم" (اول قرنتیان فصل پانزدهم، آیه ۹). و در رساله پولس به غلاطیان فصل اول آیه ۱۳ نوشته شده است "سرگذشت و اعمال سابق مرا در دین یهود شنیده اید که چگونه با بی‌رحمی به کلیسای خدا آزار می‌رسانیدم و در نابود ساختن آن می‌کوشیدم".

پولس قبل از آنکه از گناه توبه کند و به مسیح ایمان بیاورد بر مسیحیان اورشلیم جفا می‌کرد (اعمال، فصل هشت، آیه ۳) و نه فقط این، بلکه او عازم دمشق شد تا مسیحیان آنجا را دستگیر کند و به اورشلیم بیاورد (اعمال فصل نه، آیه ۲). اما پولس قبل از رسیدن به دمشق با مسیح زنده مواجه شد که به او فرمود "... چرا بر من جفا می‌کنی؟" (اعمال رسولان فصل نهم، آیه ۴). پولس به کلیسای مسیح که در واقع بدن اوست آزار و اذیت می‌رساند اما خوشبختانه او مسیح را دریافت کرد و نجات یافت و در نتیجه زندگی‌اش عوض شد.

کلیسا، جهان مسیحیت و پادشاهی خدا

وقتی عهد جدید را مطالعه می‌کنیم بایستی توجه داشته باشیم که کلیسا نه بیان‌کننده جهان مسیحیت است و نه بیان‌کننده پادشاهی خدا. به عبارت دیگر جهان مسیحیت و پادشاهی خدا به خودی خود از کلیسای مسیح و بدن او سخن نمی‌گویند. پادشاهی خدا اصطلاحی است که از فرمانروایی و حاکمیت خدا حکایت می‌کند. در یکی از مثل‌های عیسی در فصل سیزدهم انجیل متی این‌طور می‌خوانیم که: "پسر انسان فرشتگان خود را خواهد فرستاد و آنها هر کس را که در پادشاهی او باعث لغزش شود و همچنین همه بدکاران را جمع می‌کنند و در کوره‌ای مشتعل خواهند افکند، جاییکه اشک می‌ریزند و دندان بر دندان می‌فشارند. در آن زمان نیکان در پادشاهی پدر خود مانند خورشید خواهند درخشید..." (متی فصل سیزدهم، آیات ۴۱-۴۳). می‌بینیم که سرنوشت بدکاران با سرنوشت کلیسای مسیح کاملاً متفاوت خواهد بود. در پادشاهی خدا کلیسا برکت خواهد یافت اما کسانی که قلباً با پادشاه

متحد نبوده‌اند مجازات خواهند شد. در مورد اصطلاح جهان مسیحیت بایستی بگوئیم که در سرتاسر دنیا عده‌ای وجود دارند که لقب مسیحی به خود داده‌اند اما در واقع مسیحی نیستند. این اشخاص نه مسیح را در قلب خود دارند و نه از تعالیم او پیروی می‌کنند به همین علت مسیحیان واقعی نیستند. در فصل هفتم انجیل متی می‌بینیم که عیسی مسیح چنین فرموده است: "نه هر کس که مرا خداوندا، خداوندا خطاب کند به پادشاهی آسمانی وارد خواهد شد، بلکه کسی که اراده پدر آسمانی مرا به انجام برساند. وقتی آن روز برسد بسیاری به من خواهند گفت: خداوندا، خداوندا، آیا به نام تو نبوت نکردیم؟ آیا با ذکر نام تو دیوها را بیرون نراندیم؟ و به نام تو معجزات بسیار نکردیم؟ آنگاه صریحاً به آنان خواهم گفت: من هرگز شما را نمی‌شناسم. از من دور شوید، ای بدکاران" (متی فصل هفتم، آیات ۲۱-۲۳).

به این ترتیب کلیسای مسیح از پادشاهی خدا و جهان مسیحیت متمایز است، چون در کلیسای مسیح همه ایمان‌دار واقعی هستند و کسی بدکار نیست!

شرایط عضویت در کلیسای عهد جدید

توبه از گناه و ایمان به خداوند ما عیسی مسیح باعث می‌شوند که شخص عضو کلیسای عهد جدید بشود. در این زمینه بایستی ذکر کنیم که تا یک نفر نظرش نسبت به گناه عوض نشود و به عیسی مسیح خداوند و کاری که او انجام داده است قلباً اعتماد نکند، برای عضویت در کلیسای عهد جدید واجد شرایط نیست. چنانچه یک نفر قدم‌های واجب برای عضویت در کلیسای مسیح را بردارد (یعنی از گناه توبه کند و به

مسیح ایمان بیاورد) بوسیله خداوند به کلیسای او افزوده می‌شود. در اینجا لازم است به این نکته اشاره کنیم که در بسیاری از کلیساهای محلی تعمید در آب نیز جزو شرایطی است که برای عضویت افراد در این جماعتها وجود دارد. هر چند که تعمید در آب برای هر یک از ایمان‌داران به مسیح امری است ضروری و جزو شرایط عضویت در بسیاری از کلیساهای محلی باشد، اما همانطور که توضیح دادیم توبه از گناه و ایمان به عیسی مسیح خداوند دو شرطی هستند که بدون آنها شخص به هیچ وجه نمی‌تواند عضو بدن مسیح بشود.

در خاتمه می‌خواهیم از شما خوانندگان محترم سؤال کنیم که رابطه شما با عیسی مسیح خداوند و کلیسای او چگونه است؟ اگر مسیحی واقعی باشید شما عضوی از کلیسا یا بدن مسیح هستید و یقیناً با سر کلیسا که عیسی مسیح خداوند است رابطه دارید. اما چنانچه مسیحی واقعی نباشید، از برکاتی که به کلیسای مسیح تعلق دارد کاملاً بی‌بهره هستید. عیسی مسیح خداوند که بخاطر گناهان شما مُرد و دوباره زنده شد و سر کلیسا است می‌خواهد شما را عضو بدن خود بسازد. آیا بهتر نیست که همین الآن به گناه پشت کنید و به عیسی مسیح خداوند روی بیاورید؟ آیا بهتر نیست که به بدن مسیح بپیوندید و با سایر ایمان‌داران ابدیت را با خدا سپری کنید؟ به راستی که بودن در بدن مسیح و داشتن سروری چون عیسی مسیح عالی و است. جلال بر او باد، آمین.

تعاليم اساسی كتاب مقدس

بخش ۴۱

کلیسا

تعمید، شام خداوند

درود در نام عیسی مسیح خداوند. به درس دیگری از سلسله دروس تعالیم عمده کتاب مقدس می‌پردازیم. در درس گذشته بحث کلیسا را شروع کردیم و درباره کلیسای عهد جدید و اعضای آن، مطالبی به شما گفتیم. در این درس مختصراً در پیرامون دو آیین کلیسا صحبت می‌کنیم.

آیین‌های کلیسایی

وقتی می‌گوییم آیین‌های کلیسایی منظور دو آیینی است که سر کلیسا (یعنی عیسی مسیح خداوند) آنها را مقرر نموده است و لازم است که در هر جماعت مسیحی اجرا بشود. این دو آیین که تعمید و شام خداوند می‌باشند در قرون گذشته توسط مسیحیان اجرا گردیده است و امروزه نیز در سراسر دنیا در کلیساهای گوناگون اجرا می‌شود.

۱- آیین تعمید، فرو رفتن در آب

عیسی مسیح قبل از صعود به آسمان، به شاگردانش فرمود:
"پس بروید و همه ملتها را شاگرد من سازید و آنها را بنام پدر و پسر و روح القدس تعمید دهید" (انجیل متی فصل بیست و هشتم، آیه ۱۹)
فعلی که در زبان اصلی عهد جدید برای عمل تعمید بکار رفته است به معنی غوطه‌ورشدن یا فرورفتن می‌باشد. بنابراین در آیین تعمید، ایمان‌داری که به منظور اطاعت از مسیح تعمید می‌گیرد در آب فرو برده می‌شود. در این زمینه که تعمید چگونه باید انجام بشود آیاتی را از عهد جدید ذکر می‌کنیم.

در انجیل متی فصل سوم، آیه ۱۶ نوشته شده است "عیسی پس از تعمید، فوراً از آب بیرون آمد..." در انجیل یوحنا فصل سوم، آیه ۲۳ می‌خوانیم "یحیی نیز در عینون، نزدیک سالیم، به تعمید دادن مشغول بود. آن ناحیه آب فراوان بود..."

و در اعمال رسولان فصل هشتم، آیات ۳۸-۳۹ نوشته شده است "خواجه دستور داد کالسکه را نگهدارند. او و فیلیپس داخل آب رفتند و فیلیپس او را تعمید داد. وقتی از آب بیرون آمدند روح خداوند ناگهان فیلیپس را در ریود..."

در آیین تعمید، شخص تعمیددهنده و شخصی که تعمید می‌گیرد هر دو بایستی ایمان‌دار به مسیح باشند و تعمید دهنده به نام پدر و پسر و روح القدس تعمیدگیرنده را در آب فرو ببرد.

مفهوم تعمید در آب

فرورفتن ایمان‌دار در آب، نشانه‌ی مردن نسبت به گناه است و بیرون آمدن ایمان‌دار از آب، نشانه‌ی رستاخیز و زندگی جدید در مسیح است. بنابراین تعمید در آب نشان می‌دهد که زندگی تازه‌ای در شخص تعمید گیرنده آغاز شده است. در رساله‌ی پولس رسول به رومیان فصل ششم، آیات ۴-۵ اینطور نوشته شده است "پس با تعمید خود با او مدفون شدیم و در مرگش شریک گشتیم تا همانطوری که مسیح بوسیله‌ی قدرت پدر پس از مرگ زنده شد ما نیز در زندگی تازه‌ای بسر ببریم. زیرا اگر ما در مرگی مانند مرگ او با او یکی شدیم، به همان طریق در قیامتی مثل قیامت او نیز با او یکی خواهیم بود".

تعمید در آب نشانه‌ی این است که ایمان‌دار با مسیح مرده است، مدفون شده است و قیام نموده است، به همین دلیل در زندگی تازه‌ای بسر می‌برد. تعمید در آب بر اساس اعتراف ایمان تعمید گیرنده و یکبار در زندگی ایمان‌داری صورت می‌گیرد چنانچه ایمان‌دار به موجب کتاب مقدس و بطرز صحیح آیین تعمید را بجا بیاورد این واقعیت را به نمایش می‌گذارد که از لحاظ روحانی همراه مسیح نسبت به گناه مرده و همراه او برای یک زندگی تازه و پاک زنده شده است. یکی از مشخصات بسیار مهم کلیسا که در تعمید نمایان می‌شود اتحاد روحانی کلیسا با عیسی مسیح خداوند است. در رساله‌ی اول پولس رسول به قرنتیان نوشته شده است: "... هر که به خداوند بپیوندد روحاً با او یکی است" (اول قرنتیان فصل ششم، آیه ۱۷). و در رساله‌ی پولس به افسسیان فصل دوم، آیات ۱۴-۱۵ می‌خوانیم "زیرا مسیح صلح و صفا را بین یهود و غیر یهود بوجود آورده است و این دو را با هم متحد ساخته است. او با بدن جسمانی خود دیواری که

آنان را از هم جدا می‌کرد و دشمنان یکدیگر می‌ساخت درهم شکست، زیرا شریعت را با مقررات و احکامش منسوخ کرد تا از این دو دسته در خود یک انسانیت تازه‌ای بوجود آورد و صلح و صفا را میسر سازد".

از آنجایی که تمام ایمان‌داران به مسیح با او اتحاد روحانی دارند، از طریق مسیح با یکدیگر نیز اتحاد روحانی دارند. در کلیسای عیسی مسیح یهود و غیریهود با هم متحد هستند چون مسیح عامل جدایی را از میان آنان برداشته و آنها را اعضای یک کلیسا ساخته است. این کلیسا بخاطر اتحادش با مسیح دارای اقتدار و پیروزی است. کلیسا در واقع دهان، دستها و پایهای مسیح بر روی زمین است و می‌تواند از جانب او سخن بگوید و فعالیت کند. ضمناً کلیسا بخاطر اتحادش با مسیح بر گناه و دنیا و شیطان پیروز گردیده است. این پیروزی که در عیسی مسیح خداوند یافت می‌شود ایمان‌دار را قادر می‌سازد که در این دنیای گناه‌آلود مطابق میل و اراده خدا زندگی کند و عیسی مسیح را در زندگی خود جلال بدهد. ایمان‌داری که امر خداوند و نجات دهنده خود را اطاعت می‌کند و در آب تعمید می‌گیرد در عمل این مطلب را آشکار می‌کند که با مسیح متحد گردیده است و مایل است او را پیروی کند.

۲- شام خداوند، خوردن نان و نوشیدن پیاله

دومین آیینی که کلیسا وظیفه دارد آن را بجا بیاورد شام خداوند می‌باشد. این آیین که عشاء ربانی نیز خوانده شده است در واقع شرکت در سفره‌ای است که به منظور خاصی چیده می‌شود. آیین شام خداوند در شبی که عیسی دستگیر شد (یعنی در آخرین شب زندگی زمینی عیسی) بوسیله خود او مقرر شد. او در آخرین شام نان و پیاله را

به شاگردان خود داد و به آنان فرمود: "...این کار را به یادبود من انجام دهید" (انجیل لوقا فصل بیست و دوم، آیه ۱۹)

بعدها پولس رسول در فصل یازدهم اولین رساله‌اش به کلیسای شهر قرنتس در مورد این آیین کلیسایی توضیحاتی داد. در آیین شام خداوند از عنصر نان بعنوان مظهر بدن مسیح و از عنصر آب انگور بعنوان مظهر خون مسیح استفاده می‌شود. می‌دانیم که بدن مسیح در راه ما پاره شد و خون او در راه ما ریخته شد پس وقتی در شام خداوند شرکت می‌کنیم با خوردن نان و نوشیدن آب انگور بخاطر می‌آوریم که از مزایای مرگ مسیح بر روی صلیب بهره‌مند شده‌ایم. استفاده از عناصر نان و آب انگور در آیین شام خداوند، این واقعیت را به نمایش می‌گذارد که ایمان‌دار به مرگ مسیح برای آمرزش گناهانش ایمان دارد و از حیات مسیح برخوردار گردیده است.

۳- آیین شام خداوند را چند وقت به چند وقت بایستی بجا آورد؟

در پاسخ به این سؤال می‌توان گفت که تا آمدن مسیح، هر چند دفعه که بخواهیم می‌توانیم آیین شام خداوند را بجا بیاوریم. در رساله اول پولس به قرنتیان فصل یازدهم، آیات ۲۶-۲۷ اینطور نوشته شده است "زیرا تا وقت آمدن خداوند هرگاه این نان را بخورید و پیاله را بنوشید مرگ او را اعلام می‌کنید. بنابراین اگر کسی بطور ناشایست نان را بخورد و پیاله را بنوشد نسبت به بدن و خون خداوند مرتکب خطا خواهد شد".

روزی عیسی مسیح خداوند بر روی صلیب خون ریخت و مُرد. او بعد از مرگ دوباره زنده شد و سپس به آسمان صعود نمود. اما روزی هم

خواهد رسید که او خواهد آمد و ایمان‌داران خود را به آسمان بالا خواهد برد. وقتی مسیح بیاید که کلیسای خود را به آسمان بالا ببرد تمام ایمان‌داران او (چه آنانی که مرده باشند و چه آنانی که زنده باشند) بدنی جاودانی و پر جلال خواهند یافت. پس آمدن مسیح خداوند امیدی بزرگ برای کلیسای اوست. اما تا آن موقع، ما ایمان‌داران به مسیح از طریق آیین شام خداوند اعلام می‌کنیم که مسیح در راه ما، بدن خود را پاره کرده و خون خود را ریخته و بخاطر این کار مسیح، ما نجات یافته‌ایم.

در مورد شام خداوند ذکر این نکته ضروری است که کسی نباید بطور ناشایست در این آیین شرکت کند. پولس در این زمینه به قرنطیان نوشت "بنابراین هرکس باید خود را بیازماید آن وقت از آن نان بخورد و از آن پیاله بنوشد، زیرا کسی که معنی و مفهوم بدن مسیح را درک نکند و از آن بخورد و بنوشد، با خوردن و نوشیدن آن، خود را محکوم می‌سازد. به همین سبب است که بسیاری از شما ضعیف و مریض هستید و عده‌ای نیز مرده‌اند." (اول قرنطیان فصل یازدهم، آیات ۲۸-۳۰)

می‌بینیم که بطور ناشایست در آیین شام خداوند شرکت نمودن، می‌تواند عواقب بدی را به همراه داشته باشد. خوب است هر کسی که در این آیین شرکت می‌کند قبل از خوردن نان و نوشیدن پیاله، دل خود را بررسی کند و با درکی صحیح از آنچه که عیسی برای او انجام داده است و آنچه که عیسی از او انتظار دارد با روحیه‌ای شکرگزار و قدرشناس از نان و پیاله استفاده کند. عیسی برای هر یک از اعضای کلیسای خود خون ریخته و مرده و انتظار دارد که ایمان‌داران او با پاکی و قدوسیت در این جهان بسر ببرند. وقتی ایمان‌دار، گناه اعتراف نشده خود را به خدا اعتراف می‌کند با دلی فروتن و مطیع از نان و پیاله استفاده می‌کند نه فقط تنبیه نمی‌شود بلکه از مسیح زنده برکت می‌یابد.

تعالیم اساسی کتاب مقدس

دیدیم که تعمید در آب و شام خداوند دو آیین کلیسایی هستند که خود مسیح آنها را مقرر نموده است. هیچیک از این دو آیین باعث نجات شخص نمی‌شوند بلکه این آیینها باعث می‌شوند که شخص نجات یافته بر اثر اطاعت از اوامر خداوند برکت بیابد.

اگر شما خواننده محترم از راه ایمان با عیسی مسیح خداوند متحد شده‌اید ولی بعد از ایمان آوردن در آب تعمید نگرفته‌اید، به شما توصیه می‌کنیم که به منظور اطاعت از امر خداوند و منجیتان عیسی در آب تعمید بگیرید. برای این کار لازم است به کلیسایی بپیوندید که رهبران آن مطیع تعالیم کتاب مقدس باشند و ایمان‌داران به مسیح را بر اساس کتاب مقدس تعمید بدهند. هر ایمان‌داری بایستی یکبار در آب تعمید بگیرد و در عمل آشکار کند که در زندگی تازه‌ای بسر می‌برد.

اما ایمان‌دار به مسیح می‌تواند بارها آیین شام خداوند را با سایر مسیحیان بجا بیاورد چون این آیین به ما یادآوری می‌کند که مسیح برای نجات ما، بدن و خون خود را داده است. امیدواریم که شما برادران و خواهران مسیحی ما در شناخت عیسی مسیح و آنچه که او برای شما انجام داده است بطور روزافزون ترقی کنید و با آمادگی روحانی منتظر بازگشت دوباره او باشید.

تعاليم اساسی كتاب مقدس

بخش ۴۲

کلیسا

سرنوشت آن

درودها در نام عیسی مسیح خداوند. در این سری از درسها تعالیم اساسی کتاب مقدس را با شما عزیزان خواننده در میان می‌گذاریم تا اینکه به اعتقادات عمده مسیحیان پی ببرید. در طول دو درس گذشته از کلیسای عهد جدید سخن گفتیم و دربارهٔ اعضاء کلیسا و آیین کلیسا مطالبی به شما ارائه دادیم. در این درس می‌خواهیم در پیرامون سرنوشت کلیسا با شما صحبت کنیم. بینیم بر اساس کتاب مقدس کلیسای مسیح چه سرنوشتی دارد.

عروس مسیح

کتاب مقدس برای تشریح رابطهٔ خدا با قومش، معمولاً به روابط انسانی اشاره نموده است. مثلاً در عهد عتیق قوم اسرائیل همسر یهوه خوانده شده است. وقتی قوم اسرائیل مرتکب گناه بت‌پرستی گردید او در مقابل خدا بعنوان زناکار شناخته شد. در عهد جدید کلیسا عروس مسیح نامیده شده است و کلام خدا دربارهٔ وفاداری یا عدم وفاداری او سخن گفته است. پولس رسول در رسالهٔ دوم خود به مسیحیان شهر قرنتس نوشت: "علاقهٔ من نسبت به شما، علاقه‌ای است الهی، زیرا من

تعالیم اساسی کتاب مقدس

شما را بعنوان یک باکره پاک دامن به عقد مسیح درآورده و به او تقدیم نمودم. اما اکنون می‌ترسم همانطور که حوا بوسیله زیرکی مار فریب خورد، افکار شما نیز از ارادت و اخلاصی که به مسیح دارید منحرف شود، زیرا اگر کسی پیش شما بیاید و عیسی دیگری جز آن عیسایی را که ما به شما اعلام کردیم، اعلام کند آیا با خوشحالی او را قبول نمی‌کنید؟ و آیا حاضر نیستید با خوشحالی روحی غیر از آنچه که قبلاً پذیرفته بودید بپذیرید و یا مژده‌ای غیر از آنچه قبلاً به شما داده شده بود قبول کنید؟" (دوم قرنتیان فصل یازدهم، آیات ۴-۲)

در اینجا پولس کلیسا را به باکره‌ای تشبیه نموده است که به عقد مسیح درآمده است. به همین علت کلیسا نباید فریب بخورد و دامن خود را با تعالیم نادرست لکه‌دار کند. شیطان که دشمن کلیسای مسیح است مایل است کلیسا را اغوا کند بطوری که کلیسا مجذوب عیسایی غیر واقعی بشود و به انجیلی غیر واقعی توجه نشان بدهد. پس کلیسا موظف است از تعالیم غلط دوری کند و به هر قیمتی که شده است به عیسی مسیح خداوند و انجیل حیات‌بخش او وفادار بماند. مبدا ایمان‌داری به تعالیم نادرست علاقه نشان بدهد و از لحاظ روحانی مرتکب زنا بشود!

این ایده که کلیسا عروس مسیح است همچنین در رساله پولس به افسسیان دیده می‌شود. در فصل پنجم این رساله از آیه ۲۲ به بعد می‌بینیم که صحبت درباره رابطه میان زن و شوهر است. بر اساس کلام خدا این رابطه باید بر اساس احترام و محبت باشد. در یک خانواده مسیحی زن باید طوری از شوهر خود اطاعت کند که از خداوند اطاعت می‌کند. و مرد باید طوری زن خود را محبت کند که مسیح کلیسا را محبت نمود (می‌دانیم که مسیح جان خود را برای کلیسا داد). پولس رسول تعلیم خود را درباره شوهر و زن اینطور خاتمه می‌دهد و یک حقیقت بزرگ در این

تعالیم اساسی کتاب مقدس

امر نهفته شده است و به نظر من به مسیح و به کلیسای او اشاره می‌کند. بهر حال هر شوهری باید زنش را مانند خودش دوست بدارد و هر زنی نیز باید شوهرش را محترم بشمارد. (رساله به افسسیان فصل پنجم، آیات ۳۲-۳۳)

پولس از طریق رابطه میان شوهر و زن ما را متوجه رابطه‌ای می‌کند که میان مسیح و کلیسای او وجود دارد. هر چند که روابط انسانی مهم هستند اما مهمترین رابطه، رابطه روحانی ما ایمان‌داران با عیسی مسیح خداوند است. حالا ببینیم رابطه کلیسا با مسیح چگونه به سرنوشت کلیسا ربط پیدا می‌کند. یوحنا‌ی رسول در فصل نوزدهم مکاشفه از واقعه‌ی پر شکوهی سخن می‌گوید که عروسی بره‌ نامیده شده است. بره همان عیسی مسیح است که در گذشته قربانی شد تا ما بتوانیم از گناه و عواقب شوم گناه نجات بیابیم.

از آنجایی که عروس (یعنی کلیسا) به داماد (یعنی مسیح) تعلق دارد در آینده یعنی بعد از ربوده شدن کلیسا به آسمان، عروس به داماد خواهد پیوست.

در مکاشفه یوحنا‌ی رسول فصل نوزدهم، آیات ۶-۹ نوشته شده است "هلولویا (یعنی خدا را شکر) خداوند، خدای ما که قادر مطلق است سلطنت می‌کند. شادی و وجد کنیم و جلال او را بستاییم، زیرا زمان عروسی بره رسیده است، عروس او خود را آماده ساخته است. و به لباسی از کتان ظریف، پاک و درخشان ملبس شده است. (مقصود از کتان ظریف اعمال نیک مقدسین است) سپس فرشته به من گفت این را بنویس، خوشابحال کسانی که به ضیافت عروسی بره خوانده می‌شوند او همچنین به من گفت اینها کلام حقیقی خداست."

وقتی یک نفر از راه ایمان عیسی مسیح خداوند را دریافت می‌کند از لحاظ روحانی با او متحد می‌شود، بنابراین کلیسا با مسیح اتحاد روحانی دارد. سرنوشت کلیسا که با مسیح اتحاد روحانی دارد این است که در آسمان به مسیح بپیوندد و برای همیشه با او بسر برد. می‌دانیم که این واقعه در آینده رخ خواهد داد و داماد (یعنی مسیح) با عروس خود (یعنی کلیسا) ازدواج خواهد کرد. به این ترتیب وضعیت فعلی کلیسا شبیه وضعیت دختر عقد کرده‌ای است که در انتظار ازدواج بسر می‌برد. با این تفاوت که ازدواج مسیح با کلیسا صد در صد انجام خواهد شد و هیچ عاملی نمی‌تواند مانع این ازدواج بشود. این موضوع که مسیح قطعاً با کلیسا ازدواج خواهد کرد ما را بیشتر متوجه محبتی می‌کند که او نسبت به ایمان‌دارانش دارد. ضمناً این مطلب که ما به مسیح خواهیم پیوست و ابدیت را با او بسر خواهیم برد ما را تشویق می‌کند که پاک و مقدس باشیم و در انتظار ازدواج با داماد آسمانی خود بسر ببریم.

شریک شدن در جلال مسیح

قسمت دیگری از سرنوشت کلیسا که مافوق درک انسانی ما می‌باشد این است که ما ایمان‌داران به مسیح در جلال او شریک خواهیم شد. البته باید توجه داشته باشیم که ما در حال حاضر نیز در جلال او سهیم هستیم.

در رسالهٔ پولس به رومیان فصل هشتم، آیات ۲۹-۳۰ می‌خوانیم که "خدا آنانی را که از ابتدا می‌شناخت از پیش برگزید تا به شکل پسر او درآیند... او کسانی را که قبلاً برگزیده بود به سوی خود خوانده است، و

خوانده‌شدگان را کاملاً نیک محسوب کرد و نیکان را نیز جاه و جلال بخشید."

افعال موجود در این دو آیه نشان می‌دهند که چیزهایی در زندگی ما انجام شده است. به کلام خدا توجه داشته باشید، که می‌فرماید: "...خدا آنانی را که از ابتدا می‌شناخت از پیش برگزید تا به شکل پسر او درآیند ... او کسانی را که قبلاً برگزیده بود به سوی خود خوانده است، و خوانده‌شدگان را کاملاً نیک محسوب کرد و نیکان را جاه و جلال بخشید". ما ایمان‌داران به مسیح هم اکنون در جلال او سهیم هستیم، به آن علت از اختیار و اقتدار روحانی برخوردار می‌باشیم. از آنجائیکه ما در مسیح دارای اختیار و اقتدار روحانی هستیم می‌توانیم برای دیگران وسیله نجات و رهایی باشیم.

در رسالات افسسیان و کولسیان و قسمت‌های دیگر عهد جدید می‌خوانیم که مسیح بعد از مرگ دوباره زنده شد و سپس به آسمان صعود نمود و در دست راست خدای پدر نشست. جالب است که در رساله پولس به افسسیان فصل دوم، آیه ۶ نوشته شده است "... بخاطر اتحادی که با مسیح داریم ما را سرافراز فرمود و در قلمرو آسمانی با مسیح نشانید". می‌بینیم که ما ایمان‌داران به مسیح هم اکنون شریک مقام آسمانی و مسیح هستیم. اما باید در نظر داشته باشیم، زمانی خواهد آمد که ما با مسیح در جلال ظاهر خواهیم شد. در رساله به رومیان فصل هشتم، آیه ۱۹ می‌خوانیم که "تمامی خلقت با اشتیاق فراوان در انتظار ظهور پسران خدا (یعنی ایمان‌داران به مسیح) بسر می‌برد. این به زمانی اشاره دارد که ما با بدنهایی پر جلال و فنا ناپذیر همراه مسیح به این جهان بازخواهیم گشت. در آن موقع بر اساس رومیان فصل هشتم، آیه ۲۱ "...خود آفرینش هم از

قید فساد آزاد می‌گردد و در آزادی فرزندان خدا سهیم می‌شود". اینها همه در زمان بازگشت دوبارهٔ مسیح واقع خواهند شد. به موجب رسالهٔ پولس به کولسیان فصل سوم، آیهٔ ۴ "وقتی مسیح که زندگی ما است ظهور کند، ما نیز با او در شکوه و جلال ظهور خواهیم کرد". پولس همچنین به کلیسای تسالونیکیان نوشت: "آنان (یعنی نجات نیافتگان) کنیز هلاکت جاودانی و دوری از حضور خداوند و محرومیت از جلال قدرت او را خواهند دید. در آن روزی که او می‌آید، از مقدسین خود جلال خواهد یافت و تمام ایمان‌داران از دیدن او متعجب خواهند شد..." (دوم تسالونیکیان فصل اول، آیات ۹-۱۰)

این چند آیه که بعنوان نمونه با شما در میان گذاشتیم به همراه آیات دیگری که در کتاب مقدس وجود دارد ما را از سرنوشت کلیسای مسیح با خبر می‌کنند. به این ترتیب کلیسا در بازگشت مسیح شریک قدرت و جلال او خواهد بود.

وارث زمین شدن

و بالاخره زمین را به میراث بردن، یکی دیگر از مطالبی است که در مبحث سرنوشت کلیسا می‌توانیم ذکر کنیم. بر اساس کلام خدا ایمان‌داران به مسیح وارث (یا مالک) زمین خواهند شد و این در زمانی وقوع خواهد یافت که کلیسا همراه مسیح به منظور سلطنت به جهان بازخواهد گشت. عیسی در موعظهٔ سر کوه چنین فرمود: "خوشابحال حلیمان یعنی فروتنان، زیرا ایشان وارث زمین خواهند شد." (انجیل متی فصل پنجم، آیهٔ ۵). مسیح یکبار به این زمین آمد تا از طریق مرگ و رستاخیز خود نجات را برای آدمیان گناهکار فراهم کند. از

آنجایی که کلیسا (یعنی ایمان‌داران به مسیح) همراه او بر این زمین سلطنت خواهد کرد ما وارث و مالک زمین خواهیم شد. در مکاشفه یوحنا ی رسول فصل پنجم، آیات ۹-۱۰ نوشته شده است که "... تو شایسته‌ای که، طومار را بگیری، و مهرهایش را بگشایی، زیرا تو کشته شدی و با خون خود مردمان را از هر قبیله و زبان، از هر ملت و امت برای خدا خریدی. تو آنان را به سلطنت رسانیدی تا بعنوان کاهنان، خدای ما را خدمت کنند و آنها بر زمین فرمانروایی خواهند کرد." و در فصل بیستم مکاشفه می‌بینیم که سلطنت مسیح بر زمین یک هزار سال طول خواهد کشید.

برادر و خواهر مسیحی، آیا می‌دانید که زندگی فعلی ما یک دوره کارآموزی است برای آینده؟ پس در حال حاضر باید هر چه بیشتر به مسیح و کلام او وفادار باشیم و در او رشد کنیم تا در سلطنت آینده او بیشتر مورد استفاده قرار بگیریم.

با توجه به سرنوشت کلیسا و اینکه ما ایمان‌داران به مسیح با او بر زمین سلطنت خواهیم کرد، زندگی کنونی ما بایستی شایسته آینده‌ای باشد که در انتظارش هستیم. کلام خدا به ما می‌فرماید که: "...خویشتن را از هر نجاست جسم و روح طاهر بسازیم و قدوسیت را در خداترسی به کمال رسانیم." (رساله دوم پولس رسول به قرنتیان فصل هفتم، آیه ۱).

تعاليم اساسی كتاب مقدس

بخش ۴۳

وقایع آینده

عیسی باز می‌گردد

درودهای مجدد در نام خداوند و منجی ما عیسی مسیح. در درس گذشته از سرنوشت کلیسا سخن گفتیم و در این درس امید کلیسا را بررسی می‌کنیم. امید یکی از خاصیت‌های زندگی مسیحی است. پولس رسول به مسیحیان شهر قرنتس اینطور نوشت: "خلاصه این سه چیز باقی می‌ماند، ایمان و امید و محبت..." (اول قرنتیان فصل سیزدهم، آیه ۱۳). خدا را شکر که این سه چیز یعنی ایمان و امید و محبت، به زندگی مسیحیان قدر و قیمتی مخصوص می‌بخشد.

موضوع بازگشت مسیح که امید بزرگ کلیسا است بطور واضح در کتاب مقدس دیده می‌شود، بنابراین بازگشت مسیح امیدی است پا برجا و از بین نرفتنی. عیسی یک شب قبل از مرگ خود، به شاگردانش چنین فرمود: "دل‌های شما مضطرب نشود. به خدا توکل نمایید، به من نیز ایمان داشته باشید. در خانه پدر من منزهای بسیاری هست. اگر چنین نبود، به شما می‌گفتم. من می‌روم تا مکانی برای شما آماده سازم پس از اینکه رفته‌ام و مکانی برای شما آماده ساختم، دوباره می‌آیم و شما را پیش خود می‌برم تا جاییکه من هستم شما نیز باشید." (انجیل یوحنا فصل چهاردهم، آیات ۱-

(۳)

به وعده عیسی توجه نمودید؟ او فرموده است که بازخواهد گشت و ایمان دارانش را نزد خود خواهد برد. در اعمال رسولان فصل اول می بینیم که در واقعه صعود عیسی به آسمان، فرشتگان درباره بازگشت عیسی به زمین سخن گفتند. کلام خدا می فرماید: "همینکه عیسی این را گفت، در حالیکه همه نگاه می کردند، بالا برده شد و ابری او را از نظر ایشان ناپدید ساخت. هنگامی که او می رفت و چشمان آنان هنوز به آسمان دوخته شده بود دو مرد سفیدپوش در کنار آنان ایستادند و پرسیدند ای مردان جلیلی، چرا اینجا ایستاده اید و به آسمان نگاه می کنید؟ همین عیسی که از پیش شما به آسمان بالا برده شد، همانطوری که بالا رفت و شما دیدید، دوباره به همین طریق بازخواهد گشت." (اعمال فصل اول، آیات ۹-۱۱)

چگونه عیسی به آسمان بالا رفت؟

وقتی به آیاتی که از اعمال رسولان خوانده شد می اندیشیم سؤالی برای ما بوجود می آید. دیدیم که در واقعه صعود عیسی به آسمان، آن دو فرشته بیان کردند که: عیسی همانطوری که به آسمان بالا رفت از آسمان بازگشت خواهد نمود. به این ترتیب سؤالی که مطرح است این است که: چگونه عیسی به آسمان بالا رفت؟ پاسخ این سؤال، از اهمیت زیادی برخوردار است چون اگر یک نفر درک کند که چگونه عیسی به آسمان بالا رفت، می تواند بفهمد که او چگونه به زمین بازگشت خواهد نمود.

با تعمق در آیات ۹-۱۱ از فصل اول اعمال رسولان پی می بریم که بالا رفتن عیسی به آسمان، دیدنی، جسمی و شخصی بود. پس عیسی قطعاً و یقیناً به آسمان صعود نمود.

صعود عیسی به آسمان قابل رویت بود

بر اساس کلام خدا، در حالی که همه نگاه می‌کردند عیسی بالا برده شد و ابری او را از نظر ایشان ناپدید ساخت. او همان عیسایی بود که حدود سه سال و نیم با شاگردان خود به نقاط مختلف رفته و به آنان تعلیم داده بود. او همان عیسایی بود که پس از رستاخیز از مردگان، در مدت چهل روز بر پیروان خود ظاهر شده بود. بلی، همان عیسی در مقابل چشمان شاگردان خود، به آسمان برده شد. وقتی عیسی به آسمان بالا می‌رفت شاگردان او را می‌دیدند تا اینکه ابری او را از نظر ایشان ناپدید ساخت.

از آنجایی که صعود عیسی به آسمان قابل رؤیت بود بازگشت او نیز قابل رؤیت خواهد بود. به عبارت دیگر همانطور که عیسی در بالا رفتن به آسمان دیده می‌شد در بازگشت از آسمان نیز دیده خواهد شد. یوحنا ی رسول در مورد بازگشت دوباره عیسی چنین نوشت "ببین او با ابرها می‌آید! همه و از جمله آن کسانی که به او نیزه زدند او را خواهند دید..." (مکاشفه فصل اول، آیه ۷). در انجیل متی می‌بینیم که وقتی عیسی در مقابل شورای یهود محاکمه می‌شد او به کاهن اعظم که پرسیده بود: "آیا تو مسیح، پسر خدا هستی؟" چنین پاسخ داد "... همان است که تو می‌گویی. اما همه شما بدانید که بعد از این پسر انسان را خواهید دید که بر دست راست قادر مطلق نشسته و بر ابرهای آسمان می‌آید" (متی فصل بیست و ششم، آیات ۶۳-۶۴)

بر اساس کتاب مقدس عیسی در موقع بازگشت دوباره اش به زمین، مرئی خواهد بود و او را خواهند دید.

صعود عیسی به آسمان جسمانی بود

دومین نکته در مورد صعود عیسی این است که او جسماً به آسمان بالا رفت. بعضی‌ها به اشتباه تصور می‌کنند که صعود عیسی فقط روحانی بود! اما کلام خدا بطور واضح برای ما بیان می‌کند که عیسی پس از رستاخیز از مردگان دارای بدن بود و با همین بدن نیز به آسمان صعود نمود.

در انجیل لوقا فصل بیست و چهارم، آیات ۳۶ تا ۴۳ می‌خوانیم "در حالی که شاگردان درباره این چیزها گفتگو می‌کردند عیسی در بین ایشان ایستاده به آنها گفت: صلح و سلامت بر شما باد. آنها با ترس و وحشت، تصور کردند که شبی می‌بینند. او فرمود: چرا اینطور آشفته حال هستید؟ چرا شک و شبهه به دل‌های شما رخنه می‌کند؟ به دستها و پاهای من نگاه کنید، خودم هستم، به من دست بزنید و ببینید، شیخ مانند من گوشت و استخوان ندارد. این را گفت و دستها و پایهای خود را به ایشان نشان داد. از فرط شادی و تعجب نتوانستند این چیزها را باور کنند. آنگاه عیسی از آنان پرسید: آیا در اینجا خوراکی دارید؟ یک تکه ماهی بریان پیش او آوردند. آن را برداشت و پیش چشم آنان خورد."

واضح است که رستاخیز عیسی از مردگان جسمانی بود، به همین علت او با بدنی که دارای گوشت و استخوان بود بر پیروان خود ظاهر می‌شد. عیسی در مدت چهل روز جسماً بر پیروان خود ظاهر می‌شد و در روز چهلم جسماً به آسمان صعود نمود؛ از آنجایی که بالا رفتن عیسی به آسمان جسمانی بود بازگشت او از آسمان نیز جسمانی خواهد بود. به یاد داشته باشیم که فرشتگان در موقع صعود عیسی به آسمان چنین گفتند:

"همین عیسی که از پیش شما به بالا برده شد، همانطوری که بالا رفت و شما دیدید، دوباره به همین طریق باز خواهد گشت".

صعود عیسی به آسمان شخصی بود

سومین نکته‌ای که از صعود عیسی به آسمان می‌آموزیم این است که شخص دیگری به جای عیسی به آسمان صعود نکرد. بلکه خود عیسی شخصاً به آسمان بالا برده شد. از آنجایی که عیسی شخصاً به آسمان صعود کرد او شخصاً نیز از آسمان بازگشت خواهد نمود. عده‌ای به غلط تصور کرده‌اند که با آمدن روح‌القدس در روز پنطیکاست، پیشگویی بازگشت دوباره مسیح به انجام رسید! باید توجه داشته باشیم که هر چند روح‌القدس در ماهیت و جوهر با مسیح همانند است، اما روح‌القدس، مسیح نیست. این مسیح بود که بر روی صلیب مرد و دفن شد و دوباره زنده شد. این مسیح بود که بعد از رستاخیز از مردگان، بر عده زیادی ظاهر شد و سپس به آسمان صعود نمود. فرشتگان در واقعه صعود عیسی را به آسمان اعلام کردند که: "همین عیسی ... باز خواهد گشت".

پس نه شخص دیگری، بلکه خود عیسی که شخصاً به آسمان صعود کرد به زمین بازگشت خواهد نمود. پولس رسول در رساله خود به تیطس بازگشت دوباره مسیح را امید متبارک کلیسا نامیده است. در رساله به تیطس فصل دوم، آیات ۱۳-۱۴ نوشته شده است "و در عین حال در انتظار امید متبارک خود، یعنی ظهور پر شکوه خدای بزرگ و نجات دهنده ما عیسی مسیح باشیم. او جان خود را در راه ما داد تا ما را از

هرگونه شرارت آزاد سازد و ما را قومی پاک بگرداند که فقط به خودش تعلق داشته و مشتاق نیکوکاری باشیم".

عیسی مسیح یکبار در گذشته به این جهان آمد و با فروتنی کامل جان خود را در راه ما فدا کرد. ما که به او ایمان آورده‌ایم و به او تعلق داریم می‌توانیم با چشم ایمان بازگشت خداوند و منجیمان را ببینیم. بازگشت دوباره مسیح برای ایمان‌داران او خبری شادی‌بخش است چون ما با آمدن مسیح برکت خواهیم یافت. اما بی‌ایمانان یعنی کسانی که مسیح خداوند را بعنوان یگانه منجی خود نمی‌پذیرند بر اثر بازگشت دوباره مسیح دچار غضب الهی او گشته و هلاک خواهند شد. پس بازگشت دوباره مسیح برای آنانی که او را نمی‌پذیرند خبر خوشحال‌کننده‌ای نیست!

خواننده حقیقو، مسیح یقیناً به این جهان بازخواهد گشت و غضب او بر کسانی که به او ایمان نمی‌آورند نازل خواهد شد. آیا بهتر نیست که فرصت را غنیمت شمرده و از راه ایمان با او متحد بشوید؟ او شما را آنقدر محبت نموده است که جریمه گناهان شما را از طریق مرگ خود بر روی صلیب پرداخته است. اما او دوباره زنده و بازخواهد گشت تا نخست اینکه ایمان‌داران خود را برکت بدهد و دوم اینکه بی‌ایمانان را مجازات کند. شما را تشویق می‌کنیم که همین الآن به گناه پشت کنید و از راه ایمان مسیح را در قلب و زندگی خود دریافت کنید. در این صورت شما نیز می‌توانید با امید در این جهان زندگی کنید و منتظر آمدن عیسی خداوند باشید.

کلام خدا به ایمان‌داران به مسیح می‌فرماید: "...خدا ما را برای آن برگزید که به غضب او گرفتار شویم بلکه ما را برگزید تا بوسیله خداوند ما عیسی مسیح نجات یابیم. مسیح برای ما مرد تا ما با او زندگی کنیم. خواه در زمان آمدنش مرده باشیم، خواه زنده. پس همانگونه که اکنون

تعالیم اساسی کتاب مقدس

زندگی می‌کنید، یکدیگر را تشویق و تقویت کنید" (رساله اول پولس به تسالونیکیان فصل پنجم، آیات ۹-۱۱)

برادر و خواهر مسیحی، آمدن مسیح قطعی است، پس باید آماده بازگشت او باشیم. خوب است در حالیکه سایر ایمان‌داران را تشویق و تقویت می‌کنیم، مزده نجات را نیز با گمشدگان در میان بگذاریم. دعای ما این است که خداوند بطور روز افزون شما را برکت بدهد و وسیله برکت برای دیگران بسازد. آمین.

تعاليم اساسی كتاب مقدس

بخش ۴۴

وقایع آینده

امید پر جلال

با درود در نام عیسی مسیح خداوند به درس دیگری از سلسله دروس تعالیم اساسی کتاب مقدس می‌پردازیم. در درس قبل مطالبی در مورد بازگشت مسیح به شما ارائه دادیم و دیدیم که ما مسیحیان می‌توانیم با امید در این جهان زندگی کنیم و منتظر آمدن خداوند و منجیمان عیسی باشیم. از آنجایی که عیسی در مرحله اول بازگشت خود ایمان‌دارانش را نزد خود می‌برد خوب است بدانیم که چه رویدادهایی برای ما رخ خواهد داد.

امید پر جلال

رستاخیز ایمان‌داران

بازگشت عیسی امیدی پر جلال برای کلیسای اوست. وقتی عیسی بازگشت کند که ایمان‌دارانش را نزد خود ببرد، تمام کسانی که در ایمان به مسیح مرده باشند زنده خواهند شد. در رساله اول پولس رسول به تسالونیکیان فصل چهارم، آیات ۱۶-۱۷ می‌خوانیم که در آن موقع "... خود خداوند از آسمان به زیر خواهد آمد و اول کسانی که در ایمان به مسیح مرده‌اند خواهند برخاست و سپس آن کسانی که از میان ما زنده

تعالیم اساسی کتاب مقدس

می‌مانند همراه به آنها در ابرها بالا برده خواهند شد تا در فضا با خداوند ملاقات نمایند و به این ترتیب ما همیشه با خداوند خواهیم بود".

ما ایمان‌داران به مسیح می‌توانیم مطمئن باشیم که اگر قبل از بازگشت مسیح بمیریم در موقع بازگشت او بر خواهیم خاست و با بدنهایی غیرفانی در فضا با خداوند ملاقات خواهیم کرد. در رساله اول پولس به قرتیان فصل پانزدهم، آیات ۵۰-۵۴ نوشته شده است "ای برادران، مقصودم این است که آنچه از گوشت و خون ساخته شده است نمی‌تواند در پادشاهی خدا سهیم گردد و آنچه فانی است نمی‌تواند در فناپذیری نصیبی داشته باشد. گوش دهید تا رازی را برای شما فاش سازم. همه ما نخواهیم مرد بلکه در یک لحظه با یک چشم به هم زدن به محض آنکه صدای شیپور آخر شنیده شود تغییر خواهیم یافت زیرا شیپور به صدا در می‌آید و مردگان برای حیات فناپذیر زنده می‌شوند و ما نیز تغییر خواهیم یافت زیرا فنا باید با بقاء پوشیده شود و مرگ به حیات جاودان ملبس گردد. زمانی که فنا با بقاء و مرگ با حیات پوشیده شود آنچه کلام خدا می‌فرماید به حقیقت خواهد پیوست که مرگ نابود گشته و پیروزی، کامل گردیده است".

جالب است که در عهد عتیق هم افرادی که خدای حقیقی را می‌شناختند به قیامت از مردگان اعتقادی راسخ داشتند. در کتاب ایوب که احتمالاً قدیمی‌ترین کتاب در کتاب مقدس است می‌بینیم که ایوب چنین گفت: "من می‌دانم که ولی من زنده است، و در ایام آخر بر زمین خواهد برخاست. و بعد از آنکه این پوست من تلف شود، بدون جسد من نیز خدا را خواهم دید. و من او را برای خود خواهم دید، و چشمان من بر او خواهد نگرست و نه چشم دیگری..." (ایوب فصل نوزدهم، آیات ۲۵-

(۲۷)

در فصل بیست و ششم اعمال رسولان می‌بینیم که پولس رسول در حالی که اجازه یافته بود در مقابل اغریپاس پادشاه از خود دفاع کند از او پرسید: "چرا بنظر آن جناب محال می‌آید که خدا مردگان را زنده گرداند؟" (اعمال فصل بیست و ششم، آیه ۸)

یقیناً خدایی که توسط مسیح عالم هستی را آفریده است قادر است انسان را پس از مرگ دوباره زنده کند. ما ایمان‌داران به مسیح بایستی مطمئن باشیم که عیسی بازخواهد گشت و هر که در ایمان به او مرده باشد برخواهد خاست. ما مثل افراد بدون امید، در مرگ عزیزان خود سوگواری نمی‌کنیم چون اطمینان داریم که با آمدن مسیح آنان برخواهد خاست و با بدنی غیرفانی ابدیت را با خدا خواهند گذراند.

رهایی از رنج و زحمت

در این جهان زندگی پیروان مسیح غالباً با رنجها و زحمات و مشکلات گوناگون همراه می‌باشد. هر چند که همه ما کم و بیش اوقات راحتی و آسایش و خوشحالی داریم اما رنج و زحمت قسمتی از زندگی ما ایمان‌داران به مسیح است. مسیحیان واقعی، یعنی کسانی که به مسیح ایمان دارند و او را پیروی می‌کنند، حاضر نیستند هم‌رنگ این دنیا بشوند به همین علت در این دنیا رنج و آزار می‌بینند، اما وقتی مسیح بازگشت کند ایمان‌داران او از رنجها و زحمات خود رها خواهند شد. به آیاتی که از عهد جدید برایتان می‌خوانم توجه کنید. می‌فرماید: "این آزارها ثابت می‌کند که خدا از روی انصاف داوری می‌کند و می‌خواهد که شما شایسته پادشاهی خدا که بخاطر آن رنج می‌برید بشوید. خدا عادل است و به کسانی که به شما آزار می‌رسانند جزا خواهد داد و به شما که

رنج و آزار می‌بینید و همچنین به ما آسودگی خواهد بخشید. این کار در روزی که عیسی خداوند از آسمان با فرشتگان توانای خود در آتشی فروزان ظهور کند انجام خواهد گرفت و به آنانیکه خدا را نمی‌شناسند و انجیل خداوند ما عیسی را رد می‌کنند کیفر خواهد داد." (رساله دوم پولس رسول به تسالونیکیان فصل اول، آیات ۵-۸). و باز کلام خدا می‌فرماید: "ای عزیزان، از آزمایشهای سختی که برای امتحان شما پیش می‌آید تعجب نکنید و طوری رفتار ننمایید که گویی امری غیرعادی برای شما پیش آمده است. در عوض از اینکه در رنجهای مسیح شریک شده‌اید شادمان باشید تا در وقتی که جلال او ظاهر می‌شود شادی و خوشی شما کامل گردد." (رساله اول پطرس رسول فصل چهارم، آیات ۱۲-۱۳).

درست است که ما پیروان مسیح در این جهان رنج و زحمت می‌بینیم اما باید در نظر داشته باشیم که رنج و زحمت ما موقتی است چون مسیح باز خواهد گشت. پس همانطور که پطرس رسول در رساله اول خود نوشته است لازم است که "...حواس خود را جمع کرده و هوشیار باشیم. در انتظار آن فیضی که در وقت ظهور عیسی مسیح نصیب ما خواهد شد با امید بسر بریم." (اول پطرس فصل اول، آیه ۱۳).

ر بوده شدن، تغییر یافتن

گفتیم که وقتی مسیح بازگشت کند تمام کسانی که در ایمان به او مرده باشند زنده خواهند شد و آنانی که بخاطر ایمان به مسیح در این جهان رنج و آزار می‌بینند رهایی خواهند یافت. اکنون می‌خواهیم دقیقتر وضعیت ایمان‌داران به مسیح را در مرحله اول بازگشت او بررسی

کنیم. توجه داشته باشیم که وقتی مسیح بازگشت کند که ایمان‌دارانش را نزد خود ببرد، عده‌ای از ایمان‌داران او مرده‌اند و عده‌ای نیز در آن موقع زنده خواهند بود.

در رسالهٔ اول پولس به تسالونیکیان فصل چهارم، آیات ۱۳-۱۸ نوشته شده است که "ای برادران، نمی‌خواهم در مورد آنانی که در گذشته‌اند بی‌اطلاع باشید، مبدا مانند سایر مردم که هیچ امیدی به آینده ندارند غمگین باشید، زیرا اگر ما معتقدیم که عیسی مرد و دوباره زنده شد، همچنین ایمان داریم که خدا آنانی را که در ایمان به عیسی مرده‌اند همراه عیسی بازخواهد آورد. ما این را به حکم خدا به شما می‌گوئیم: آن کسانی از ما که تا روز آمدن خداوند زنده می‌مانند زودتر از مردگان صعود نخواهند کرد. در همان موقع که فریاد فرمان الهی و صدای رئیس فرشتگان و بانگ شیپور خدا شنیده می‌شود خود خداوند از آسمان به زیر خواهد آمد و اول کسانی که در ایمان به مسیح مرده‌اند خواهند برخاست و سپس آن کسانی که از میان ما زنده می‌مانند همراه با آنها در ابرها بالا برده خواهند شد تا در فضا با خداوند ملاقات نمایند و به این ترتیب ما همیشه با خداوند خواهیم بود. پس باید یکدیگر را با این کلمات تشویق کنید."

کلام خدا مرحلهٔ اول بازگشت عیسی را به این صورت تشریح می‌کند که در موقع آمدن او فریاد فرمان الهی و صدای رئیس فرشتگان و بانگ شیپور خدا شنیده خواهد شد. ابتدا کسانی که در ایمان به مسیح مرده باشند خواهند برخاست، البته می‌دانیم که با بدنی جدید خواهند برخاست و این بدن فناپذیر خواهد بود. بر اساس اول قرنتیان فصل پانزدهم رابطهٔ بدن جدید با بدن قدیمی مثل رابطهٔ یک گیاه رشد یافته با بذری است که گیاه از آن بوجود آمده است. هر چند که بدن جدید ایمان‌داران با بدن قدیمی

آنان متفاوت خواهد بود، اما همانند گیاه و بذر آن، بین بدن جدید و بدن قدیمی ارتباط وجود دارد.

بعد از رستاخیز کسانی که در ایمان به مسیح مرده‌اند، ایمان‌دارانی که در زمان بازگشت مسیح زنده باشند در یک چشم به هم زدن صاحب بدنی جدید خواهند شد. به این ترتیب تمام ایمان‌داران قبل از بالارفتن به آسمان بدنی جدید خواهند یافت. آنگاه کلیسا یعنی مجموع ایمان‌داران به مسیح، در ابرها ربوده خواهند شد و همگی ما در فضا با خداوند ملاقات خواهیم کرد. به راستی که شادی ملاقات با عیسای قیام نموده و جلال یافته و صف‌ناپذیر است. در آن گردهمایی پر شکوه تمام ایمان‌داران به مسیح در کنار یکدیگر با مسیح ملاقات خواهند کرد و به موجب کلام خدا ما همیشه با او خواهیم بود.

خدا را شکر که مسیح باز می‌گردد و ما ایمان‌داران او امیدی پر جلال داریم. از آنجایی که بازگشت مسیح برای ربودن کلیسا، قطعی است ما ایمان‌داران او می‌توانیم مطمئن باشیم که وقتی او بازگشت کند خواه مرده باشیم، خواه زنده با بدنی جدید و غیرفانی در ابرها ربوده خواهیم شد و در فضا با او ملاقات خواهیم کرد.

برادر و خواهر مسیحی، من و شما که می‌دانیم پس از ربوده شدن به آسمان، با خداوند و منجیمان عیسی ملاقات خواهیم کرد در حال حاضر باید از هر لحاظ مطیع عیسی باشیم و زندگی پاک و پرثمری داشته باشیم. او در آینده به ایمان‌داران مطیع خود پاداش خواهد داد اما بعضی از ایمان‌داران نیز با خجالت سرهای خود را در مقابل او پایین خواهند آورد! آیا بهتر نیست که زندگی فعلی ما طوری باشد که در آینده با سرهای افراشته در مقابل او حاضر گردیم؟

بخش ۴۵

وقایع آینده

پاداشها و غضب

درودهای مجدد در نام عیسی مسیح خداوند. در طول چند درس گذشته از بازگشت مسیح سخن گفتیم و ذکر کردیم که موضوع آمدن مسیح امید کلیسای اوست. دیدیم که مسیح در آینده شخصاً و بطور جسمانی و قابل رویت با ایماندارانش به زمین بازخواهد گشت تا سلطنت یک هزار ساله خود را آغاز کند.

اما قبل از این واقعه، در مرحله بازگشت مسیح کسانی که در ایمان به مسیح مرده باشند خواهند برخاست و بدنی جدید و جاودانی خواهند یافت. همچنین در مرحله بازگشت مسیح ایماندارانی که زنده باشند صاحب بدنی جدید و جاودانی خواهند شد. آنگاه تمام ایمانداران به مسیح در ابرها ربوده خواهند شد و در فضا با خداوند ملاقات خواهند کرد. بعد از ربوده شدن کلیسا، غضب خدا بر بی‌ایمانان ریخته خواهد شد و ساکنین زمین گرفتار مصیبت عظیمی خواهند گشت. اکنون ببینیم که بعد از ربوده شدن کلیسا، نجات یافتگان که در آسمان خواهند بود و نجات نیافتگان که بر زمین خواهند بود، چه انتظاری باید داشته باشند و بر هر گروه چه خواهد گذشت؟ ابتدا درباره نجات یافتگان و سپس درباره نجات نیافتگان صحبت می‌کنیم.

پاداشها برای مسیحیان

بعد از ربوده شدن کلیسا به آسمان، مسیح ایمان‌داران خود را داوری خواهد کرد و هر ایمان‌داری که سزاوار پاداش باشد از مسیح پاداش خواهد گرفت. در آن موقع ایمان‌داران بر اساس آنچه که در زندگی مسیحی خود انجام داده‌اند پاداشهایی خواهند یافت.

پولس رسول به مسیحیان روم اینطور نوشت: "...همه ما پیش کرسی قضاوت خدا خواهیم ایستاد، زیرا کلام خدا می‌فرماید: خداوند می‌گوید، به حیات خودم سوگند که همه در برابر من به زانو درآمده با زبان خود خدا را ستایش خواهند نمود. پس همه ما فرداً فرد باید حساب خود را به خدا پس بدهیم." (رومیان فصل چهاردهم، آیات ۱۰-۱۲). پولس همچنین به مسیحیان قرنتس نوشت: "بنابراین چه در اینجا باشیم و چه در آنجا فقط یک هدف داریم و آن هم این است که او را خوشنود سازیم، زیرا همه ما همانطور که واقعاً هستیم باید روزی در مقابل تخت داوری مسیح بایستیم تا مطابق آنچه که با بدن خود کرده‌ایم چه نیک و چه بد جزا بیابیم." (دوم قرنتیان فصل پنجم، آیات ۹-۱۰). باید توجه داشته باشیم که داوری مسیحیان به هیچ وجه در رابطه با گناه آنان، و رفتن آنها به جهنم یا بهشت نیست. شخصی که در طول عمر زمینی خود از راه ایمان، مسیح خداوند را در قلب خود دریافت می‌کند تمام گناهانش آمرزیده می‌شود و بطور قطع و یقین ابدیت را در آسمان با خدا خواهد گذراند. اما کسی که در طول عمر زمینی خود به مسیح خداوند ایمان نمی‌آورد ابدیت را در جهنم و جدا از خدا خواهد گذراند. به موجب کلام خدا "هر که پسر (یعنی مسیح) را دارد حیات دارد و هر که پسر را

ندارد صاحب حیات نیست." (رساله اول یوحنا رسول فصل پنجم، آیه ۱۲)

سرنوشت ابدی هر انسانی در طول عمر زمینی او مشخص می‌شود و این سرنوشت به داشتن یا نداشتن مسیح ارتباط مستقیم دارد. کسی که مسیح را در قلب خود ندارد هرگز به آسمان نخواهد رفت اما کسی که مسیح را در قلب خود دارد صد در صد به آسمان خواهد رفت. به این ترتیب مسیح بعد از ربوده شدن کلیسا به آسمان، ایمان‌داران خود را برای یقین سرنوشت ابدی آنان داوری نمی‌کند بلکه داوری مسیح صرفاً به منظور دادن پادشاهی به ایمان‌داران مطیع او خواهد بود. خدا از هر فرد مسیحی انتظار دارد که در طول زندگی مسیحی خود از هر لحاظ مطیع او باشد و اراده او را انجام بدهد. ما مسیحیان می‌توانیم از طریق کتاب مقدس با اراده خدا آشنا بشویم و آن را در زندگی مسیحی خود به انجام برسانیم. خدا به ما مسیحیان مسئولیتهایی واگذار کرده و انتظار دارد که ما به خوبی این مسئولیتها را انجام بدهیم. ایمان‌دارانی که در این دنیا مطیع مسیح هستند و با وفاداری اراده او را در زندگی خود انجام می‌دهند در داوری مسیح از او پاداش خواهند گرفت. چنین ایمان‌دارانی در سلطنت یک هزار ساله مسیح بر زمین، مسئولیتهای مهمی خواهند داشت و به طرز خاصی مورد استفاده قرار خواهند گرفت.

پولس رسول در زمینه داوری ایمان‌داران و مأخذ پادشاهی آنان چنین نوشت: "زیرا در خدمت خدا، ما همکاران او هستیم و شما مزرعه او و عمارت او هستید. من با استفاده از قدرت فیض بخش خدا، مانند یک بنای ماهر بنیادی گذاشتم و اکنون کسی دیگر بر روی آن می‌سازد. هر کس باید مواظب باشد که روی آن چگونه بنا می‌کند، زیرا شالوده دیگری غیر از آنچه ریخته شد نمی‌توان گذاشت و آن شالوده عیسی مسیح است.

تعالیم اساسی کتاب مقدس

بعضی‌ها وقتی روی آن شالوده بنایی می‌سازند، طلا و نقره و سنگهای عالی بکار می‌برند و اشخاص دیگر از چوب و گیاه و کاه استفاده می‌کنند. ولی چگونگی کار هر کس آشکار خواهد شد زیرا روز داوری آن را ظاهر خواهد ساخت، چون آن روز با آتش همراه خواهد بود و آتش کیفیت کار همه را می‌آزماید و ماهیتش را نشان می‌دهد. اگر آنچه را که آدمی بر روی آن شالوده ساخته است از آتش سالم بیرون آید، آن شخص پاداش خود را خواهد یافت. اما اگر کارهای دست او سوخته شود پاداش خود را از دست خواهد داد، ولی خود او نجات خواهد یافت، مانند کسی که از میان شعله‌های آتش گذشته و نجات یافته باشد." (اول قرن‌تین فصل سوم، آیات ۹-۱۵)

از این آیات می‌آموزیم که در داوری مسیح کیفیت کارهای ایمان‌دار از اهمیت برخوردار است نه کمیت کارهای او. پس ایمان‌دار بر این اساس پاداش نمی‌گیرد که چقدر کار کرده است بلکه بر این اساس پاداش می‌گیرد که چگونه کار کرده است. ایمان‌داری که با هدایت روح‌القدس و به منظور جلال یافتن مسیح کارهایی را در زندگی مسیحی خود انجام داده است می‌تواند از مسیح انتظار پاداش داشته باشد. اما اگر یک ایمان‌دار با انگیزه نادرست و مثلاً به منظور خودنمایی یا بالا بردن خودش، کارهایی را انجام داده باشد نباید انتظار پاداش داشته باشد. به این ترتیب بعضی از ایمان‌داران که در حال حاضر آنچنان معروف نیستند و در کلیساهای محلی نیز کوچک به حساب می‌آیند ممکن است در داوری مسیح از او آفرین بشنوند و پاداش بگیرند.

عهد جدید از پنج تاج مختلف سخن گفته است که از این قرار هستند:

۱. تاج غیرفانی برای کسانی که به خوبی طبیعت کهنه را می‌کوبند و آن را تحت فرمان خود در می‌آورند. (اول قرن‌تینان فصل نهم، آیات ۲۵-۲۷)
۲. تاج شادمانی برای کسانی که وسیله نجات جانهای گمشده می‌گردند (امثال فصل یازدهم، آیه ۳۰؛ دانیال فصل دوازدهم، آیه ۳؛ اول تسالونیکیان فصل نوزدهم آیات ۲-۲۰)
۳. تاج حیات برای کسانی که با شادی و صبر متحمل آزمایشهای گوناگون می‌شوند. (یعقوب فصل اول، آیات ۲-۳؛ مکاشفه فصل دوم، آیه ۱۰)
۴. تاج عدالت برای کسانی که مشتاق بازگشت مسیح هستند. (دوم تیموتاوس فصل چهارم، آیه ۸)
۵. تاج جلال برای کسانی که به خوبی شبانی می‌کنند و تعلیم می‌دهند (اعمال فصل بیستم، آیات ۲۶-۲۸؛ دوم تیموتاوس فصل چهارم آیات ۱-۲؛ اول پطرس فصل پنجم، آیات ۲-۴).

این تاجها در رابطه با کارهایی که ایمان‌داران در این دنیا انجام داده‌اند بعنوان پاداش به آنان داده خواهد شد. چنانچه کتاب عهد جدید را در اختیار دارید با دقت آن را مطالعه کنید و ببینید که هر یک از این تاجها بر چه اساسی به ایمان‌داران داده خواهد شد.

غضب برای بی‌ایمانان

برخلاف ایمان‌داران به مسیح که بر اثر بازگشت او برکت خواهند یافت، بی‌ایمانان بر اثر آمدن مسیح دچار غضب الهی خواهند شد. در رسالهٔ اول پولس رسول به تسالونیکیان فصل چهارم می‌بینیم که آیاتی در مورد ربوده شدن کلیسا و ملاقات ایمان‌داران با مسیح وجود دارند. سپس در فصل پنجم رسالهٔ اول به تسالونیکیان این آیات دیده می‌شوند: "زیرا شما خوب می‌دانید که روز خداوند مانند دزدی که در شب می‌آید فراخواهد رسید. در آن هنگام که مردم از صلح و امنیت خود تعریف می‌کنند هلاکت ناگهانی مثل درد زایمان به ایشان وارد خواهد شد و به هیچ وجه جان سالم به در نخواهند برد." (اول تسالونیکیان فصل پنجم، آیات ۳-۴)

این اندیشه که بی‌ایمانان بطور ناگهانی دچار غضب الهی خواهند شد با فرمایش عیسی در انجیل متی هماهنگی دارد. او فرمود: در روزهای قبل از طوفان یعنی تا روزی که نوح به داخل کشتی رفت مردم می‌خورند و می‌نوشیدند و ازدواج می‌کردند و چیزی نمی‌فهمیدند تا آنکه سیل آمد و همه را از بین برد. ظهور پسر انسان نیز همینطور خواهد بود." (انجیل متی فصل بیست و چهارم، آیات ۳۸-۳۹)

پولس رسول در رسالهٔ دوم خود به تسالونیکیان چنین نوشت: "خدا عادل است و به کسانی که به شما آزار می‌رسانند جزا خواهد داد و به شما که رنج و آزار می‌بینید و همچنین به ما آسودگی خواهد بخشید. این کار در روزی که عیسی خداوند از آسمان با فرشتگان توانای خود در آتشی فروزان ظهور کند انجام خواهد گرفت و به آنانیکه خدا را نمی‌شناسند و انجیل خداوند ما عیسی را رد می‌کنند کیفر خواهد داد، آنان کیفر هلاکت

جاودانی و داوری از حضور خداوند و محرومیت از جلال قدرت او را خواهند دید." (دوم تسالونیکیان فصل اول، آیات ۶-۹).

در فصل دوم همین رساله یعنی رساله دوم به تسالونیکیان می‌خوانیم که در آینده، یعنی قبل از بازگشت دوباره مسیح به زمین، مردی خبیث در این جهان دیده خواهد شد که در واقع همان دجال یا ضد مسیح است. او وحش نیز خوانده شده است. کلام خدا درباره ظهور این مرد خبیث می‌فرماید: "ظهور آن مظهر شرارت در اثر فعالیت‌های شیطان خواهد بود و با انواع آیات و نشانه‌ها و معجزات فریبنده و هر نوع شرارتی که برای محکومین به هلاکت فریبنده است همراه خواهد بود، چون آنها عشق به حقیقت را که می‌تواند آنان را نجات بخشد قبول نکردند." (دوم تسالونیکیان فصل دوم، آیات ۹-۱۰)

چرا آن افراد فریب‌چنین شخص خبیثی را می‌خورند و راه هلاکت را طی می‌کنند؟ چون به حقیقت علاقمند نیستند. کسی که حقیقت نیست و به حقیقت علاقه نشان نمی‌دهد با پای خود به سوی جهنم پیش می‌رود. در دوم تسالونیکیان فصل دوم، آیه ۱۲ نوشته شده است "و در نتیجه همه آنانی که به حقیقت ایمان نیاورده‌اند و از گناه لذت برده‌اند محکوم خواهند شد."

باز در این زمینه که بی‌ایمانان بر اثر بازگشت مسیح دچار غضب الهی خواهند شد در فصل ششم مکاشفه یوحنا رسول می‌خوانیم: "و پادشاهان و فرمانروایان زمین، سرلشگران و توانگران، زورمندان و همه انسانها چه برده و چه آزاد خود را در غارها و در میان صخره‌های کوهها پنهان ساختند. و به کوه و کمرها می‌گفتند: به روی ما بیفتید و ما را از چهره تخت‌نشین و از خشم و غضب بره (یعنی مسیح) پنهان کنید. (مکاشفه فصل ششم، آیات ۱۵-۱۶).

وقتی موضوع بازگشت مسیح را بر اساس کلام خدا مطرح می‌کنیم بایستی بگوییم که با آمدن مسیح تمام ایمان‌داران او به آسمان ربوده خواهند شد و افرادی که مستحق پاداش باشند از مسیح پادشاهایی خواهند گرفت. اما بی‌ایمانان با آمدن مسیح دچار غضب الهی شده و وضعیت بسیار بدی خواهند داشت. کلام خدا می‌فرماید: "چه هولناک و مخوف است افتادن در دستهای خدای زنده!" (رساله به عبرانیان فصل دهم، آیه ۳۱). و در رساله به عبرانیان فصل دوازدهم، آیه ۲۹ می‌خوانیم "زیرا خدای ما در واقع آتشی است که می‌سوزاند."

شکی نیست که خدای عادل بی‌ایمانان را مجازات خواهد کرد و آنان سرنوشت شومی خواهند داشت. اما خدای مهربان برای رهایی و نجات انسان راهی را تعیین نموده است و این راه توبه از گناه و ایمان به خداوند ما عیسی مسیح است. عیسی مسیح برای انسان گناهکار مُرد و پس از مرگ دوباره زنده شد و او که زنده است مایل است شما خوانندهٔ حقیقی را نجات بدهد. آیا بهتر نیست که همین الآن به گناه پشت کنید و زندگی خود را به عیسی خداوند بسپارید؟ اگر با تصمیمی راسخ به او روی بیاورید و او را پیروی کنید نه فقط ترسی از آینده نخواهید داشت بلکه مشتاقانه به آیندهٔ روشن و پر شکوه خود چشم خواهید دوخت.

بخش ۴۶

وقایع آینده

سلطنت یک هزار ساله مسیح

با درود در نام خداوند و منجیمان عیسی، درس دیگری از سلسله دروس تعالیم اساسی کتاب مقدس را آغاز می‌کنیم. چنانچه درسهای اخیر ما را خواننده باشید می‌دانید که در طول چند درس گذشته رویدادهای مربوط به بازگشت مسیح را بررسی کرده‌ایم. بازگشت مسیح در دو مرحله صورت خواهد گرفت. در مرحله اول، مسیح به زمین نخواهد آمد بلکه از آسمان نزول خواهد کرد و مسیحیان واقعی را بالا خواهد برد تا در فضا با او ملاقات کنند. در این مرحله از بازگشت مسیح نخست اینکه کسانی که در ایمان به او مرده باشند زنده خواهند شد و بدنی غیرفانی خواهند یافت. دوم اینکه افرادی که زنده باشند صاحب بدنی غیرفانی خواهند شد. آنگاه همه ایمان‌داران به مسیح در ابرها بالا برده خواهند شد تا در فضا با خداوند ملاقات کنند. بعد از ربه‌شدن کلیسا به آسمان، مسیح ایمان‌داران خود را داوری خواهد کرد و مسیحیانی که سزاوار پاداش باشند از او پادشاهی خواهند گرفت. ضمناً بعد از ربه‌شدن کلیسا به آسمان، غضب خدا بر بی‌ایمانان ریخته خواهد شد و ساکنین زمین گرفتار مصیبت عظیمی خواهند گشت. در پایان دوره مصیبت عظیم که ظاهراً یک دوره هفت ساله خواهد بود مرحله

تعالیم اساسی کتاب مقدس

دوم بازگشت مسیح صورت خواهد گرفت. در این مرحله مسیح شخصاً و بطور جسمانی و قابل رویت با ایماندارانش به زمین بازخواهد گشت تا به مدت یک هزار سال بر زمین سلطنت کند. برادر و خواهر مسیحی، آیا خبر شادی بخش نیست که من و شما در آینده در کنار مسیح بر این زمین سلطنت خواهیم کرد؟!!

در دوره سلطنت یک هزار ساله مسیح که در آینده صورت خواهد گرفت او در اورشلیم شخصاً بر تخت سلطنت داود خواهد نشست و از آنجا بر تمامی زمین سلطنت خواهد کرد. در فصل نوزدهم مکاشفه یوحنا ی رسول رویداد بازگشت دوباره مسیح به زمین، یا ظهور مسیح دیده می شود. سپس در فصل بیستم مکاشفه می بینیم که شش بار به دوره ای هزار ساله اشاره گردیده است. به این ترتیب مسیح پس از بازگشت به زمین به مدت یک هزار سال سلطنت خواهد نمود و البته ایمانداران او نیز با او بر زمین سلطنت خواهند کرد. اگر کتاب عهد جدید را در اختیار دارید می توانید خودتان فصل نوزدهم و فصل بیستم مکاشفه یوحنا ی رسول را مطالعه کنید.

ما در درس آینده طغیان آخر که در فصل بیستم مکاشفه ذکر شده است را بررسی خواهیم کرد اما در این درس از سلطنت یک هزار ساله مسیح سخن می گوئیم که در واقع حکومت خدا بر زمین خواهد بود.

می دانیم که عیسی مسیح تجسم خدا در انسان می باشد به همین علت سلطنت یک هزار ساله مسیح دوره فرمانروایی خدا بر زمین خواهد بود. در این دوره، پادشاه عیسی مسیح خداوند خواهد بود و او بر زمین فرمانروایی خواهد کرد. در ارمیاء نبی فصل بیست و سوم، آیات ۵ و ۶ نوشته شده است "خداوند می گوید اینک ایامی می آید که شاخه ای عادل برای داود بر پا می کنم و پادشاهی سلطنت نموده خردمندانه رفتار خواهد

تعالیم اساسی کتاب مقدس

کرد و انصاف و عدالت را در زمین اجرا خواهد نمود. در ایام وی یهودا نجات خواهد یافت و اسرائیل با امنیت ساکن خواهد شد و اسمی که به آن نامیده می‌شود این است یهوه صدقینو یعنی یهوه عدالت ما." در عهد جدید جبرائیل فرشته درباره تولد عیسی به مریم چنین گفت: "تو آبستن خواهی شد و پسری خواهی زایید و نام او را عیسی خواهی گذارد. او بزرگ خواهد بود و به پسر خدای متعال ملقب خواهد شد. خداوند، خدا تخت پادشاهی جدش داود را به او عطا خواهد فرمود. او تا به ابد بر خاندان یعقوب فرمانروایی خواهد کرد و پادشاهی او هرگز پایانی نخواهد داشت." (انجیل لوقا فصل اول، آیات ۳۱-۳۳)

شاید عده‌ای پرسند مگر در کلام خدا ذکر نشده است که پادشاهی مسیح بی‌پایان خواهد بود پس چرا می‌گوییم او به مدت یک هزار سال بر زمین سلطنت خواهد کرد؟! بایستی توجه داشته باشیم که سلطنت مسیح از جنبه‌های گوناگون برخوردار است. او در حال حاضر نیز پادشاه است و سلطنت می‌کند! البته می‌دانیم که جایگاه کنونی مسیح در آسمان است و سلطنت فعلی او روحانی است. اما در آینده او شخصاً و بطور جسمانی و قابل رویت به زمین بازخواهد گشت و به مدت یک هزار سال از لحاظ سیاسی بر زمین سلطنت خواهد کرد. در پایان این دوره هزار ساله افرادی که در طول این هزار سال متولد شده‌اند و به مسیح ایمان نیاورده‌اند از پادشاهی او جدا گشته و هلاک خواهند شد. سپس سلطنت مسیح برای همیشه در آسمان ادامه خواهد یافت. بنابراین مسیح در آینده به مدت یک هزار سال بر زمین سلطنت خواهد کرد و پادشاه یهود و غیریهود خواهد بود. در این دوره علاوه بر نجات یافتگان افراد نجات نیافته نیز در پادشاهی مسیح وجود خواهند داشت. بعد از این دوره هزار ساله

پادشاهی مسیح برای همیشه در آسمان ادامه خواهد یافت و دیگر در پادشاهی او افراد نجات نیافته وجود نخواهند داشت.

صفات مشخص سلطنت یک هزار ساله مسیح

حالا ببینیم در عهد عتیق چه صفات مشخصی برای سلطنت آینده مسیح عنوان شده است. در آن زمان بر اساس اشعیا نبی فصل یازدهم، آیه ۹ "جهان از معرفت خداوند پر خواهد بود و مثل آبهایی که دریا را می‌پوشاند". در اشعیا نبی فصل شصت و ششم، آیات ۱۸-۱۹ می‌بینیم که خداوند می‌فرماید "و من اعمال و خیالات ایشان را جزا خواهم داد و آمده جمیع امتهای و زبانها را جمع خواهم کرد و ایشان آمده جلال مرا خواهند دید. و آیتی در میان ایشان برپا خواهم داشت و آنانی را که از ایشان نجات یابند نزد امتهای به ترشیش و قُول و تیراندازان لُود و توبال و یونان و جزایر بعیده که آوازه مرا نشنیده‌اند و جلال مرا ندیده‌اند خواهم فرستاد تا جلال مرا در میان امتهای شایع سازند."

در طول سلطنت یک هزار ساله مسیح نجات یافتگان اسرائیلی به سراسر دنیا فرستاده خواهند شد تا بعنوان نمایندگان خدا جلال او را در بین امتهای اعلام کنند.

یکی دیگر از صفات مشخص دوره سلطنت یک هزار ساله مسیح این است که صلح جهانی برقرار خواهد بود. در هوشع نبی فصل دوم، آیه ۱۸ نوشته شده است "و در آن روز به جهت ایشان با حیوانات صحرا و مرغان هوا و حشرات زمین عهد خواهم بست و کمان و شمشیر و جنگ را از زمین خواهم شکست و ایشان را به امنیت خواهم خوابانید". و در زکریای نبی فصل نهم، آیه ۱۰ می‌خوانیم "...کمان جنگی شکسته خواهد

شد و او با امتهای به سلامتی تکلم خواهد نمود... "اشعیاء نبی نیز درباره آن دوره صلح‌آمیز چنین نوشت " و او امتهای را داوری خواهد نمود و قومهای بسیاری را تنبیه خواهد کرد، و ایشان شمشیرهای خود را برای گاوآهن و نیزه‌های خویش را برای اره‌ها خواهند شکست، و امتی شمشیر نخواهد کشید و بار دیگر جنگ را نخواهند آموخت. " (اشعیاء نبی فصل دوم، آیه ۴)

در دوره سلطنت یک هزار ساله مسیح نه فقط صلح در تمام عالم برقرار خواهد بود بلکه بر اساس مزمور هفتاد و دوم، آیات ۷-۸ عدالت نیز حکمفرما خواهد بود. ضمناً در آن دوره به موجب قسمت‌های مختلف عهد عتیق شادی و سرور، سلامتی و طول عمر، قدوسیت و انصاف به فراوانی وجود خواهد داشت.

خدا در کتاب مقدس از دوره‌ای سخن گفته است که صفاتی مشخص دارد. آن دوره طلایی موقعی شروع می‌شود که مسیح برای بار دوم به زمین بیاید و حکومت عادلانه خود را آغاز کند. از آنجایی که وعده خدا در مورد سلطنت مسیح بر زمین در آینده به وقوع خواهد پیوست و خداوند و منجی ما عیسی مسیح به مدت یک هزار سال بر زمین سلطنت خواهد کرد ما ایمان‌داران او از برکات موجود در آن دوره طلایی بهره‌مند خواهیم شد.

مردمان از ملت‌های مختلف با مسیح سلطنت خواهند نمود

در مورد برکات گوناگونی که در سلطنت آینده مسیح وجود خواهد داشت آیات زیادی در کتاب مقدس است هر چند که به موجب کتاب مقدس برکات در آن دوران طلایی فراوان است، ولی متأسفانه

عده‌ای به کلی از این برکات محروم خواهند شد. این عده کسانی هستند که بدون ایمان به مسیح می‌میرند و در نتیجه در سلطنت آینده او سهمی نخواهند داشت.

اما وضعیت ایمان‌داران به مسیح با وضعیت سایر مردم کاملاً متفاوت خواهد بود چون تمام ایمان‌داران به مسیح در سلطنت آینده او بر زمین، شرکت خواهند داشت. در مورد افرادی که بعد از ربوده شدن کلیسا به آسمان به مسیح ایمان می‌آورند (منظور ایمان‌داران دوره مصیبت عظیم است) چنانچه این افراد در طول دوره هفت ساله مصیبت عظیم بمیرند، قبل از شروع سلطنت مسیح زنده خواهند شد و یک هزار سال با او سلطنت خواهند کرد. ضمناً ایمان‌داران عهد عتیق نیز قبل از شروع سلطنت یک هزار ساله مسیح زنده خواهند شد و با او سلطنت خواهند کرد. (اشعیاء ۲۶: ۱۹، دانیال ۲: ۱۲، مکاشفه ۲۰: ۴-۵)

در فصل پنجم مکاشفه یوحنا رسول آیات ۹-۱۰ می‌بینیم که نجات یافتگان از ملت‌های مختلف عالم، با مسیح بر زمین سلطنت خواهند نمود. می‌فرماید "آنها سرود تازه‌ای می‌سرایند، تو شایسته‌ای که طومار را بگیری، و مهرهایش را بگشایی، زیرا تو کشته شدی و با خون خود مردمان را از هر قبیله و زبان، از هر ملت و امت برای خدا خریدی. تو آنان را به سلطنت رسانیدی تا بعنوان کاهنان، خدای ما را خدمت کنند و آنها بر زمین فرمانروایی خواهند کرد."

برادر و خواهر مسیحی، کلام خدا بطور واضح به ما اعلام می‌کند که در سلطنت آینده مسیح با او فرمانروایی خواهیم کرد. خود مسیح در مکاشفه فصل سوم، آیه ۲۱ به نجات یافتگان چنین وعده داده است "به آن کسی که پیروز گردد جایی در روی تخت خود خواهم بخشید ..."

شاید بعضی از شما عزیزانی که این درس را می‌خوانید هیچگاه قلباً مسیح خداوند را بعنوان یگانه نجات دهنده خود نپذیرفته باشید! همانطور که در طول این درس ذکر شد کسانی که به مسیح ایمان نمی‌آورند در سلطنت آینده او سهمی نخواهند داشت. پس چنانچه مسیح را در قلب خود نپذیرفته‌اید همین الآن، بلی الآن بهترین وقت است که شما نیز مسیح را در قلب خود بپذیرید. در حالی که به گناه پشت می‌کنید مسیح خداوند را در قلب خود بپذیرید. به او اعتراف کنید که گناهکار هستید و به نجات احتیاج دارید. در حالی که به گناه پشت می‌کنید مسیح خداوند را در قلب خود بپذیرید. او در راه گناهان شما بر صلیب خون ریخته است و مرده است اما پس از مرگ دوباره زنده شده و زنده است.

اگر در قلب خود به مسیح ایمان آورده باشید، شما نیز در دوران طلایی سلطنت یک هزار ساله مسیح بر زمین شرکت خواهید داشت و از برکات مخصوص آن دوران بهره‌مند خواهید شد.

تعاليم اساسی كتاب مقدس

بخش ۴۷

وقایع آینده

طغیان آخر

درودهای مجدد در نام خداوند و منجی ما عیسی مسیح. در این سری از درسها که مدتی قبل شروع کردیم اعتقادات اساسی مسیحیان را به شما تعلیم می‌دهیم. در طول چند درس گذشته از بازگشت مسیح با شما سخن گفتیم و در درس قبل مطالبی در مورد سلطنت یک هزار ساله مسیح به شما ارائه دادیم. کلام خدا ما را آگاه می‌کند که مسیح ابتدا ایمان‌داران خود را به آسمان بالا می‌برد و سپس با آنان به منظور سلطنت، به زمین باز خواهد گشت. مسیح پس از بازگشت دوباره خود به زمین، به مدت یک هزار سال بر زمین سلطنت خواهد کرد و آن دوران با برکاتی گوناگون همراه خواهد بود. سلطنت مسیح بر زمین سلطنتی پر جلال، عادلانه و صلح‌آمیز خواهد بود و در آن دوران طلایی شادی و سرور، سلامتی و طول عمر، و قدوسیت و انصاف به فراوانی وجود خواهد داشت.

وضعیت شیطان در دوره سلطنت یک هزار ساله مسیح

ما در درس قبل مطالبی در مورد سلطنت یک هزار ساله مسیح به شما ارائه دادیم اما از وضعیت شیطان در سلطنت آینده مسیح

تعالیم اساسی کتاب مقدس

چیزی نگفتیم. در مکاشفه یوحنا رسول فصل بیستم، آیات ۱-۳ وضعیت شیطان در دوره سلطنت مسیح بر زمین، چنین توصیف شده است. می‌فرماید: "سپس فرشته‌ای را دیدم که از آسمان به زیر می‌آمد و کلید چاه بی‌انتهای و زنجیر بزرگی در دست داشت. او اژدها و آن مار قدیم را که همان ابلیس و یا شیطان است گرفت و او را برای مدت هزار سال در بند نهاده به چاه بی‌انتهای انداخت و در آن را به رویش بسته و مهر و موم کرد تا او دیگر نتواند ملتها را تا پایان آن هزار سال گمراه سازد. بعد از آن برای زمانی کوتاه آزاد گذاشته خواهد شد." می‌بینیم که شیطان در طول سلطنت یک هزار ساله مسیح آزاد نخواهد بود بلکه او در بند خواهد بود و در چاه بی‌انتهای بسر خواهد برد. حکومت خدا بر زمین و زندانی بودن شیطان و یقیناً ارواح پلید او در چاه بی‌انتهای، ما را بیشتر متوجه این واقعیت می‌کنند که دوره سلطنت آینده مسیح دوره‌ای سرشار از برکت خواهد بود. در دوره سلطنت یک هزار ساله مسیح، شیطان و ارواح پلید او قادر نخواهند بود مردم را وسوسه کرده و به سوی گناه هدایت کنند. اما با وجود اینکه شیطان و دیوهای او در چاه بی‌انتهای بسر خواهند برد افرادی که نجات نمی‌یابند (یعنی کسانی که در طول سلطنت یک هزار ساله مسیح متولد می‌شوند و به مسیح ایمان نمی‌آورند) مرتکب گناهان زیادی می‌شوند. این موضوع به خوبی نشان می‌دهد که انسان دارای ذاتی گناه‌آلود و در درون او میل به گناه وجود دارد. در هر حال، زندانی بودن شیطان و ارواح پلید او، بر زیبایی سلطنت یک هزار ساله مسیح خواهد افزود. ضمناً عدم مشکلات و ناراحتی‌هایی که نیروهای شیطان ایجاد می‌کنند باعث می‌شود که در دوره سلطنت آینده مسیح، زمین و ساکنین آن آسوده باشند. علاوه بر مکاشفه یوحنا، در فصلهای بیست و چهارم تا بیست و هفتم اشعیا نبی وقایع مربوط به آینده مشاهده می‌شود. از

آنجایی که این چند فصل در اشعیاء نبی، ما را از وقایع مربوط به بازگشت مسیح باخبر می‌کنند به شما توصیه می‌کنیم که اگر کتاب مقدس را در اختیار دارید خودتان فصلهای بیست و چهارم تا بیست و هفتم اشعیاء را مطالعه کنید. در اشعیاء نبی فصل بیست و چهارم، آیه ۱ نوشته شده است "اینک خداوند زمین را خالی و ویران می‌کند، و آن را واژگون ساخته ساکنانش را پراکنده می‌سازد." این آیه ما را متوجه مصیبت عظیمی می‌کند که در آینده ساکنین زمین گرفتار آن خواهند شد. سپس در آیات ۵-۶ می‌بینیم که غضب الهی بخاطر گناه انسان، بر ساکنین زمین ریخته خواهد شد. می‌فرماید: "زمین زیر ساکنانش آلوده به پلیدی می‌شود زیرا که از شرایع تجاوز نموده و فرایض را تبدیل کرده و عهد جاودانی را شکسته‌اند. بنابراین لعنت جهان را فانی کرده است و ساکنانش سزا یافته‌اند از این رو ساکنان زمین سوخته شده‌اند و مردمان بسیار کم باقی مانده‌اند."

بعد در آیات ۲۱-۲۲ می‌بینیم که وضعیت آینده شیطان و ارواح ناپاک او تشریح شده است. می‌فرماید: "و در آن روز واقع خواهد شد که خداوند سپاه آسمان را بر مکان بلند ایشان و پادشاهان زمین را بر زمین سزا خواهد داد. و ایشان مثل اسیران در چاه جمع خواهند شد و در زندان بسته خواهند گردید و بعد از روزهای بسیار ایشان طلبیده خواهند شد." در آیه ۲۱، "سپاه آسمان" به شیطان و ارواح ناپاک او اشاره دارد. در آیه ۲۲ "روزهای بسیار" از دوره یک هزار ساله سلطنت مسیح سخن می‌گوید چون در آن دوره، نیروهای شیطانی "در زندان بسته خواهند گردید" این مطلب با آنچه که در فصل بیستم مکاشفه ذکر شده است مطابقت دارد. ضمناً در آیه ۲۲ از فصل بیست و چهارم اشعیاء گفته شده است که "بعد

از روزهای بسیار ایشان (یعنی نیروهای شیطانی) طلبیده خواهند شد" یعنی مجازات خواهند شد. بر اساس مکاشفه فصل بیستم بعد از یک هزار سال اسارت، شیطان برای زمانی کوتاه (مکاشفه فصل بیستم، آیه ۳) آزاد گذاشته خواهد شد و بعد در دریاچه آتش و گوگرد افکنده خواهد شد تا برای همیشه (مکاشفه فصل بیستم، آیه ۱۰) عذاب و شکنجه ببیند. باید توجه داشته باشیم که کلام خدا نمی‌فرماید بعد از سلطنت یک هزار ساله مسیح شیطان خود را آزاد خواهد کرد! نخیر، او برای زمانی کوتاه آزاد گذاشته خواهد شد و سپس مجازات نهایی خود را خواهد دید.

طغیان آخر

مجازات نهایی شیطان که در فصل بیستم مکاشفه یوحنا ذکر شده است در رابطه با طغیانی است که بعد از سلطنت یک هزار ساله مسیح رخ خواهد داد. در مکاشفه فصل بیستم، آیات ۷-۱۰ نوشته شده است "همین که این هزار سال به پایان برسد شیطان از زندان خود آزاد خواهد شد و برای فریب دادن مللی که در چهار گوشه زمین هستند بیرون خواهد رفت. او، جوج و مأجوج را که مانند شنهای دریا بی‌شمارند برای جنگ جمع می‌کند. آنها در پهنه زمین پخش شدند و اردوی مقدسین و شهر محبوب او را محاصره کردند. اما از آسمان آتش بارید و آنان را نابود ساخت. ابلیس که آنان را فریب می‌داد خود به داخل دریاچه آتش و گوگرد جایی که حیوان (یعنی وحش) و پیامبر دروغین بودند افکنده شد. آنها شب و روز و تا ابد عذاب و شکنجه خواهند دید."

در طول سلطنت یک هزار ساله مسیح بر زمین، افرادی که به دنیا خواهند آمد همانند ما دارای ذاتی گناه‌آلود می‌باشند، به همین علت به نجات احتیاج دارند. بعضی از این افراد به مسیح خداوند ایمان آورده و نجات خواهند یافت. اما افرادی هم خواهند بود که با وجود زندگی در دوره طلایی سلطنت مسیح، به او ایمان نخواهند آورد و سرانجام بر علیه خدا طغیان خواهند کرد! در آیه‌ای که از فصل بیستم مکاشفه خوانده شد می‌بینیم که شیطان بعد از آزادی از اسارت یک هزار ساله خود، افراد زیادی از ساکنین زمین را گمراه کرده و برضد خدا خواهد شورانید. بر اساس کلام خدا تعداد آن افراد مثل شنهای دریا بی‌شمار خواهد بود! آنها سعی خواهند کرد که شهر اورشلیم و اردوی مقدسین را نابود کنند تا به خیال خودشان خدا و قوم او را شکست بدهند! اما تلاش آن افراد خدانشناس و شرور به نابودی آنان خواهد انجامید و شیطان نیز دچار مجازات نهایی خود خواهد شد. بر اساس مکاشفه فصل بیستم، آیات ۹-۱۰ "از آسمان آتش باریده و آن افراد یاغی نابود خواهند شد." و "فریب دهندۀ آنان ابلیس، خود به داخل دریاچه آتش و گوگرد افکنده خواهد شد".

به این ترتیب طغیان آخر بر علیه خدا، توسط خود خدا سرکوب خواهد شد و پیروزی از آن خدای ما خواهد بود.

جوج و مأجوج

در فصل بیستم مکاشفه یوحنا رسول می‌بینیم افرادی که در پایان سلطنت یک هزار ساله مسیح شهر اورشلیم را محاصره خواهند کرد جوج و مأجوج نامیده شده‌اند. اسامی جوج و مأجوج در فصلهای

سی و هشتم و سی و نهم حزقیال نبی نیز ذکر شده است. هر چند که دقیقاً نمی‌توان گفت جوج و مأجوج کدام قوم هستند، اما در حزقیال نبی می‌بینیم که آنها در آینده از سمت شمال بر اسرائیل هجوم خواهند آورد. با مطالعه فصلهای سی و هشتم و سی و نهم حزقیال و فصل بیستم مکاشفه می‌توان گفت که جوج و مأجوج دوبار در آینده بر اسرائیل هجوم خواهند آورد. اولین هجوم بر اسرائیل و نتیجه آن که در فصلهای سی و هشتم و سی و نهم حزقیال نبی ذکر شده است قبل از سلطنت یک هزار ساله مسیح و احتمالاً در دوره هفت ساله مصیبت عظیم رخ خواهد داد. دومین هجوم بر اسرائیل و نتیجه آن نیز که در فصل بیستم مکاشفه ذکر شده است در پایان سلطنت یک هزار ساله مسیح رخ خواهد داد. بطور کلی می‌توان گفت که جوج و مأجوج دشمنان خدا و قوم او می‌باشند و در هر دو هجوم بوسیله خدا شکست خواهند خورد.

عزیزان خواننده، یکی از مشکلاتی که بسیاری از مردم دنیا دارند پذیرش این واقعیت است که قلب و وجود انسان گناه‌آلود است و انسان به نجات احتیاج دارد. چه بسا گفته شده است که انسانها صرفاً بخاطر محیط و شرایط بدی که در آن بسر می‌برند گناه می‌کنند، و چنانچه انسان در محیطی خوب و مناسب زندگی کند خوب و پاک خواهد بود!!! این گفته بر اساس کتاب مقدس درست نیست چون کلام خدا بطور واضح بیان می‌کند که اشکال اصلی انسان، درونی است نه بیرونی. از آنجایی که ذات و طبیعت گناه‌آلود انسان او را به گناه و کارهای زشت می‌کشاند پس انسان باید ابتدا از درون عوض بشود. با مطالعه فصل بیستم مکاشفه یوحنا رسول می‌بینیم که در دوره طلایی سلطنت یک هزار ساله مسیح یعنی در دوره‌ای که سرشار از پاکی، عدالت، صلح و چیزهای خوب دیگر خواهد بود عده بی‌شماری بر ضد خدا و آنچه که خوب است طغیان

خواهند کرد! در دورهٔ یک هزار سالهٔ حکومت خدا بر زمین، با وجود اینکه مردم در بهترین محیط و شرایط زندگی خواهند کرد تعداد افراد شرور و بدکار مانند شنهای دریا بی‌شمار خواهد بود!

آیا شما هم جزو کسانی هستید که از اصلاح دنیا سخن می‌گویند اما به درون گناه‌آلود خود توجهی ندارند؟ این دنیا روز به روز بدتر خواهد شد تا وقتی که مالک و صاحب این دنیا به منظور سلطنت به جهان بازگشت کند. عیسی مسیح خداوند در آینده به زمین بازخواهد گشت و بر دنیای ما سلطنت خواهد کرد اما او در حال حاضر مایل است انسانها را نجات بدهد و طبیعتی خوب و پاک به آنها ببخشد. عیسی مسیح خداوند از طریق مرگ خود بر روی صلیب جریمهٔ گناهان شما را پرداخته است و او که پس از مرگ دوباره زنده شده است و زنده است می‌خواهد شما را از گناه و عواقب بد گناه نجات بدهد. خوب است همین الآن به گناه خود پشت کنید و در دل خود به او ایمان بیاورید. مبدا مثل کسانی باشید که در فصل بیستم مکاشفهٔ یوحنا رسول، نیکی و فیض خدا را نادیده می‌گیرند و دچار هلاکت می‌شوند. مسیح خداوند را در قلب خود بپذیرید تا نه فقط در سلطنت آیندهٔ او با او باشید بلکه ابدیت را نیز با او بگذرانید.

تعاليم اساسی كتاب مقدس

بخش ۴۸

داوری آینده

مأخذ داوری

با درود در نام عیسی مسیح خداوند مبحث دیگری را در سلسله دروس تعالیم اساسی کتاب مقدس آغاز می‌کنیم. در این سری از درسها که مدتی قبل شروع کردیم و بعد از چند درس دیگر به پایان خواهد رسید اعتقادات اساسی مسیحیان تشریح می‌شود. در این درس مبحث داوری آینده را شروع می‌کنیم چون بر اساس کتاب مقدس همه بوسیله خداوند داوری خواهند شد. در اعمال رسولان فصل هفدهم، آیه ۳۱ می‌خوانیم که خدا "روزی را معین فرمود که جهان را با راستی و درستی بوسیله شخصی که برگزیده خود اوست داوری فرماید و برای اثبات این حقیقت او را پس از مرگ زنده کرد". و در رساله به عبرانیان فصل نهم، آیه ۲۷ نوشته شده است "...همه باید یکبار بمیرند و بعد از آن برای داوری در حضور خدا قرار گیرند."

در کتاب مقدس به چندین نوع داوری اشاره گردیده است ولی ما فقط داوری پس از مرگ را تحت بررسی قرار می‌دهیم. در درس آینده از داوری ایمان‌داران در مقابل تخت داوری مسیح سخن خواهیم گفت چون تمام ایمان‌داران در برابر این تخت خواهند ایستاد و هر ایمان‌داری که سزاوار پاداش باشد از مسیح پاداش خواهد گرفت. بعد از داوری

ایمان‌داران، داوری بی‌ایمانان یا داوری در مقابل تخت سفید بزرگ را مطالعه خواهیم کرد. مقصود از داوری بی‌ایمانان این است که میزان مجازات کسی که بدون ایمان به مسیح مرده است مشخص بشود. نکته مهمی که باید تذکر بدهیم این است که داوری آینده ایمان‌داران و بی‌ایمانان به هیچ وجه برای تعیین سرنوشت نهایی آنان نخواهد بود. سرنوشت نهایی هر کس یعنی زندگی ابدی در بهشت یا جهنم، در طول عمر زمینی شخص مشخص می‌شود. کسی که در طول عمر خود مسیح را از راه ایمان در قلبش دریافت می‌کند ابدیت را در آسمان با خدا خواهد گذراند. و کسی که در طول عمر خود به مسیح ایمان نمی‌آورد ابدیت را جدا از خدا در دریاچه آتش سپری خواهد کرد. کلام خدا می‌فرماید: "در هیچکس دیگر، رستگاری نیست و در زیر آسمان هیچ نامی جز نام عیسی به مردم عطا نشده است تا بوسیله آن نجات یابیم." (اعمال رسولان فصل چهارم، آیه ۱۲). به این ترتیب کسی که مسیح را در طول عمر خود نمی‌پذیرد نجات و زندگی جاوید با خدا را از دست می‌دهد.

مأخذ داوری

ببینیم خدا بر چه اساسی بی‌ایمانان را داوری خواهد کرد. اگر قرار باشد که یک نفر در دادگاهی محاکمه بشود خوب است از قبل بدانند که اتهام او چیست و بر چه اساسی محاکمه خواهد شد. از آنجایی که در آینده تمام بی‌ایمانان بوسیله خدا داوری و محکوم خواهند شد خوب است معیارهای این داوری مطرح بشود. در کلام خدا می‌خوانیم "و اما، ای آدمی، تو کیستی که درباره دیگران قضاوت می‌کنی؟ هر که باشی هیچگونه عذری نداری زیرا وقتی تو دیگران را محکوم می‌کنی و

در عین حال همان کاری را که آنها انجام می‌دهند انجام می‌دهی، خودت را محکوم می‌کنی. ما می‌دانیم وقتی خدا اشخاصی را که چنین اعمالی می‌کنند محکوم می‌کند حق دارد." (رساله پولس رسول به رومیان فصل دوم، آیات ۱-۲). حقیقت، اولین معیاری است که خدا بر طبق آن مردم را داوری خواهد کرد. شاید شما پرسید حقیقت چیست؟ در انجیل یوحنا فصل هجدهم می‌بینیم که پیلاتس فرماندار رومی از عیسی پرسید "حقیقت چیست؟" (یوحنا فصل هجدهم، آیه ۳۸) در انجیل یوحنا مفهوم حقیقت بطور واضح برای جویندگان حقیقت توضیح داده شده است. در یوحنا فصل چهاردهم، آیه ۶ می‌بینیم که عیسی درباره خود چنین فرمود: "من راه و راستی و حیات هستم، هیچکس جز بوسیله من نزد پدر نمی‌آید."

آنچه عیسی گفت و انجام داد تماماً حقیقت بود، پس او مظهر کامل حقیقت است.

از آنجایی که عیسی حقیقت محض است آنچه او گفت و انجام داد معیار داوری آینده خدا خواهد بود. در انجیل یوحنا همچنین می‌خوانیم که عیسی در دعا به خدا چنین گفت "...کلام تو راستی است" (یوحنا فصل هفدهم، آیه ۱۷). به این ترتیب خدا بر اساس کتاب مقدس که سراسر حقیقت است مردم را داوری خواهد کرد. در خروج فصل بیستم ده فرمان خدا یافت می‌شوند و این ده فرمان از این قرار هستند "ترا خدایان دیگر غیر از من نباشد. صورتی تراشیده و هیچ تمثالی از آنچه بالا در آسمان است و از آنچه پایین در زمین است و از آنچه در آب زیر زمین است برای خود مساز. نام یهوه خدای خود را به باطل مبر. روز سبت را یاد کن تا آن را تقدیس نمایی. پدر و مادر خود را احترام نما. قتل مکن.

زنا مکن. دزدی مکن. بر همسایه خود شهادت دروغ مده. به خانه همسایه خود طمع موز ... و به هیچ چیزی که از آن همسایه تو باشد طمع مکن."

بر اساس رساله به رومیان فصل دوم آیه ۳، هیچکس از کیفر الهی نخواهد رست. می‌فرماید "آیا تو گمان می‌کنی که با محکوم کردن دیگران از کیفرخواهی رست در حالیکه همان کارها را انجام می‌دهی؟" یقیناً پاسخ این سؤال "نه" است زیرا کیفر الهی قطعی خواهد بود اما در آیه ۴ از فصل دوم رومیان می‌بینیم که صبر و تحمل کنونی خدا بخاطر این است که افراد توبه کنند.

در روز داوری کسی قادر نخواهد بود چیزی را از خدا مخفی کند و خودش را در برابر خدا بی‌گناه نشان بدهد. ضمناً در آن موقع نمی‌شود تقصیرها را به گردن دیگران گذاشت! در آن روز حقیقت یا راستی معیار داوری خدا خواهد بود.

اعمال، معیار دیگری است که خدا بر طبق آن مردم را داوری خواهد کرد. در رومیان فصل دوم، آیات ۶-۸ نوشته شده است "زیرا به هر کس بر حسب اعمالی که کرده است پاداش یا کیفر خواهد داد. بعضی افراد نیکی را دنبال می‌کنند و در جستجوی عزت و شرف و حیات فناپذیر هستند، به آنان خدا حیات جاودانی خواهد داد. بعضی افراد خودخواه هستند و حقیقت را رد می‌کنند و به دنبال ناراستی می‌روند، آنها مورد خشم و غضب خدا قرار می‌گیرند."

اشخاصی که با کتاب مقدس آشنایی کافی ندارند ممکن است بر اثر خواندن این چند آیه تصور کنند که افراد غیر مسیحی از طریق اعمال خوب می‌توانند نجات بیابند! نجات از طریق اعمال کاملاً مخالف طریقی

است که خدا در کتاب مقدس برای نجات انسان ارائه داده است. در خود رساله به رومیان می‌خوانیم که "... هیچ انسانی در نظر خدا با انجام احکام شریعت نیک شمرده نمی‌شود. کار شریعت این است که انسان گناه را بشناسد." (رومیان فصل سوم، آیه ۲۰). و در رومیان فصل یازدهم آیه ۶ می‌خوانیم که "اگر این از فیض خدا است دیگر بسته به اعمال انسانی نیست، و اما اگر به اعمال انسان مربوط است دیگر فیض معنایی نخواهد داشت".

بر اساس کتاب مقدس نجات و زندگی جاوید، به سبب فیض خدا و از طریق ایمان به عیسی مسیح خداوند، به دست می‌آید. به همین علت در رومیان فصل سوم، آیه ۲۶ نوشته شده است "...خدا عادل است و کسی را که به عیسی ایمان می‌آورد نیک می‌شمارد."

وقتی می‌گوییم اعمال یکی از معیارهای داوری آینده خداست بطور کلی منظورمان این است که خدا اعمالی را که انسان در طول زندگی زمینی خود انجام می‌دهد نادیده نخواهد گرفت. کسی که از راه ایمان به مسیح نجات می‌یابد بر اساس اعمال نیکویی که بعد از نجات در این جهان انجام می‌دهد پاداش خواهد گرفت. و کسی که به مسیح ایمان نمی‌آورد بر اساس کارهایی که در این جهان انجام داده است میزان مجازاتش تعیین خواهد شد. به این ترتیب بی‌ایمانانی که در طول عمر خود مرتکب شرارت بیشتری می‌شوند مجازات سنگینتری خواهند داشت.

پس هر چند که اعمال خوب یا بد انسان، باعث نجات او نمی‌شود و به او زندگی جاوید نمی‌دهند اما در داوری آینده خدا حساب می‌شوند. معیار دیگری که خدا بر اساس آن مردم را داوری خواهد کرد غنیمت دانستن فرصت و توجه نمودن به ندای وجدان می‌باشد. در رساله به

رومیان فصل دوم، آیات ۱۱-۱۵ می‌خوانیم "زیرا خدا تبعیضی بین این و آن (یعنی بین یهودیان و غیر یهودیان) قائل نمی‌شود. همه آنانی که بدون داشتن شریعت موسی گناه می‌کنند، بدون شریعت هلاک می‌شوند و همه آنانی که تحت شریعت هستند و گناه می‌کنند بوسیله شریعت محکوم می‌شوند. زیرا تنها شنیدن احکام شریعت هیچکس را در حضور خدا کاملاً نیک نمی‌سازد بلکه مجریان شریعتند که نیک شمرده می‌شوند. هرگاه غیر یهودیان که دارای شریعت موسی نیستند احکام شریعت را طبیعتاً انجام می‌دهند معلوم است که شریعت آنان خودشان هستند با وجود اینکه شریعت کتبی ندارند، رفتارشان نشان می‌دهد که مقررات شریعت در قلبهایشان نوشته شده است و وجدانهای ایشان نیز درستی این را تایید می‌کند، زیرا افکارشان یا آنها را متهم می‌کند و یا از آنها دفاع می‌نماید".

خدا در داوری آینده از یک طرف فرصتهایی را که شخص برای آشنایی با کلامش داشته است در نظر می‌گیرد. از طرفی دیگر خدا در نظر می‌گیرد که شخص بعد از مواجه شدن با کلامش چه عکس‌العملی را نشان داده است. کسی که از کلام خدا با خبر شده است ولی بعوض توبه از گناه و ایمان به مسیح به زندگی در گناه ادامه داده است مجازات سخت‌تری خواهد داشت. خداوند و منجی ما عیسی به پیلاتس فرماندار رومی چنین فرمود: "... تو هیچ قدرتی بر من نمی‌داشتی اگر خدا آن را به تو نمی‌داد. از این رو کسی که مرا به تو تسلیم نمود تقصیر بیشتری دارد." (انجیل یوحنا فصل نوزدهم، آیه ۱۱). یقیناً پیلاتس مرتکب گناه بزرگی شد، اما گناه کاهن اعظم یهودیان، یعنی قیافا که عیسی را به او تسلیم کرد بزرگتر بود. باید توجه داشته باشیم که قیافا کاهن اعظم یهودیان بود و بیش از پیلاتس با کلام خدا آشنایی داشت. اما او بعوض اینکه فرصت

را غنیمت بدانند و به عیسی ایمان بیاورد، با سختدلی نجات دهنده موعود اسرائیل را رد کرد.

و بالاخره انجیل نجات بخش عیسی مسیح، معیار دیگری است که خدا بر طبق آن مردم را داوری خواهد کرد. پولس رسول در رساله‌اش به رومیان نوشت: "طبق بشارتی که من می‌دهم در روزی که خدا بوسیله عیسی مسیح همه افکار پنهانی دلهای آدمیان را داوری می‌کند این کار انجام خواهد گرفت." (رومیان فصل دوم، آیه ۱۶)

نپذیرفتن عیسی و کاری که او برای نجات بشر انجام داده است بزرگترین گناهی است که امروزه انسان می‌تواند مرتکب بشود. بر اساس انجیل یوحنا فصل شانزدهم آیه ۸ روح‌القدس در حال حاضر جهانیان را در مورد گناه ایمان نداشتن به عیسی متقاعد می‌کند. به این ترتیب کسی که فعالیت روح‌القدس را نادیده می‌گیرد و به پسر خدا ایمان نمی‌آورد گناهی عظیم و غیرقابل بخشش مرتکب می‌شود.

انجیل نجات بخش عیسی مسیح این است که پسر روحانی خدا توسط مرگ و زنده شدن دوباره خود نجات و رهایی را برای بشر گناهکار فراهم نموده است. او جریمه گناه بشر را از طریق مرگ خود بر روی صلیب پرداخته و با رستاخیز خود از مردگان ثابت نموده است که خداوند و منجی عالمیان است. کسی که انجیل نجات بخش عیسی مسیح را رد می‌کند و به مسیح ایمان نمی‌آورد در آینده بر اساس همین انجیل داوری و محکوم خواهد شد. اما کسی که به مسیح ایمان می‌آورد بوسیله او نجات ابدی می‌یابد.

حق جوی گرامی:

مسیح در آینده همه را داوری خواهد کرد و آنانی که در طول عمر خود به او ایمان نیاورده‌اند محکوم خواهند شد. چقدر خوب است که فرصت کنونی را غنیمت بدانید و نجاتی را که مسیح برای شما فراهم کرده است را از راه ایمان دریافت کنید. اگر به گناه پشت کنید و به عیسای خداوند روی بیاورید او شما را نجات می‌دهد، در غیر اینصورت در آینده بوسیله او داوری و محکوم خواهید شد.

بخش ۴۹

داوری آینده

تخت داوری مسیح

درودهای مجدد در نام عیسی مسیح خداوند. در درس قبل که مبحث داوری آینده را آغاز کردیم گفتیم که همه بوسیله خداوند داوری خواهند شد. دیدیم که خداوند توسط معیارهایی مردم را داوری خواهد کرد و این معیارها عبارتند از: معیار حقیقت، معیار اعمال، معیار غنیمت دانستن فرصت و توجه نمودن به ندای وجدان، و همچنین معیار انجیل نجات بخش عیسی مسیح.

موضوع این درس داوری ایمان‌داران در مقابل تخت داوری مسیح است که به منظور توزیع پادشاهی به ایمان‌داران مطیع صورت خواهد گرفت. در عهد جدید حداقل دو قسمت وجود دارد که در رابطه با نتیجه داوری ایمان‌داران به مسیح می‌باشد. این قسمت‌ها از این قرار هستند: رساله اول به قرنتیان فصل سوم آیات ۸-۱۵ و رساله دوم به قرنتیان فصل پنجم آیات ۹-۱۰.

قطعی بودن داوری ایمان‌داران

در مورد قطعی بودن داوری ایمان‌داران به مسیح، پولس رسول به مسیحیان روم نوشت "همه ما پیش کرسی قضاوت خدا

تعالیم اساسی کتاب مقدس

خواهیم ایستاد، زیرا کلام خدا می‌فرماید: خداوند می‌گوید، به حیات خودم سوگند که همه در برابر من به زانو درآمده با زبان خود خدا را ستایش خواهند نمود. پس همه ما فرداً فرد باید حساب خود را به خدا پس بدهیم." (رساله به رومیان فصل چهارم، آیات ۱۰-۱۲). می‌بینیم که ایمان‌داران به مسیح بدون استثناء داوری خواهند شد و فرداً فرد به خدا حساب خواهند داد. این مطلب به هیچ وجه با فرمایش مسیح در انجیل یوحنا فصل پنجم، آیه ۲۴ تناقضی ندارد. عیسی مسیح فرمود: "یقین بدانید، هر که سخنان مرا بشنود و به فرستنده من ایمان آورد حیات جاودانی دارد و هرگز محکوم نخواهد شد...". پس عیسی مسیح نفرموده است که ایمان‌داران او داوری نخواهند شد، بلکه فرموده است که محکوم نخواهند شد. مسیح به منظور محکوم کردن و مجازات نمودن، ایمان‌داران خود را داوری نخواهد کرد بلکه داوری او به منظور پاداش دادن به ایمان‌داران مطیع خواهد بود.

تخت داوری مسیح

اکنون رساله اول پولس رسول به قرنتیان فصل سوم، آیه ۸ و آیات ۱۰-۱۵ را با دقت بررسی می‌کنیم تا مقصود از داوری ایمان‌داران به مسیح روشن‌تر بشود.

کلام خدا می‌فرماید: "کارنده و آبیاری کننده در یک سطح هستند و هر یک مطابق کار خود پاداش خواهند گرفت. من با استفاده از قدرت فیض بخش خدا، مانند یک بنای ماهر بنیادی گذاشتم و اکنون کسی دیگر بر روی آن می‌سازد. هر کس باید مواظب باشد که روی آن چگونه بنا می‌کند، زیرا شالوده دیگری غیر از آنچه ریخته شد نمی‌توان گذاشت و آن

شالوده عیسی مسیح است. بعضی‌ها وقتی روی آن شالوده بنایی می‌سازند، طلا و نقره و سنگهای عالی بکار می‌برند و اشخاص دیگر از چوب و گیاه و گاه استفاده می‌کنند. ولی چگونگی کار هر کس آشکار خواهد شد زیرا روز داوری آن را ظاهر خواهد ساخت، چون آن روز با آتش همراه خواهد بود و آتش کیفیت کار همه را می‌آزماید و ماهیتش را نشان می‌دهد. اگر آنچه را که آدمی بر روی آن شالوده ساخته است از آتش سالم بیرون آید، آن شخص پاداش خود را خواهد یافت. اما اگر کارهای دست او سوخته شود پاداش خود را از دست خواهد داد، ولی خود او نجات خواهد یافت، مانند کسی که از میان شعله‌های آتش گذشته و نجات یافته باشد".

می‌بینیم خدماتی که مسیحیان در این دنیا انجام می‌دهند به ساختن یک عمارت تشبیه شده است که بر روی پایه‌ای بنا می‌شود. از آنجایی که پایه خود عیسی مسیح است، مسیحیان بر اساس آنچه که بر روی این پایه می‌سازند داوری خواهند شد. پولس رسول به مسیحیان قرن‌تس نوشت "هرکس باید مواظب باشد که روی آن چگونه بنا می‌کند"، (اول قرنتیان فصل سوم، آیه ۱۰). پس این مطلب که چگونه بر روی پایه می‌سازیم از اهمیت زیادی برخوردار است. البته پایه محکم و صحیح است، اما کسی که بر روی این پایه عمارت را می‌سازد ممکن است مصالح خوب یا بد بکار برد، به همین علت مسیح در آینده ایمان‌داران خود را داوری خواهد کرد. شش ماده مختلف برای ساختن عمارت به ما معرفی شده است که سه ماده اول اینها هستند: طلا، نقره و سنگهای عالی. این مصالح نه فقط گرانبها هستند بلکه سوخته هم نمی‌شوند. این مصالح با ارزش بیان‌کننده کارهایی هستند که مسیحیان با هدایت روح‌القدس و به منظور جلال خدا انجام می‌دهند.

سه مادهٔ دیگر که برای ساختن عمارت ذکر شده است چوب، گیاه و کاه می‌باشند. وقتی این مصالح را با طلا، نقره و سنگهای عالی مقایسه می‌کنیم می‌بینیم که نه فقط کم ارزش هستند بلکه در آتش سوخته می‌شوند. چوب، گیاه و کاه بیان‌کنندهٔ کارهایی هستند که مسیحیان با هدایت نفس گناه‌آلود خود انجام می‌دهند و البته این کارها باعث جلال خدا نمی‌شوند.

در زمینهٔ داوری ایمان‌داران بوسیلهٔ مسیح، بایستی به این نکته توجه داشته باشیم که کیفیت کارهای ما از اهمیت برخوردار خواهد بود نه صرفاً کمیت کارهای ما. پس مهم این خواهد بود که چگونه خدمت کرده‌ایم نه اینکه چقدر خدمت کرده‌ایم. بعضی از ایمان‌داران سالهای زیاده‌تری در این دنیا زندگی می‌کنند و فرصتهای بیشتری برای خدمت به مسیح دارند، اما بعضی دیگر از ایمان‌داران سالهای کمتری در این دنیا زندگی می‌کنند. ضمناً بعضی از ایمان‌داران کارهایی را با انگیزه‌های نادرست انجام می‌دهند، مثل کارهایی که به منظور خودنمایی و خودستایی انجام می‌شود! در داوری مسیح خدماتی که ایمان‌داران در زندگی مسیحی خود انجام داده‌اند و به عمارتی تشبیه شده بوسیلهٔ آتش الهی آزموده خواهد شد. آن وقت چیزهای سوختنی یعنی چوب و گیاه و کاه سوخته خواهند شد و از بین خواهند رفت. اما طلا و نقره و سنگهای عالی باقی خواهند ماند. به این ترتیب چنانچه کارهای یک ایمان‌دار از بوتۀ آزمایش صحیح و سالم بیرون بیاید او پاداش خواهد گرفت. اما اگر کارهای ایمان‌دار سوخته بشود و از بین برود او پاداش خود را از دست خواهد داد. از آنجایی که این داوری مخصوص ایمان‌داران است و صرفاً به منظور بررسی کارهای آنان می‌باشد هیچکس محکوم نخواهد شد و به دوزخ فرستاده نخواهد شد. اما همانطور که ذکر شد عده‌ای از ایمان‌داران پاداشی از مسیح

نخواهند گرفت. به کلام خدا توجه داشته باشید، می‌فرماید: "اگر آنچه را که آدمی بر روی آن شالوده ساخته است از آتش سالم بیرون آید، آن شخص پاداش خود را خواهد یافت. اما اگر کارهای دست او سوخته شود پاداش خود را از دست خواهد داد، ولی خود او نجات خواهد یافت..." (اول قرن‌تینان فصل سوم، آیات ۱۴-۱۵)

از آنجایی که عمل نجات بخش عیسی بر روی صلیب، یعنی مرگ او، باعث شده است که تمام ایمان‌داران او نجات ابدی بیابند هیچ یک از ایمان‌داران به مسیح بر اثر داوری آینده نجات خود را از دست نخواهد داد؛ اما عده‌ای از ایمان‌داران پاداش خود را از دست خواهند داد.

اعمال خوب و بد، هر دو داوری خواهند شد

در رساله دوم پولس رسول به قرن‌تینان فصل پنجم، آیه ۱۰ نوشته شده است "زیرا همه ما همانطور که واقعاً هستیم باید روزی در مقابل تخت داوری مسیح بایستیم تا مطابق آنچه که با بدن خود کرده‌ایم چه نیک و چه بد جزا بیابیم".

به این ترتیب در داوری مسیح، تمام ایمان‌داران نتیجه اعمال خوب و بد خود را خواهند دید. چون آنچه که ایمان‌دار در زندگی مسیحی خود انجام می‌دهد در داوری مسیح مورد بررسی قرار خواهد گرفت، خوب است در هر کاری که انجام می‌دهیم قصدمان خوشنود ساختن خدا باشد. از آنجایی که خدا دلها را می‌بیند و از تمام انگیزه‌های انسان با خبر است بعضی از اعمالی که در حال حاضر به نظر دیگران خوب می‌آیند ممکن است در داوری مسیح سوخته بشوند. و برعکس بعضی از اعمالی که در حال حاضر بنظر دیگران خوب نمی‌آیند ممکن است در داوری مسیح از

بوته آزمایش صحیح و سالم بیرون بیایند. بنابراین درست نیست که بر اساس آنچه در ظاهر دیده می‌شود اعمال دیگران را قضاوت کنیم چون خدا باطن را می‌بیند.

فرض کنید کلیسایی در یک شهر وجود دارد که مرتباً تعداد اعضای آن زیاد می‌شود. هر چند به نظر می‌رسد که سرپرست کلیسا کارهای خوبی انجام می‌دهد و سزاوار پاداش است، اما واقعیت این است که او با غرور و به منظور منفعت شخصی خدمت می‌کند و هدف او بالا بردن خودش است.

چنین شخصی برخلاف تصور دیگران در داوری مسیح سرافکننده خواهد شد و از مسیح پاداش نخواهد گرفت.

اکنون فرض کنید شخص دیگری در یک کلیسا وجود دارد که در زمینه‌ای خاص با عقیده اکثریت مخالفت می‌کند چون می‌داند نقطه نظر آنها با کتاب مقدس هماهنگ نیست. این شخص با وجود ضدیت‌های دیگران و فشارهایی که بر او وارد می‌شود به خوبی ایستادگی می‌کند و از حقیقت دفاع می‌کند. بایستی توجه داشته باشیم که گاهی، اکثریت اشتباه می‌کنند و حق با اقلیت می‌باشد. بهر حال شخصی که درباره‌اش صحبت می‌کردیم بنظر اکثریت کارهای خوبی انجام نمی‌دهد و سزاوار پاداش نیست. اما در روز داوری مسیح این شخص و تمام اشخاصی که با ناراستی، سازش ننموده‌اند نتیجه اعمال خوب خود را خواهند دید.

برادر و خواهر مسیحی، یوحنا رسول در رساله اول خود چنین نوشت: "...ای فرزندان من، در او بمانید تا در وقت ظهور او، نه تنها احساس شرمندگی نکنیم، بلکه با اطمینان به حضورش حاضر شویم." (اول یوحنا فصل دوم، آیه ۲۸)

این واقعیت که مسیحیان بوسیله مسیح داوری خواهند شد و نتیجه اعمال خود را خواهند دید بایستی ما را تشویق کند که مطیع او باشیم و مطابق میل و اراده او زندگی کنیم. چنانچه پیوسته به روح القدس متکی باشیم و به منظور جلال خدا اعمال نیکو انجام دهیم با سربلندی در برابر تخت داوری مسیح خواهیم ایستاد و از او پاداش خواهیم گرفت. خداوند شما را برکت بدهد. آمین.

تعاليم اساسی كتاب مقدس

بخش ۵۰

داوری آینده

تخت سفید بزرگ

با درود در نام خداوند و منجیمان عیسی مسیح، درس دیگری را در زمینه اعتقادات اساسی مسیحیان به شما ارائه می‌دهیم. در طول دو درس گذشته که موضوع مورد بحث ما داورى آینده بوده است دربارهٔ مأخذ داورى و داورى مسیحیان سخن گفتیم. در این درس دربارهٔ داورى بی‌ایمانان سخن می‌گوییم که همان داورى در برابر تخت سفید بزرگ است. آیا می‌دانید همهٔ کسانی که در برابر تخت سفید بزرگ داورى خواهند شد ابدیت را در دریاچهٔ آتش خواهند گذراند؟ لطفاً با دقت به دنبالهٔ درس توجه کنید.

در فصل بیستم مکاشفهٔ یوحناى رسول می‌بینیم که مسیح در آینده به مدت یک هزار سال بر زمین سلطنت خواهد نمود و البته تمام ایمان‌داران نیز با او سلطنت خواهند کرد. باید توجه داشته باشیم که تمام ایمان‌داران قبل از آنکه سلطنت یک هزار سالهٔ مسیح شروع بشود دوباره زنده خواهند شد (البته می‌دانیم ابتدا کسانی که در موقع ربوده شدن کلیسا به آسمان مرده باشند زنده می‌شوند، سپس پیش از شروع سلطنت یک هزار سالهٔ مسیح، ایمان‌داران عهد عتیق و ایمان‌داران دورهٔ مصیبت عظیم زنده خواهند شد) اما برخلاف ایمان‌داران، بی‌ایمانان تا پایان سلطنت یک هزار سالهٔ مسیح

زنده نخواهند شد. در مکاشفه فصل بیستم، آیات ۴-۵ نوشته شده است: "...همچنین کسانی را دیدم که بخاطر شهادت عیسی و کلام خدا سرهایشان از تن جدا شده بود، کسانی که آن حیوان وحشی و پیکره‌اش را پرستش نکرده و نشان آن را بر پیشانی و دستهای خود نداشتند، آنها دوباره زنده شده و هزار سال با مسیح حکمرانی کردند (در اینجا صحبت از کشته‌شدگان دوره مصیبت عظیم است). اما بقیه مردگان (یعنی کسانی که بدون ایمان به مسیح مرده‌اند) تا پایان آن هزار سال زنده نشدند..."

داوری بی‌ایمانان

در آیات ۱۱-۱۲ از فصل بیستم مکاشفه چنین نوشته شده است "آنگاه تخت سفید بزرگی را دیدم که شخصی بر آن نشسته بود. آسمان و زمین از حضور او گریخت و دیگر اثری از آنها نبود. و مردگان را دیدم که همه از بزرگ و کوچک در مقابل تخت ایستاده بودند و کتابها باز می‌شد. در این وقت کتاب دیگری که همان دفتر حیات است گشوده شد. مردگان بر طبق آنچه در کتابها نوشته شده بود یعنی مطابق اعمال خود داوری شدند."

داور، عیسی مسیح

شخصی که در مکاشفه فصل بیستم، آیه ۱۱ بر تخت سفید بزرگ نشسته و بی‌ایمانان را داوری خواهد کرد خود عیسی مسیح است. در فصل پنجم انجیل یوحنا می‌بینیم که مسیح فرمود "پدر به او اختیار داده است (یوحنا فصل پنجم، آیه ۲۷) که داوری نماید". رنگ سفید تخت داوری، نشانه عدالت و قدوسیت می‌باشد. عیسی مسیح خداوند که

هم عادل و هم قدوس است به صورت انسان در این جهان زندگی کرد. او که خدای کامل و انسان کامل است آنقدر توانا و عظیم است که آسمان و زمین از حضور او می‌گریزند. به راستی که بزرگی و اقتدار خداوند ما عیسی، غیرقابل تصور است.

مردگان داوری خواهند شد

در مکاشفه فصل بیستم آیه ۱۲ می‌بینیم که تمام مردگان به منظور داوری زنده شده و در مقابل تخت داوری خواهند ایستاد. این اشخاص کسانی هستند که در طول عمر خود به مسیح ایمان نیاورده‌اند و از نعمت حیات جاودانی بهره‌مند نشده‌اند. می‌توانیم بگوییم این اشخاص کسانی هستند که در طول عمر خود در مرگ روحانی به سر می‌بردند زیرا جدا از مسیح، انسان در گناهان خود مرده است. در رسالهٔ پولس رسول به افسسیان فصل دوم آیات ۱-۲ نوشته شده است "در گذشته، شما... به علت خطایا و گناهان خود مرده بودید و در راههای کج این جهان قدم می‌نهادید و از حکمران قدرتهای هوا، یعنی همان روحی که اکنون در اشخاص نافرمان و سرکش عمل می‌کند پیروی می‌کردید".

به این ترتیب کسانی که در مقابل تخت سفید بزرگ خواهند ایستاد در طول عمر خود از خدا جدا و از لحاظ روحانی مرده بودند. این اشخاص بدون استثناء از بزرگ و کوچک بوسیلهٔ مسیح داوری خواهند شد. باید توجه داشته باشیم که به موجب کتاب مقدس خدا تبعیضی بین بزرگان و کوچکان قائل نمی‌شود. پس افراد ثروتمند و فقیر، افراد سرشناس و غیر سرشناس، چنانچه با مسیح متحد نشده باشند در برابر تخت سفید بزرگ خواهند ایستاد و داوری خواهند شد.

بازشدن کتابها

در مکاشفه فصل بیستم آیه ۱۲ همچنین می‌بینیم که در موقع داوری بی‌ایمانان کتابها بازخواهد شد. ضمناً در همین آیه نوشته شده است "در این وقت کتاب دیگری که همان دفتر حیات است گشوده شد." از آنجایی که فقط ایمان‌داران از نعمت حیات بهره‌مند شده‌اند و نامشان در دفتر حیات نوشته شده است، وجود دفتر حیات در داوری بی‌ایمانان برای این است که به بی‌ایمانان ثابت بشود که فاقد حیات هستند. اما در مورد کتابها بایستی بگوییم که در آنها اعمال بی‌ایمانان ثبت شده است. آن کتابها به این دلیل باز نمی‌شوند که عده‌ای بخاطر اعمال خوبشان نجات بیابند و به بهشت بروند! نخیر، کسی که در طول عمر خود به مسیح ایمان نیاورده است هرگز به آسمان نخواهد رفت. آن کتابها که نشان دهنده اعمال بی‌ایمانان هستند برای این بازخواهند شد که میزان مجازات هر فرد تعیین بشود. به این ترتیب بی‌ایمانانی که در طول عمر خود مرتکب شرارت بیشتر شده‌اند مجازات سخت‌تری خواهند داشت.

مرگ و عالم اموات

و اما در مورد سرنوشت کسانی که در مقابل تخت سفید بزرگ داوری خواهند شد در مکاشفه فصل بیستم آیات ۱۳-۱۵ اینطور نوشته شده است "دریا مردگان خود را تحویل و مرگ و عالم اموات نیز مردگان را که در خود نگاهداشته بودند پس دادند. آنها از روی اعمالشان داوری شدند. آنگاه مرگ و دنیای مردگان به دریاچه آتش افکنده شد (این دریاچه آتش مرگ دوم است) و هر کسی که نامش در دفتر حیات نوشته نشده بود به درون آن افکنده شد."

در این آیات می‌بینیم که تمام بی‌ایمانان یعنی مردگان، که فاقد حیات هستند و نامشان در دفتر حیات نوشته نشده است، به مرگ دوم دچار خواهند شد. مرگ دوم بیان‌کننده جدایی ابدی از خدا و عذاب همیشگی در دریاچه آتش می‌باشد. می‌دانیم که وقتی یک نفر در طول عمر خود به مسیح ایمان نمی‌آورد و جسماً می‌میرد به عالم اموات منتقل می‌شود. قبل از مرگ و زنده شدن دوباره عیسی، عالم اموات دو قسمت مجزا داشت که یک قسمت مخصوص ایمان‌داران و قسمت دیگر مخصوص بی‌ایمانان بود. البته ایمان‌داران در عالم اموات در آسایش بسر می‌بردند، اما بی‌ایمانان در عذاب بسر می‌بردند. بعد از رستاخیز عیسی و انتقال ارواح مقدسین به آسمان، عالم اموات فقط مخصوص بی‌ایمانان و در واقع محل موقتی عذاب برای آنان است. پس در عهد جدید وقتی ایمان‌دار به مسیح، جسماً می‌میرد بلافاصله رهسپار آسمان می‌شود و در حضور خدا بسر می‌برد. با در نظر داشتن این مطلب که در عهد عتیق ایمان‌داران و بی‌ایمانان در دو قسمت مجزا در عالم اموات بسر می‌بردند. در این رابطه، توجه خواننده گرامی را به داستانی که عیسی مسیح در انجیل لوقا تعریف کرد، جلب می‌کنیم. در آن داستان عیسی مسیح فرمود: "مرد ثروتمندی بود که همیشه لباسی ارغوانی و از کتان لطیف می‌پوشید و با خوشگذرانی فراوان زندگی می‌کرد. در جلوی در خانه او گدای زخم‌آلودی به نام ایلعازر خوابیده بود که آرزو می‌داشت با ریزه‌های سفره آن ثروتمند شکم خود را پر کند. حتی سگها می‌آمدند و زخمهای او را می‌لیسیدند. یک روز آن فقیر مُرد و فرشتگان او را به آغوش ابراهیم بردند. آن ثروتمند هم مُرد و به خاک سپرده شد. او که در دنیای مردگان در عذاب بود نگاهی به بالا کرد و از دور، ابراهیم را با ایلعازر که در کنار او بود دید. فریاد زد ای پدر من ابراهیم، به من رحم کن. ایلعازر را بفرست تا سر

انگشتش را به آب بزند و زبان مرا خنک کند چون من در این آتش عذاب می‌کشم. اما ابراهیم گفت: فرزندم، بخاطر بیاور که وقتی زنده بودی همه چیزهای خوب نصیب تو و همه بدیها نصیب ایلعازر شد. حالا او در اینجا آسوده است و تو در عذاب هستی. اما کار به اینجا تمام نمی‌شود شکاف عمیقی میان ما و شما قرار دارد. هر که از این طرف بخواهد به شما برسد نمی‌تواند از آن بگذرد و کسی هم نمی‌تواند از آن طرف پیش ما بیاید" (لوقا فصل شانزدهم، آیات ۱۹-۲۶)

در حال حاضر در عالم اموات یا دنیای مردگان فقط کسانی بسر می‌برند که در حالت بی‌ایمانی از دنیا رفته‌اند. در این محل، افراد همانند آن ثروتمند بی‌ایمان آرزو می‌کنند که قطره‌ای آب زبانشان را خنک کند! این اشخاص که فاقد حیات هستند و در حال حاضر نیز عذاب می‌کشند پس از داوری در مقابل تخت سفید بزرگ، به دریاچه آتش افکنده خواهند شد تا دچار عذاب ابدی گردند. به این ترتیب می‌شود گفت که افراد فاقد حیات یعنی مردگان، در آینده به مرگی دیگر یعنی مرگ دوم دچار خواهند شد.

دریاچه آتش

در فصل بیستم کتاب مکاشفه می‌بینیم که "هر کس نامش در دفتر حیات نوشته نشده باشد به درون دریاچه آتش افکنده خواهد شد". در درس بعدی که آخرین درس از سری دروس اعتقادات اساسی مسیحیان خواهد بود، درباره دریاچه آتش و کسانی که در آن بسر خواهند برد مطالب بیشتری را با شما در میان می‌گذاریم. اما الآن اینقدر می‌توانیم

به شما بگوییم که دریاچهٔ آتش بدترین و وحشتناکترین محلی است که انسان می‌تواند در آن بسر ببرد.

اگر شما که این درس را می‌خوانید، هنوز به مسیح روی نیاورده‌اید شما را تشویق می‌کنیم که قبل از دیرشدن به او روی بیاورید. توجه داشته باشید که اگر بدون ایمان به مسیح از دنیا بروید ابتدا به عالم اموات (یعنی به محل موقتی عذاب) منتقل می‌شوید، و سپس ابدیت را در دریاچهٔ آتش خواهید گذراند.

آیا بهتر نیست به کسی که جریمهٔ گناهان شما را از طریق مرگ بر روی صلیب، پرداخته ایمان بیاورید و از نعمت حیات جاودانی بهره‌مند بشوید؟ همان مسیح که در راه گناهان شما خون ریخت و مُرد و بعد از مرگ دوباره زنده شد و اکنون زنده است؛ او مایل است شما را از مزد گناه که جدایی از خداست برهاند و به شما زندگی جاوید عطا کند.

پس فرصت را غنیمت بشمرید و با تصمیمی قاطع به مسیح خداوند روی بیاورید. او تنها منجی و رهانندهٔ شماست. آمین.

بخش ۵۱

ابدیت

نجات نیافتگان - دریاچه آتش

با درود در نام عیسی خداوند به درس بعدی از سلسله دروس تعالیم اساسی کتاب مقدس می‌پردازیم. هدف از این سلسله دروس تشریح اعتقادات اساسی مسیحیان می‌باشد. در این درس که عنوانش ابدیت است وضعیت نجات نیافتگان را در ابدیت بی‌پایان بررسی می‌کنیم.

کتاب مقدس بطور واضح برای ما بیان می‌کند که دریاچه آتش جایگاه ابدی نجات نیافتگان و اورشلیم آسمانی جایگاه ابدی نجات یافتگان خواهد بود. برای اقامت دائمی در دریاچه آتش، کافی است که انسان کار رهایی بخش مسیح را نادیده بگیرد و به او ایمان نیاورد. بر اساس کلام خدا، انسان ذاتاً و عملاً گناهکار است و مزد گناه جدایی از خداست. مسیح خداوند به جهان آمد که از طریق مرگ بر روی صلیب، جریمه گناه بشر را بپردازد و سپس دوباره زنده بشود. کسی که به مسیح خداوند و موضوع مرگ و زنده شدن دوباره او ایمان نیاورد نجات و زندگی جاوید با خدا را از دست می‌دهد. در انجیل یوحنا فصل سوم: آیات ۱۸-۱۹ نوشته شده است "...کسی که به او ایمان نیاورد در محکومیت باقی می‌ماند، زیرا به اسم پسر یگانه خدا ایمان نیاورده است. حکم محکومیت

این است که نور به جهان آمد ولی مردم به علت اعمال شرارت آمیز خود تاریکی را به نور ترجیح دادند."

عالم اموات، محل موقتی عذاب برای نجات نیافتگان

وقتی شخص نجات نیافته یا بی‌ایمان از دنیا می‌رود بلافاصله روح و جانش به عالم اموات منتقل می‌شود. باید توجه داشته باشیم که در عالم اموات نجات نیافتگان هوشیار هستند و در رنج و عذاب بسر می‌برند. به همین علت ثروتمند بی‌ایمانی که به موجب فصل شانزدهم انجیل لوقا در عالم اموات بسر می‌برد کاملاً متوجه وضعیت بد خود بود. ضمناً او در حالی که عذاب می‌کشید در فکر برادران خود هم بود که هنوز از دنیا نرفته بودند. پس در عالم اموات نجات نیافتگان در حالت خواب و یا بی‌خیالی بسر نمی‌برند! بلکه آنها در حالت بیداری و هوشیاری رنج و عذاب می‌کشند. می‌دانیم که در آینده تمام نجات نیافتگان دوباره زنده می‌شوند تا بوسیله مسیح داوری و محکوم بشوند، و سپس همه نجات نیافتگان به دریاچه آتش افکنده خواهند شد. در مکاشفه یوحنا رسول فصل بیستم، آیه ۱۵ می‌بینیم "هر کس که نامش در دفتر حیات نوشته نشده باشد به درون دریاچه آتش افکنده خواهد شد."

محل همیشگی عذاب برای افراد نجات نیافته

"کوره مشتعل" و "دریاچه آتش" نامهایی هستند که در کتاب مقدس برای جایگاه ابدی نجات نیافتگان دیده می‌شوند. بایستی در نظر داشته باشیم که آتش نشانه داوری خداست.

در انجیل متی فصل سیزدهم، آیات ۴۱-۴۲ می‌بینیم که مسیح فرمود "پسر انسان فرشتگان خود را خواهد فرستاد و آنها هر کس را که در پادشاهی او باعث لغزش شود و همچنین همهٔ بدکاران را جمع می‌کنند و در کوره‌ای مشتعل خواهند افکند، جایی که اشک می‌ریزند و دندان بر دندان می‌فشارند".

واضح است که کورهٔ مشتعل یا دریاچهٔ آتش جای رنج و عذاب خواهد بود چون در آنجا اشک می‌ریزند و دندان بر دندان می‌فشارند. در مورد اینکه عذاب نجات نیافتگان در جایگاه همیشگی آنان بی‌پایان خواهد بود مسیح فرمود: "جایی که کرم ایشان نمیرد و آتش خاموش نشود" (انجیل مرقس فصل نهم، آیهٔ ۴۸). در خارج از اورشلیم دره‌ای بود به نام "هنوم" (دوم تواریخ فصل بیست و هشتم، آیات ۱-۴؛ دوم پادشاهان فصل بیست و سوم، آیهٔ ۱۰) که در آن زباله می‌سوزاندند. در این محل علاوه بر آتش گرمای زیادی وجود داشت که بخاطر زباله جمع می‌شدند. به این ترتیب درهٔ هنوم می‌تواند بیان‌کنندهٔ محلی باشد که نجات نیافتگان ابدیت را در آن بسر خواهند برد. "جایی که کرم ایشان نمیرد و آتش خاموش نشود". باز در این زمینه که عذاب نجات نیافتگان تمام نشدنی خواهد بود در مکاشفهٔ یوحنا رسول فصل چهاردهم، آیات ۹-۱۱ نوشته شده است "فرشتهٔ سوم آمد و با صدای بلندی فریاد زده گفت: هر آن کس که حیوان وحشی و پیکرهٔ او را پرستش نماید و نشانهٔ او را بر پیشانی و یا دست خود بگیرد، شراب غضب خدا را خواهد نوشید یعنی شرابی که رقیق نگشته در جام خشم او ریخته می‌شود! آنها در برابر فرشتگان مقدس و در برابر بره در شعله‌های آتش و گوگرد عذاب خواهند دید. دود آتشی که آنها را عذاب می‌دهد تا به ابد بلند خواهد بود و برای آنانی که حیوان

وحشی و پیکره‌اش را پرستش می‌کنند، و یا نشان او را دریافت می‌دارند نه در روز آرامشی است و نه در شب".

می‌دانیم که حیوان وحشی یا وحش همان "ضد مسیح" می‌باشد که قبل از ظهور مسیح، بر زمین دیده خواهد شد. در آیاتی که خواندم وضعیت نهایی کسانی تشریح شده است که در دوره مصیبت عظیم، تسلیم وحش شده و او را خواهند پرستید. آن گمراهان به موجب کلام خدا "در شعله‌های آتش و گوگرد عذاب خواهند دید. دود آتشی که آنها را عذاب می‌دهد تا به ابد بلند خواهد بود."

بعضی‌ها خیال می‌کنند که چون خدا به گناهکاران محبت داشته است نباید آنها را در جهنم ابدی قرار بدهد!!! بایستی توجه داشت که اگر خدا نجات نیافتگان را در جهنم ابدی قرار ندهد نمی‌تواند خدای عادل و دادگری باشد. او از روی محبت پسر یگانه خود را در راه گناهکاران داد تا هر که به او ایمان بیاورد هلاک نشود بلکه حیات جاوید بیابد. اما کسانی که طالب حیات جاوید نیستند بایستی مجازات بشوند چون خدا عادل است.

در مورد محل همیشگی عذاب برای نجات نیافتگان، همچنین در انجیل متی فصل بیست و پنجم، آیه ۴۱ می‌خوانیم "آنگاه به آنانی که در سمت چپ او هستند (یعنی نجات نیافتگان) خواهد گفت ای ملعونان، از من دور شوید و به آتش ابدی که برای ابلیس و فرشتگان او آماده شده است بروید."

می‌بینیم که آتش ابدی برای شیطان و دیوهای او مهیا گردیده است اما متأسفانه انسان نیز بر اثر نپذیرفتن حقیقت، به آن مکان هولناک خواهد رفت و تا ابد عذاب خواهد کشید. در مورد سرنوشت نهایی شیطان در

مکاشفه فصل بیستم آیه ۱۰ می‌بینیم که او "در دریاچه آتش و گوگرد
افکنده خواهد شد و تا ابد عذاب و شکنجه خواهد دید."
به این ترتیب انسانهای نجات نیافته ابدیت را در جایی بسر خواهند برد
که شیطان و دیوهای پلید او در آن خواهند بود!!!
گرچه ذکر جهنم ابدی برای هیچ انسانی خوش آیند نیست ولی واقعیت
این است که چنین مکانی وجود دارد و نجات نیافتگان ابدیت را جدا از
خدا در آن خواهند گذراند.

حق جوی محترم، اکنون پرسشی که لازم است از خود پرسید این است
که آیا می‌دانید که پس از مرگ به کجا خواهید رفت؟ آیا مطمئن هستید
که از جهنم و عذاب ابدی رهایی و رستگاری پیدا خواهید نمود؟ اگر
طالب رستگاری هستید، کافیت که به خداوند عیسی مسیح ایمان آورده
به نام او دعا کنید که گناهانتان را با خون مقدس خود برطرف نماید،
سپس از او تشکر کنید که شما را به وسیله فیض عظیم خود از همه
گناهانتان بخشیده و آزاد کرده است.

اگر از راه ایمان، با مسیح خداوند متحد شده باشید، می‌توانید مطمئن
باشید که از جهنم و عذاب دوری کامل از خدا و مجازات الهی رستگاری
پیدا کرده‌اید!

بخش ۵۲

ابدیت

نجات یافتگان - با خدا در بهشت

خواننده عزیز، اکنون به آخرین بخش این کتاب رسیده‌ایم. در فصل پیش در باره جایگاه و مکان ابدی گناهکاران و افرادی که به عیسای مسیح ایمان نیاورده‌اند توجه کردیم. اکنون در این آخرین بخش، در باره آسمان و بهشت یعنی جایگاه نجات یافتگان تفکر و دقت خواهیم کرد. درست است که جهنم ابدی وجود دارد اما خدا را شکر که آسمان هم وجود دارد.

جایگاه ایمان‌داران به مسیح بعد از مرگ جسمانی آنان

وقتی یک ایمان‌دار به مسیح جسماً می‌میرد بلافاصله روح و جانش به آسمان می‌رود. بایستی توجه داشته باشیم که ایمان‌داران در آسمان هوشیار هستند و در حضور خدا بسر می‌برند. پولس رسول به مسیحیان قرن‌تس نوشت: "...می‌دانیم که اقامت در این بدن به معنی دوری از حضور خداوند است. (راهنمای ما در زندگی ایمان ماست، نه آنچه می‌بینیم) پس مایوس نمی‌شویم، چون ترجیح می‌دهیم که این خانه زمینی را ترک کرده و با خداوند در خانه آسمانی زندگی نماییم" (رساله دوم به قرن‌تس فصل پنجم، آیات ۶-۸)

تعالیم اساسی کتاب مقدس

پولس همچنین به مسیحیان فیلیپی نوشت: "...مقصود من از زندگی مسیح است و مردن نیز به سود من تمام می‌شود، اما اگر با زنده ماندن بتوانم کار ارزنده‌ای انجام دهم، من نمی‌دانم کدام را انتخاب کنم. بین دو راهی گیر کرده‌ام، اشتیاق دارم که این زندگی را ترک کنم و با مسیح باشم که خیلی بهتر است، اما بخاطر شما زنده ماندن من واجب‌تر است." (رساله پولس رسول به فیلیپیان فصل اول، آیات ۲۱-۲۴).

واضح است که ایمان‌دار بعد از مرگ جسمانی به آسمان می‌رود و با خدا زندگی می‌کند. پس وضعیت ایمان‌دار بعد از مرگ جسمانی، بهتر از وضعیت او در این دنیاست.

در این زمینه که ایمان‌داران بعد از مرگ جسمانی هوشیار هستند در مکاشفه فصل ششم، آیات ۹-۱۰ نوشته شده است "وقتی پنجمین مهر را گشود در زیر مذبح ارواح کسانی را دیدم که به خاطر کلام خدا و اعتراف ایمان خود شهید شده بودند. آنها با صدای بلند فریاد زدند: ای خداوند قدوس و راستین، تا به کی بر ساکنان زمین داوری نمی‌کنی و انتقام خون ما را از آنها نمی‌گیری؟" می‌بینیم که ارواح آن ایمان‌داران (احتمالاً کشته شدگان دوره مصیبت عظیم) در حضور خدا بیدار و هوشیار می‌باشند. آنها در آسمان با خدا مشارکت دارند و ضمناً باخبرند که هنوز انتقام خونشان از ساکنین زمین گرفته نشده است.

رستاخیز ایمان‌داران

در زمینه رستاخیز ایمان‌داران، در فصلهای گذشته مطالبی را ذکر نموده‌ایم. بطور خلاصه می‌توانیم بگوییم که تمام ایمان‌داران پیش از آنکه سلطنت یک هزار ساله مسیح بر زمین، شروع بشود دوباره زنده

خواهند شد. (البته باید در نظر داشته باشیم که ابتدا کسانی که در موقع ربوده شدن کلیسا به آسمان مرده باشند زنده می‌شوند، سپس قبل از شروع سلطنت یک هزار ساله مسیح ایمان‌داران عهد عتیق و ایمان‌داران دوره مصیبت عظیم زنده خواهند شد.) ایمان‌داران در موقع رستاخیز یا زنده شدن دوباره، صاحب بدنی جدید می‌شوند که غیر فانی و پر جلال خواهد بود. پس در موقع رستاخیز، روح و جان ایمان‌دار با بدنی متحد می‌شود که فناپذیر و پر جلال خواهد بود و ما با چنین بدنی ابدیت را با خدا خواهیم گذرانند.

جایگاه ابدی ایمان‌داران به مسیح

آسمان و زمین جدید

در فصلهای بیست و یکم و بیست و دوم مکاشفه مطالبی درباره آسمان و زمین جدید یافت می‌شود. یوحنا رسول نوشت: "آنگاه آسمانی تازه و زمینی تازه دیدم. زیرا آن آسمان و زمین نخستین ناپدید شدند و دیگر دریایی وجود نداشت." (مکاشفه فصل بیست و یکم، آیه ۱). بر اساس رساله دوم پطرس رسول، آسمان و زمین کنونی (دوم پطرس فصل سوم، آیات ۱۰-۱۳) بوسیله آتش نابود خواهند شد و آسمان و زمین تازه‌ای وجود خواهند داشت. (البته این واقعه بعد از سلطنت یک هزار ساله مسیح صورت خواهد گرفت.)

در آیه ۲ از فصل بیست و یکم مکاشفه می‌بینیم که از اورشلیم جدید سخن گفته شده است. می‌فرماید: "شهر مقدس یعنی اورشلیم تازه را دیدم که از آسمان از جانب خدا مانند عروسی که برای شوهرش آراسته و آماده شده باشد به زیر می‌آمد."

پس همانطور که آسمان و زمین جدید وجود خواهد داشت اورشلیم جدید نیز وجود خواهد داشت. سپس در آیات ۳-۴ از فصل بیست و یکم مکاشفه می‌خوانیم "از تخت صدای بلندی شنیدم که می‌گفت اکنون خانه خدا در میان آدمیان است و او در بین آنان ساکن خواهد شد و آنان قوم او را و خدای آنان خواهد بود. او هر اشکی را از چشمان آنها پاک خواهد کرد. دیگر از مرگ و غم و گریه و درد و رنج خبری نخواهد بود، زیرا چیزهای کهنه در گذشته است."

در جایگاه ابدی نجات یافتگان، خدا در میان ما ساکن خواهد بود و به همین علت ما خوشبخت و سعادت‌مند خواهیم بود. در آن زمان و در آن محل پر شکوه دیگر از مرگ و غم و گریه و درد و رنج خبری نخواهد بود. می‌دانیم که موت مزد گناه است، و انسان بخاطر وجود گناه در این جهان درد و رنج می‌کشد. اما در جایگاه ابدی نجات یافتگان، دیگر گناه وجود نخواهد داشت به همین علت از عواقب گناه نیز خبری نخواهد بود.

درباره اورشلیم جدید در مکاشفه فصل بیست و یکم، آیات ۲۲-۲۳ می‌خوانیم "در شهر معبدی ندیدم زیرا معبدش خداوند، خدای قادر مطلق و بره (یعنی عیسی مسیح) بود. شهر نیازی به خورشید و ماه نداشت که بر آن بتابد زیرا شکوه خدا بر آن نور می‌داد و چراغ آن بره است." در اورشلیم جدید نیازی به پرستشگاه نخواهد بود زیرا نجات یافتگان در حضور خدای پدر و مسیح خداوند بسر خواهند برد. ضمناً اورشلیم جدید به خورشید و ماه هم نیازی نخواهد داشت چون خدای پدر و پسر او دائماً می‌درخشند و شهر را منور می‌سازند.

بالاخره در آیات ۱-۵ از فصل بیست و دوم مکاشفه نوشته شده است "آنگاه رودخانه آب حیات را که مثل بلور برق می‌زد به من نشان داد. آن

رودخانه از تخت خدا و بره (یعنی عیسی مسیح) سرچشمه گرفته و از وسط خیابان شهر می‌گذشت. در هر طرف رودخانه یک درخت حیات بود که سالی دوازده بار میوه می‌آورد، هر ماه یکبار از برگ این درختان برای درمان درد ملل استفاده می‌شد. دیگر چیزی که ملعون شده باشد در آن یافت نخواهد شد. تخت خدا و بره در آنجا خواهد بود و بندگانش او را عبادت خواهند نمود. همه او را روبرو خواهند دید و نام او را بر پیشانیهای خود خواهند داشت. دیگر شبی نخواهد بود و آنان به نور چراغ و خورشید نیاز نخواهند داشت زیرا خداوند خدا نور ایشان خواهد بود و آنها تا به ابد فرمانروایی خواهند کرد."

در باره جایگاه ابدی ایمان‌داران، مطالب گوناگونی در کتاب مقدس یافت می‌شود، اما در اینجا به گفته پولس رسول اکتفاء کرده و می‌گوییم: "آنچه را که هرگز چشمی ندیده و گوشی نشنیده و بخاطر انسان خطور نکرده است خدا برای دوستداران خود مهیا نموده است." (اول قرنتیان فصل دوم، آیه ۹)

خوانندگان محترم، خوشحالیم که سلسله دروس بسیار مفید تعالیم اساسی کتاب مقدس را به پایان رساندیم و امیدواریم که بر اثر خواندن این دروس برکت یافته باشید. در این درس دیدیم که ابدیتی بی‌پایان در مقابل هر انسان قرار دارد و انسان می‌تواند ابدیت را با خدا یا جدا از خدا بسر ببرد. اگر شما عیسی مسیح خداوند که مُرد و دوباره زنده شد را در قلب و زندگی خود داشته باشید یقیناً ابدیت را در محلی و در وضعیتی عالی در حضور خدا بسر خواهید برد. امیدواریم که تک تک شما خوانندگان عزیز و محترم از راه ایمان به مسیح خداوند نجات یافته و ابدیت را با سایر ایمان‌داران در اورشلیم آسمانی به سر ببرید.